

۴۲۳

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۳ تا ۱۹ مرداد ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۸۹

مشروطه و ملی گرایی در انقلاب کنونی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۸۹ (۴۲۳)

جمعه ۱۳ تا ۱۹ مرداد ماه ۱۴۰۲

۴ تا ۱۰ اوت ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

* فهرست مطالب *

سر مقاله - نبرد همیشه دشوار برای همزیستی در آزادی / ال‌ا‌هه بقراط ۴

مشروطه و ملی‌گرایی در انقلاب کنونی... / روشنگر آسترکی ۴-۵

فراخوان برای اعلام میثاق با هدف دفاع از «حق زندگی» ۶

بیانیه روز مشروطه از سوی خانواده‌های جانبختگان و زندانیان سیاسی ... / ۶

وضعیت و خیم جسمی دوزندانی زن مشروطه خواه در اوین ۷

رابرت مالی راجه کسانی نودادند؟ عوامل سپاه پاسداران، روس‌ها یا ... / ۸

انتقال ۱۰ میلیارد دلار طلب ایران از عراق به عمان ... / ۹

نخستین نشست «هم‌اندیشی و همگرایی مشروطه خواهان برای ایران» برگزار شد ۱۰

عمامه ... / خیر اندیش (احمد / حرار) ۱۱

آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۴) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی ۱۲-۱۴

کتابگزاری؛ بهشتی که گم شد ولی سقوط نکرد ... / ال‌ا‌هه بقراط ۱۴-۱۵

«ملاحظات امنیتی» علت عدم انتشار برخی آمارهای اقتصادی در ایران ... / ۱۶-۱۷

ادامه بحران آب در ایران؛ استعفای دستجمعی اعضای شورای اسلامی ... / ۱۷-۱۸

جزییاتی از حمله مهاجمان مسلح به گردشگران به «جرم» محرم در ... / ۱۸-۱۹

نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد ... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

انتشار متن کامل لایحه حجاب و عفاف؛ تشدید برخورد های میدانی و ... / ۲۲-۲۳

درگذشت ستاره فیلم «توفان زندگی»، اولین فیلم ناطقی که ... / ۲۴-۲۵

مدرسه «هدف» لندن؛ امکانات و فرصت‌ها و مشکلات ... / ۲۶-۲۷

سال گذشته نزدیک به ۲۰ هزار شهر و ندر در حوادث رانندگی کشته شدند ... / ۲۷

«تاقامی»، اولین کار مشترک سینماگران ایرانی و اسرائیلی در / احمد رأفت ۲۸

«نهضت ادامه دارد»؛ رابطه جنسی حجت الاسلام حق شناس ... / ۲۹

شکایت دولت رئیسی از ستول به دلیل آزاد نشدن پول‌های بلو که شده ... / ۳۰-۳۱

تعطیلی سراسری به علت «گرمای بی سابقه»! ... / ۳۱

آشفته بازار مسکن؛ سرگردانی مستأجران بی سرپناه و یک و نیم قرن ... / ۳۲-۳۳

درخشش نوازندگان جوان ایرانی در موسیقی کلاسیک غرب ... / ۳۳-۳۴

انحلال کانون صرافان به دستور بانک مرکزی و قیمت دلار در ... / ۳۵

گزارشی درباره یک نمایشنامه خوانی مجازی ... / ۳۶-۳۷

حضور فرمانده «نداجا» و سه ناوایرانی در رژه سالانه نیروی دریایی روسیه ... / ۳۷

در جمهوری اسلامی؛ ایران وارد کننده «گدا» و «کودک کار» شد! ... / ۳۸

تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران طی دو سال ... / ۳۹

سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در فرادای ایران ... / فائزه علوی ۴۰-۴۱

خودکشی ناشی از فقر و ناامیدی به رزیدنت‌های پزشکی رسید ... / ۴۱-۴۲

چهار خودکشی در پتروشیمی ایلام در یک سال ... / ۴۲-۴۳

بازار داغ فروش اعضای بدن به خارج با درآمد آرزوی برای دلالتان ... / ۴۴

آمارهای جعلی و دروغ در مورد تعداد اردوهای «راهیان نور» ... / ۴۵

انتقال صدها زندانی از جمله بازداشت‌شدگان انقلاب ملی از «رجایی شهر» ... / ۴۶

درگیری فیزیکی پادوهای حکومت با زنان به خاطر پوشش اختیاری ... / ۴۶-۴۷

بیانیه ۵۳ نفر از زندانیان سیاسی سابق و فعلی به مناسبت سالروز ... / ۴۸

برنامه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای مقابله با موج جدید اعتراضات ... / ۴۹

نبرد جمهوری اسلامی با آمار؛ بودجه «صدخانه مهاجرت ایران» ... / ۵۰-۵۱

مؤسسه تحقیقاتی «آلیما» اسرائیل؛ رژیم ایران به دنبال کنترل صنایع ساخت ... / ۵۱

تعطیلی سراسری به علت «گرمای بی سابقه»! ... / ۵۲

در آستانه سالگرد جنبش ملی؛ افزایش بازداشت، اعدام، و مسمومیت‌داری ... / ۵۳

پشت جلد - عکس هفته / ۲۵ شهر یور؛ مهسا امینی ۵۴

بازنشر
بازنشر
بازنشر



تیر هفته مشروطه و ملی‌گرایی در انقلاب کنونی



● ملی‌گرایی نه یک عقیده و نظر صرفاً سیاسی بلکه اندیشه‌ای تاریخی و فرهنگی و انسان‌دوستانه است که بر میراث انقلاب مشروطه برای مهار قدرت استبدادی و توسعه‌ی پایدار ایران در جهان امروز تکیه دارد.

همچنین در میان هفت شهروند اعدام شده گرایش به ملی‌گرایی و مشروطه‌خواهی مشهود است. مطالب منتشر شده از سوی هفت مرد جوان بازداشت‌شده در اعتراضات که با سرعت و در روندی ناعادالانه به چوبه دار سپرده شدند، نشان می‌دهد که نجات و بهروزی ایران برای آنها اصل بوده است. از آخرین نامه‌های سه معترض اعدام شده در اصفهان تا نشان شیروخورشید بر دست مجیدرضا رهنورد و پست‌های اینستاگرامی محمد (کیان) حسینی چیزی جز این نمی‌گویند.

از شهریور گذشته در جریان اعتراضات دست‌کم هفت بار پرچم شیروخورشید و درفش کاویانی در میانه تجمعات از سوی مردم به اهتزاز درآمد؛ بخشی از دیوارنویسی‌ها و همچنین اعتراضات دانشجویی با تأکید بر ملی‌گرایی بوده است و حتی دانشجویان درفش کاویانی را در محوطه دانشگاه به اهتزاز درآوردند. فعالان مشروطه‌خواه در شهرهای مختلف و حتی از فراز قلعه‌های ایران تصاویر و ویدئوهایی از به اهتزاز درآوردن پرچم شیروخورشید منتشر می‌کنند.

با وجود همه تلاش‌های پیدا و پنهانی که از سوی جناحین جمهوری اسلامی و آنانکه به پنجاه‌وهفتی مشهور شده‌اند عمدتاً در خارج کشور صورت گرفته، موج بیداری ملی و حضور ایده‌ی مشروطه‌خواهی در میان مردم ایران انکارناپذیر است و همین بازار رویا فروشان را کساد کرده است. ایرانیان دریافته‌اند که با تکیه بر داشته‌های تاریخی و ملی خود می‌توانند کشور را نجات دهند و دوباره بسازند.

اما چه اتفاقی رخ داده که ۱۱۷ سال پس از انقلاب مشروطه، و تقریباً نیم قرن پس از انقلاب ۵۷ که بر انکار ملت و مملکت و پادشاهی مشروطه تکیه داشت،

جنبش ملی در ایران از شهریور سال گذشته و با اعتراضات گسترده پس از قتل حکومتی مهسا امینی توسط مأموران گشت ارشاد وارد مرحله‌ای جدیدتر و جدی‌تر شده است. یکی از نخستین آثار این جنبش با تجمع هزاران نفر در پاسارگاد و همزمان با روز بزرگداشت کوروش در آبان ۹۵ نمایان شد که در اعتراضات سال‌های ۹۷ و ۹۸ در شعارهای ایرانخواهانه و دیگر شعارها چون «رضاشاه روحت شاد» ادامه یافت. اعتراضات ۱۴۰۱ که خیلی زود به یک جنبش فراگیر ملی در سراسر کشور تبدیل شد، بیانگر آگاهی و اراده جمعی ایرانیان برای تغییر شرایط موجود و پشت سر گذاشتن نظام جمهوری اسلامی و بنیان نهادن ساختاری دموکراتیک بر پایه منافع ملی است.

هرچند در ماه‌های گذشته از سوی برخی جریان‌ها و رسانه‌ها در خارج کشور تلاش‌هایی برای سوار شدن بر جنبش انقلابی مردم ایران، رهبرتراشی یا تحمیل برخی جریان‌ها ضد ایرانی به این تحولات صورت گرفت و یا تلاش شد آن را صرفاً «انقلاب زنانه» قلمداد کرد، اما در عمل مردم دامنه‌ی گسترده‌ی جنبشی را که خود پیش‌پهنده‌ی آن هستند نشان دادند.

نگاهی به پراکندگی تجمعات اعتراضی در کشور و همچنین بررسی بازداشت‌شدگان نشان می‌دهد که این جنبش ملی به مسائل جنسیتی، قومی و صنفی محدود نیست و همه ایرانیان با هر تعلق در آن حضور دارند. در میان بازداشت‌شدگانی که دادگاهی و حتی به اعدام محکوم شدند از پزشک تا کارگر، از ورزشکار تا دانشجو و با سطوح اقتصادی و درآمدی متنوع و از استان‌های مختلف حضور دارند. شعارهای مردم معترض نیز همواره نشان از همبستگی ملی داشته است.

سرمقاله نبرد همیشه دشوار برای همزیستی در آزادی

معیار ارزیابی سخنان و ادعاها چیست؟ رفتار و عملکرد. معیار ارزیابی رفتار و عملکرد چیست؟ نتایجی که از آن حاصل می‌شود. چگونه؟ اینگونه که دید آن نتایج به سود و زیان چه کسانی و چه روندهایی تمام شده و یا می‌شود.

واقعیت این است که همه افراطیون اعم از چپ و راست و ضد مذهبی و مذهبی، گذشته از حرف‌ها و ادعاهایشان، از یکسو هم‌دیگر را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر نتایج رفتار و عملکردشان اتفاقاً به سود جریان‌ها و روندهایی تمام می‌شود که آنها مدعی‌اند در حال نقد و یا مبارزه با آنها هستند! بی‌پرده نیست



که مثلاً جمهوری اسلامی در اماکن مذهبی مورد حمایت خودش مہب‌گذاری کرده تا سیاست سرکوب را پیش ببرد.

اینکه قوانین کشورها مرزهای آزادی بیان را از جمله در ارتباط با سوزاندن کتب مقدس ادیان مختلف چگونه تعیین کرده‌اند، مستلزم اطلاع کامل از این قوانین است. اما نتیجه‌ی آن و اینکه به سود و زیان چه جریان‌ها و روندهایی تمام می‌شود، در برابر چشم همه قرار دارد. در مورد سوزاندن «کتاب» به عنوان نماد شاخص اندیشه و پرسش و آموزش و تأمل و بیان بشری، دو نمونه تاریخی شاخص و دست‌کم یک اثر هنری معروف وجود دارد: کتابسوزان اعراب مسلمان در حمله به ایران، چرا که تنها یک کتاب یعنی «قرآن» را برای ساکنان سرزمین‌های غصب‌شده کافی می‌دانستند؛ و کتابسوزی در آلمان نازی که پرورش و سلطه‌ی «نژاد برتر» را نیازمند تفکر و پرسش نمی‌دانستند. هر دو به «امت» و «خلق» معتقد بوده و به «پیرو» و «فرمانبر» نیاز داشتند. رمان «فارانهایت ۴۵۱» که پس از جنگ جهانی دوم و با تأثیر از رویدادهای فاشیسم و گسترش کمونیسم، نظامی تخیلی را تصویر کرده و توسط فرانسوا تروفو کارگران مشهور فرانسوی به فیلم درآمده نیز درباره کتابسوزان است. در همه اینها هرآنچه سوزانده می‌شود که می‌تواند محرک اندیشه از جمله علیه قدرت توتالیتر موجود و نظم ناشی از آن باشد.

اما سوزاندن کتاب‌های «مقدس» ادیان مختلف از جمله قرآن توسط شهروندان بی‌قدرت، نشانه چیست؟ اگر چنین اقداماتی بطور هدفمند توسط خود رژیم مورد اعتراض و یا جو‌ساز و اهرمی برای فشار بر کشورهایی که این کتاب‌سوزی در آنها رخ می‌دهد نباشد، می‌توان گفت واکنشی ناشی از خشم و انزجار علیه اسلام‌گرایان و حکومت اسلامی در ایران است. ولی در هر صورت، نتیجه‌اش چیست و به سود و زیان کدام جریان تمام می‌شود؟! چه آسیبی به حکومتی فاسد و تهاکار می‌زند که خود در اماکن مقدس‌اش مہب می‌گذارد تا پرونده‌سازی کند؟! پاسخ و ارزیابی با شما!

از سوی دیگر، چگونه است که انواع مراکز اسلامی در این دموکراسی‌ها مشغول تبلیغ و تشکیل لشکر پیروان همان قرآن برای نابودی آزادی بیان هستند؟!

می‌بایست سود و زیان قرآن‌سوزی را در یکسو، و فعالیت مراکز اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی در دموکراسی‌ها را در سوی دیگر، مقایسه کرد تا ارزیابی نسبتاً واقعی از نتایج عملکردها داشت. عملکردهایی که آثار آتی و تبلیغاتی و جو‌ساز و نتایجی اتفاقاً به سود اسلام‌گرایان دارند، در کنار سیاست‌های ناتوان و نحیف دولت‌هایی که راه را برای گسترش خزنده‌ی انواع اسلام‌گرایان در دموکراسی‌ها باز کرده‌اند. راست و چپ افراطی نیز به این روند یاری می‌رسانند؛ اولی با افراط در رذ، دومی با افراط در پذیرش! از هیچکدام، همزیستی حاصل نمی‌شود!

پیش می‌رفت، حفظ منافع ملی و سعادت ملت ایران بوده است. امروز اما مردم ایران وارد «بحران بقا» شده‌اند! آنها حتی

«تاریخ‌نگاری تبلیغاتی- ایدئولوژیک» اما سعی داشت نشان دهد که تقریباً همزمان با جنگ جهانی اول مشروطه در ایران مُرد و تمام شد و رابطه‌ای میان مشروطه و پهلوی

بار دیگر موج ملی‌گرایی ایران را فرا گرفته و به بزرگترین نیرو برای براندازی جمهوری اسلامی تبدیل شده است؟



وجود ندارد. مخالفان پهلوی اقدامات مترقی و توسعه‌گرای دو پادشاه از جمله بهسازی و نوسازی نظام‌های مختلف حقوقی، اداری، آموزشی، نظامی و اقتصادی و تحولات بزرگ فرهنگی و اجتماعی را کم‌رنگ و حتی مضر معرفی می‌کردند تا ارتباط میان مشروطه و عملکرد پهلوی‌ها پنهان بماند.

این روایتگری وارونه هرچند در سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ و با اتحاد انقلابیون اسلامگرا و بخش مهمی از چپ‌ها بر افکار عمومی مسلط شده بود اما پس از پیروزی انقلاب به مدد حافظه تاریخی مردم و تجربه‌ی آنها در زندگی واقعی سرانجام شکست خورد.

همه اینها ایرانیان را در مقابل وضعیتی قرار داده که «زندگی ملی» را در خطر می‌بینند. در چنین شرایطی است که نه صرفاً منافع شخصی بلکه میهن به مثابه «خانه» و ملی‌گرایی به عنوان راهکار دفاعی برای بقا، در افکار عمومی مهم می‌شود و می‌پرسند چگونه سامانه قبلی منافع این ملت را حفظ می‌کرد اما طی چهار دهه گذشته این منافع مرتب در خطر تهدید و دست‌درازی و نابودی هم از سوی خود حکومت و جناحین و گروه‌های مافیایی‌اش و هم از سوی کشورهای خارجی از جمله روسیه و چین است! پس از تجربه‌ای مرگبار و ویرانگر، ایرانیان دریافته‌اند که برای نجات از این وضعیت ویرانگر چاره‌ای جز سامان دادن نظام سیاسی بر محور منافع ملی و مصلحت عمومی ندارند و باید خود و کشورشان را از چاه خیالات ایدئولوژیک ۵۷ بیرون بکشند و با میراث مشروطه و پهلوی بر آن بنا کنند. به همین دلیل در جنبش ملی که از شهریور ۱۴۰۱ به صورت انقلابی برای آزادی و رفاه و امنیت و عدالت تداوم یافته، «ملی‌گرایی» نه صرفاً یک نظر یا عقیده سیاسی بلکه اندیشه‌ای تاریخی و فرهنگی و انسان‌دوستانه است که بقای ملت و مملکت را با تکیه بر میراث مشروطه مطرح می‌شود. یک جنبش ملی برای آزادی و نجات ایران که فراگیر است و همه ایرانیان را فارغ از انواع تفاوت‌های عقیدتی و مذهبی و قومی و جنسیتی و... در بر می‌گیرد.

روشنگ آسترکی

برای داشتن حداقل خوراک و مسکن هم دچار مشکل هستند؛ از خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی تا دیگر نهادها همگی دچار گسستگی شده، اقتصاد و تولید نابود گشته و غالب مردم به دنبال راهی برای مهاجرت‌های کاری و تحصیلی و یا پناهندگی هستند. آنهم در حالی که جمهوری اسلامی بی‌حد و حساب از کشورهای دیگر مهاجر وارد می‌کند.

نیم قرن تازیبانه‌ی واقعیت
 با پیروزی انقلاب ۵۷ ایرانیان ادعاها و ایدئولوژی‌های انقلابیون اعم از اسلامی و چپ را زندگی و با گوشت و پوست خود تجربه کردند. این گروه‌ها پیش از انقلاب مدعی بودند که آرمان‌ها و برنامه‌هایی دارند که می‌توانند نابرابری، فقر، بیکاری و... را از بین برده و هر نوع «ستم» و «استثمار» را محو کنند! ایرانیان اما تقریباً نیم قرن است که دروغ بودن آنها را تجربه می‌کنند. این تجربه واقعی و عینی فلاکت ناشی از انقلاب ۵۷ در کنار کم‌رونق شدن کتاب‌های تبلیغاتی باعث شد مردم به این فکر کنند که کجا اشتباه کردند و چه شد که زندگی و کرامت و آزادی و کشور و ملیت‌شان به خطر افتاده است!

آنها در این بازنگری دریافتند آنچه پیش از انقلاب ۵۷ در ایران مستقر بود، با وجود همه کمبودهایی که قابل رفع بودند، یک نظام کارآمد سیاسی و حقوقی بوده که سعی در تأمین امنیت و رفاه آنان داشت؛ ساختاری برآمده از انقلاب مشروطه که با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در حال بسط بود. فلسفه سیاسی آن نظام کارآمد، پادشاهی مشروطه بود و منطقی که آن نظام بر پایه آن

شکست تاریخ‌نگاری تبلیغاتی- ایدئولوژیک
 در ایران نوشتن از مشروطه بعد از کتاب‌هایی چون «تاریخ مشروطه» به قلم احمد کسروی و «تاریخ بیداری ایرانیان» به قلم ناظم الاسلام کرمانی در تسخیر کتاب‌های تبلیغاتی درآمد و «تاریخ‌نگاری تبلیغاتی- ایدئولوژیک» جای تاریخ‌نگاری واقعی را گرفت؛ «تاریخ‌نگاری تبلیغاتی- ایدئولوژیک» در اختیار گروه‌های چپ و ضد نظام پادشاهی مشروطه بود. آنها سعی کردند مشروطه را که در اصل رویدادی در حوزه فلسفه سیاسی و شیوه فرمانروایی و تحولاتی در حوزه حقوق و حکومت قانون بود، تنها به یک حرکت انقلابی ضدبیگانگی تبدیل یا خلاصه کنند؛ آنها پیروزی انقلاب مشروطه را به صورت یک حادثه مُرده و ایستا درآوردند و از آثار و نتایج و اقتضائاتی که داشت تهی کردند تا مدعی شوند که آن انقلاب پیروز به دست رضا شاه کشته شد! آنها تنها بر این پایه می‌توانستند روایت جنگ و جدال سیاسی خود و تلاش برای کسب قدرت انحصاری را سامان ببخشند.

«تاریخ‌نگاری تبلیغاتی- ایدئولوژیک» سعی می‌کرد نشان دهد انقلاب مشروطه اگرچه اهداف و آرمان‌های والا داشت اما این آرمان‌ها به خاطر کارگزاران فاسد و دخالت بیگانگان تحقق نیافت. آنها پادشاهی رضاشاه را یک حکومت ضعیف، ناکارآمد، فاسد و حتی دست‌نشانده قلمداد کرده و نبرد او برای حفظ تمامیت ارضی ایران و اقدامات درخشان وی در پیشبرد اهداف مشروطه را نادیده گرفته و یا تحریف و سانسور می‌کردند. رضاشاه در عمل یک سامان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بر اساس معیارها، مفاهیم و ساختارهای نو و مدرن در کشور به وجود آورد که با تداوم و تعمیق و گسترش آنها در دوران دومین پادشاه پهلوی، هنوز و همچنان در برابر تخریب‌های سازمانیافته جمهوری اسلامی مقاومت می‌کند.

فراخوان برای اعلام میثاق با هدف دفاع از «حق زندگی»

شکنجه، اذیت و آزار جسمی و روانی را ناموجه و ممنوع، و اعتراف‌گیری زیر شکنجه را بی‌اعتبار بدانند.

۴. متعهد می‌شوند

به رویه قضایی پایبند باشند، اختلاف نظر سیاسی و عقیدتی را بهانه اتهام‌زنی قرار ندهند و حقوق برابر سزاوار همگان را بنا بر سلیقه خود و مصلحت گروه خود پایمال نسازند.

۵. متعهد می‌شوند

در هر جایی که باشند، داخل مرزهای کشور ایران یا خارج از آن، و بر هر موضوع سیاسی که باشند، موافق یا مخالف حکومت زمان خود باشند یا حامی آن، تا زمانی که صورت صریح و علنی امضایشان را پس نگرفته باشند، متعهد بر سر این میثاق بمانند.

امضای این میثاق به معنی موافقت بر سر اصل حق برخورداری از حق شهروندی، مصونیت جسمی و روانی همگان و احترام به شأن انسان به عنوان انسان است. نییادی که مبنای مجموعه موسوم به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های الحاقی آن است.

پایبند ایران

زنده باد ملت بزرگ ایران

حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات)



همه انسان‌ها را دارای حق شهروندی بدانند و هیچ انسانی را به دلیل گرایش سیاسی، جنسیتی، عقیدتی و تعلق قومی وی خارج از پهنه حق قرار ندهند.

۲. متعهد می‌شوند

مجازات اعدام و سلب حق حیات را برای هیچ انسانی سزاوار ندانند و علیه این کیفردهی مبارزه کنند. هیچ انسانی حتی اگر مجرم تشخیص داده شود، با هر تابعیتی، با هر گرایش جنسی، دینی و سیاسی، و با هر پیشینه‌ای نباید از حق زندگی محروم شود.

۳. متعهد می‌شوند

● امضای این میثاق به معنی موافقت بر سر اصل حق برخورداری از حق شهروندی، مصونیت جسمی و روانی همگان و احترام به شأن انسان به عنوان انسان است. نییادی که مبنای مجموعه موسوم به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های الحاقی آن است.

«میثاق حق زندگی» بر مبنای حقوق شهروندی و به مثابه اهم حقوق شهروندی را جمعی از تشکل‌های سیاسی دموکراسی‌خواه امضا کرده و به مردم ایران پیشنهاد می‌کنند برای آنکه یک میثاق پایه‌ای عمومی در دوره مبارزه با حکومت حق‌گش ولایی، در جریان گذار و در دوره پس از آن باشد.

ارکان میثاق عبارتند از:

- حق شهروندی، منتزاع از گرایش سیاسی، گرایش دینی، گرایش جنسی، گرایش عقیدتی و تعلق قومی،
 - منع مطلق اعدام،
 - منع مطلق شکنجه جسمی و روانی،
 - پایبندی به رویه قضایی عادلانه، شفاف و شکایت‌پذیر بدون هیچ استثنایی.
- امضاکنندگان این میثاق:
۱. متعهد می‌شوند

بیانیه روز مشروطه از سوی خانواده‌های جانب‌خاستگان و زندانیان سیاسی



چهاردهم مرداد ماه، سالروز صدور فرمان مشروطیت به گواه تاریخ، یادآور به‌ثمر نشستن کوشش‌های آزادیخواهانه‌ی ملت ایران در مشروط کردن قدرت هیئت حاکمه به حدود قوانین و تحقق آزادی در محدوده‌ی حکومت قانون است.

گفتنی است، این جنبش که بیش از یک سده از صدور فرمان سیاسی آن می‌گذرد، موجب تاسیس نهادهایی در امتداد خود شد که علی‌رغم حال نزاری که دارند، پس از بیش از چهار دهه ویرانی سیستماتیک، هنوز ایستاده و از مفهوم آزادی در معنای مدرن آن دفاع می‌کنند.

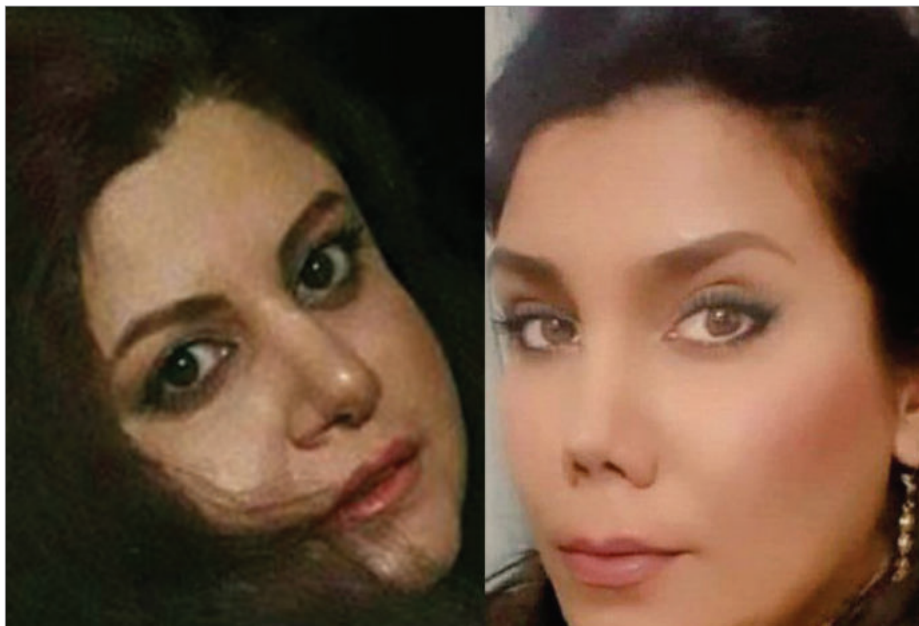
با آغاز سلسله پهلوی که در تداوم و تکمیل جنبش مشروطه تاسیس شد و با پادشاهی رضاشاه بزرگ، روح مشروطیت، با جسمی که می‌بایست در آن تجسّد یابد، قرین شد. ملت ایران، اکنون وارث این بنیادهای استوار است. نهادهای مدرنی که تخریب‌های جمهوری پنجاه و هفتی، اگرچه به تجسّم آن آسیب‌های فراوانی وارد کرد، هنوز نتوانسته طراوت روح آن را منقضی کند.

مشروطه برآمده از اراده و آگاهی ملی ملت قدیم بود، که ملت‌بودگی خود را در عهد جدید، به منزل تجدّد مرتفع کرد. فرزندان تربیت‌شده تحت نهادهای مدرن پهلوی، اگرچه ظاهراً در سیستمی در تضاد با اصول مشروطیت به بار آمده، چنان متأثر از روح نظام حکومت قانون‌اند، که امروزه جملگی هوادار رجعت به همان نظامی‌اند که طی انقلاب پنجاه و هفتی ویران شد.

اکنون، ما، جمعی از جوانان و زندانیان سیاسی مشروطه‌خواه، در کنار خانواده‌های قهرمانان جانب‌خاسته‌ی وطن، به عنوان بخشی از وارثان این جنبش آزادیخواهانه، خود را در پاسداشت این میراث ستیگ، موظف می‌دانیم، که برای احیاء حکومت قانون از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم.

رضا محمد حسینی	مهدی ساور علیا	سامان جوادی	عبدالرضا احمدی
سهیلا حجاب	زهره سرو	محسن حاجی محمدی	امیر یحیی آیت اللهی
عماد رضا نقی پور فلکدهی	آرمین سورانی	سهراب حسنجانی	صبا بختیاری
برزان محمدی	نسرین شاکرمی	هاله حسینی رامندی	منوچهر بختیاری
میثم محمدی	مریم شریعتمداری	متین حسینی	مهرداد بختیاری
سروش مرادی	کاظم عالینژاد بارانلو	هومن خلیلی	سارا بهاروندی
بابک مرادی فرد	محسن صادقپور کرد میهن	مسعود دباغ	پری بهاروندی
سوشا مکانی	میثم غلامی	آرشام رضایی	نسیم بهروز
رضا مهرگان	حامد فرد	بیژن رضایی	خالد پیرزاده
محبوبه موسوی	مجید فلاح	محمد ریاضت	امیر پورنگ سمرمدی طهرانی
علی موسی نژاد فرکوش	احسان قدیری	شاهین زحمتکش (شاهین‌لو)	مجید توکل
سمانه نوروز مرادی	مهدی قدیمی	میلاذ زیندپور	مهتاب جمالی

وضعیت وخیم جسمی دو زندانی زن مشروطه‌خواه در اوین؛ محرومیت از حق درمان و رسیدگی پزشکی



زهره سرو، سمانه نوروز مرادی

از زندان اوین به بیمارستان «طلاقانی» تهران اعزام شد اما بدون رسیدگی پزشکی کافی برای تشخیص وضعیت بیماری به زندان بازگردانده شد.

به گفته این منبع آگاه زهره سرو همچنین دچار دیگر بیماری‌ها از جمله زانودرد است که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در دوران زندان، دردهایش تشدید شده است. این منبع آگاه افزوده که «زهره سرو پیش از این به مدت ۱۸ روز در انفرادی‌های سالن ۹ زندان قرچک که سوئیت‌های قبل از اعدام هستند نگهداری شده بود. اعتصاب غذای خشک او و شرایط هولناک سوئیت‌های سالن ۹ زندان قرچک آسیب جدی به سلامت او زده است.»

زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه، موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ با پایان مراحل بازجویی به بند زنان زندان اوین فرستاده شد اما بعد از مدتی به زندان قرچک ورامین انتقال یافت.

این زندانی سیاسی یازدهم اردیبهشت امسال به همراه شمار دیگری از زندانیان سیاسی مانند الهه محمدی، نیلوفر حامدی، سها مرتضایی و حوریه رضایی راد از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری زهره سرو را از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم کرده است. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در خصوص او قابل اجرا است.

زهره سرو فعال مشروطه‌خواه و متولد ۱۳۴۵ است که پیش از بازداشت با نام «ماه فر» در شبکه‌های اجتماعی فعالیت داشت.

زندانیان سیاسی» از زندان آزاد شده بود اما چهارم اردیبهشت امسال توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در خانه‌اش واقع در غرب تهران بازداشت و در ۱۶ اردیبهشت به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

او پیشتر در شهریور ۱۳۹۷ توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساز) بازداشت و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر، به ۳ سال و ۹ ماه حبس کاهش یافت. او در پرونده دیگری به دلیل انتشار ویدئوی سپاسگزاری از مردم و بانو یاسمین پهلوی نیز به پانزده ماه زندان محکوم شد.

سمانه نوروز مرادی متولد ۱۳۴۵، دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، و فعال مشروطه‌خواه است که سال‌ها با نام کاربری «ژئوس» در شبکه‌های اجتماعی فعال بوده است.

زهره سرو دیگر فعال مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین است که با وجود دو تومور در پستان، مقامات امنیتی و قضایی از صدور مجوز انتقال او به بیمارستان خودداری می‌کنند.

منبع آگاه درباره وضعیت این زندانی مشروطه‌خواه به کیهان لندن می‌گوید که «به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد غده‌ها است.»

این منبع آگاه افزوده که «متأسفانه مسئولان پرونده خانم سرو بی‌توجه به شرایط جسمی او همچنان هیچ اقدامی آزادی مشروط یا آزادی با پابند یا مرخصی برای درمان وی نمی‌کنند.»

با وجود وضعیت اورژانسی این زندانی به دلیل وجود دو توده در پستان راست، او روز چهارشنبه چهارم مردادماه

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید، سمانه نوروز مرادی با وجود ابتلا به بیماری لوپوس و دیابت و توصیه‌ی پزشکان برای عمل جراحی فوری تخمدان و رحم، مقامات امنیتی و قضایی از انتقال او به بیمارستان خودداری می‌کنند.

● این منبع آگاه افزوده که به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره سرو دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد این غده است.

● یکی از موارد نقض حقوق زندانیان سیاسی جلوگیری از برخورداری آنها از حق درمان و رسیدگی پزشکی است. اکثر زندانیان مشروطه‌خواه از حق درمان و رسیدگی پزشکی محروم هستند.

سمانه نوروز مرادی و زهره سرو دو فعال سیاسی مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین با وضعیت حاد جسمی روبرو هستند اما مقامات امنیتی و قضایی آنها را از حق درمان و رسیدگی پزشکی محروم کرده‌اند.

یکی از موارد نقض حقوق زندانیان سیاسی جلوگیری از برخورداری آنها از حق درمان و رسیدگی پزشکی است. در این میان برای برخی زندانیان سیاسی از جمله زندانیان مشروطه‌خواه همواره این حق به شکل آشکارا نقض شده است.

سمانه نوروز مرادی و زهره سرو دو تن از زندانیان مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین هستند که با وجود ابتلا به چند بیماری از حق درمان محروم هستند.

یک منبع آگاه درباره وضعیت این دو زن زندانی به کیهان لندن می‌گوید که «سمانه با وجود ابتلا به بیماری لوپوس و دیابت و توصیه‌ی پزشکان برای عمل جراحی فوری تخمدان و رحم، مقامات امنیتی و قضایی از اعزام او به بیمارستان خودداری می‌کنند.»

این منبع آگاه گفته که سمانه نوروز مرادی «با وجود تأیید پزشک قانونی برای عدم تحمل حبس» همچنان در زندان اوین محبوس است و با درد زیادی روبروست.

او گفته که «شرایط دردناک شکم و تخمدان و رحم این کنشگر سیاسی نیاز به توجه، درمان و مراقبت‌هایی دارد که در زندان قابل انجام نیست.»

سمانه نوروز مرادی همچنین به سرطان پستان مبتلاست و هنوز دوره درمان او به پایان نرسیده بود که بیش از دو ماه پیش بازداشت شد. با توجه به اینکه در صورت عقب افتادن روند شیمی‌درمانی احتمال متاستاز و گسترش سرطان به دیگر ارگان‌های بدن وجود دارد اکنون اطرافیان سمانه نوروز مرادی نگران متاستاز بیماری به رحم و تخمدان این فعال سیاسی هستند؛ موضوعی که بیش از پیش جان او را به خطر انداخته است.

این فعال مشروطه‌خواه در پی وخامت وضعیت جسمی بعد از ظهر سه‌شنبه ۳۰ خردادماه به بیمارستان «خمینی» منتقل اما بار دیگر به زندان بازگردانده شده بود. لوپوس مفصلی مزمن، دیابت، آرتروز آرنج‌ها و شانه، سنگ کلیه، چربی خون بالا از دیگر بیماری‌های اوست.

سمانه نوروز مرادی اواخر سال گذشته و در نمایش «عفو

رابط مالی را چه کسانی لو دادند؟ عوامل سپاه پاسداران، روس‌ها یا اسرائیلی‌ها؟



رابط مالی مسئول پیشین امور ایران در وزارت خارجه دولت بایدن

داشته است. در همین ارتباط محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در یک نشست شش ساعته در «کلاب هاوس» به دفاع از عملکرد خود در روابط خارجی به ویژه مذاکرات اتمی پرداخت و روسیه را مانع اصلی بی‌نتیجه ماندن گفتگوها با غرب برای «احیای برجام» دانست. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است «تیم مذاکره کننده ایران از روس‌ها بازی خورد».

علیرضا نادر تحلیلگر سیاسی عضو «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) معتقد است رابط مالی سیاست خارجه آمریکا در قبال ایران را به دلالت‌ها و لابی‌ها برون‌سپاری کرد.

اما با وجود این فرضیات و سناریوها، خود اصلاح‌طلبان هم انگیزه کافی برای بی‌نتیجه ماندن یا مختل شدن مذاکرات اتمی داشته‌اند تا از این طریق اثبات کنند که به حاشیه راندن آنها از صحنه سیاسی، نظام را زمینگیر خواهد کرد و جمهوری اسلامی به فعالیت و مشارکت پرشور آنها در سیاست محتاج است به ویژه آنکه بیشتر دلالت‌های سیاسی خارج از ایران و اندیشکده‌هایی که با نقاب گزارش و تحلیل و نظرسنجی برای شکل‌گرفتن مجدد «برجام» تقلأ می‌کردند همواره به اصلاح‌طلبان از جمله محمدجواد ظریف و تیم او نزدیک و وصل بوده‌اند و بدیهی است دسترسی آنها به اطلاعات ویژه در مورد مذاکرات اتمی کم نبوده است.

یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های رابط مالی در وزارت خارجه دولت بایدن «احیای برجام» بود که در آن ناکام ماند. هفته‌هاست مجوز امنیتی رابط مالی لغو شده و وی به مرخصی بدون حقوق فرستاده شده است.

اخیراً پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» به نقل از مقامات اطلاعاتی در مقاله‌ای نوشت احتمال دارد رابط مالی اسناد طبقه‌بندی‌شده به ایران داده باشد و یا دلیل برکناری وی اصلاً مرتبط با ایران نباشد و به علت درگیری با پلیس به دلیل مسائل شخصی یا مثلاً مصرف مواد مخدر برکنار شده باشد.

اخیر هم اجازه ندادند برجام به سرانجام برسد. اشاره وی به «کاسبان تحریم»، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که حسن روحانی آنها را «دولت با تفنگ» نامید. روزنامه اصلاح‌طلب «سازندگی» نیز در گزارشی با عنوان «چه کسی مالی را فروخت؟» احتمال داده رابط مالی ممکن است توسط «نفوذی»‌هایی لو رفته که تا بالاترین سطوح امنیتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی رخنه کرده‌اند. در این گزارش آمده «در شرایط ریزش بدنه اجتماعی و «تصفیه افراد وفادار و متعهد» کار نفوذی‌ها آسان می‌شود. پیش از این روزنامه «تهران تایمز» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی گزارش داده بود «مالی برای پیشبرد سیاست‌های خود در قبال ایران بطور مرتب با محافل و افراد مختلف در تماس بوده و جلساتی با آنها داشته است.» طبق گزارش این روزنامه «برخی از این افراد ایرانیانی هستند که رد پای آنها در سال‌های اخیر در دیپلماسی واشنگتن در قبال تهران به وضوح دیده می‌شود. این افراد هم نقش دلالت‌های دیپلماتیک و هم کارشناس رسانه‌ای را ایفا می‌کنند و از این طریق به دنبال دستیابی به اهداف مورد نظر خود هستند... شاید مالی در برخورد با این افراد اصول حفاظتی را رعایت نمی‌کرد و نکاتی را مطرح می‌کرد که صلاحیت طرح آن را نداشت.»

در این میان، برخی منابع مدعی شدند که رابط مالی را اسرائیلی‌ها لو دادند زیرا مخالف هرگونه مذاکره با رژیم ایران هستند. هیچکدام از این فرضیات قابل رد یا تأیید نیست اما استدلال طراحان این سناریو این است که مقامات اسرائیلی بارها هشدار دادند توافق اتمی با جمهوری اسلامی می‌برداشته شدن تحریم‌ها میلیاردها دلار پول سرازیر جیب آیت‌الله‌ها و سپاه پاسداران می‌کند که برای تقویت گروه‌های تروریستی و دامن زدن به آشوب در منطقه هزینه خواهد شد. بعضی‌ها نیز به نقش روسیه در برکناری رابط مالی اشاره می‌کنند. مسکو مخالف لغو تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی است و انگیزه کافی برای لو دادن رابط مالی که برای «احیای برجام» یا دستیابی به یک «تفاهم» تلاش می‌کرد

● مسیح مهاجری مدیرمسئول روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران گفته است «رابط مالی را کاسبان تحریم لو دادند».

● برخی منابع مدعی شده‌اند که رابط مالی را اسرائیلی‌ها لو دادند زیرا مخالف هرگونه مذاکره با رژیم ایران هستند. بعضی‌ها به نقش روسیه در برکناری مالی اشاره می‌کنند. مسکو مخالف لغو تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی است و انگیزه کافی برای لو دادن رابط مالی که برای «احیای برجام» یا دستیابی به یک «تفاهم» تلاش می‌کرد داشته است. ● علیرضا نادر تحلیلگر سیاسی عضو «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) معتقد است رابط مالی سیاست خارجه آمریکا در قبال ایران را به دلالت‌ها و لابی‌ها برون‌سپاری کرد.

● با وجود این فرضیات اما خود اصلاح‌طلبان هم انگیزه کافی برای بی‌نتیجه ماندن یا مختل شدن مذاکرات اتمی داشته‌اند زیرا...

قرار بود مسئولان وزارت خارجه آمریکا در یک جلسه توجیهی محرمانه در مورد علت برکناری رابط مالی مسئول امور ایران این وزارتخانه به شماری از اعضای کنگره توضیح دهند. این جلسه جمعه ۲۸ ژوئیه (ششم مرداد) در واشنگتن برگزار شد اما سخنگوی کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید وزارت خارجه حاضر نشد به ابهامات این پرونده پاسخ دهد و اطلاعات خاصی نیز ارائه ندهد است. یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ۲۹ ژوئیه (هفتم مرداد) به «واشنگتن تایمز» گفت رابط مالی هنوز در مرخصی است، اما با استناد به «ملاحظات حفظ حریم خصوصی» اطلاعات بیشتری ارائه ندهد است.

مایکل مک‌کال رئیس کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا، پس از جلسه محرمانه این کمیته با مقامات وزارت خارجه به «جویش اینسایدر» گفت در این نشست هیچ جزئیاتی به نمایندگان ارائه نشد و احتمالاً دولت بایدن نتواند تا پایان تحقیقات، گزارشی کامل در این مورد ارائه کند.

وی توضیح داد: «مقامات وزارت خارجه نمی‌توانستند وارد جزئیات شوند. پرسش این است که آیا اف‌بی‌ای در این تحقیقات وارد شده یا نه، زیرا در صورت ورود اف‌بی‌ای به این پرونده، این مسئله یک موضوع امنیت ملی محسوب می‌شود.»

در مورد دلایل برکناری رابط مالی حدس و گمان زیاد مطرح شده است. آخرین آن مربوط به ادعای مسیح مهاجری مدیرمسئول روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران است که گفت «رابط مالی را کاسبان تحریم لو دادند.» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به وسایت «خبرآلاین» می‌گوید «رابط مالی مذاکراتی با بعضی افراد ایرانی داشته، به نحوی که مسائل داشت به جایی می‌رسید، که شاید حتی برخی از مقامات آمریکایی هم تا آن حد مطلع نبودند، اما تندرهای داخلی و کاسبان تحریم اطلاعات مربوط به مذاکرات را لو دادند، تا مذاکرات به جایی نرسد.»

وی توضیح داد «گروه فشار تلاش کرد تا برجام سرنگردد» و ترامپ را نیز همین گروه فشار از برجام خارج کرد. مهاجری افزود: «گروه‌های فشار حتی زمانی که دولت روحانی دوباره داشت برجام را احیا می‌کرد، جلوییش را گرفتند، و در دو سال

انتقال ۱۰ میلیارد دلار طلب ایران از عراق به عمان؛ آمریکا تعیین می‌کند ملاها پول را چطور و کجا خرج کنند



دیدار هیثم بن طارق سلطان عمان در تهران با علی خامنه‌ای / خرداد ۱۴۰۲

فشار قرار دهد و این صادرات را به عنوان اهرم فشار کم یا احيانا قطع کند.

در همین ارتباط، روزنامه «خراسان» می‌نویسد وقتی «پول به عمان منتقل شود، دیگر در صورت مطالبه بهای صادرات برق و گاز، بغداد می‌تواند مدعی شود که پول شما در مسقط است و به آنجا حواله دهد. کما اینکه آمریکا هم به نوعی با این کار، خود را از زیر بار فشار درخواست‌های مکرر بغداد برای دادن مجوز به منظور پرداخت بدهی ایران رها می‌کند.»

این روزنامه می‌نویسد یکی دیگر از هدف‌های آمریکا از این اقدام می‌تواند «ایجاد مابه‌ازایی از جیب خود ایران برای گرفتن امتیاز در مذاکرات با میانجیگری عمان باشد. به این معنا که صرف دادن مجوز برای هزینه کردن این اموال در عمان وارد فرایند مذاکرات درباره مسائل متعدد با وساطت مسقط شود و آزاد کردن آنها رفته رفته به عنوان امتیاز به این مذاکرات و هر گونه گشایشی در آن گره بخورد.»

در پایان این گزارش دوباره تأکید شده که یکی از اهداف آمریکا از انتقال پول بلوکه شده ایران به عمان کاستن از قدرت مانور جمهوری اسلامی در عراق است.

یک ماه پیش از این گزارش شده بود که عراق حدود ۷/۲ میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کرده اما مقداری از پول صرف «هزینه حُجاج»، «خرید دارو» و «بدهی به ترکمنستان» شد!

با آغاز مذاکرات اتمی میان آمریکا و «دولت انقلابی» در اواسط سال ۱۴۰۰ حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه ملایان که به «حاج قاسم دیپلماسی» مشهور بود با لحنی پرمدعا خطاب به آمریکایی‌ها گفته بود «مذاکره فقط قهوه خوردن نیست» و «۱۰ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ما را آزاد کنید تا نشان دهید جدی هستید». حالا با گذشت دو سال که مذاکرات برجام شکست خورده و تحریم‌ها هم برداشته نشده، میلیاردها دلار پول ایران همچنان به خاطر تحریم‌های آمریکا بلوکه است و صفر تا صد رویه خرج کردن آنها در دست آمریکاست.

عمل می‌کند، منتقل شود.

میلر به خبرنگاران گفت: «ما فکر می‌کردیم مهم است که این پول را از عراق خارج کنیم، زیرا این منبع اهرمی است که ایران علیه همسایه خود استفاده می‌کند.»

عراق نفتخیز که توسط دهه‌ها درگیری و تحریم‌های بین‌المللی ویران شده، برای تأمین یک سوم انرژی مورد نیاز خود به واردات گاز ایران وابسته است. این کشور همچنین دچار فساد گسترده است و از زیرساخت‌های فرسوده رنج می‌برد. مقامات آمریکایی تأکید کردند پول‌هایی که از عراق به عمان منتقل می‌شود صرفاً می‌تواند برای تأمین غذا و دارو و خدمات بشردوستانه خرج شود.

هشدار درباره پیامدهای انتقال پول بلوکه شده ایران به عمان

برخی منابع می‌گویند یکی از دلایل انتقال پول‌های بلوکه شده ایران از عراق به عمان فساد گسترده در بین مقامات عراقی و نفوذ شدید رژیم ایران در بین آنهاست. در همین ارتباط محمد نوری عزیز عضو کمیته دارایی پارلمان عراق از چاپ میلیون‌ها دینار عراقی در آرژانتین و سپس تبدیل آن به دلار آمریکا و ارسال آن با کامیون به ایران خبر داد. او در یک برنامه تلویزیونی تأکید کرد دفتر نخست‌وزیر عراق از ارسال کامیون‌های دلار از مرزهای عراق به ایران آگاه است.

اما برخی منابع داخلی در ایران نوشته‌اند پول‌های بلوکه شده در عراق به حساب دیناری شرکت «توانیر» و «شرکت گاز» ایران واریز خواهد شد تا با مجوز آمریکا صرف کالاهای ضروری شود. این منابع نوشته‌اند این اقدام علاوه بر اینکه هزینه‌های جانبی برای نقل و انتقال دارد به چهره‌ی جمهوری اسلامی نیز آسیب می‌زند.

همین منابع تحلیل کرده‌اند آمریکا با این اقدام خواسته است که اهرم فشار را از ایران علیه دولت عراق بگیرد و این کشور را تا حدودی از مخصصه پرداخت نکردن بدهی‌های خود به تهران نجات دهد تا تهران دیگر نتواند عراق را به دلیل مشکل پرداخت بهای صادرات برق و گاز خود تحت

● سودانی نخست وزیر عراق می‌گوید حدود یک میلیارد و نیم دلار از بدهی این کشور بابت واردات گاز به ایران پرداخت شده و برای پرداخت باقی بدهی با آمریکا کار می‌کنیم.

● محمد نوری عزیز عضو کمیته دارایی پارلمان عراق از چاپ میلیون‌ها دینار عراقی در آرژانتین و سپس تبدیل آن به دلار آمریکا و ارسال آن با کامیون به ایران خبر داد.

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده گفته «ما فکر می‌کردیم مهم است که این پول را از عراق خارج کنیم، زیرا این منبع اهرمی است که ایران علیه همسایه خود استفاده می‌کند.»

● آمریکا قرار است پول‌های بلوکه شده ایران را به حساب «شرکت توانیر» و «شرکت گاز» در عمان واریز کند تا صرف تهیه کالاهای ضروری شود.

● منابع حکومتی در ایران می‌گویند آمریکا با این تصمیم چندین هدف را دنبال می‌کند. روزنامه خراسان می‌نویسد وقتی «پول به عمان منتقل شود، دیگر در صورت مطالبه بهای صادرات برق و گاز، بغداد می‌تواند مدعی شود که پول شما در مسقط است و به آنجا حواله دهد.»

● در هر صورت واقعیت اینست که میلیاردها دلار پول ایران همچنان به خاطر تحریم‌های آمریکا بلوکه است و صفر تا صد رویه خرج کردن آنها در دست آمریکاست.

نخست وزیر عراق می‌گوید برای تسویه بدهی‌های معوق به جمهوری اسلامی، با ایالات متحده در تماس است. رقم بدهی عراق بابت واردات گاز از ایران حدود ۱۰ میلیارد دلار است و قرار است از عراق به حساب‌هایی در مسقط پایتخت عمان واریز شود.

پایگاه خبری «عرب نیوز» اول اوت (۱۰ مرداد) در گزارشی نوشت گاز ایران برای تولید برق عراق بسیار مهم است، اما تحریم‌های آمریکا بر نفت و گاز ایران محدودیت‌هایی را بر نحوه پرداخت هزینه واردات بغداد اعمال می‌کند.

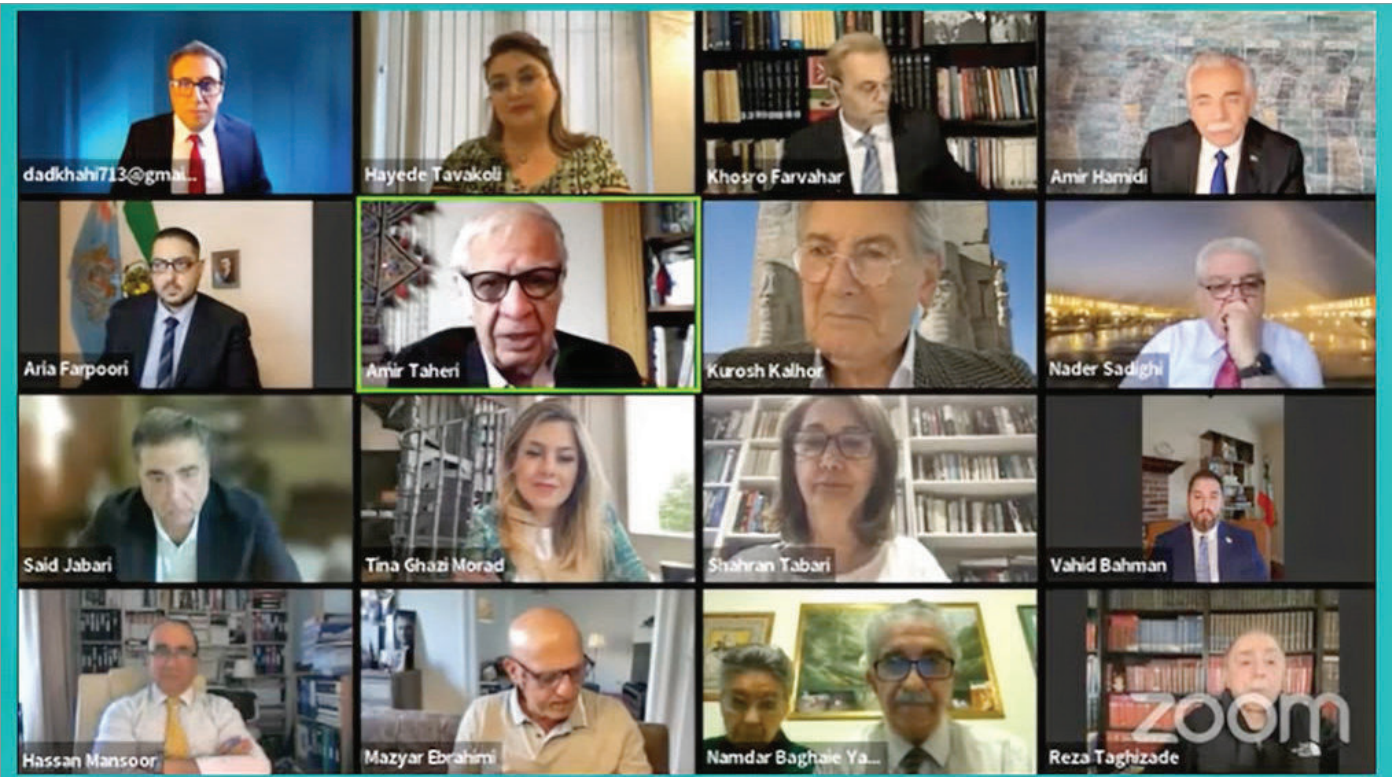
عراق می‌تواند مستقیم پول نقد به ایران تحویل دهد و پرداخت‌ها باید در یک حساب بانکی نگهداری شده و توسط تهران برای تأمین مالی واردات غذا و دارو استفاده شود. محمد شیعه السودانی نخست وزیر عراق پیش از این اعلام کرده بود که بغداد به عنوان راهی برای دور زدن مکانیسم پیچیده تحریم‌ها، پرداخت هزینه گاز ایران را با انتقال نفت آغاز خواهد کرد.

وی در یک کنفرانس مطبوعاتی با یادآوری اینکه بغداد در چند ماه گذشته حدود ۹/۱ میلیارد دلار بدهی ایران را پرداخت کرده است، گفت: «کار با طرف آمریکایی در مورد بدهی‌های پرداخت نشده که ۲/۹ میلیارد یورو (۱۰ میلیارد دلار) است دامه دارد.»

السودانی توضیح داد: «هیئتتی از بانک مرکزی و بانک تجارت عراق (TBI) روز سه‌شنبه به عمان رفته‌اند تا در توافق با وزارت خزانه‌داری آمریکا درباره فرمولی برای انتقال این وجوه به عمان توافق کنند.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده گفت که برخی از منابع مالی مرتبط با ایران می‌تواند از طریق عمان، که اغلب به عنوان یک واسطه بین غرب و جمهوری اسلامی

نخستین نشست «هم‌اندیشی و همگرایی مشروطه‌خواهان برای ایران» برگزار شد



باشیم که سرنوشت فردای کشور را نیز در دست خواهند گرفت؛ همانها که ۴۳ سال هزینه‌های گزافی پرداختند و حق دارند در فردای ایران تصمیم‌گیرنده باشند.»

وحید بهمن پژوهشگر تاریخ در ادامه این نشست آنلاین بر بازگشت به قانون مشروطه به عنوان راه نجات و نیز بر لزوم اصلاح بند اول و دوم این قانون تأکید کرد. وی تلاش برای کمترین آشفتگی در دوران گذر از جمهوری اسلامی و داشتن مقصد روشن را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم ایران برای پیوستن به خیزش ملی علیه نظام کنونی دانست.

همچنین دکتر امیر حمیدی کارشناس امور امنیت ملی و تروریسم جهانی با اشاره به اینکه مشروطه از هجوم و دخالت مذهبیبیون دور نمانده است، بر بررسی نظام پادشاهی مشروطه و توازن قدرت در کشور تأکید کرد.

تینا قاضی مراد سردبیر «اتاق خبر» شبکه تلویزیونی «منوتو» در سخنان خود به لزوم سازماندهی، همکاری و اتحاد و گسترش گفت‌وگوهای پادشاهی‌خواهان پرداخت. این روزنامه‌نگار در آسیب‌شناسی موانع این اتحاد تأکید کرد که هدف اصلی یعنی نجات و آزادی ایران باید بالاتر از فردیت و مسائل دیگر باشد و هر نیروی مخالف جمهوری اسلامی می‌بایست به صورت شفاف و کاملاً پاسخگو، در رفتار و کردار خود باور به اصول و ادعاهای خود را نشان دهد.

دکتر حسن منصور اقتصاددان در نشست هم‌اندیشی و همگرایی مشروطه‌خواهان، مشروطه را به معنای آزادی و مدرنیته و دنیای نو دانست و تاریخ پهلوی را تحول بزرگ تاریخی و برقرارکننده‌ی نظامی نو در تاریخ ایران ←

برپاخاستن ملت ایران بر اساس آموزه‌های تاریخی برای رهایی از بزرگترین فلاکت تاریخ ایران با وجود باورهای گوناگون سیاسی و فلسفی اشاره کرد.

سپس علیرضا کیانی سردبیر نشریه «فریدون» و تحلیلگر سیاسی با اشاره به مشکلات بسیار در راه اتحاد پادشاهی‌خواهان و مشروطه‌خواهان بر سازماندهی درست و هدفمند جهت رفع این مشکلات و نیز استقرار نظم تأکید کرد و گفت باید به پروپاگانداهای دشمنان پادشاهی‌خواهی پاسخ داد.

سعید جباری فعال سیاسی مشروطه‌خواه نیز در ادامه این نشست، انقلاب مشروطیت را مهم‌ترین استناد تاریخ معاصر ایران دانست و شرط نخست برای مشروطه‌خواهی در یک جامعه مدنی را بردباری، انعطاف و تکت‌گرایی سیاسی عنوان کرد.

در ادامه، فیروزه غفارپور سخنگوی نخستین «کمپین دادخواهی» که در سوئد به ثبت رسیده، به جذب نیرو و تقویت اعتماد با ایجاد همبستگی بر پایه «ملی‌گرایی» بین پادشاهی‌خواهان تأکید نمود.

وی با اشاره به امکان انتخاب بین پادشاهی و جمهوری در قانون اساسی مشروطه، بازگشت به قانون مشروطه را به معنای تحمیل پادشاهی به ملت ایران ندانست.

دکتر رضا تقی‌زاده تحلیلگر سیاست بین‌المللی و مسائل ایران نیز در این نشست بر تمرکز روی سازماندهی و ارزش‌های پادشاهی‌خواهی تأکید کرد. وی گفت: «باید روزی شاهد پیوستن چهره‌های فعال ملی‌گرا در داخل ایران

● نشست «هم‌اندیشی و همگرایی مشروطه‌خواهان برای ایران» در آستانه‌ی نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و از سر گرفته شدن اعتراضات جامعه و شکل گرفتن خیزش ملی به کوشش امیر طاهری روزنامه‌نگار پیشکسوت و تحلیلگر سیاسی با حضور جمعی از شهروندان مشروطه‌خواه به صورت آنلاین برگزار شد.

● حاضران در این نشست آنلاین در مجموع به همان نکته اصلی که در عنوان آن نیز آمده تأکید کردند: «هم‌اندیشی و همگرایی برای ایران» که می‌بایست با سازماندهی و تشکیلات و تقویت ارتباط بین همه آزادخواهان ملی‌گرا در خارج و داخل و با مردم همراه شود و خود نیز برای آن تلاش می‌کنند.

نخستین نشست «هم‌اندیشی و همگرایی مشروطه‌خواهان برای ایران» روز یکشنبه ۳۰ ژوئیه برابر با ۸ مرداد ۱۴۰۲ و در آستانه‌ی نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و از سر گرفته شدن اعتراضات جامعه و شکل گرفتن خیزش ملی به کوشش امیر طاهری روزنامه‌نگار پیشکسوت و تحلیلگر سیاسی با حضور جمعی از شهروندان مشروطه‌خواه به صورت آنلاین برگزار شد.

امیر طاهری نخستین سخنران این نشست با اشاره به اتفاق نظر پادشاهی‌خواهان بر سر نکات اساسی از جمله ناپودی رژیم اسلامی در ایران و عدم شایستگی این حکومت برای مردم ایران، ملت ایران را یک ملت واحد و تجزیه‌ناپذیر دانست که با اراده خود، آینده خویش از جمله نوع حکومت آینده ایران را تعیین خواهند کرد.

نادر صدیقی روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ نیز به

عنوان کرد.

خسرو فروهر برنامه ساز تلویزیون و تحلیلگر مشروطه خواه نیز به وجود اشتباهات در عملکرد اپوزیسیون اشاره کرد و بر لزوم تنظیم روابط و برنامه ریزی صحیح از سوی پادشاهی خواهان تأکید نمود.

شهران طبری فعال سیاسی با اشاره به وجود یک دشمن واحد، بر اهمیت تئوریک اتحاد بین مشروطه خواهان در برابر این دشمن واحد جهت رسیدن به دموکراسی سکولار برای ایران فردا تأکید کرد.

هایده توکلی دبیرکل سابق حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) در این نشست با اشاره به اینکه خواسته ها، ارزش ها و اهداف و آرمان مشروطیت برای آینده ایران مشخص است، بر لزوم پایبندی به اصول اخلاق مداری سیاسی جهت عبور از جمهوری اسلامی تأکید کرد.

کوروش کلهر تحلیلگر سیاسی سخنان بعدی این نشست بود که در استدلال خود، نسل های جدید پس از انقلاب اسلامی را بنیانگذار این انقلاب جدید دانست که از استعمار مذهبی فاصله گرفته است.

دکتر نامدار بقایی یزدی استاد دانشگاه و کارشناس محیط زیست پیشرفت جریان پادشاهی خواهان مردم سالار و حرکت های تازه ی آنان را امیدوارکننده دانست و در مورد تلاش هایی که جهت داشتن برنامه در نخستین ماه های پس از فروپاشی جمهوری اسلامی انجام می شود، توضیحاتی ارائه کرد.

بابک شکرابی فعال و کنشگر سیاسی نیز با اشاره به گستردگی تفکرات و سلايق مخالف و فراگیری باورمندی در سامانه پادشاهی بر حفظ اصول و انضباط اخلاقی در این مسیر تأکید کرد و وجود اختلاف نظرها را نقطه قوتی دانست که می توان بر اساس اصول و انضباط اخلاقی این اختلاف نظرها را برطرف و یا در مسیر همزیستی هدایت کرد. سبا خوبی فعال پادشاهی خواه بر حق پرسشگری تأکید نمود و همچنین به کمبود رسانه هایی که بازتاب صدای زندانیان سیاسی و فعالان مشروطه خواه و طرفدار نظام پادشاهی باشند اشاره کرد.

سهیل ملک پور فرزند تیمسار امیر ملک پور نیز با اشاره به تفرقه افکنی در میان نیروهای پادشاهی خواه، با سوء استفاده از احساسات مردم تأکید کرد که همگرایی ملی راهی جز بازگشت به نظام پادشاهی ندارد.

آریا فریوری فعال رسانه ای مشروطه خواه سخنان دیگر این نشست بر لزوم سازماندهی، همبستگی و همکاری بین هواداران پادشاهی مشروطه تأکید کرد.

مازیار ابراهیمی زندانی سیاسی سابق که بر اساس اتهامات واهی در ایران به اعدام محکوم شده بود، انقلاب مهسا و زن زندگی آزادی را عاملی برای ارتقای سطح آگاهی و تشخیص جامعه ایران دانست به حدی که اکنون افکار عمومی در کشور به اشتباهات و خیانت هایی که در این راه روی داده آگاه هستند.

وی همچنین بر لزوم تاسیس یک رسانه ی متحد و قوی برای مشروطه خواهان به منظور پاسخگویی به پرسش های مخاطبان در داخل ایران تأکید کرد.

حاضران در این نشست آنلاین که بیش از سه ساعت به طول انجامید، در مجموع به همان نکته اصلی که در عنوان آن نیز آمده تأکید کردند: هم اندیشی و همگرایی برای ایران! آنها به ضرورت سازماندهی و تشکیلات جهت موفقیت خیزش اجتماعی کنونی اشاره کرده و تقویت ارتباط بین همه آزادخواهان ملی گرا در خارج و داخل و با مردم را یک ضرورت عینی و ناگزیر دانستند که خود نیز برای اینهمه تلاش می کنند.

عمامه

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۷) مرداد ۱۳۸۳

باز نشر

خیراندیشی (احمد احرار)



زمانی که حضرت امام در «نوفل لوشاتو» مستقر شد و پوست تخت خود را در سایه درخت سیب گسترد، انبوه خبرنگاران و عکاسان و فیلمبرداران از اکتاف عالم به این شهرک فرانسوی هجوم آوردند تا درباره اعجوبه نوظهور ربع آخر قرن بیستم فیلم و عکس و خبر تهیه کنند. حضرت امام مظهرالعجایب بود و آنها، به اقتضای حرفه، سعی داشتند عجیب تر از آنچه بود جلوه اش دهند. یکی سعی می کرد حرفهای تازه از زیر زبانش بیرون بکشد. یکی بالا و پائین می رفت و دور و برش می چرخید تا عکسهایی با ژستهای انقلابی از او بگیرد. یکی هم پیله کرده بود به عمامه اش و می خواست از امام در حال عمامه پیچی فیلمبرداری کند. حضرت امام دنده به قضا می داد ولی فیلمبردار هم دست بردار نبود. اطرافیان امام را می دید و می گفت يك حادثه بزرگ تاریخی دارد اتفاق می افتد. جنگ تاج است و عمامه. مردم دنیا مشتاقند ببینند و بدانند این عمامه که می خواهد جای تاج را بگیرد چیست و چند ذرع پارچه می برد و چگونه بسته می شود. آنقدر سماجت کرد تا حضرت امام رضایت داد و نشست و روی زانوی مبارک عمامه متبرک را بست و در این حال از او فیلمبرداری شد و جهانیان بر روی صفحه تلویزیون، رهبر انقلاب اسلامی ایران را در حال عمامه پیچی مشاهده کردند.

عمامه، امروز سمبل رژیم بعد از انقلاب است همانطور که تاج سمبل رژیم قبل از انقلاب بود. اینهمه کتاب و مقاله و قصه و حکایت درباره انقلاب اسلامی نوشته اند، جا داشت یکی هم دست به قلم برد و يك رساله محققانه بنویسد درباره عمامه که از کجا آمده، چه فرقی هست بین عمامه سفید و سیاه و شیرشکری، عمامه مولوی کدامست، تحت الحنک چیست، چرا بعضی علما عمامه شل و ول به سر می گذارند، بعضی دیگر عمامه را سفت و فشرده می بندند و غیره و غیره...

این غفلت را حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی ابطیعی معاون ریاست جمهوری تا حدودی جبران کرده و یکی از آخرین «وبلاگ» های سایت اینترنتی خود را به هنر عمامه پیچی و اهمیت آن اختصاص داده است. حیف است که سایه عمامه داران بر سر شما و مملکت شما برقرار باشد و از فوت و فن بستن عمامه بی خبر باشید.

با سپاس فراوان از حجت الاسلام ابطیعی، افاضات ایشان را زینت بخش این ستون می کنیم: بستن عمامه فوت و فن دارد. خیلی ها سالها در حوزه ها هستند و نقطه ضعفشان این است که عمامه بستن را نمی توانند یاد بگیرند. چه بسا مورد تهدید و باج خواهی های دوستانه نیز قرار می گیرند! عمامه را به دو نوع می بندند، بعضی آن را به دور زانو و بعضی به روی سر، عمامه نوعاً از پارچه وال تهیه می شود که رایج ترین نوع آن هندی است. بعضی آن را خیلی بزرگ می بندند و طبعاً پارچه زیادی می طلبد و بعضی کوچکتر. به شوخی وقتی عمامه کسی بزرگ باشد آن را نشانه علم بیشتر می دانستند ولی واقعیت این است که عمامه بزرگ و کوچک دلیل بر هیچ چیز نیست. علاقه و خواست طرف مهم است. من ۴ متر پارچه استفاده می کنم. مهمترین و سخت ترین بخش آن که ممکن است به کمک دیگران هم احتیاج داشته باشد، آماده سازی پارچه پهن و تا دادن و گرد کردن آن است که بتوان بصورت يك پارچه گرد و دراز روی سر بسته شود.

قسمتی از بخش اولیه عمامه را بعداً روی کل عمامه می پیچانند که آن را «تحت الحنک» می نامند. انصافاً بستن عمامه یکی از مراحل سخت لباس آخوندی است. نقل است که قبلاً برای شناخت روحانی از غیر روحانی عمامه وی را خراب می کردند.

از نکاتی که برای من خیلی عجیب و جالب بود اینکه علمای بزرگ عرب عمامه پیچ دارند. در لبنان که بودم، گاهی صبحها در درس آیت الله فضل الله شرکت می کردم. هر روز وسط درس، به صورت رسمی يك آقایی عمامه جدید برای آقا می آورد و آن عمامه را می برد که آماده سازد. عربها هم عمامه را خیلی بزرگ می بندند. عمامه سیاه را کسانی می بندند که فرزند پیغمبر هستند و سید، و عمامه سفید را هم دیگران. در فرصتهای دیگر در مورد سایر بخشهای لباس آخوندی خواهیم نوشت. معمولاً روحانیون جوان در روز عیدی در منزل بزرگی حاضر می شوند و به دست آن بزرگ معمم می شوند که آن را مراسم عمامه گذاری می نامند. در روز عمامه گذاری معمولاً بزرگان توصیه های اخلاقی برای حفظ شئون روحانیت و رعایت تقوی می نمایند.



«نیت خیر مگردان که مبارک فالی است». امیدواریم وعده حجت الاسلام ابطیعی از نوع وعده های حجت الاسلام خاتمی نباشد. به وعده خود وفا کنند و بحث عمامه را ادامه دهند. مردم از بس درباره تکنولوژی آتمی و انفورماتیک و اسپوتنیک و این قبیل خزعبلات شنیده اند خسته شده اند. حرف تازه می طلبند.

و سرانجام، شاپور بختیار مأمور تشکیل کابینه شد

سرنوشت رقم خورده و پایان کار شاه گزیرناپذیر شده بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۴)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

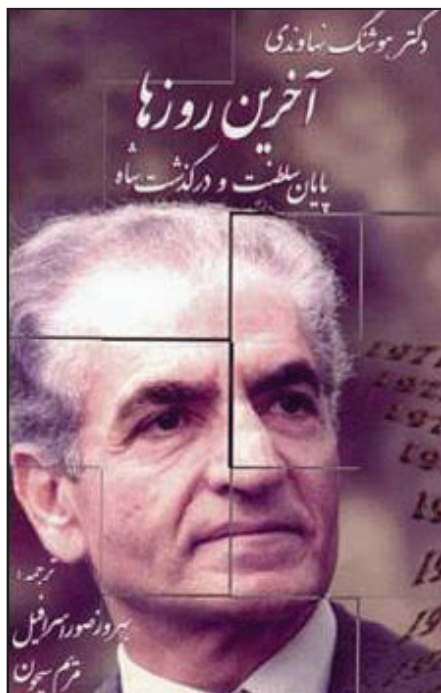
اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

دیدار با لوبرانی

در آن روزهای پر آشوب، شخصیتی پر نفوذ از جامعه کلیمی ایران که با خانواده ما دوستی نزدیک داشت، پیامی از سفیر «لوبرانی» رئیس هیأت دیپلماتیک اسرائیل در ایران برای من آورد که می‌خواست به فوریت با من دیدار کند. ساعت ۴ بعد از ظهر فردای آن روز، هر دو آنها به خانه من آمدند. نخستین بار بود که لوبرانی را می‌دیدم. مردی با ادب و آرام بود که بعدها نقش سیاسی بزرگی در کشور خویش ایفا کرد. می‌خواست در مورد اوضاع از من پرس و جو کند: «آیا شاه می‌تواند خود را حفظ کند؟»

شگفت‌زده نقطه نظرهای خود را که از چندین ماه پیش از آنها دفاع می‌کردم، توضیح دادم: اصلاحاتی در درون کشور، گزیرناپذیر است، اما این فقط پس از برقراری نظم امکان دارد. دولت نظامی باید نیرویش را به نمایش بگذارد و بالاخره با شتاب و کارآمد عمل کند. بدون شاه، همه چیز فرو می‌ریزد. باید اگر لازم آید، از او، حتی به‌رغم خودش، پشتیبانی کرد. سفیر، تقریباً واکنشی نشان می‌داد و گوش به من سپرده بود. گفتگوی ما یک ساعتی به‌درازا کشید. من آنچه را باید می‌گفتم، گفتم. وقتی رفت، احساس کردم که دیدارمان بیهوده بوده است. چند روز بعد، بختیار که نخست وزیر شده بود، در پیروی از دستورهای اسلامیه، سفارتخانه اسرائیل را بست و کارمندانش را بیرون کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خمینی ساختمان سفارتخانه را به سازمان آزادیبخش فلسطین اهدا کرد. در اسرائیل، فقط ژنرال رابین این شهامت را داشت که بر رفتار شگفت‌انگیز دولت اسرائیل که از شاه پشتیبانی نکرد و در نتیجه به پیروزی اسلام‌گرایان عملاً یاری رساند، خنده گیرد.

۲۱ دسامبر، در حالی که تظاهرات و خشونتها، گرچه محدود، ادامه داشت و هواداران خمینی، بی روبرو شدن با کمترین مقابله‌ای، آتش می‌زدند، چپاول و ویران می‌کردند و خون می‌ریختند، و دولت به کلی ناتوان شده بود، تیمسار ازهارای دچار یک سکنه شدید قلبی شد. با این حال، با شهامت بسیار، با وجود آنکه اغلب بر تخت اتاق کارش و زیر نظر پزشک ارتش بود، در جایگاه خود باقی ماند. شاه،



درهم شکسته، با درد بیماری دست به‌گریبان، همچنان با وقار فقط در انتظار یک چیز بود و آن هم رفتن.

نخست‌وزیرش هم، با وجود سکنه قلبی، متین و با ظاهری آرام، همچنان کوشش می‌کرد. کشور و مسائلش تبدیل به کشتی مستی شده بود که دیگر سکانش در اختیار کسی نبود. همه جا، به‌ویژه پایتخت، در بی‌نظمی فرو رفته بود: در اعتصابها، کمبود سوخت، آشفستگی در ادارات دولتی و بانکها، ناامنی، تسویه‌حسابهای شخصی. همه به هوایپیمایی که مقصدشان خارج از کشور بود، هجوم آورده بودند. بسیاری کسان می‌کوشیدند از راه زمینی خود را به مرزهای ترکیه برسانند و یا با قایقهای کوچک به سوی جنوب خلیج فارس پروند.

استانها، دستخوش اوضاعی گوناگون بودند. در بلوچستان آرامشی تقریباً آمیخته با بی‌تفاوتی حکمفرما بود. همچنین در کردستان و ترکمن‌صحرا که ساکنانی سنی دارند و دوربینها دور از آنها بودند. روستاها هم تا حدودی آرام بود. اینجا و آنجا روستائیان بلوا می‌کردند، اما مبارزه آنان با مالکان بزرگی بود که در اصلاحات ارضی، املاک خود را از دست داده بودند و اکنون، در لوای اسلام، بازآمده و می‌کوشیدند زمینهایشان را پس بگیرند. البته این شورش ضد انقلابی، اصلاً توجه رسانه‌های گروهی خارجی را به خود نمی‌کشید.

آذربایجان، کمتر از دیگر جاهای کشور آشفته بود. نفوذ آیت‌الله شریعتمداری هنوز کارگر بود، و این روحانی بلندپایه که از روند رویدادها نگران بود، زیاده‌رویها را بازمی‌داشت. در شمال کشور، در استانهای ساحلی دریای خزر، مراکز شهری مازندران، که به‌گونه‌ای سنتی چپگرا بودند و پیشترها پایگاه حزب توده به حساب می‌آمدند، بسیار پر آشوب بودند. خشونت در آنجاها روزانه بود. در گیلان که ملاحا چندان نفوذ نداشتند، آرامش برقرار و زندگی سیر طبیعی داشت. اصفهان، شیراز، یزد، کرمان و... صحنه خشونت‌هایی مانند پایتخت بودند. در کرمان، زد و خوردی بسیار خونین میان کارگران و روستائیان ضد خمینی، و بازرگانان و کارمندان دولت هوادار انقلاب روی داده بود.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، مردم کمتر از آنچه که نشريات غربی می‌نوشتند، همصدا بودند. کارمندان ادارات، حقوق‌گیران دولت و بازاریها به خیابانها ریخته بودند. اما کارگران کارخانه‌های غرب پایتخت، شمار بزرگی از دانشگاهیان، و روستائیان پیرامون شهرها خود را مخالف انقلاب نشان می‌دادند.

شهربانی، ژاندارمری و نیروهای نظامی به شاه وفادار مانده بودند و انضباط را رعایت می‌کردند. همه کوششها برای برانگیختن ارتش به سرپیچی از درون، به شکست انجامیده بود. تنها استثنا، چند ده تنی همافر (فناوران هوایپیمایی) بودند که برخی از آنان را دژبان بازداشت کرده بود.



بر کاخ، نظامی حاکم بود که در آن می‌شد دیدارکنندگان حتی مهمتر را بسیار پنهانی ملاقات کرد. در سالهای آخر، شاه، سادات رئیس جمهوری مصر، ملک حسین پادشاه اردن، یاسر عرفات، رهبران اسرائیلی و... را به همین گونه پذیرفته بود و راز آن دیدارها به خوبی پنهان نگاه داشته شده بود. برخلاف برخی دیگر از رهبران جبهه ملی، چهره بختیار را حتی مردم نمی‌شناختند. بنابراین دیدار او می‌توانست به آسانی در پنهان انجام شود.

چند هفته بعد از این ماجراها، و در واپسین روزهای سلطنت محمدرضا شاه، بیست و چند تن از روحانیون سرشناس، محرمانه با او ملاقات کردند که در آن نشست، فقط دو تن دیگر (اردشیر زاهدی و اصنان افشار) حضور داشتند. با وجود استثنایی بودن وضع، هیچکس از این نشست محرمانه، که هدف آن انصراف شاه از ترک ایران بود، اطلاع نیافت. بسیاری از این روحانیون، بعداً رنگ عوض کردند و بعضاً در جمهوری اسلامی به مراتب مهم رسیدند! اما جلسه، تا امروز محرمانه مانده است. بنابراین دیدار با بختیار اصولاً اهمیتی نداشت. آیا فقط می‌بایست از پادشاه پنهان بماند؟

به این ترتیب، می‌شود مطمئن بود که شاه، از دیدارهای شهبانو و بختیار خبر نداشته است. به هر حال دیدارکنندگان از یکدیگر خوششان آمد. بختیار که از آن پس همواره مدعی بود که «شاه را بیرون رانده» و به خود می‌بالید، از شهبانو به گونه‌ای دیگر سخن می‌گفت و پیرامون «نظرات

شهبانوی برانگیخت) و سرانجام در اواخر زمان مصدق به معاونت وزارت کار رسید.

میان سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۷۸، با آن که از رهبران مهم جبهه ملی نبود، دو بار، و هر بار برای مدتی کوتاه به زندان افتاد. آنگاه به عضویت هیأت مدیره چند شرکت که بیشتر سهامشان از آن دولت یا بنیاد پهلوی بود، انتخاب شد.

اما شاپور بختیار امتیاز بزرگی نیز پس از ازدواج محمدرضا شاه پهلوی با فرح دیبا پیدا کرد. او، خواهرزاده خانم لوئیز قطبی (صمصام بختیاری) همسر دایی شهبانو بود. می‌گویند مادرش که در جوانی فوت کرد، شباهت بسیار به خواهر خود لوئیز (خاله شاپور بختیار) داشت. در تمام این سالها محمدعلی قطبی مقاطعه کار ثروتمند و پر نفوذ که پس از فوت پدر شهبانو، هنگامی که او هفت سال بیشتر نداشت، خواهرزاده خود را چون پدری بزرگ کرده بود، حامی و پشتیبان بختیار بود. و بدین سان رضا قطبی و فرح دیبا که همسن بودند، با هم در کانون خانوادگی محمدعلی قطبی پرورش یافتند. شهبانوی آینده ایران، همواره رضا قطبی را چون برادری می‌پنداشت و دوست می‌داشت. به عبارت دیگر، پسرخاله بختیار، پسر دایی شهبانو و تقریباً برادر او بود، و این روابط در آن روزهای بحران، ظاهراً نقشی مهم داشت، به ویژه که گفته می‌شود خانم «لوئیز صمصام بختیاری» هم در شاپور بختیار و هم در شهبانو فرح نفوذ بسیار داشت که حتی بعد از جدایی محمدعلی قطبی از او (در روزهای انقلاب) و تجدید فراش

شهربانی و دستگاههای امنیتی، آگاهی دادند که اینجا و آنجا لباسهای نظامی افسران از کارگاههای دوزندگی ارتشی روده شده، و همچنین در پاره‌ای از کارگاههای محله سرچشمه در جنوب تهران، تن‌پوش سربازان وظیفه، بی آن که سفارشی داده شده باشد، در حال دوخته شدن است. اسلامگرایان، بی‌تردید سرگرم آماده کردن زمینه پدیداری سربازان و افسران دروغین، برای به‌راه انداختن بلوا بودند - چنان که بعدها در الجزایر نیز چنین کردند. مطبوعات غربی از همان زمان پیرامون قیام ارتشیان می‌نوشتند.



سرعت رویدادها، همه این زمینه‌سازها را بیهوده کرد. در نهایت، ارتش آخرین سنگر دفاعی نظام بود. نیاز به ترندهای بسیار، و یک رشته اقدامات «سمپاشی» بود تا کار به جایی رسد که پس از رفتن شاه خود را «بی‌طرف» اعلام کند. امریکاییها همه توان و نفوذ خود را برای رسیدن به این هدف، به‌کار بردند.

واقعیت آن بود که از چندین ماه پیش، در ایران حکومتی نبود. همه کارها و کوششها، بیهوده می‌ماند و از میان می‌رفت. مردم، فرسوده شده بودند. سویی که به آن روند، نداشتند. انتظار می‌کشیدند. بیشترشان دیگر آرزو می‌کردند که آن وضع به پایان رسد، زندگی دوباره آغاز شود، آرامش بازگردد و دیگر بار بتوانند نفسی بکشند.

اغتشاش کامل بر کشور دامن گسترده و شاه، از پا درآمده و سرگشته بود. هر دم بر دسیسه‌ها و تحریکات افزوده می‌شد. دولت ازهارای از کار افتاده بود. در حالی که شاه سرگرم گفتگو با صدیقی و سپس بقایی بود، برنامه دیگری در پنهانکاری مطلق برای تشکیل دولتی در حال اجرا بود که هیچکس دلیری‌اش را نمی‌یافت آن را «دولت انتقالی» بنامد. اما حقیقت آن بود که سرنوشت رقم خورده و پایان کار شاه گزیرناپذیر شده بود.

در آن زمان بود که مردی که تقریباً هیچکس در انتظارش نبود، در صحنه سیاسی پدیدار شد: «شاپور بختیار».

روز ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸، شاه رسماً او را مأمور تشکیل دولت کرد. این مرد شصت و پنج ساله فرزند «سردار فاتح» سرکرده شاخه‌ای از ایل بختیاری بود که سرنوشتی شوم یافت. او، و افرادی در نقطه‌ای به نام «شلیل» بر سربازان ارتش ایران شبیخون زدند، ولی شکست خوردند. سردار فاتح دستگیر و تحویل دادگاه نظامی شد و به جرم سرکشی مسلحانه و کشتار سربازان ارتش محاکمه، محکوم و تحویل جوخه آتش گردید. آن رویداد به زمانی مربوط می‌شد که رضاشاه بنیانگذار سلسله پهلوی، کوشش خود را برای نظم بخشیدن به کشور در حال از هم پاشیدگی آغاز کرده بود.

با آن که دیگر سرآمدان ایل، رسماً برکنار بودن خود را از سردار فاتح و کارهای او اعلام کردند، اما پسر او «شاپور» را در دایره پشتیبانی خود قرار دادند و امکان برخورداری از بهترین آموزشها را برایش فراهم ساختند. حتی به پاره‌ای روایات، از امیر منصور خان پسر «سردار محتشم»، ماترک کوچکی به شاپور رسید.

به این ترتیب، شاپور بختیار به بیروت فرستاده شد و دوره دبیرستان را در آنجا گذراند. سپس به فرانسه رفت و دکترای حقوق گرفت. او نخستین بختیاری بود که چنین مدرکی را دریافت می‌کرد. او در فرانسه ازدواج کرد، شهروندی فرانسه را پذیرفت و حتی در ارتش فرانسه خدمت کرد.

در بازگشت به ایران، بختیار با ناکامیهای روبرو شد. زیرا نتوانست به عضویت هیأت علمی دانشکده حقوق که آرزومند آن بود، درآید. اما در وزارت کار که تازه احمد قوام تأسیس کرده بود، استخدام شد. به‌هنگام بحران نفت، او ابتدا مدیر کل کار استان خوزستان بود (که این دوره، بعداً



شاپور بختیار

آزادخواهانه و پیشرو» و «دلبستگی او به شعرهای فرانسوی» سخن‌پرانی‌ها می‌کرد. شهبانو حتی کتابی از «پل الوار» هم به او هدیه داده بود که بختیار در خاطراتش به آن اشاره می‌کند.

ورود بختیار به صحنه

از آن زمان، یعنی بعد از سپتامبر ۱۹۷۸، که شاه در تکاپوی رویارویی با بحران هر دم فزاینده بود، گروه کوچک دوستان شهبانو آغاز به طرح موضوع «پادشاهی سوسیال دموکرات» به‌عنوان تنها راه حل آن بحران کردند؛ و هم‌زمان و در لفافه نام «Cousin» (به فرانسه یعنی پسرخاله) را به‌همین‌آوردند. بدین ترتیب بود که شاپور بختیار را به‌سان «مرد سرنوشت‌ساز» که نظامی تازه را برقرار خواهد

وی با بانویی دیگر، همچنان ادامه یافت. محمدعلی قطبی در سال ۱۹۹۸ در مونت‌کارلو درگذشت.

نخستین دیدار

نخستین دیدار در سپتامبر ۱۹۷۸ در ویلای قطبی در شمال تهران (دروس) انجام گرفت. نوشته‌اند که این دیدار شش ساعت به‌درازا کشید. صاحبخانه بعدها گواهی داد که خانه را شش ساعت از پیشخدمتها تهی کردند، اما گفتگوها کوتاه‌تر بود و دو ساعت و نیم ادامه داشت. ظاهراً سپس شهبانو رفت و خانم لوئیز قطبی که در خانه مانده بود، گفتگویی درازتر با خواهرزاده خود داشت.

دست‌کم یک دیدار دیگر، چند روز بعد صورت گرفت. آیا این دیدارها بدون آگاهی شاه انجام شد؟ می‌توان چنین پنداشت.

→ کرد، جا انداختند. «پسرخاله» هم همه جا خود را یک سوسیال دموکرات معرفی می‌کرد.

آیا این دسیسه‌ای بود علیه شاه یا برای شاه؟ دریافتنش آسان نیست. هر چه بود، بازی‌ای بود موازی کوششهای شاه که از سوی تنی چند از اشخاص سطحی که هیچ گونه آگاهی از واقعیتهای اجتماعی و سیاسی کشور نداشتند، انجام می‌شد. کسانی که در بازی تقلب می‌کردند، به‌گونه‌ای فزاینده موجب هدر شدن تواناییها می‌شدند، و در نتیجه به هنگامی که نظام بیش از هر زمان نیازمند همبستگی و استحکام بود، آن را به ضعف و تزلزل کشاندند.

از سوی دیگر، بختیار که گمان می‌کرد احتمالاً «شبهه روابط خانوادگی» بسنده نیست، تلاش بسیار کرد که مستقیماً توجه شاه را جلب کند. بنابراین از جمشید آموزگار که شاه به او اعتماد داشت و او را «مردی آگاه و سودمند برای رایزنی» می‌انگاشت، خواست که او را به شاه توصیه کند. این کار در شرفیابی اوایل دسامبر، پیش از آن که آموزگار برای همیشه ایران را ترک کند، صورت گرفت. درست همزمان با آن، قباد ظفر مهندس معمار مشهور، که شخصیتی با نفوذ در میان بختیارها و خویشاوند نزدیک «ثریا» ملکه پیشین بود، نزد اصنان افشار رئیس کل تشریفات دربار رفت و از او خواست خودش عریضه نوشته او را به شاه بدهد. او نیز چنان کرد. شاه از او خواست نامه را بخواند. قباد ظفر، شاپور بختیار را به شاه معرفی کرد، ضامن وفاداری او به تاج و تخت شد و پیشنهاد کرد که شاه، زمام کشور را در اختیار او قرار دهد.

تصمیم در این زمینه گرفته شده بود: گروه پیرامون شهبانو توانست شاپور بختیار را جلو ببرد. یک شب، در میانه‌های دسامبر، پس از آغاز ساعات منع آمد و شد، تیمسار مقدم شخصاً به ویلای فرمانیه بختیار که از کاخ دور نبود، به دنبالش رفت و او را نزد شاه آورد. بختیار رسماً پذیرفته، و مأمور پژوهش به‌منظور تشکیل دولت شد. البته هنوز به نخست‌وزیری برگزیده نشده بود. دیدار میان آن دو، بسیار مؤدبانه بود. پیش از برگزیده شدن رسمی‌اش به نخست‌وزیری، دیدارهای دیگری نیز میان شاه و بختیار انجام گرفت. به‌خواست شاه، بختیار گزارشی تحلیلی و با ریزه‌کاری پیرامون اوضاع داخلی کشور داد که در آن هیچ اشاره‌ای به عوامل خارجی بحران نشده بود. و افزود که همواره در خدمت شاه خواهد بود و از جنبشهای مخالف که زیر تأثیر خمینی هستند، دوری خواهد گزید. زیرا «نه با آرمان و نه با روش سیاسی‌شان» موافق است.

● ● ●

ده روز گذشت. طی آن بختیار فرصت کاملاً بسنده‌ای برای گردآوری گروه خود داشت. در آن روزها رفتار او همانند نخست‌وزیر آینده بود. «سر آنتونی پارسونز» سفیر انگلستان در خاطراتش از دیدارش با بختیار برای صرف ناهار نوشته است که روز ۱۸ دسامبر انجام گرفته و در آن، بختیار طرحها و برنامه‌های خود را توضیح داده بود. طبیعتاً او از گفتگوهای دیگر پیرامون برگزیدن یک نخست‌وزیر که در جاهای دیگر انجام می‌گرفت آگاهی نداشت، اما اطمینان داشت که نخست‌وزیر خواهد شد.

بختیار، بار دیگر به کاخ فراخوانده شد. اوضاع مملکت بدتر شده بود. آمریکاییها فشار بر شاه برای ترک کشور را بیشتر کرده بودند. شاه از بختیار خواست هرچه زودتر دست به کار شود. بختیار بعدها نوشت که شاه با ده روز تأخیر، او را خواند. این را سر آنتونی پارسونز تأیید می‌کند. بالاخره روز ۳۱ دسامبر، درست یک سال پس از میهمانی با شکوهی که در تهران برای جیمی کارتر داده بودند، شاپور بختیار رسماً به نخست‌وزیری برگزیده شد و فرمان خود را دریافت کرد.

(ادامه دارد)

کتابگزاری؛ بهشتی که گم شد ولی سقوط نکرد؛ از فرّ ایزدی به شرّ اهریمنی...

بازنش



در کتاب مرا وادار به انتخاب نام فعلی «سقوط بهشت» کرد. منظور کوپر از «The Fall of Heaven» نه از دست رفتن ایران و ویران شدن بهشت، که پرگفتن فرّ ایزدی از شاه و بی‌پناه ماندن او در روزهای دشوار انقلاب است؛ یعنی از دست رفتن موهبتی که پادشاه در مقام سایه خدا و پدر ملت، باور داشت طی سال‌ها از آن بهره‌مند و از این رو، از گزند دشمن مصون بوده است.

مترجم نه تنها برای ترجمه دقیق بلکه جهت کند و کاو در وقایعی که در این کتاب به آنها اشاره شده، علاوه بر نویسنده، در گفتگو با شهبانو فرح پهلوی نیز به پیگیری و تدقیق آنها پرداخته است.

در پایان این کتاب ۷۵۰ صفحه‌ای یک کتابنامه، فهرست نام‌ها و همچنین چندین صفحه عکس پیوست شده است.

• سقوط بهشت؛ خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

• نویسنده: اندرو اسکات کوپر

• مترجم: رضا تقی‌زاده

• ناشر: کیهان لندن؛ دسامبر ۲۰۱۸ / آذر ۱۳۹۷

• چاپ: انتشارات ساتراپ (لندن)

اندرو اسکات کوپر نویسنده و پژوهشگر آمریکایی این کتاب را در گفتگو با شاهدان مختلف از جمله شهبانو فرح، ابوالحسن بنی‌صدر، برژینسکی، هوشنگ نهاوندی، حسین نصر، رضا قطبی، کامیاب آتابای و دیگر مقامات و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایران تنظیم و تدوین کرده است.

راهی که نیمه‌کاره ماند

روایت کتاب که نسخه اصلی آن به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۶ منتشر شده، در فوریه ۲۰۱۵ از آرامگاه دو مرد در قاهره و دو زن که به دیدار آنها می‌شتابند آغاز می‌شود؛ جهان سادات و فرح پهلوی که همسرانشان در مسجد الرفاعی برای همیشه آر미ده‌اند.

نویسنده می‌پرسد آیا «حذف همسران آنان از قدرت در یک نسل پیش، راه خونریزی‌های امروز را گشوده است؟! پژوهشگر آمریکایی در «سقوط بهشت» این «راه» را ←

● به نظر می‌رسد روایت‌های انقلاب ۵۷ از یکی دو تا بسیار فراتر باشد به ویژه آنکه نسل‌های جوان ایران که اصلاً آن دوره را ندیده‌اند بر اساس زندگی و تجربه‌ی ملموس از جمهوری اسلامی، به روایت‌های دیگری می‌رسند.

● میوه‌ی تلخ قدرتی که همراه با رشد اقتصادی، قدرت سیاسی را بین نیروهای اجتماعی و شهروندان توزیع نکرده بود، در خانواده‌ی پادشاهی که بیشتر به خدمت و نام نیک فکر می‌کرد، به نوشته‌ی این کتاب، به بار فساد نشست. فساد که شاه نه باور و نه قبول می‌خواست بکند. رشد اقتصادی دهه پنجاه خورشیدی بدون رشد لازم سیاسی از یکسو به اختلاف دارا و ندار دامن زد و از سوی دیگر پادشاه را از نهادهای مدنی که بتوانند در بزنگاه تاریخ، پشتیبان او و خدماتش باشند محروم ساخت؛ پادشاهی که تنها زمانی تاجگذاری کرد که «درصد رشد اقتصادی ایران از ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه پیشی گرفته بود».

● چندی بعد ارتجاع و مشروع‌خواهان چپ و راست «سحر شاه» و «جاویدشاه» را باطل کردند بدون اینکه متوجه این حقیقت ناگزیر باشند که گذشته از جنبه‌های تاریخی و فرهنگی، از نظر اقتصادی، اگر نتوانند شرایطی بهتر از دوران پهلوی‌ها برای ایران به ارمغان بیاورند، طلسم «شاه» و «جاویدشاه» فراتر از دو شاه پهلوی و به مثابه یک نهاد گریبان آنها را خواهد گرفت.

الاهه بقراط - در پیشگفتار «سقوط بهشت» می‌خوانیم: «نگاه نویسنده به رویدادهای دوران انقلاب و شخصیت‌های سیاسی ایران چون نگاه بیگانه‌ای است در جستجوی حقیقت و نه دآوری با درک جامع از آنها؛ نقصی که هیچیک از مورخان غیرایرانی معاصر از آن بری نبوده‌اند.»

به این ترتیب خواننده با اطمینان کتاب را آغاز می‌کند تا با این نگاه بیشتر آشنا شود به ویژه آنکه مترجم برای برگرداندن این کتاب به فارسی با خود نویسنده نیز گفتگو داشته و توضیحات وی را شنیده است.

رضا تقی‌زاده مترجم «سقوط بهشت» درباره عنوان کتاب می‌نویسد: «از منظور نویسنده مطلع بودم و توضیحات او را نیز شنیدم؛ اما شهرت یافتن عنوان مورد استفاده قرار گرفته

و خدماتش باشند محروم ساخت؛ پادشاهی که تنها زمانی تاجگذاری کرد که «درصد رشد اقتصادی ایران از ایالات متحده آمریکا و بریتانیا کبیر و فرانسه پیشی گرفته بود».

نه تنها این، وی در این مراسم، تاج نیابت سلطنت بر سر یک زن نهاد و خشم و کینه را در دل سیاه مرتجعان شعله‌ور ساخت تا در چهارراه حوادث تاریخ که عوامل متعدد داخلی و خارجی در آن نقش بازی می‌کنند، بنیادگرایی اسلامی و خمینی به «چراغ راهنما» بی تبدیل شوند که ایران را از «فرّ ایزدی» به سوی شرّ اهریمنی رهنمون شد.

دنبال کردن چنین مسیری توسط مرتجعان و در همکاری با نیروهای داخلی و خارجی، با پادشاهی که از صمیم قلب معتقد بود «اگر ملت مرا نخواهد، با زور نخواهم ماند» چندان مشکل نبود. ارتجاع و مشروعه‌خواهان چپ و راست «سحر شاه» و «جاویدشاه» را باطل کردند بدون اینکه متوجه این حقیقت ناگزیر باشند که گذشته از جنبه‌های تاریخی و فرهنگی، از نظر اقتصادی، اگر نتوانند شرایطی بهتر از دوران پهلوی‌ها برای ایران به ارمغان بیاورند، طلسم «شاه» و «جاویدشاه» فراتر از دو شاه پهلوی و به مثابه یک نهاد گریبان آنها را خواهد گرفت.

کسانی که گاهی با تکیه بر «اگر» می‌گویند، اگر شاه می‌ماند، اگر شاه فلان تعداد را می‌کشت، اگر شاه این یا آن کار را می‌کرد، خمینی و رژیم ارتجاعی‌اش پیروز نمی‌شدند، این نکته مهم را فراموش می‌کنند که اگر شاه به این «اگر»‌ها عمل می‌کرد، از یکسو با توجه به شرایط داخلی و خارجی و دیگر «اگر»‌های آن دوران، معلوم نیست به چه نتایجی منجر می‌شد و از سوی دیگر هرگز شرّ اهریمنی جمهوری اسلامی از نزدیک تجربه نمی‌شد تا قدر موهبت‌هایی که جامعه داشت و می‌بایست برای بیشتر کردن آنها و نه ویرانی‌شان بکوشد، چنان دانسته شود تا نسل‌هایی که آن دوران را ندیده‌اند، آینده را در گذشته‌ی خود باز یابند و آن را در گرو غلبه بر فاجعه‌ی جمهوری اسلامی بدانند.

شاید به دلیل همین کامیابی‌ها و ناکامی‌هاست که به نظر نویسندگی «سقوط بهشت»، «داستان زندگی شاه ایران در خور آمدن در شاهنامه» است.

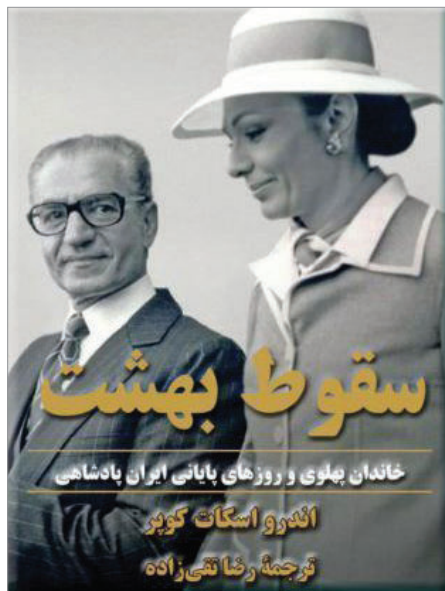
اما گذشته از جنبه‌های دراماتیک سیاست که همواره و همه جا وجود دارد، تاریخ مانند منشور است. یک سطح آن مستندات و سطح دیگر آن رویدادها هستند. سطح سوم اما روایاتی هستند که بستگی به این دارند که به منشور تاریخ از کدام زاویه نگریسته شود. آنچه مسلم است این است که حقیقت آبادی دوران پهلوی و ویرانی چهل و اندی سال اخیر را در این منشور نمی‌توان تحریف کرد.

کتاب «سقوط بهشت» با مستندات و روایات متعدد از رویدادها تلاش می‌کند این حقیقت آشکار را در برابر خواننده قابل تشخیص کند. از همین رو چه بسا خوانندگانی که به این نتیجه برسند که این «بهشت» یا «فرّ ایزدی» به مثابه یک نشانه‌ی تاریخی و فرهنگی که به یک «فرد» وابسته نیست و نمی‌تواند از مردم و سرزمینی که حامل آن بوده‌اند، جدا باشد، فقط گم شده و باید آنقدر به جستجو ادامه داد تا دوباره آن را یافت و همچون داستان‌های شاهنامه جایگزین شرّ اهریمنی» کرد. آیا تاریخ معاصر ایران به تراژدی‌های شاهنامه که شبیه‌ترین آنها «داستان ضحاک» است، نیست؟!*

* این کتابگزاری نخستین بار ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۹ در کیهان لندن منتشر شد. برای خریدن کتاب «سقوط بهشت» به این لینک مراجعه کنید https://kayhanlife.com/fall-of-heaven_farsi/

درختان خیس از باران را ببند. وقتی چیزی ندید، با یأس آشکار در چهره رو به امیر گفت: «خیس نیست! تو به من گفتی باران آمده!» او دقیقاً می‌دانست که بارش هر شهر در هر استان چند میلی‌متر بوده است. او از میزان آب هر سد با خبر بود؛ چون همه آنها- تا آن زمان بیست و یک سد- در دوران خودش ساخته شده بودند. و غالب اوقات در فصل بارندگی یا بعد از بارش برفی سنگین، دوست داشت با هواییا به سراسر کشور پرواز کرده و سطح آب را از بالا بررسی کند. باران را برای مردمی می‌خواست که می‌دانست آب در سرزمین پهناور ولی خشک آنها به راستی مایه‌ی حیات است.

یکی از این مردم، «حسین فردوست» از خانواده‌ی «فردوست» بود که رضاشاه وی را به همنشینی ولیعهدش برگزید و حتا در مدرسه شبانه‌روزی سوئیس نیز وی را همراه پسرش کرد. نویسنده درباره این دوستی و اعتمادی که شاه به فردوست داشت می‌نویسد، «شاه حاضر نبود کلامی بر ضد رفیق قدیمی دوران مدرسه‌اش بشود. او شایعات و گزارش‌ها حاکی از پول گرفتن فردوست از دستگاه اطلاعاتی روسیه یا بریتانیا را تهمت می‌شمرد و رد می‌کرد. او گله می‌کرد که «حتی نمی‌توانند یک دوست را به من ببیند!» شاه به فردوست آنقدر اطمینان داشت که به همسرش گفته بود اگر خواست از صحت اطلاعاتی مطمئن شود یا اگر نتوانست جواب مقتضی را



از جایی در دولت بگیرد نظر فردوست را جویا شود.» اما حسین فردوست «مار در آستینی بود که از احساس ظلمی شدید و کینه‌برانگیز تغذیه می‌کرد. او هرگز اصل و نسب خود را فراموش نکرده بود؛ پسر نظامی دون‌پایه‌ای که برای خدمت به قدرتمندترین خانواده کشور در سنی حساس از والدینش جدا شده بود.»

به هر حال، میوه‌ی تلخ قدرتی که همراه با رشد اقتصادی، قدرت سیاسی را بین نیروهای اجتماعی و شهروندان توزیع نکرده بود، در خانواده‌ی پادشاهی که بیشتر به خدمت و نام نیک فکر می‌کرد، به نوشته‌ی این کتاب، به بار فساد نشست. فساد که شاه نه باور و نه قبول می‌خواست بکند. رشد اقتصادی دهه پنجاه خورشیدی بدون رشد لازم سیاسی از یکسو به اختلاف دارا و ندار دامن زد و از سوی دیگر پادشاه را از نهادهای مدنی که بتوانند در بزنگاه تاریخ، پشتیبان او

→ ترسیم می‌کند. او پس از اینهمه سال که از درگذشت شاه گذشته، خواننده را با این موضوع روبرو می‌کند که به راستی این گفتار قصار شاه تا چه اندازه حقیقت دارد که «قدرناشناسی طبیعت مردم است» و مجسمه‌اش «به وقتش بجای خود بر می‌گردد!»

با اینهمه پاسخ یا پاسخ‌هایی برای چرایی رویدادهای تاریخی چیزی نیست که به سادگی بتوان در میان روایات و خاطرات یافت. اندرو اسکات کوپر درباره گفتگوهای که برای نوشتن این کتاب با افراد مختلف انجام داده می‌گوید: «خاطره در گذر زمان تغییر می‌کند و بیشتر کسانی که با آنان مصاحبه کردم تاریخ‌ها و جزئیات گفت و شنودها را فراموش کرده بودند و یا وقایع را با هم خلط می‌کردند. خوشبختانه من توانستم صحت گفته‌های آنان را واری کنم و آنها را با مصاحبه‌شوندگان دیگر و نیز منابع دست اول از جمله خاطرات و نامه‌ها و یادداشت‌ها و گزیده‌های جراید مقابله کنم.» و البته در این میان از اسناد دوران جیمی کارتر که از طبقه‌بندی خارج شدند نیز سود برده است. بر اساس این مطالعه‌ی این منابع است که می‌نویسد: «همینطور که تحقیق پیش می‌رفت برایم روشن شد که با دو روایت از انقلاب سر و کار دارم، یکی آمریکایی و دیگری ایرانی.»

به این ترتیب به نظر می‌رسد روایت‌های انقلاب ۵۷ از یکی دو تا بسیار فراتر باشد به ویژه آنکه نسل‌های جوان ایران که اصلاً آن دوره را ندیده‌اند بر اساس زندگی و تجربه‌ی ملموس از جمهوری اسلامی، به روایت‌های دیگری می‌رسند.

خود اندرو اسکات کوپر در گفتگویی که کیهان لندن در سال ۱۳۹۵ با وی داشت در پاسخ به این پرسش که «کتاب شما را تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت دودمان پهلوی توصیف کرده‌اند؛ آیا به نظر شما این توصیف عادلانه است؟» می‌گوید: «من با این برداشت موافق نیستم. من هرگز تلاشی برای اعاده‌ی حیثیت شاه و یا هر شخص دیگری نکرده‌ام. در جریان پژوهش‌هایی که انجام دادم متوجه شدم که بسیاری از توده ایرانیان از هم‌اکنون شاه و میراثی را که از خود بجا گذاشت بار دیگر ارزیابی می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «درواقع من در جریان دیدار خود از ایران در سال ۲۰۱۳ متوجه این نکته شدم که گروهی از روشنفکران و نویسندگان ایرانی سال‌هاست سرگرم بررسی چنین روایاتی شده‌اند که بسیار به دردشان خورده است. مشکل آن است که کنجکاوی آمیخته با روشنفکری، نسل بعدی را راضی نمی‌کند. امیدوارم که دانشجویان و دانش‌پژوهان جوان هدف حملات و انتقاداتی که من قرار گرفتم، قرار نگیرند. آنان باید به خاطر داشته باشند که ما برای خوش آمدن دیگران و یا رضایت از آنچه وجود دارد، نیامده‌ایم. باید بپرسیم و باز هم بپرسیم.»

همیشه در انتظار باران

بخشی از «سقوط بهشت» به زندگی روزانه شاه اعم از کار و خورد و خوراک و علائق و نگرانی‌های وی اختصاص دارد. یکی از نکات قابل توجهی که در اوایل کتاب به آن اشاره می‌شود اهمیت باران برای محمدرضاشاه پهلوی و به عنوان پادشاه یک سرزمین خشک و کم‌آب است. اندرو اسکات کوپر این موضوع را چنین توصیف می‌کند: «خبر بارش باران شادی و رضایت در پی داشت. روز بی‌باران در پیش‌پیشانی‌ای گره‌خورده و غمگین بود... یک روز صبح امیر [پورشجاج] به شاه خبر می‌دهد که در طول شب باران باریده است: «او بسیار شاد شد؛» به حدی که کنار پنجره رفت تا شاخه‌های

«ملاحظات امنیتی» علت عدم انتشار برخی آمارهای اقتصادی در ایران



کشور ما نشان می‌دهد که این ملاحظات نیز در انتشار آمار وجود دارد.»

در دسترس نبودن آمار، به عنوان یک عامل بسیار مهم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای فعالان اقتصادی را دچار مشکل می‌کند و ریسک فعالیت و سرمایه‌گذاری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» دوازدهم اردیبهشت‌ماه به این موضوع پرداخته بود و آن را راهی برای قضاوت نشدن مدیران در حوزه عملکردی خود دانسته و نوشته بود که این مسئله می‌تواند به ایجاد رویه‌ای جدید در برخورد سلیقه‌ای با انتشار آمار سازمان‌ها منجر شود.

بر اساس گزارش‌ها «قیمت مسکن تهران»، «قیمت مسکن کشور»، «اجاره‌بهای تهران»، «اجاره کشور»، «حجم معاملات»، «تیراژ ساخت مسکن» و «میزان سرمایه‌گذاری ساختمانی» عملکرد بودجه و گزارش‌های ماهانه وزارت صمت و نفت نیز از دیگر مواردی است که دیگر منتشر نمی‌شوند.

خرگزاری «ایلنا» به تازگی با انتشار گزارشی تحلیلی از «مهار تورم» با «عددسازی» نوشته و معتقد بود که دولت برخلاف قانون از محاسبه و انتشار منظم «خط فقر» خودداری می‌کند. روزنامه بریتانیایی «فایننشال تایمز» نیز در رابطه با عدم انتشار آمار تورمی در ایران گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را پنهان می‌کند.

در این گزارش به نقل از سعید لیلانز تحلیلگر اقتصاد سیاسی آمده که مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکست رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

مرتضی عزتی اقتصاددان نیز خردادماه امسال در روزنامه «تعادل» با اشاره به اینکه «دستکاری آمارهای اقتصادی توسط دولت مطرح شده که تحلیلگران را نگران کرده» نوشت که «موضوع ارائه آمارهای شفاف در اقتصاد به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند سرنوشت کلی اقتصاد کشورها را

جلوگیری کردیم.»

محمدرضا فرزین تأکید کرده هرچند هنوز اختلاف‌هایی بر سر منبع انتشار آمارها مطرح است، اما به دلیل مسئله قانونی بودن آن، از انتشار آمار مربوط به تورم جلوگیری کردیم.

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی از اظهارات خود به نگاه امنیتی در انتشار آمار و دخالت نهادهای امنیتی در انتشار آمار اشاره کرده و گفته است که «برخی از آمارهای اقتصادی هم ممکن است به دلیل محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی ضروری نباشد که به صورت عمومی منتشر شوند.»

از سال ۹۷ و با دستور مستقیم دولت روحانی بانک مرکزی انتشار عمومی آمارها و گزارش‌های مربوط به تورم، رشد اقتصادی، جزئیات درآمد مالیاتی و قیمت هفتگی اقلام را متوقف کرد. در پاییز ۹۸ نیز بانک مرکزی از انتشار گزیده آمارهای اقتصادی با دستور دولت منع شد.

در آنسو آمارهای اقتصادی از سوی مرکز آمار ایران نیز گاهی با تأخیر منتشر شده و البته بسیاری از کارشناسان نسبت به درستی آمارهای ارائه شده به ویژه در رابطه با تورم تردید دارند.

روزنامه «اعتماد» تیرماه امسال با رد ادعای مقامات دولتی در مقاله‌ای نوشت: «بر اساس علم آمار، اگر نرخ تورم ماهانه ۵/۱ درصد باشد نرخ تورم در پایان سال ۲۰ درصد و اگر نرخ تورم، ماهانه ۳ درصد شود، تورم آخر سال ۴۰ درصد خواهد بود. حال با توجه به نرخ ۱۲ درصدی تورم در خرداد و در صورت تداوم این روند در پایان سال ۱۴۰۱ نرخ تورم در ایران به ۱۶۰ درصد خواهد رسید.»

کامران ندری اقتصاددان معتقد است همواره کیفیت آمار منتشر شده و نظم انتشار، مورد بحث بوده است. این اقتصاددان درباره عدم هماهنگی آمارهای تورمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز گفته که «در حال حاضر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، دو نهادی هستند که آمار تورم را منتشر می‌کنند. ما در گذشته دیده‌ایم که سیاست‌گذار در ایران تمایل دارد آمار را منتشر کند که با اهداف سیاسی او سازگاری بیشتری داشته باشد و عملکردش در اقتصاد مثبت‌تر نشان دهد. سابقه تصمیمات سیاسی در

رئیس کل بانک مرکزی: برخی از آمارهای اقتصادی هم ممکن است به دلیل محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی ضروری نباشد که به صورت عمومی منتشر شوند.

از سال ۹۷ و با دستور مستقیم دولت روحانی بانک مرکزی انتشار عمومی آمارها و گزارش‌های مربوط به تورم، رشد اقتصادی، جزئیات درآمد مالیاتی و قیمت هفتگی اقلام را متوقف کرد.

در دسترس نبودن آمار به عنوان یک عامل مهم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای فعالان اقتصادی را دچار مشکل می‌کند و ریسک فعالیت و سرمایه‌گذاری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

در شرایطی که آمارهای اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی سانسور شده و یا به صورت ناقص منتشر می‌شود، رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید برخی آمارها به دلیل «ملاحظات امنیتی» منتشر نمی‌شوند.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گفتگو با تیمور رحمانی اقتصاددان و استاد دانشگاه گفته اینکه برخی آمارهای اقتصادی از جمله تورم که پیشتر از سوی بانک مرکزی هم منتشر می‌شد، دیگر منتشر نمی‌شود به دلیل منع قانون است. او افزوده عدم انتشار برخی آمارها به دلیل «ملاحظات امنیتی» است.

تیمور رحمانی این موضوع را با یک پرسش مطرح کرده: «موضوعی که بیشتر کلیات آن مورد بحث است، این است که بانک مرکزی گاه برخی آمار را منتشر نمی‌کند، این در حالی است که این آمار به صاحب‌نظران کمک می‌کند تحلیل‌هایشان به این واسطه عمیق‌تر شود. بانک مرکزی در این باره چه استراتژی‌ای در پیش گرفته است؟»

محمدرضا فرزین عدم انتشار برخی آمارها از سوی بانک مرکزی را «یک حکم قانونی» دانسته و توضیح داده که «ما بحث انتشار آمار را محدود نمی‌کنیم. درباره آمار تورم به دلیل اینکه قانون مقرر کرده مرکز آمار آن را منتشر کند، ما دیگر آن را منتشر نمی‌کنیم و بیشتر یک حکم قانونی است. هرچند هنوز اختلاف‌هایی بر سر منبع انتشار آن مطرح است، اما به دلیل مسئله قانونی بودن آن، از انتشار آمار مربوط به تورم

تحت الشعاع قرار دهد.

ادامه بحران آب در ایران؛ استعفای دستجمعی اعضای شورای اسلامی شهر سده

آب از شبکه لوله‌کشی فرسوده این شهر به هدر می‌رود. به نحوی که آب از جدول‌های جلوی خانه‌های مردم عبور می‌کند ولی مردم ما در خانه هایشان آب ندارند.

او تأکید کرده که «از سال گذشته چندین بار تذکر دادیم که مسئولان خواف، فکری برای اافت فشار آب بکنند اما باز هم اقدامی انجام ندادند که مجبور به آبرسانی با تانکر شدیم اما از سه روز پیش آبرسانی با تانکر هم به دلیل افزایش دما با مشکل روبرو شد.»

آنچه علی غلامپور از وضعیت شهرستان سده حکایت کرده در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهای کشور نیز تکرار می‌شود؛ قطع آب لوله‌کشی به مدت طولانی، تأخیر و بحران برای آبرسانی با تانکر و مختل شدن روند زندگی مردم.

از دو ماه پیش برخی استان‌ها مانند استان سیستان و بلوچستان و خوزستان با مشکل قطع آب و عدم آبرسانی به موقع و منظم با تانکر روبرو بودند اما حالا قطع آب به دیگر

● در پی تشدید بحران تأمین آب و قطع گسترده آب در شهرها و روستاهای مختلف ایران اعضای شورای اسلامی شهر سده از توابع خواف در استان «خراسان رضوی» به صورت دستجمعی استعفا دادند.

● از دو ماه پیش برخی استان‌ها مانند استان سیستان و بلوچستان و خوزستان با مشکل قطع آب و عدم آبرسانی به‌موقع و منظم با تانکر روبرو بودند اما حالا قطع آب به دیگر استان‌ها نیز کشیده شده است.

● کارشناسان مشکل اساسی در بحران آب کشور را نه میزان بارندگی و خشکسالی، بلکه بی‌عملی و ناکارآمدی دولت ارزیابی می‌کنند.

بحران در تأمین آب لوله‌کشی در استان‌های مختلف ادامه دارد و اعضای شورای اسلامی شهر سده در پی بحران بیش از ۱۰ روزه قطع آب در این شهر به صورت دستجمعی استعفا دادند. دولت اما هیچ اقدام موثری برای رفع بحران آب در کشور انجام نداد و تنها به وعده و وعیدهای توخالی



استان‌ها نیز کشیده شده است. معین‌الدین سعیدی نماینده چابهار، نیکشهر، کنارک و قصرقند در مجلس شورای اسلامی هفته گذشته گفته که مردم برخی مناطق مثل روستای کلانی ۳ ماه است که یک قطره آب ندارند و یک تانکر آب با قیمت یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در آنجا توزیع می‌شود که مشکلات عدیده‌ای برای مردم ایجاد کرده است.

به عقیده کارشناسان سیاست‌ها و عملکرد ناکارآمد دولت عامل اصلی چنین بحرانی در کشور شده است. در گزارش دیگری از استان هرمزگان، نماینده این استان در مجلس شورای اسلامی گفته نه تنها مردم با قطع آب روبرو هستند بلکه با وجود ادعای دولت مبنی بر تأمین آب برخی شهرها توسط آب‌شیرین‌کن‌ها، کیفیت آب این دستگاه‌ها مناسب نیست. حسین رئیسی نماینده استان هرمزگان در مجلس توضیح داده که «مثلا در شهرستان سیریک آبی که از محل

این اقتصاددان در ادامه تأکید کرد که «مردم و مسئولان و تحلیلگران می‌دانند که چه شرایط تومری حاکم است؛ مردم هر روز راهی بازارها می‌شوند، گوشت و مرغ و تخم‌مرغ و پنیر و... می‌خرند و می‌دانند. اقتصاددان‌ها هم به واقعیات آماری آگاهی دارند و متوجه‌اند که نرخ تورم در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به نسبت اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ چه تغییری پیدا کرده است. دولت هم که از واقعیت با خبر است. باید از مسئولان پرسید این آمارها با چه هدفی تغییر پیدا می‌کنند؟»

لطفعلی بخشی اقتصاددان نیز در گفتگو با وبسایت «بازار» رد ادعای افزایش یک درصدی تورم نقطه به نقطه از سوی مرکز آمار ایران، گفته که «خود مردم در بطن بازار بوده و هر روز با خریدهایی که انجام می‌دهند به خوبی می‌دانند که رقم ۱ درصدی هر چند شاید از لحاظ سنجش تعریف شده شاخص نرخ تورم در مرکز آمار درست باشد اما واقعی نیست زیرا همه افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها را روزانه لمس می‌کنند آنطور که درآمدها دیگر پاسخگوی حتی نیمی از هزینه‌های زندگی آنها نیست.»

لطفعلی بخشی افزوده که «نیازی نیست که زمانی مردم از دخل و خرج خودشان به درستی آگاهند و هزینه‌های زندگی را نسبت به ماه‌های گذشته می‌سنجند آمارهایی در مورد نرخ تورم اعلام شود که مردم به آن بی‌اعتنا و موجب سلب اعتماد عمومی شود. البته باید گفت؛ مرجع آماری از میان کالاهای اساسی برای تعیین نرخ تورم سری کالاهایی را در نظر می‌گیرد که کمترین رشد قیمت را در یک بازه زمانی داشته‌اند به همین دلیل است که معمولا رقم نرخ تورم پایین اعلام می‌شود.»

روزنامه «اطلاعات» در مطلبی نوشت که مردم حرف‌های ابراهیم رئیسی و رئیس بانک مرکزی را در باره تورم از تلویزیون می‌شنوند، اما برای راست‌آزمایی به یخچال سر می‌زنند. این روزنامه با اشاره به ادعاهای مقامات دولت از جمله ابراهیم رئیسی و احسان خاندوزی درباره کاهش تورم نوشت «مردم اما وقتی به خرید می‌روند و هزینه‌های زندگی روزمره اعم از مواد غذایی و کالاهای مصرفی و کالاهای بادوام و هزینه‌های خدماتی و بهداشتی و درمانی و اجاره‌خانه را نگاه می‌کنند، این احساس را ندارند که آنچه در تلویزیون دیده‌اند درست است بلکه مشاهدات عینی را مد نظر دارند.»

در ادامه این مطلب آمده «واقعیت است که قدرت خرید طبقات متوسط به پایین جامعه که حدود ۹۰ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شوند، طی ۵ سال اخیر یعنی از زمانی که نرخ تورم یکباره به بالای ۴۰ درصد جهید، بشدت آسیب دیده است. شدت این آسیب‌دیدگی بیشتر از آن است که برخی مسئولان گمان می‌کنند.»

روزنامه «اطلاعات» با تأکید بر اینکه «مردم می‌گویند گیریم اینبار وعده‌ها درست از آب درآمد و تورم روند کاهشی گرفت و آرام آرام از شدت و تیزی‌اش کاسته شد، آن کاهش هول انگیز ارزش پول ملی و قدرت خرید از دست رفته را چه کنیم؟» نوشته که «از منظر حقوقی، چه کسی مسئول فرو ریختن ارزش پول ملی و فقیر شدن مردم است؟ از منظر اخلاقی، مسئولیت ناسامانی‌های ناشی از این اتفاق با کیست؟ از منظر اقتصادی، پیامدهای این فرو ریزی توان خرید مردم بر افق پیش‌روی جامعه چیست و کدام ساختارها را به خطر می‌اندازد؟»

این مطلب در پایان افزوده که «فراموش نکنیم، در هر خانه در کنار تلویزیون «مظنه»‌ای به نام یخچال هست که مردم عیار سخنان هیجان‌زده مسئولان را با آن می‌سنجند و نهایتاً در تناقض سخنان تلویزیون و یخچال، حرف یخچال را باور می‌کنند.»

جزییاتی از حمله مهاجمان مسلح به گردشگران به «جرم» محرم در منطقه بیلاقی «اوپرت»!

● هفته گذشته، طبیعت‌گردان حاضر در کمپ منطقه بیلاقی «اوپرت» که در مرز میان دو استان مازندران و سمنان قرار دارد، با انتشار تصاویری از حمله افراد مسلح به گردشگران بدون ارائه هیچ حکم قضایی یا دلیلی خبر دادند. مهاجمان مسلح صورت خود را با کلاه‌هایی که جلدان جمهوری اسلامی نیز هنگام اعدام محکومان استفاده می‌کنند، پوشانده بودند.

● پس از آن، یک ویدئو که در آن افرادی در محل علیه سپاه پاسداران شعار می‌دهند با هدف تطهیر مهاجمان مسلح و بعد از انتشار ویدئوهای مربوط به ضرب و جرح طبیعت‌گردان منتشر شده! این در حالیست که حتا اگر به فرض محال عده‌ای در آن گردشگاه علیه حکومت و پاسدارانش شعار هم داده باشند، حمله افراد مسلح با لباس نظامی به گردشگران به هیچ وجه قابل توجه نیست!

● یک شاهد عینی: «افرادی که حمله کردند لباس نظامی به تن داشته و اسلحه، شوکر و باتوم داشتند. عصر همان روز هم با ماشین‌هایی با پلاک نظامی که آمدند و تذکر حجاب دادند و ساعت یک یا ۱ و نیم شب بود که با آن شکل برگشتند و ما را کشاندند بیرون و همه را زدند... وقتی پرسیدیم به چه جرمی می‌زنید، می‌گفتند چرا در محرم آمده‌اید تفریح!»

وبسایت «رویداد۲۴» در گزارشی از جزئیات حمله افرادی مسلح دارای لباس نظامی، همراه با ماشین دارای پلاک نظامی به گردشگران کمپ طبیعت‌گردی «اوپرت» و ضرب و جرح آنها با شوکر و باتوم که بامداد ۳۰ تیر روی داده بود خبر داد.

هفته گذشته، طبیعت‌گردان حاضر در کمپ منطقه بیلاقی «اوپرت» که در مرز میان دو استان مازندران و سمنان قرار دارد، با انتشار تصاویری از حمله افراد مسلح به گردشگران بدون ارائه هیچ حکم قضایی یا دلیلی خبر دادند.

مهاجمان مسلح صورت خود را با کلاه‌هایی که جلدان جمهوری اسلامی نیز هنگام اعدام محکومان استفاده می‌کنند، پوشانده بودند. آنها با ماشین‌های هایلوکس به سمت تعدادی از مسافران رفته و آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده و مصدوم کردند.

نتیجه پیگیری «رویداد۲۴» از استانداری سمنان این بوده که موضوع از استانداری خارج شده و قرار است سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به زودی در این رابطه اطلاع‌رسانی کند.

کمی بعد، ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد افرادی در تاریکی در حال شعار دادن ←

طالبان می‌زنند درست است. طالبان می‌گوید آبی نیست در حالیکه بنابه گزارش‌هایی که به ما داده می‌شود پشت سد کجکی آب وجود دارد.»

البته دولت طرح‌هایی نیز برای حل مشکلات بی‌آبی در استان سیستان و بلوچستان در دست دارد اما به نظر می‌رسد عملیاتی شدن و بهره‌برداری از آنها سالها طول خواهد کشید. تأمین آب از دشت تهلان از مهم‌ترین اقداماتی برای حل مشکل تأمین آب این استان مطرح شده و گفته شده قرارداد آن با سپاه بسته شده اما هنوز اجرای آن آغاز نشده است. همچنین سال‌هاست طرح انتقال آب از دریای عمان مطرح شده اما همچنان ۱۰ درصد پیشرفت داشته و حداقل چهار سال تا اجرای کامل آن طول خواهد کشید.

مهدی قمیشی استاد دانشکده علوم آب دانشگاه جندی شاپور اهواز نیز مشکل اساسی در بحران آب کشور را نه میزان بارندگی و خشکسالی، بلکه بی‌عملی و ناکارآمدی دولت ارزیابی کرده است.

این استاد دانشگاه گفته که «منابع آبی که در کشورمان داریم به‌طور متوسط از نظر هیدرولوژیک مقداری است که به همان میزان آب شیرین سالیانه داریم. بحث مقداری بارش‌ها نیست، مقدار بارش‌ها در کشور ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است، اما چقدر از آن قابل مصرف است؟ یعنی آنچه به عنوان آب چشمه و چاه در دسترس داریم یک زمانی از نظر تاریخی ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بود الان به خاطر مسائل اقلیمی به ۱۰۰ میلیارد رسیده است؛ بنابراین ما ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین قابل مصرف داریم که باید صرف آب شهری، صنعت و کشاورزی و محیط زیست شود. در دنیا می‌گویند اگر از نظر زیست محیطی می‌خواهید دچار مشکل نشوید ۴۰ درصد آن را می‌توانید استفاده کنید، یعنی از آن ۱۰۰ میلیارد باید ۴۰ میلیارد آن را استفاده کنیم و باقی آن را در بستر طبیعت باقی بگذاریم. اما تقریباً سالیانه ۱۰۵ میلیارد مترمکعب آب استفاده می‌کنیم. باقی این آب کجا مصرف می‌شود؟»

مهدی قمیشی افزوده که «از آب‌های زیرزمینی تاریخی که نباید استفاده شود و اجازه نداریم از آنها استفاده کنیم به همین خاطر چاه‌ها را عمیق‌تر می‌کنیم. ما تعادل را در استفاده از آب رعایت نکردیم و روند طبیعی را بهم زده‌ایم که باعث افزایش سطح فرونشست و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها می‌شود.»

استاد دانشکده علوم آب دانشگاه جندی‌شاپور اهواز توضیح داده که «عمده مصرف ما در بخش کشاورزی است. ما ۹۰ درصد آب را در کشاورزی از بین می‌بریم؛ بنابراین جایی که می‌توان خیلی راحت روی آن کار کرد کشاورزی است که باید مقدار مصرف آب در بخش کشاورزی را کاهش دهیم. یا باید کشاورزی را محدود کنیم یا با روش‌های نوین آبیاری آشنا شویم و کشت‌های گلخانه‌ای را توسعه دهیم. استفاده از پساب‌ها نیز مطرح است؛ بنابراین باید یک جایی جلو‌زیاد شدن مصرف آب در کشاورزی را بگیریم.»

قمیشی در پایان درباره مصرف آب در صنایع و شهرها گفته که «در بخش صنعت تنها ۵ درصد آب مصرف می‌شود، اما باز هم بخش صنعت مانند بازچرخانی آب می‌تواند صرفه‌جویی کند. نیاز صنعت به آب در خنک‌کنندگی است که می‌تواند با استفاده از بازیافت و پساب‌ها صورت بگیرد.» این استاد دانشگاه راهکار دیگر را در اصلاح شبکه توزیع آب لوله‌کشی ارزیابی کرده و گفته که «در بخش شرب و بهداشت هم ۵ تا ۶ درصد مصرف می‌کند که با فرهنگ‌سازی و تصحیح شبیه توزیع می‌توانیم صرفه‌جویی کنیم. در دنیا متوسط مصرف ۱۵۰ لیتر در روز است، اما در کشور ما بیش از ۳۰۰ لیتر برای هر فرد است.»

→ آب‌شیرین‌کن استحصال می‌شود کیفیت لازم را برای شرب ندارد و بیشتر در موارد بهداشتی به مصرف می‌رسد. این آب هم به لحاظ رنگ و هم طعم فرق دارد حتی باعث خوردگی شبکه‌های داخل منازل می‌شود.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با انتقاد از طرح‌های دولت که صرفاً در سفرهای استانی به آنها اشاره می‌شود و بعد به مرحله اجرا نمی‌رسند گفته که «در برخی نقاط استان بخصوص شرق مشکلات عدیده‌ای در بخش تولید و خطوط انتقال و توزیع آب داریم، در حال حاضر مردم میناب، رودان و برخی مناطق بخش مرکزی دچار مشکلاتی هستند، در بخش بشارگرد دو خط انتقال یکی از سد جگین به مرکز شهرستان و یک خط انتقال از سد سهران به سمت گوهران انجام شده اما روی خطوط آنتنی که باید آب را به شبکه‌های روستایی منتقل کند هنوز کاری انجام نشده و در واقع آب جز مناطق محدودی در اختیار مردم قرار نگرفته است.»

حسین رئیسی افزوده که «مردم غرب شهرستان جاسک واقعا با کمبود و تنش جدی مواجهند، حتی مدت‌های طولانی آب در شبکه موجود نیست البته اقداماتی انجام شده که نیاز است تسریع شود، در بخش مرکزی شهرستان سیریک نیز کمبود آب داریم که اگر شبکه‌هایی که طراحی شده و در دست اقدام است سرعت گرفته و به سرانجام برسد پیش‌بینی می‌شود عمده مشکلات مرتفع خواهد شد.» در حالی که احداث آب‌شیرین‌کن‌ها ناقص بوده و آب حاصل از آنها نیز کیفیت لازم را ندارد، وزارت نیرو به دنبال پروژه کلان دیگری رفته است. فیروز قاسم‌زاده سخنگوی صنعت آب کشور از مهار آب‌های شیرین ورودی به دریا و جلوگیری از شوری آنها خبر داده و گفته «حجم قابل توجهی از رواناب ناشی از بارندگی‌ها و سیلاب‌های تولیدی در شمال و جنوب کشور وارد دریا می‌شود و استحصال همین میزان آب از طریق آب شیرین‌کن‌های دریا هزینه‌های بسیار گزافی را به دنبال خواهد داشت.»

به گفته سخنگوی صنعت آب کشور «وزارت نیرو مطالعات جامع آب‌های ورودی به دریا را در دستور کار قرار داده» و بر اساس نتایج این مطالعات «استخراج حجم رواناب مازاد بر ظرفیت سازه‌های فعلی و حق‌آب‌های زیست محیطی رودخانه و دریا، سازه‌های مختلفی نظیر مخازن ساحلی، سدهای لاستیکی، بندها و سدهای مخزنی پیشنهاد شده است.»

فیروز قاسم‌زاده می‌گوید که عملیات اجرایی این پروژه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی در حوزه طرح‌های زودبازده و نیز اخذ ردیف‌های اعتباری جدید در حال پیگیری است. اینهمه در حالیست که در عمل دولت هیچ اقدام موثری برای ایجاد راهکارهای زیربنایی حل بحران آب انجام نمی‌دهد. برای نمونه یکی از دلایل بحران آب در استان سیستان و بلوچستان عدم ارائه حقایق هیرمند از سوی افغانستان به ایران است.

فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفته طی سخنانی در اینباره گفت که «مدت‌هاست که مجلس و دولت پیگیر موضوع حقایق هیرمند هستند. پس از هشدار که رئیس‌جمهور به حاکمان افغانستان داد انتظار دولت، مجلس و مردم بر این بود که اتفاقی بیفتد و اقدامی انجام شود ولی متأسفانه اتفاقی نیفتاد.» فداحسین مالکی توضیح داد که «آخرین بررسی‌ها را دو روز قبل در کمیسیون امنیت ملی با حضور امیرعبداللهیان وزیر خارجه داشتیم که در آنجا نمایندگان گلایه کردند که چرا بعد از صحبت رئیس‌جمهور دنبال این بودند که به نوعی حرف‌های رئیس‌جمهور را زیر سوال ببرند و از آن طرف هم به گونه‌ای رفتار کردند که بگویند همین حرفی که

➔ علیه نهادهای نظامی اند.

حجت‌الله یحیایی سخنگو و معاون مدیرکل روابط عمومی، تشریفات و امور بین‌الملل استانداری سمنان در پاسخ به «رویداد۲۴» درباره آخرین گزارش‌های واصله به استانداری و نتیجه جلسات شورای تامین در رابطه با حمله به کمپ «اوپرت» اعلام کرد با وجود برگزاری جلسه شورای تامین در این رابطه «موضوع از استانداری خارج شده و در این رابطه باید با سپاه صحبت کنید!»

«رویداد۲۴» همچنین ادعا کرده است که گزارش‌هایی به دست آن رسیده که نشان می‌دهد تعدادی از نیروهای سپاه برای توقیف یک «شیء ناشناس» در بالای منطقه ییلاقی «اوپرت» وارد این ناحیه شده بودند.

«رویداد۲۴» نوشته است با فردی که اولین بار با اکانت اینستاگرامی «فوند تریپ» حمله به گردشگران در «اوپرت» را بازگو کرده و خودش نیز همان زمان در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه بامداد جمعه ۳۰ تیرماه مورد ضرب و جرح قرار گرفته گفتگو کرده است.

این فرد درباره پرواز شیء ناشناس بر فراز منطقه کمپ «اوپرت» گفته است: «در قسمت بالا و روی تیغه منطقه من دیدم که یک هلی‌شات در حال پرواز است و اصولاً طبیعت‌گردها برای فیلمبرداری از صحنه‌های زیبای آنجا از هلی‌شات استفاده می‌کنند، اما این مسئله هم مربوط به ظهر بود و هم اصلاً ربطی به زمانی که اینها حمله کردند

با هدف تطهیر مهاجمان مسلح و بعد از انتشار ویدئوهای مربوط به ضرب و جرح طبیعت‌گردان منتشر شده و «انگار یک نفر این فیلم‌ها را ساخته است.» این در حالیست که حتا اگر به فرض محال عده‌ای در آن گردشگاه علیه حکومت و پاسدارانش شعار هم داده باشند، حمله افراد مسلح با لباس نظامی به گردشگران به هیچ وجه قابل توجیه نیست!

وی که به شدت مورد آسیب جسمی قرار گرفته، درباره جزئیات حمله افراد مسلح گفته است «ما در چادر و ماشین خواب بودیم که ناگهان عده‌ای آمدند و فریاد زدند و بدون اینکه توضیحی بدهند، تا سر حد کشت ما را زدند. با اسلحه به سمت من گرفتند و گفتند بنشین. یک نفر با شوکر روی گردنم زد و با باتوم و لگد توی صورتم کوبید. در اثر ضربات، سمت راست کمرم بی‌حس شده و آسیب بدی به عصب کمرم وارد کرده است.»

او گفته در اثر آسیبی که به عصبش رسیده نمی‌تواند از جایش تکان بخورد؛ وی در حالت خوابیده نمی‌تواند به راست یا به چپ بچرخد، در حالت نشسته چند درجه هم نمی‌تواند تکان بخورد و نمی‌تواند روی پا بایستد و عملاً مانند فلج‌ها شده است.

این شاهد عینی درباره آنچه از حمله مهاجمان به کمپ دیده چنین توضیح داده است که «افرادی که حمله کردند لباس نظامی به تن داشته و اسلحه، شوکر و باتوم داشتند.

چشیدید که در عاشورا چه شده است!» او در مورد اینکه آیا فردی از استانداری یا گردشگری برای دلجویی یا پیگیری ماجرا با آنها تماس گرفته یا نه گفت: «هیچ سازمانی تا این لحظه پیگیری نکرده و فقط از سپاه فردی تماس گرفته و از او خواسته وقایع را شرح بدهد و از زبان ما بشنود چه اتفاقی افتاده است اما دیگر خبری از آنها نشده است.»

در محرم امسال طیف گسترده‌ای از مردم با ابتکارات و اقدامات خود به انتقادات صریح و بی‌پروا از ارزش‌های ایدئولوژیک و مذهبی که حکومت در ۴۴ سال گذشته با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم به جامعه تحمیل کرده، پرداختند؛ ابتکاراتی که مقامات نظام و حزب‌اللهی‌ها را کلافه کرده است.

علی کریمی کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران در ویدئویی با انتشار تصاویری از سرکوب مردم در خیابان توسط نیروهای امنیتی و بسیجی‌ها که نوای نوحه‌خوانی روی آن بود، نوشت: «هرچی از یزید شنیدیم، از مزدوران رژیم آخوندی دیدیم!» در بین چهره‌های سرشناس مخالف رژیم او از نخستین کسانیست که امسال مستقیم به عزاداری‌های حکومتی تاخته است.

در شهر اردستان در استان یزد افرادی «نخل عزاداری» هیأت کوشک را آتش زدند. نیروی نظامی گفت دو نفر در ارتباط با این اقدام دستگیر شدند. در اصفهان علم و



«اوپرت» منطقه‌ای در مرز جنگل و بیابان بین استان مازندران و سمنان

کتل هیأت عزاداری «انصارالحسین» در خیابان «کاشانی» که پاتوق بسیجی‌های آن مناطق است به آتش کشیده شد. خردگرزاری «فارس» دوم امرداد با انتشار ویدئویی از آتش زدن کتل‌ها نوشت: «افرادی ناشناس اقدام به آتش زدن کتل‌های هیأت کردند که موجب خشم و ناراحتی عزاداران امام حسین شد و مردم از مسئولان خواسته‌اند عوامل این آتش‌سوزی را سریعاً شناسایی و با آنها برخورد قاطع داشته باشند.»

کارزار رقص دختران ایرانی با نواها و موزیک‌های عزاداری نیز یکی دیگر از واکنش‌های جوانان است. البته رقصیدن با آهنگ‌های نوحه و مداحی در سال‌های گذشته نیز وجود داشته اما امسال بسیار گسترده بود. مخالفان حکومت می‌گویند کارزار رقص «دهان‌کچی» به حکومتی است که به اسم دین و مذهب حقوق انسانی شهروندان را زیر پا گذاشته و جنایت می‌کند.

عصر همان روز هم با ماشین‌هایی با پلاک نظامی که آمدند و تذکر حجاب دادند و ساعت یک یا ۱ و نیم شب بود که با آن شکل برگشتند و ما را کشانند بیرون و همه را زدند. یک نفر توی ماشین خواب بود؛ از ماشین بیرون کشیدند و پرسیدند مشروب داری؟ گفت ندارم. گفتند دروغ می‌گویی و دوباره زدند. همه وسایل را بیرون ریختند وقتی چیزی پیدا نکردند، ولش کردند.»

این فرد گفته «در کمپ آنها هیچ سر و صدایی نبوده و یک کمپ طبیعت‌گردی بدون حاشیه بوده که این اتفاق برایش افتاده است.» او گفته «حتی اگر تخلص بود، در حالی که ادعا کردند حکم قضایی دارند، چرا حکم قضایی نشان ندادند؟ وقتی پرسیدیم به چه جرمی می‌زنید، می‌گفتند چرا در محرم آمده‌اید تفریح! آیا کوهنوردی در محرم جرم است؟! یا خلاف شرع است؟! وقتی همه را زدند و رفتند و همه چیز را شکستند و برخی وسایل را بردند، گفتند حالا

نداشت.» او افزوده که نمی‌داند آیا آنجا منطقه ممنوعه بوده یا نه، ولی اساساً این موضوع که گردشگران با هلی‌شات فیلمبرداری می‌کردند مربوط به ظهر بوده است.

این فرد انتساب ویدئویی را به کمپ طبیعت‌گردی خودشان که در آن افرادی در حال شعار دادن علیه سپاه هستند، تکذیب کرده و گفته «این ویدئو ساختگی و خنده‌دار است و هیچ ارتباطی به جایی که ما بودیم ندارد. اصلاً در جایی که ما بودیم کسی جرات نداشت چنین شعارهایی بدهد. در این منطقه کمپ‌ها اکثراً کنار هم هستند و من نشنیدم که کسی شعاری بدهد. از سوی دیگر درگیری با مردم محلی هم ساختگی و الکی است؛ شاید این مسئله مرتبط با شب‌ها و روزهای قبل بوده، ولی به آن شب ربطی نداشته و من انتساب این ویدئو به شب حادثه را قویاً تکذیب می‌کنم.»

این فرد معتقد است ویدئوی شعار علیه سپاه پاسداران

نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد؛

بخش کنترل تحریریه سازمان ملل تصریح دارد: باید دقت شود که به درستی از واژه خلیج فارس در همه اسناد و مدارک استفاده شود!



حقوق بین‌الملل برای احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها بر اساس بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌باشد، از این رو طبق ماده ۳۱ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت کشورها در قبال اعمال خلاف به مسئولیت بین‌المللی آنها منجر می‌شود. «کشورهای مسئول متعهد به جبران کامل صدمات ناشی از اعمال نادرست بین‌المللی خود هستند».[۳] در این ارتباط باید یادآوری کرد که بخش کنترل تحریریه سازمان ملل متحد در الحاقیه مورخ ۱۸ آگوست سال ۱۹۹۴ مستقیماً و به صراحت از «دقت و مراقبت لازم (کشورها) برای اطمینان از کاربرد مناسب واژه خلیج فارس در اسناد، نشریات، و بیانیه‌های تهیه شده»، تأکید نمود.[۴] با توجه به مسئولیت اعضای سازمان ملل متحد برای انجام با حسن نیت (ماده ۲-۵) کلیه تعهدات مندرج در منشور، نظرات حقوقی و دستورالعمل‌های گروه کارشناسان سازمان ملل متحد در نام‌های جغرافیایی باید به جدیت کامل رعایت شود.

گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد با کنکاشی عمیق در اسناد تاریخی معتبر موجود به اتفاق آرا واژه پارسی را به عنوان نام تاریخی مناسب دریای بسته در جنوب ایران (یعنی خلیج فارس) امروزی یافتند. گروه در گزارش شماره ۶۱ سال ۲۰۰۶، اینگونه نام‌های باستانی را ذخیره دانش بشری دانستند که در طول تاریخ (تأکید بر آن) توسط ملل مختلف به وجود آمده‌اند. نام‌ها با هویت ملت‌ها مرتبط است، از جمله خلیج فارس که نام باستانی خلیج فارس است. این گروه تأکید می‌کند که:

هیچ کانال آبی به اندازه خلیج فارس [تأکید در متن اصلی] برای زمین‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافی‌دانان، بازرگانان، سیاستمداران، گردشگران، و محققان چه در گذشته و چه در حال حاضر، مهم نبوده است. این کانال آبی که فلات ←

و ارزش‌هایی که برای حفاظت از یک دنیای صلح‌آمیز حیاتی و ضروری است، سیاست‌گزارم. من افتخار دارم که این نامه را به جنابعالی نوشته و توجه شما را به وضعیت بحرانی ناشی از اغراض سیاسی یکی از کشورهای ساحلی خلیج فارس جلب کنم و از شما می‌خواهم در مقام دبیرکل سازمان ملل متحد به همه اعضای سازمان ملل یادآوری کنید، همانطور که بخش کنترل تحریریه در ۱۸ اوت ۱۹۹۴ تأکید کرد، [۱] نام رسمی حقوقی و قانونی «خلیج فارس» باید مورد احترام همه اعضای ملل متحد قرار گیرد، و نه نام کوتاه‌تر جعلی و غیرقانونی «خلیج» که عمداً و با انگیزش‌های سیاسی توسط برخی از کشورها برای «خلیج همیشه فارس» به کار می‌رود. اکیداً از شما تقاضا دارم که به اعضای سازمان ملل یادآوری کنید که نام‌های جعلی «خلیج» و یا «خلیج عربی» به معنی نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها، و در نتیجه نقض قواعد آمره بین‌المللی می‌باشد.[۲]

در اینجا شرح کوتاهی از بحران ساخته شده با اغراض سیاسی تشریح می‌شود:

همانطور که می‌دانید، امارات متحده عربی، و برخی کشورهای هم‌پیمان آن، در تلاش بوده‌اند تا تمامیت ارضی ایران نسبت به جزایر تنب بزرگ و کوچک و همچنین جزیره ابوموسی در خلیج را مورد تردید قرار دهند. به موجب منشور ملل متحد، ادعای نادرست این کشور و تلاش‌های آن نقض آشکار اهداف و تعهدات کشورها نسبت به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است. همچنین این کشور و متحدانش در تلاشی بیهوده برای نادیده گرفتن «نام تاریخی فارس» برای «خلیج فارس»، سعی در تضعیف حقایق تاریخی مورد شناسایی رسمی سازمان ملل متحد دارند.

این تلاش‌های بیهوده همچنین نقض قواعد الزام‌آور

● گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد با کنکاشی عمیق در اسناد تاریخی معتبر موجود به اتفاق آرا واژه پارسی را به عنوان نام تاریخی مناسب دریای بسته در جنوب ایران (یعنی خلیج فارس) امروزی یافتند.

● این گروه در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: «هیچ کانال آبی به اندازه خلیج فارس برای زمین‌شناسان، باستان‌شناسان، جغرافی‌دانان، بازرگانان، سیاستمداران، گردشگران، و محققان چه در گذشته و چه در حال حاضر، مهم نبوده است. این کانال آبی که فلات ایران را از صفحه عربستان جدا می‌کند، حداقل از ۲۲۰۰ سال پیش از هویت ایرانی برخوردار بوده است.»

● گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد معتقد است که از دوران قبل از شاهنشاهی پارس سند مکتوبی باقی مانده است، اما در تاریخ شفاهی و فرهنگ ایرانیان آب‌های جنوبی را دریای جام، دریای ایران، و دریای پارس نامیده‌اند.

آتاوا، ۲۷ ژوئیه سال ۲۰۲۳
عالیجناب آنتونیو گوترش
دبیر کل سازمان ملل متحد
نیویورک، شماره ۱۰۱۷

موضوع: بخش کنترل تحریریه سازمان ملل می‌گوید: «باید دقت شود که به درستی از واژه خلیج فارس در همه اسناد و مدارک استفاده شود»

عالیجناب گوترش

من، محمود مسائلی، استاد بازنشسته حقوق و روابط بین‌الملل، از تلاش‌های شما برای ارتقای هنجارهای بین‌المللی

نام صحیح خلیج فارس توسط سازمان‌های بین‌المللی نیز استفاده شده است. بخش امور اقیانوس‌ها و حقوق دریاها، دفتر امور حقوقی، دبیرخانه سازمان ملل متحد، بطور رسمی از نام خلیج فارس استفاده می‌کند: «کشورهای خلیج فارس»: بحرین، ایران، عراق، کویت، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی همگی کشورهای ساحلی هستند که در جنوب خلیج فارس قرار دارند. [۹]

گروه کارشناسی این اسناد متقن مربوط به خلیج فارس و نام رسمی آبراه موجود در ضلع جنوبی ایران را بیشتر تعمیم می‌دهد. این گروه همچنین توجه همه کشورها را به دستورات عمل‌های دیگر سازمان ملل توصیه می‌کند. [۱۰]

این گروه اصرار دارد که نادیده گرفتن پیشنهاد فارسی برای خلیج فارس یک طرح با انگیزه سیاسی توسط کشورهای واقع در جنوب خلیج فارس است. این انگیزه‌ای است برای تغییر عمده نام خلیج فارس و ماهیتی سیاسی دارد.

عالیجناب دبیرکل

همه اعضای سازمان ملل متحد باید از اهداف مندرج در منشور از جمله توسعه روابط دوستانه و با حسن نیت، پیروی کنند. از آنجا که چنین تعهدی از سوی اعضای سازمان ملل متحد مبتنی بر وظیفه‌ای عمیق‌تر برای احترام به تمامیت ارضی کشورهای عضو است، از شما می‌خواهم به بخش کنترل تحریریه سازمان ملل دستور دهید تا یکبار دیگر سندی قانونی مبنی بر استفاده از واژه فارسی برای خلیج فارس صادر کند. بر اساس حقوق بین‌الملل هیچگونه انحرافی از این هنجار قانونی تعیین شده مجاز نیست.

ارادتمند شما،

دکتر محمود مسائلی

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[۱] Subject: USE OF THE TERM "PERSIAN GULF". The purpose of the present addendum is to urge that care be taken to ensure the appropriate use of this term in documents, publications and statements prepared by the Secretariat. The full term "Persian Gulf" should be used in every case instead of the shorter term "Gulf", including in repetitions of the term after its initial use in a text. ST/CS/SER.A/24/ADD.2., August 18, 1994

[۲] Conclusion 2. Definition of a peremptory norm of general international law (jus cogens): A peremptory norm of general international law (jus cogens) is a norm accepted and recognized by the international community of States as a whole as a norm from which no derogation is permitted and which can be modified only by a subsequent norm of general international law having the same character. Report of the UN Legal Office

[۳] Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts, International Law Commission, 2001

۲. نقشه جدید امپراتوری ایران توسط داویدل در سال ۱۷۹۴ تهیه شده است.
۳. نقشه ایران برای اطلس جدید توسط تامسون در سال ۱۸۱۸ تهیه شده است.
۴. نقشه پرشیا تهیه شده توسط اورمه، براون لانگمن، ریس در سال ۱۸۲۸
۵. نقشه ایران به همراه بخشی از امپراتوری عثمانی تهیه شده توسط G.long در سال ۱۸۳۱
۶. نقشه آسیای مرکزی، تهیه شده توسط الکس برنز در سال ۱۸۳۴
۷. نقشه پرشیا (۱۸۴۰) برای اطلس بلک تهیه شده است.
۸. نقشه پرشیا برای Atlas B در سال ۱۸۸۴ تهیه شده است.
۹. نقشه Persia & Cabool تهیه شده توسط A. K. جانستون در سال ۱۸۴۴
۱۰. نقشه ایران، کابل ... تهیه شده توسط J. Arrowsmith در سال ۱۸۷۳
۱۱. نقشه ایران و افغانستان تهیه شده توسط A. C. Block در سال ۱۸۵۴
۱۲. نقشه ایران منتشر شده در سال ۱۸۸۶ (این نقشه به دستور وزارت دریانوردی و خدمات اطلاعات وزارت جنگ انگلستان تهیه شده است).
۱۳. نقشه ایران توسط کاپیتان سنت جان به دستور معاون وزیر در امور هند، کابینه انگلستان در سال ۱۸۷۶ تهیه شده است.
۱۴. نقشه ایران توسط بخش اطلاعات وزارت جنگ انگلیس در سال ۱۸۹۱ تهیه شده است.
۱۵. نقشه ایران، افغانستان و بلوچستان که زیر نظر کرزن در سال‌های ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲ منتشر شده است.

- [۴] Supra note 1
- [۵] Charter, article 2 (2): All Members, in order to ensure to all of them the rights and benefits resulting from membership, shall fulfill in good faith the obligations assumed by them in accordance with the present Charter.
- [۶] Working Paper, No. 61
- [۷] Ibid
- [۸] Article six: The friendly Arabs, if they choose, shall send an Envoy to the British Residency in the Persian Gulf with the necessary accompaniments... see: Qatar Digital Library. File 2902/1916 "Treaties and Engagements between the British Government and the Chiefs of the Arabian Coast of the Persian Gulf" [۱۳۱r] (272/448)
- [۹] The Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea (DOALOS), Office of Legal Affairs, United Nations Secretariat
- [۱۰] Note No. LA45.82 dated Aug. 10, 1984 (New York)
- Circular No. CAB/1/87/63 dated 16.02.1987 of Managing Director of UNESCO
- ST/CSSER/29 dated Jan. 10, 1990
- AD/311/1/GEN dated March 5, 1991
- ST/CS/SER.A/29/Add.1 dated Jan. 24, 1992
- ST/CS/SER.A/29/Add.2 dated Aug. 18, 1994
- ST/CS/SER.A/29/Rev.1 dated May 14, 1999

→ ایران را از صفحه عربستان جدا می‌کند، حداقل از ۲۲۰۰ سال پیش از هویت ایرانی برخوردار بوده است. [۶]

گروه کارشناسان یادآوری می‌کنند که پژوهشگرانی که در مورد نام خلیج فارس تحقیق کرده‌اند، به اتفاق نظر رسیدند که خلیج فارس نام واقعی این آبراهه مهم واقع شده در جنوب ایران است. در طول تمام قرون و حداقل در طول ۲۵۰۰ سال گذشته، یعنی تا زمان امپراتوری قدرتمند پارس، در خاورمیانه چنین اتفاق نظری در باره نام خلیج فارس در میان نویسندگان و مورخان و تاکید آنها بر این نام در طول تاریخ دیده نشده است.

در ادامه گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد معتقد است که از دوران قبل از شاهنشاهی پارس سند مکتوبی باقی نمانده است، اما در تاریخ شفاهی و فرهنگ ایرانیان آب‌های جنوبی را دریای جام، دریای ایران، و دریای پارس نامیده‌اند. به این ترتیب، این گروه به اسناد تاریخی استناد می‌کند که همگی نام فارسی خلیج فارس را مشخص می‌کنند:

در سفرنامه فیثاغورث، فصول متعددی مربوط به شرح سفرهای وی به همراهی داریوش، پادشاه هخامنشی، به شوش و تخت جمشید و این منطقه شرح داده شده است. از میان نوشته‌های دیگران در همین دوره، کتیبه و حکاکی داریوش بزرگ وجود دارد که در محل تلاقی آب‌های خلیج عرب (دریای احمر) و رود نیل و رود روم (مدیترانه کنونی) نصب شده است که متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد است که داریوش، پادشاه پارس، کانال آبی (جنوب ایران امروز) را «پارس» نامگذاری کرده است. از دیگر آثار مهمی که در این زمینه نوشته شده، می‌توان نقشه جهان هکاتائوس (۴۷۲ تا ۵۰۹ قبل از میلاد) را بیان کرد که در آن خلیج فارس و خلیج عرب (دریای سرخ) به وضوح نشان داده شده است. همچنین نقشه‌ای از هرودوت مورخ بزرگ یونان (۴۸۲-۴۲۵ قبل از میلاد) باقی مانده است که دریای سرخ را خلیج عربی معرفی می‌کند. [۷]

این گروه از کارشناسان نام «پارس» برای خلیج فارس را در یک سلسله موافقتنامه‌های بین‌المللی نیز ذکر می‌کنند: موافقتنامه‌هایی که همگی طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، منابع اصلی حقوق بین‌الملل هستند:

۱. قرارداد عمومی با امیران عرب در ۸ ژانویه سال ۱۸۲۰، بین شیوخ امارات در خلیج فارس، که به امضای ژنرال قاهره و ۱۱ رؤسای قبایل عرب به امضا رسید. در متون عربی کلمه الخلیج الفارسی [تاکید از نویسنده] به کار رفته است. [۸]
۲. قرارداد سال ۱۹۴۷ در مورد ممنوعیت خرید و فروش برده

۳. قرارداد دائمی صلح در سال ۱۸۵۳

۴. معاهده سال ۱۸۵۶ در مورد تجارت برده

۵. قرارداد استقلال کویت (این سند در ۱۹ ژوئن سال ۱۹۶۱ در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است).
۶. معاهده تعیین خطوط مرزی عراق و کویت در سال ۱۹۹۶

همچنین در قراردادهای سیاسی و حقوقی و اقتصادی منعقد شده بین امارات و سایر کشورها در سال‌های ۱۸۰۶ تا ۱۹۷۱ از واژه «بحر فارس» یا «خلیج فارس» استفاده شده است.

این گروه تخصصی با استناد به نقشه‌هایی که توسط بریتانیا در طول دوره گسترش در این منطقه در قرن ۱۸ و ۱۹ تهیه شده است، بر نام پارس برای خلیج فارس تاکید می‌کنند:

۱. امپراتوری ایران که توسط D'Avnille در سال ۱۷۷۰ تهیه شد.

انتشار متن کامل لایحه حجاب و عفاف؛ تشدید برخوردهای میدانی و قضایی، افزایش تفکیک جنسیتی و امنیتی کردن فضای جامعه



● [و] ازدواج دیر هنگام» ممنوع است. هر چند پیشتر ستاد امر به معروف و نهی از منکر و پلیس گشت ارشاد زیرمجموعه پلیس امنیت مسئول اصلی برخورد میدانی با زنان «بدحجاب» شناخته می‌شد اما در این لایحه چند نهاد امنیتی و تبلیغاتی نیز مسئول برخورد میدانی با زنان شده‌اند. وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه (ساس)، سازمان اطلاعات فراجا، در کنار فرماندهی انتظامی، بسیج و ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مجاز به برخورد میدانی با زنان شده‌اند.

از سوی دیگر فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ملکف به «ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی مرتکبین رفتارهای خلاف قانون با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار» شده است.

همچنین در فصل سوم از صداوسیما جمهوری اسلامی خواسته شده برنامه‌هایی به منظور تحقق اهداف این لایحه تهیه کند، از دعوت و انعقاد قرارداد با هنرمندانی که «سبک زندگی آنها مغایر فرهنگ حجاب و عفاف است» خودداری کند، و از تولید و پخش صوت و تصویر مروج «فساد، برهنگی، بی‌حجابی، و بی‌عفتی» جلوگیری نماید.

در ماده ۵۰ این لایحه تأکید شده است که «هر شخصی در انتظار یا اماکن عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی نماید یا با پوششی ظاهر شود که عرفاً برهنگی محسوب می‌شود»، بلافاصله توسط ضابطان «بازداشت» و به مرجع قضائی تحویل می‌شود.

اجرائی، تکالیف اختصاصی دستگاه‌های اجرائی، وظایف عمومی و مسئولیت اجتماعی، و جرایم و تخلفات است.

متن کامل این لایحه روز پنجشنبه پنجم مرداد ۱۴۰۲ در رسانه‌های داخلی منتشر شد که نشان از تشدید مجازات‌ها و فشارهای اجتماعی و قانونی به زنان برای رعایت حجاب تحمیلی و افزایش تفکیک جنسیتی در کشور دارد.

بر اساس متن کامل لایحه حجاب و عفاف مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، نیروی انتظامی، بسیج و دیگر ارگان‌ها ملزم به برخورد با بی‌حجاب‌ها شدند. همچنین برای مردانی که لباس بدن‌نما می‌پوشند جریمه در نظر گرفته شده است.

همچنین از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، جزای نقدی و جریمه‌های حاصل از کشفیات واردات غیرقانونی پوشاک و لوازم آرایشی ۱۰ درصد افزایش می‌یابد. مبالغ حاصل از افزایش فوق به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب بودجه سنواتی، ۵۰ درصد آن به وزارت صنعت و معدن و تجارت جهت انجام وظایف مندرج در این قانون و ۵۰ درصد دیگر جهت حمایت از طراحان و انجام مأموریت‌ها به کارگروه ساماندهی مد و لباس تخصیص می‌یابد.

از سوی دیگر دولت موظف است هر ساله در بودجه‌های سنواتی منابع لازم برای اجرای این قانون را پیش‌بینی نماید. در فصل نخست این لایحه و در بخش کلیات آمده که هر رفتار مروج «برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی...

● وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه (ساس)، سازمان اطلاعات فراجا، در کنار فرماندهی انتظامی، بسیج و ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مجاز به برخورد میدانی با زنان شده‌اند.

● «حبس بیش از پنج تا ده سال» و «جزای نقدی تا ۳۶ میلیون تومان» از جمله مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنانی است که پوشش اختیاری دارند.

● این لایحه مسیر را برای فعالیت بیشتر و رسمی‌تر سرکوبگران «آتش به اختیار» هموار کرده است.

لایحه حجاب و عفاف تدوین شده در قوه قضاییه از سوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. همزمان متن کامل این لایحه نیز منتشر شده که نشان از تشدید برخوردهای میدانی با زنان و حتی مردان به بهانه پوشش و مجازات آنها، و افزایش تفکیک جنسیتی در همه اماکن عمومی و حتی بیمارستان‌ها دارد.

لایحه عفاف و حجاب با عنوان کامل «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» بهار امسال از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت برای تصویب نهایی و قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی ارجاع شد.

این لایحه به تازگی در ۷۰ ماده و ۵ فصل در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. پنج فصل این لایحه شامل کلیات، وظایف عمومی دستگاه‌های

هستند» نیز به وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی سپرده شده است.

این لایحه همچنین مسیر برای فعالیت بیشتر سرکوبگران «آتش به اختیار» را هموار کرده است. بر اساس این لایحه ستاد امر به معروف و نهی از منکر موظف شده «گروه‌های مردمی در حوزه عفاف و حجاب» راه‌اندازی کند و برای «مجریان فریضه امر به معروف و نهی از منکر» مجوزهای لازم را صادر کند. سازمان بسیج هم‌مأمور شده تا با «آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر لسانی به بسیجیان» در فضای حقیقی و مجازی با افراد بدون حجاب برخورد کند.

تفکیک جنسیتی نیز بخش دیگری از مواد این لایحه است که حتی به بیمارستان‌ها هم گسترش یافته است. در بخشی از لایحه آمده که طراحی چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به وزارت بهداشت باید بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد ساخته شود.

همچنین وزارت بهداشت باید «محیط اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی» به زنان ایجاد کند و این تفکیک جنسیتی «به جز در موارد استثنا که حضور نامحرم در آنها ناگزیر است» باید اعمال شود.

شهرداری‌ها هم موظف شدند به «افزایش وسایل حمل‌ونقل عمومی شهری ویژه بانوان» و «ممانعت از ورود آقایان به بخش اختصاصی بانوان» اقدام کنند.

شهرداری‌ها و دهیاری‌های همچنین باید ۱۰ درصد «تابلوه‌های تبلیغاتی فرهنگی خود را به امر ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده محور و فرهنگ عفاف و حجاب» تخصیص دهند و «غرفه‌های سبک زندگی اسلامی خانواده محور و فرهنگ عفاف و حجاب در مترو، بوستان‌ها و مراکز خرید وابسته شهرداری‌ها و دهیاری‌ها» راه‌اندازی کنند.

وزارتخانه‌ها نیز در فعالیت تخصصی خود باید دستورات قوه قضاییه را رعایت کنند. برای نمونه وزارت امور اقتصاد و دارایی باید واردات «البسه ممنوعه و مجسمه‌ها، عروسک‌ها، مانکن‌ها و تابلوها و محصولات مروج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی نظیر نقاشی، فرش از مبادی گمرکی، مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی» را ممنوع کند. همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی باید اولویت صدور مجوزهای کسب و کار خانگی را «حجاب» قرار داده و وام بانکی برای این کسب‌وکارها را «موسسات مروج حجاب» اختصاص دهد.

براساس ماده ۲۲ نیز وزارت صمت باید «بطور مستمر و مؤثر بر عملکرد واحدهای تولیدی پوشاک به‌ویژه در مرحله طراحی و تولید» نظارت کرده و «با اصناف خاکی و ترویج کننده پوشاک فاقد شاخص‌های حجاب» برخورد کند.

وزارت راه و شهرسازی هم باید اقدام به «برنامه‌ریزی، طراحی و اقدام برای ایجاد محیط و زیرساخت‌های لازم به‌منظور احداث و گسترش فضاهای مناسب سازی شده برای بانوان» کرده و «فضای باز بدون اشراف برای خانه‌ها» تأمین کند.

وزارت میراث فرهنگی و گردشگری نیز موظف به «اعمال الگوهای اسلامی» در برگزاری همه‌انواع گشت‌های سیاحتی شده و صلاحیت مدیران و شاغلان در مراکز تحت پوشش وزارت اعم از مدیران، متصدیان و شاغلین دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری، مراکز اقامتی و پذیرایی و راهنمایان گردشگران را به لحاظ حجاب و سبک زندگی اسلامی توسط حراست و با همکاری فرماندهی انتظامی مورد نظارت قرار دهد.

اسلامی» محکوم خواهد شد. همچنین «سفارش کار یا سفارش تبلیغات به اشخاص حقیقی یا حقوقی که در داخل یا خارج از کشور در فضای مجازی یا رسانه‌های فعال بوده و فعالیت آنها نوعاً ترویج بی‌حجابی باشد» ممنوع اعلام شده است.

برای سلبریتی‌ها مجازات ویژه‌ای در نظر گرفته شده و آمده که افرادی که دارای «شهرت یا تأثیرگذاری اجتماعی» هستند اگر پوشش اختیاری در فضای واقعی یا مجازی داشته باشند و حجاب اجباری را رعایت نکنند «علاوه بر محکومیت به مجازات مقرر درخصوص جرم ارتكابی، به جزای نقدی درجه دو یا ده درصد از کل دارایی، محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای به مدت شش ماه تا پنج سال، و ممنوعیت خروج از کشور به مدت دو سال، ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال، و حذف محتوای سابق» محکوم می‌شوند.

جدا از مجازات‌هایی که از سوی دادگاه برای افرادی که پوشش اختیاری دارند در نظر گرفته شده، پلیس راهنمایی و رانندگی نیز مکلف شده برای وسایل نقلیه که راننده آنها افراد «بی‌حجاب» یا «بدحجاب» باشند یا فرد «بدحجاب» یا «بی‌حجاب» را سوار کرده باشند، ۵۰۰ هزار تومان جریمه صادر کند. این جریمه افزون بر مجازات‌های پیشتر اعلام شده برای افراد دارای پوشش اختیاری است.

این لایحه حتی در قوانین کمیته انضباطی دانشگاه‌ها و قوانین مدارس هم دخالت کرده است بطوریکه بر اساس آن، محصلین و دانشجویان مراکز آموزشی که «در داخل مراکز مرتکب بدپوششی یا کشف حجاب یا عدم رعایت حجاب شرعی» شوند برای سه بار تعدد یا تکرار، کمیته انضباطی مرکز آموزشی صالح به رسیدگی هستند اما بار چهارم باید توسط کمیته انضباطی یا حراست مرکز آموزشی به فراجا تحویل شوند.

اصناف مختلف نیز از تبرس قوانین تدوین شده از سوی قوه قضاییه دور نبودند و برای آنها نیز مجازات‌هایی در رابطه با پوشش تعیین شده است. ماده ۴۱ این لایحه تأکید کرده که «صاحبان حرف، مشاغل و کسب و کارهای مجازی و غیرمجازی در صورتی که در محل کسب یا حرفه یا شغل، به هر ترتیب بی‌حجابی» ترویج شود «در مرتبه اول به جزای نقدی درجه سه یا پرداخت سه ماه سود ناشی از درآمد آن شغل و به تشخیص قاضی ممنوعیت از خروج از کشور شش ماه تا دو سال» محکوم می‌شوند.

همچنین در این لایحه آمده که مسیرها و محلهای گردشگری نیز به عنوان «محل کسب و کار مسئولان یا متصدیان یا صاحبان گروه‌ها و توره‌های گردشگری اعم از رسمی یا غیر رسمی» محسوب می‌شود و در صورت «بی‌حجابی در این مسیرها برای این متصدیان مجازات تعیین می‌شود».

این لایحه تلاش کرده فضای جامعه را به بهانه «حجاب و عفاف» به شدت امنیتی کند و همه امور شهروندان در اماکن و گذرگاه‌های عمومی را زیر رصد قرار دهد؛ اقدامی که به نظر می‌رسد بیش از دغدغه حجاب اسلامی، به دلیل هراس از اعتراضات و تظاهرات و تجمعات بوده است.

در همین رابطه می‌توان به ماده ۲۶ اشاره کرد که تأکید کرده وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی باید با رصد اطلاعاتی از «گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی» جلوگیری کنند.

«شناسایی اشخاصی که با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا به صورت سازمان یافته در ترویج فرهنگ بی‌حجابی یا بدپوششی فعال

→ ماده ۴۹ این لایحه «هرکس در انظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود. ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال از دیگر مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنان در این لایحه است.

در بخشی از لایحه آمده که ارتکاب به بی‌حجابی هر فرد اگر «با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند و یا به‌صورت سازمان یافته» باشد، با مجازات «حبس و جزای نقدی درجه چهار» روبرو و اگر «اغفال شده باشد» مجازات او تا سه درجه تخفیف دارد.

در تبصره یک این ماده آمده است که «بدپوششی در مورد زنان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما و تنگ» یا «لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن یا بالاتر از مچ پا یا بالاتر از ساعد دست‌ها» دیده شود.

تبصره ۲ این ماده نیز «بدپوششی در مورد مردان» را تعیین کرده و افزوده است: «بدپوششی در مورد مردان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از سینه یا بالاتر از ساق پا یا سرشانه فرد» دیده شود.

حبس و جریمه درجه چهار شامل «حبس بیش از پنج تا ده سال» و «جزای نقدی تا ۳۶ میلیون تومان» از جمله مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنانی است که حجاب تحمیلی و اجباری جمهوری اسلامی را رعایت نکرده و دارای پوشش اختیاری باشند.

در بخش دیگری از این لایحه شیوه «گزینش» ادارات برای امور استخدامی یا سختگیری‌هایی شبیه سالیهای نخست پس از انقلاب ۵۷ روبرو شده است. در این لایحه اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌های بدو گزینش در دوره سنوات خدمتی و رعایت حجاب برای کلیه معلمان، دانشجو معلمان، و کارکنان اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی الزامی شده است.

در فصل چهارم لایحه نیز بار دیگر «التزام عملی به عفاف و حجاب شرط جذب، به کارگیری، استخدام، ارتقا، ترفیع، رتبه‌بندی، انتصابات و برخورداری از امتیازات استخدامی در دستگاه‌های اجرایی» مورد تأکید قرار گرفته است.

«راه اندازی و گسترش دانشگاه‌ها و پردیس‌های دانشگاهی مختص بانوان» و «تجلیل و تشویق ورزشکاران مروج فرهنگ عفاف و حجاب» نیز در این لایحه مورد تأکید قرار گرفته است.

در این لایحه همچنین برای «توهین به حجاب» نیز مجازات در نظر گرفته شده و در ماده ۳۹ آمده که «هر شخص در فضای مجازی یا غیر مجازی به اصل حجاب توهین کند یا برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج کند یا هر رفتاری انجام دهد که نوعاً ترویج آنها محسوب شود، در مرتبه اول به جزای نقدی درجه چهار و به تشخیص مقام قضائی ممنوعیت از خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال» محکوم می‌شود. در ادامه تأکید شده که «تکرار» این اقدامات سبب «تشدید مجازات» خواهد شد.

بخش دیگری از این لایحه در تلاش بوده تا برای زنان محجبه مصونیت ایجاد کند و تأکید کرده که «هر شخصی در اماکن عمومی یا معابر متعرض بانوان محجبه شود، توسط ضابطان عام و خاص قوه قضائیه بازداشت و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۶۱۹ قانون مجازات

درگذشت ستاره فیلم «توفان زندگی»، اولین فیلم ناطقی که در داخل ایران ساخته شد

لندن بود. مجموعه‌ای بازسازی شده از تصاویر زنان هنرمند معاصر ایران- که اغلب آنها را بازیگران و خوانندگان پیش از انقلاب اسلامی تشکیل می‌دادند. انعکاس این نمایشگاه در بخش هنری روزنامه «گاردین» توانست توجه میلیون‌ها خواننده این نشریه معتبر جهانی را به زنان هنرمند ایران و زنانی که چون زینت مؤدب به خاطر فعالیت در زمینه‌های هنری در زمان خود، یاغی و عصیانگر محسوب می‌شدند جلب کند. آنهم در روزهای اوج جنبش انقلابی «زن، زندگی آزادی» و زمانی که زنان و دختران ایران به دنبال هویتی گمشده، با فریاد آزادیخواهی خود، نه تنها ایران و پایه‌های یک رژیم مستبد را به لرزه درآوردند، بلکه فصل تازه‌ای از جنبش‌های فمینیستی جهان را برای حقوق زنان رقم زدند. زینت مؤدب در سال ۱۳۰۱ در لاهیجان در یک خانواده اشرافی به دنیا آمد. پدرش رضاخان مودب السلطنه مظفری، معلم سرخانه احمدشاه بود که در زمان رضاشاه به نیابت حکومت رشت منصوب شد. مادرش بی‌بی خانم، مالک چند شالیزار بود که درآمد آن از معاملات برنج و ابریشم تامین می‌شد و یکی از دفعاتی که برای عرض حال یا (شکایتی) به رشت رفته بود، نایب حکومت رشت از او خواستگاری و با او ازدواج می‌کند.

زینت پنج ساله بود که پدرش درگذشت و مادرش که زنی سختگیر، مذهبی و بیش از اندازه محافظه‌کار بود در ۱۴ سالگی او را بطور غیابی به عقد یکی از بستگان دور خانواده- مهندسی در شرکت نفت- درآورد و به آبادان



زینت مؤدب و همسرش پرویز خطیبی

در رادیو ایران با نام مستعار «آرزو» در برنامه «فرهنگ مردم» در اجرای ترانه‌های ریتمیک و فولکلوریک که از گوشه و کنار کشور جمع‌آوری می‌شد همکاری داشت. او از بازیگران نمایشنامه‌های جدی رادیو و از بازیگران همیشگی

● زینت مؤدب ستاره اولین فیلم ناطقی که با عنوان «توفان زندگی» در داخل ایران ساخته شد، روز چهارشنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۳ در سن ۱۰۰ سالگی در لس آنجلس درگذشت.

● زینت مؤدب (خطیبی) هنرمندی چندوجهی بود که در طول چهار دهه فعالیت‌های هنری در ایران و آمریکا در زمینه‌های مختلف از جمله سینما، تئاتر، صدایشکی و گویندگی رادیو، علاوه بر بازی در چند فیلم سینمایی، از پیشکسوتان دوبلاژ فیلم در ایران نیز محسوب می‌شود.

اولین فیلم ناطق ایرانی «دختر لر» به کارگردانی اردشیر ایرانی و ستاره آن، روح‌انگیز سامی‌نژاد بود که در هند ساخته شد و داستان آن در لرستان اتفاق می‌افتد. عبدالحسین سپنتا بازیگر و نویسنده فیلمنامه هم که تحصیلات عالی‌ه را در هند تکمیل کرده بود امکانات نمایش آن را در سال ۱۳۱۲ در ایران فراهم آورد و اکران آن با موفقیت مدت‌ها ادامه پیدا کرد.

اما ستاره اولین فیلم ناطقی که با عنوان «توفان زندگی» در داخل ایران ساخته شد، زینت مؤدب بود که روز چهارشنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۳ در سن ۱۰۰ سالگی در لس آنجلس درگذشت.

فیلم «توفان زندگی» به کارگردانی علی دریابیگی اولین محصول سینمایی «میترا فیلم» بود که دکتر اسماعیل کوشان در اوایل سال ۱۳۲۵ پس از تحصیل در رشته اقتصاد در



زینت مؤدب، بهروز وثوقی، پرویز خطیبی

فرستاد. او سه سال بعد توانست با وجود همه دشواری‌هایی که برای زنان آن دوران وجود داشت از شوهرش جدا شده و به همراه دختر نوزادش (نسرین) به تهران رفته و در وزارت کشور به عنوان ماشین‌نویس استخدام شود.

هرچند کار اداری از خانه‌نشینی که گریبان اکثر زنان و دختران آن دوران را گرفته بود بهتر به نظر می‌رسید اما روح زینت جوان به سوی مسیری پرپروازتر و افق‌های گسترده‌تر گرایش داشت. کار در یک موسسه دولتی از نظر او چیزی جز وقت‌گذرانی بی‌هوده در یک محیط کسالت‌آور نبود. به همین جهت هم اغلب اوقات بیکاری را ←

نمایش‌های رادیویی از جمله «ارادتمند، جانی دالر»- نمایش جنایی و یکی از پرشونده‌ترین برنامه‌های رادیویی آن زمان- بود. در زمینه دوبلاژ فیلم در دهه ۱۳۴۰ و دوران طلایی دوبله در ایران، او در نقش‌های سینمایی و تلویزیونی بجای بازیگران گوناگون از جمله باربارا ایدن در سریال «دختر شاه پریان» و منشی پری میسون در سریال تلویزیونی به همین نام صحبت می‌کرد.

سال گذشته نقاشی از چهره سینمایی این هنرمند زینت‌بخش پوستر نمایشگاه «زنان یاغی و عصیانگر ایرانی» مجموعه‌ای از نقاشی‌های سهیلا سخنوری در مرکز باریک‌ن



پرویز خطیبی، زینت مؤدب، دلکش

آلمان، دوبله دو فیلم به زبان فارسی در ترکیه و خرید وسایل فیلمبرداری از فروشندگان آمریکایی در مصر پایه‌گذاری کرد و نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۲۶ با تهیه دو فیلم «توفان زندگی» و «زندانی امیر» به نام سرشناس سینمای ایران تبدیل شد. زینت مؤدب در هر دو فیلم نقش اول را بر عهده داشت.

زینت مؤدب (خطیبی) هنرمندی چندوجهی بود که در طول چهار دهه فعالیت‌های هنری در ایران و آمریکا در زمینه‌های مختلف از جمله سینما، تئاتر، صدایشکی و گویندگی رادیو، علاوه بر بازی در چند فیلم سینمایی، از پیشکسوتان دوبلاژ فیلم در ایران نیز محسوب می‌شود. او بیش از ۱۷ سال

➔ در «اسکیتینگ رینگ» (زمین اسکیت) تهران یا در سینماهای لاله‌زار به تماشای فیلم‌های هالیوود و بازیگران محبوب آن دوران می‌گذرانند.

در همین روزها بود که نظام وفا شاعر و نویسنده معروف آن دوران به او پیشنهاد شرکت در یک فیلم سینمایی را داد و زینت بلافاصله قبول کرد و با وجود مخالفت برادرانش، با نظام وفا به دیدار اسماعیل کوشان کارگردان و تهیه‌کننده سینما رفت که به تازگی از اروپا به ایران بازگشته بود تا استودیوی «میترا فیلم» را برای ساختن محصولات سینمایی ایران در داخل کشور پایه‌گذاری کند.

زینت مؤدب در سال ۱۳۲۷ علاوه بر بازی در دو فیلم اول استودیوی «میترا فیلم»، در همین استودیو به عنوان اولین زن تدوینگر ایران به کار مونتاژ فیلم نیز پرداخت. اما بعدها با سوخته شدن تنها نسخه‌های موجود از این دو فیلم در آتش‌سوزی استودیو «میترا فیلم»، نام این نخستین ستاره زن فیلم‌های ایرانی هم کم کم به دست فراموشی سپرده شد. زینت مؤدب در سال ۱۳۲۸ و زمانی که اسماعیل کوشان از پرویز خطیبی - نویسنده نمایشنامه‌ها و پیش‌برده‌های فکاهی - انتقادی موفق در تئاترهای لاله‌زار آن زمان دعوت کرد تا اولین فیلم کمدی سینمای ایران - «وارپته بهاری» - را با شرکت عزت‌الله انتظامی و ناصر ملک مطیعی نوشته و کارگردانی کند. در استودیوی «میترا فیلم» با خطیبی آشنا شد و پس از ازدواج فعالیت‌های خودش را محدود به بازی در فیلم‌های همسرش، گویندگی در رادیو و دوبله فیلم‌های خارجی کرد.

او در اوایل دهه ۱۳۴۰ به استخدام رادیو ایران درآمد و به مدت ۱۷ سال تا پیش از مهاجرت به آمریکا، با نام مستعار «آرزو» یکی از پرکارترین گویندگان و بازیگران نمایشنامه‌های رادیویی به شمار می‌رفت. او نخستین زن گوینده برنامه تابستانی رادیو ایران به نام «رادیو دریا» و همچنین مجری برنامه «راه شب» رادیو بود و برای اجراهای خوب در برنامه «فرهنگ مردم» دو جایزه دریافت کرد.

زینت خطیبی بعد از مهاجرت به آمریکا در سال ۱۹۷۴، موقتاً دست از کارهای هنری کشید اما بعد از وقوع انقلاب اسلامی به همراه پرویز خطیبی که روزنامه طنز سیاسی «حاجی بابا در تبعید» را منتشر می‌ساخت، نخستین رادیو فارسی‌زبان شهر نیویورک - «رادیو ایران» را در سال ۱۹۸۰ پایه‌گذاری کردند. این رادیو علاوه بر تفسیر اخبار روز ایران و گفتگو با هنرمندان تبعیدی، از طریق اجرای آثار طنز سیاسی و انتقادی از رژیم نوپای اسلامی یکی از نخستین معترضان علنی به عملکردهای حکومت بود. بعدها زینت خطیبی که در اجرای آثار ریتمیک تخصص خاصی داشت، با اجرای قطعات طنز سیاسی همسرش پرویز خطیبی در تهیه و انتشار نوارهای صوتی (کاست) از جمله «ملا خورون»، «آخوندک‌شون» و «خلیفه چهارون» و بعدها ایفای نقش و صدایشگی در ویدئوی «سه ملا» یکبار دیگر در مقابل دوربین فیلمبرداری گرفت تا در اوج قدرت‌نمایی حکومت اسلامی، دست به انتقاد از آن بزند.

زینت خطیبی به عنوان نمونه بارزی از زنان و مادران شجاع، مبارز و نیرومند ایرانی، ضمن ایستادگی در مقابل موانع بی‌شماری که مهاجرت و تبعید به همراه داشت توانست در طول دوران فعالیت‌های هنری پرویز خطیبی در آمریکا و تا زمان درگذشت این نویسنده در اول اوت ۱۹۹۳، به عنوان صدابیشه، بازیگر، دستیار کارگردان، طراح صحنه، طراح لباس و خواننده ترانه‌های ریتمیک فکاهی - سیاسی در اجراهای نمایشنامه‌های موفق چون «حاجی مارمولک» و «عروسی ایران خانم» با او همکاری کرده و به عنوان یک هنرمند متعهد با افتخار به زندگی هنری خود ادامه بدهد.

مدرسه «هدف» لندن؛ امکانات و فرصت‌ها و مشکلات

● **مدرسه «هدف»** در سال ۲۰۰۸ با همکاری سه آموزگار با تجربه به وجود آمد و اکنون مدت‌هاست که با دو شعبه در پایتخت بریتانیا با بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز در روزهای شنبه به آموزش زبان فارسی می‌پردازد.

● **یکی از مدیران مدرسه «هدف»:** ما دانش‌آموزان بسیار موفقی داریم که وارد آکسفورد، کمبریج و یوسی ال شده‌اند. می‌خواهیم سال آینده از اینها دعوت کنیم که بیایند و به والدین و بچه‌ها از زبان خودشان توضیح دهند که فراگیری زبان فارسی چه فوایدی داشته و چه کمکی به آنها کرده است تا دانش‌آموزان جدید تشویق شوند که ادامه بدهند.

● **تعداد دانش‌آموزان «هدف» در امتحانات GCSE و A Level چقدر بود؟**
- امسال ما ۲۶ متقاضی امتحان GCSE و ۸ متقاضی امتحان A Level داشتیم.

● **آیا در سال‌های اخیر مدرسه با مشکلاتی هم روبرو بوده؟**
- خودتان می‌دانید که از سال ۲۰۱۹ پاندمی کووید ۱۹ شروع شد. مدرسه بسیار خوب پا گرفته بود که قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی این روند را مختل کرد و مجبور شدیم مدرسه را ببندیم و کاملاً بر کلاس‌های مجازی از طریق زوم و واتس‌آپ متکی شویم تا بتوانیم آموزش و کلاس‌ها را ادامه بدهیم. این مشکل بود زیرا بچه‌هایی که تمام هفته را در برابر کامپیوتر بودند آخر هفته هم باید در برابر کامپیوتر می‌نشستند! به این دلیل ریزش زیادی داشتیم.

ولی از سال ۲۰۲۱ که دوباره کلاس‌های حضوری را از سر گرفتیم، با ۷۰ نفر تنها در کلاس اول روبرو شدیم. این نشان می‌داد که خانواده‌ها هشیار هستند و می‌دانند یاد گرفتن زبان فارسی توسط فرزندان آنها مهم است. کلاس‌های مجازی در واقع برای ما مشکلاتی به وجود آورد که به هر حال گذشت. ولی همین تجربه باعث شد که ما اکنون کلاس‌های مجازی هم در کنار کلاس‌های حضوری داریم و از گوشه و کنار بریتانیا شاگردانی داریم که می‌توانند در مدرسه حضور داشته باشند اما از طریق اینترنت اقدام به یاد گرفتن زبان فارسی می‌کنند از جمله به این دلیل که چنین مدرسی در همه شهرهای بریتانیا وجود ندارد. این کلاس‌های مجازی برای GCSE و A Level هم روزهای شنبه بیشتر به صورت انفرادی و یا با تعداد کمی از دانش‌آموزان برگزار می‌شود. معلمان ما از خانه این کلاس‌ها را برگزار می‌کنند. نوع خدمات مدرسه هدف اما ترکیبی از کلاس‌های حضوری و مجازی نیست.

یکی از مشکلات بزرگ ما اجاره‌بهای بالای مدرسه است. ما کلاس‌های استاندارد با امکانات زیاد اجاره کرده‌ایم. در کلاس‌های ما یک کمک معلم همیشه حاضر است. معلمان «هدف» رشته تئیت معلم را گذرانده‌اند و در اینجا هم دوره‌های کوتاه آموزشی دیده‌اند. یعنی افراد متخصص و با تجربه در مدرسه «هدف» به آموزش دانش‌آموزان می‌پردازند. با وجود این سعی می‌کنیم که شهریه را بالا نبریم زیرا ما یک سازمان غیرانتفاعی فرهنگی و آموزشی هستیم. ضمن اینکه برای خانواده‌هایی که فرزند دوم و سوم خود را به مدرسه ما می‌فرستند تخفیف‌های ویژه در نظر گرفته‌ایم. ما همیشه آماده کمک هستیم چون می‌خواهیم که بچه‌ها زبان مادری یا پدری خود را فراموش نکنند.

● **با توجه به تجربه کلاس‌های مجازی، ترجیح و علاقه‌ی والدین و دانش‌آموزان کلاس‌های حضوری است یا مجازی؟**
- چون برای خیلی از خانواده‌ها دوست‌یابی

از سال‌ها پیش در لندن چندین «مدرسه فارسی» برای تدریس این زبان و همچنین آشنایی نسل‌هایی جدید مهاجر با تاریخ و فرهنگ ایران فعالیت می‌کنند. مدرسه «هدف» یکی از آنهاست که کیهان لندن در گفتگو با خانم مهناز فتاحی یکی از مدیران این مدرسه به مرور فعالیت‌های آن پرداخته است.

● **خانم فتاحی، لطفاً برای خوانندگان ما درباره شروع کار مدرسه هدف توضیحاتی بدهید.**

- مدرسه هدف در سال ۲۰۰۸ توسط خانم مریم امامی تاسیس شد و فعالیت خود را با همکاری نزدیک بین من و خانم‌ها فرح زمردیان و امامی شروع کرد؛ یعنی حدود پانزده سال است که فعالیت داریم. ما سه معلم بودیم که برای سال‌های طولانی تجربه و سابقه تدریس داشتیم. مدیریت مدرسه شیوهی خاص خودش را دارد و ما ترجیح دادیم که از سال ۲۰۱۰ به صورت «شرکت» و به عنوان یک مؤسسه آموزشی مستقل و غیرانتفاعی فعالیت داشته باشیم که از آن زمان این همکاری بطور صمیمانه ادامه دارد. مدرسه از طریق یک هیئت مدیره و با تقسیم کار اداره می‌شود. شعبه اصلی ما در کالج «وودهاوس» در منطقه «نورث فینچلی» واقع در شهرداری «بارنت» است و شعبه دوم مدرسه را در سال ۲۰۱۸ در منطقه «سن جانز وود» افتتاح کردیم. با شروع پاندمی کرونا هم فعالیت را به صورت مجازی ادامه دادیم و پس از آن در سال ۲۰۲۱ یعنی حدود دو سال پیش کلاس‌های حضوری را از سر گرفتیم. در حال حاضر در مجموع در دو شعبه از ۲۲۰ الی ۲۳۰ دانش‌آموز داریم. کلاس‌های ما در هر دو شعبه روزهای شنبه صبح از ساعت ۹:۳۰ الی ۱۱:۳۰ و بعد از ظهر از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ برگزار می‌شود.

به این دلیل شعبه دوم مدرسه هدف را دایر کردیم که برای بسیاری که خواهان فرستادن بچه‌های خود به مدرسه بودند، شعبه «بارنت» دور بود و آنها مشکل رفت و آمد داشتند. بیشتر با تشویق همین خانواده‌ها شعبه دوم مدرسه هدف را نزدیک به مرکز شهر افتتاح کردیم.

در ضمن ما برای کمک به دانش‌آموزانی که به تازگی به انگلستان مهاجرت کرده‌اند، کلاس‌های ریاضیات با شهریه بسیار پایین گذاشته‌ایم که یک ساعت قبل از کلاس‌های فارسی برگزار می‌شود. البته ما بطور خاص اینگونه خانواده‌ها را جذب می‌کنیم بلکه اطلاع‌رسانی شفاهی آنان را به طرف مدرسه هدف می‌کشاند. ضمن اینکه هیچوقت

توضیح دهند که فراگیری زبان فارسی چه فوایدی داشته و چه کمکی به آنها کرده است تا دانش‌آموزان جدید تشویق شوند که ادامه بدهند. گذشته از این، دانستن زبان‌های مختلف اعتماد به نفس آنها را بالا می‌برد و می‌تواند در کارهای فرهنگی مانند اجرای برنامه و بازی در تئاتر فعال شوند و یا آواز بخوانند. کسب تمام این قابلیت‌ها کمک می‌کند که آنها در مدارس انگلیسی خودشان هم مورد توجه قرار گیرند.

استقبال از روز بازدید آزاد از مدارس فارسی بد نبود ولی باید بیشتر می‌بود. والدینی آمدند و فرم هم پر کردند ولی ما بیشترین انتظار را از رسانه‌های فارسی و انگلیسی داریم که مدارس مکمل یا محل تدریس زبان‌های اجدادی را بیشتر به عموم معرفی کنند. حتی برخی از دانش‌آموزانی که خانواده‌های آنان اخیراً مهاجرت کرده‌اند در اول راه ممکن

خارجی دانش‌آموزان رسمیت دارد، اما اگر شمار متقاضیان کم بشود، زبان فارسی دیگر به عنوان زبان خارجی مدارس به رسمیت شناخته نخواهد شد. همین مشکل را ما در سال ۲۰۱۶ داشتیم که مرکز امتحان گیری OCR با توجه به کاهش متقاضیان امتحانات رسمی فارسی تصمیم به قطع برگزاری آن گرفت. ما مدارس هم کارزاری راه انداختیم و با یکدیگر همکاری کردیم که همین همکاری پایه‌های «انجمن مدارس فارسی لندن» را بنا گذاشت. طومار نوشتیم و برای نخست وزیر بردیم و خود جامعه ایرانی هم خیلی روی این موضوع حساس بود و از ما حمایت کرد تا اینکه موسسه «پیرسن» مسئولیت برگزاری امتحانات رسمی فارسی را به عهده گرفت. حالا هم تمام سعی ما آنست که تعداد شرکت کنندگان در امتحانات رسمی به تعدادی برسد که قابل توجه باشد و ما قادر باشیم ک زبان فارسی را به عنوان

بچه‌ها مهم است در مدرسه حضوری بین بچه‌ها و خانواده‌های آنها تماس برقرار می‌شود و به همین دلیل آن را ترجیح می‌دهند. همچنین با حضور در مدرسه است که بچه‌ها می‌توانند در زنگ تفریح بازی‌های جمعی مانند فوتبال بکنند و بسیار هم لذت می‌برند. خیلی از بچه‌ها دوست دارند برای همین بازی‌ها زودتر از شروع کلاس‌ها به مدرسه بیایند و بعد از پایان کلاس هم دیرتر از مدرسه خارج شوند تا با بچه‌های دیگر بازی کنند و وقت بیشتری با هم بگذرانند.

مواردی هم هست که در خانواده‌ها، یکی از والدین ایرانی نیست. در مدت برگزاری کلاس‌ها این نوع خانواده‌ها با دیگر خانواده‌های ایرانی آشنا می‌شوند و به مراد می‌پردازند.

● آیا شما از این نظر که خانواده‌هایی به زبان فارسی



است در مواردی برخی دروس را بهتر با زبان مادری بفهمند تا در مدارس خودشان به زبان انگلیسی.

زبان خارجی رسمی در این کشور نگه داریم.

● آیا در مدرسه «هدف» از شیوه‌های نوین و ابتکاری تدریس نیز استفاده می‌شود؟

-در یکسری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی که برای تدریس زبان اجدادی برگزار می‌شوند، مدرسه «هدف» همیشه شرکت فعال دارد و معلمان خودش را به این کارگاه‌ها می‌فرستد. ما خودمان به عنوان مدیران مدرسه در آنها شرکت می‌کنیم تا در جریان قرار بگیریم. همه اینها را در جلساتی با معلمان مدرسه هماهنگ می‌کنیم. یکی از برنامه‌های اخیر برنامه آرتیز Artis بود که استفاده از هنر و تئاتر در آموزش را تشویق می‌کرد و از طریق NRCSC برگزار شد و سه نفر از معلمان ما در آن شرکت کردند. ما کارهای مشابهی در کلاس‌های خودمان از طریق بازی‌های آموزشی، پانتومیم و کارهای دستی و نمایش فیلم در قسمت فارسی‌آموزی و آمادگی انجام می‌دهیم. امسال تجربه‌ای از دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر- در حدود ۱۰ الی ۱۲ سال- داشتیم. تجربه‌ی خوبی بود و نتایج مثبت داشت. ولی از آنجا که کمبود وقت داریم، یعنی فقط سه ساعت در هفته برای تدریس، دیگر برای اینگونه فعالیت‌های جانبی وقتی نمی‌ماند. ما می‌توانیم هر بار تنها ۱۰ الی ۱۵ دقیقه به اینگونه فعالیت‌ها اختصاص بدهیم.

● آیا فکر می‌کنید در حال حاضر با توجه به وضعیت موجود باید کارزاری مشابه راه‌انداخت یا اینکه مشکل هنوز بحرانی نشده؟

-خیر، من فکر می‌کنم که هنوز به مرحله‌ی بحرانی نرسیده‌ایم. ممکن است که تعداد ۸ شرکت کننده از طرف ما کم به نظر برسد ولی وقتی کل مدارس فارسی در سراسر بریتانیا و شرکت کنندگان آنها را در امتحانات رسمی در نظر بگیریم هنوز تعداد قابل قبولی است. ولی در مورد GCSE فکر می‌کنم که باید والدین و بچه‌ها را متوجه فواید فراگیری زبان فارسی کرد. در همین رابطه ما امسال یک روز بازدید آزاد از مدرسه‌ها را در ۱۷ ژوئن برگزار کردیم و با کلی اطلاعات در مورد فواید فراگیری زبان فارسی به استقبال والدین رفتیم و توضیح دادیم چطور مدرک A Level برای ورود به دانشگاه به آنها کمک می‌کند. یا اینکه بچه‌هایی که در زبان خارجی فعال نیستند GCSE به آنها کمک می‌کند که یک نمره عالی بگیرند و امکان کربایی خودشان را افزایش دهند. ما در روز بازدید روی این مسائل بیشتر متمرکز شدیم و درباره این امکانات توضیح دادیم.

ما دانش‌آموزان بسیار موفق داریم که وارد آکسفورد، کمبریج و یوسی ال شده‌اند. می‌خواهیم سال آینده از اینها دعوت کنیم که بیایند و به والدین و بچه‌ها از زبان خودشان

مسلط هستند و برخی مسلط نیستند، در کلاس‌ها تفکیک قائل می‌شوید؟

-خیلی سؤال خوبی است. ببینید، ما یک کلاس آمادگی فارسی‌آموزی داریم. بچه‌های خانواده‌های مختلط را نمی‌توانیم بنشانیم کلاس اول فارسی و خواندن و نوشتن یادشان بدهیم چون متوجه نمی‌شوند. ما یک الی دو سال کلاس‌های آمادگی برای این بچه‌ها داریم. اگر سن آنها پایین هفت سال باشد آنها را در کلاس‌های آمادگی می‌گذاریم که شامل فارسی‌آموزی، کارهای دستی و هنر است و بیشتر با بازی و تفریح و نمایش فیلم و ابتکارهای مشابه همراه است تا بچه‌ها با سرگرمی فارسی یاد بگیرند. باید بگویم که ۶۰ الی ۷۰ درصد بچه‌های کلاس آمادگی ما دوزبانه هستند. این یک الی دو سال بستگی به پیشرفت بچه‌ها و کمک خانواده‌ها دارد و اینکه چقدر بچه‌ها در محیط فارسی وقت می‌گذرانند. بعد از این دوره، به کلاس اول منتقل می‌شوند.

برای ۷ سال به بالا ما از راه‌های دیگر آنها را به سطح کلاس‌های موجود می‌رسانیم.

● آیا کم شدن تعداد دانش‌آموزان در مقطع GCSE و A Level برای مدرسه شما مشکل به وجود آورده؟

-این مشکل همه مدارس فارسی در اینجاست زیرا در حال حاضر با وجود اینکه فارسی به عنوان یکی از زبان‌های



سال گذشته نزدیک به ۲۰ هزار شهروند در حوادث رانندگی کشته شدند؛ روزانه ۵۰ تا ۶۰ نفر!

رفع خطر و معایب قرار بگیرد، ما حتی از این تعداد نیز حدود ۲۵۰ نقطه ویژه را نیز احصا کرده و این موضوع را به وزارت راه منتقل کردیم که در نهایت حدود ۶۰ نقطه از این تعداد ایمن‌سازی شد.»

جانشین پلیس راه با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۳۲۰۰ نقطه حادثه‌خیز در جاده‌ها باقی مانده است، گفته بود که «اقداماتی مانند آشکارسازی و نصب علائم هشدار دهنده در عمده این نقاط انجام شده، اما لازم است که به شکل اصولی نقاط حادثه‌خیز در جاده‌ها اصلاح شود.»

با توجه به بحران‌های مالی حکومت از دو سال و نیم پیش تا کنون، مشخص است که اگر تعداد نقاط ناایمن جاده‌ای بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است. قابل توجه اینکه سازمان ملل متحد در مهر سال ۱۴۰۰ برای کمک به ایمن‌سازی جاده‌های در ایران بودجه‌ای به مبلغ ۲۳۰ هزار و ۴۴۰ دلار به جمهوری اسلامی پرداخت.

بنا بر گزارش درج شده در وبسایت صندوق ایمنی جاده‌ها در سازمان ملل، این پروژه قرار بود با همیاری دانشگاه خوارزمی اجرا شود.

از سوی دیگر طی سال‌های گذشته جمهوری اسلامی هیچ اقدامی برای بهبود کیفیت اتومبیل‌های مونتاژ شده داخلی انجام نداده و با جلوگیری از واردات آزاد اتومبیل‌های با کیفیت خارجی، بازار ایران را برای چند شرکت داخلی به یک بازار انحصاری تبدیل کرده و تولیدکنندگان اتومبیل اجبار و انگیزه‌ای برای رقابت و ارتقاء کیفیت محصولاتشان ندارند. اتومبیل‌های مختلف پراید محصول شرکت سایپا، خطرناک ترین و بالاترین جایگاه در لیست منفی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران را دارند از جمله مدل‌های «تیبا»، «سایپا ۱۲۱»، «سایپا ۱۳۲» و وانت پراید.

گفتنی است اتومبیل‌های چینی وارد شده به ایران، مانند «لیفان ایکس ۶۰»، «ولیکس س ۳۲»، «ام وی ام ۳۱۵»، «ام وی ام ۵۳۰»، «ام وی ام ۱۱۰» و «پژو پارس» که در کشور مونتاژ می‌شوند نیز نه تنها از کیفیت چندانی برخوردار نیستند، بلکه در لیست منفی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران قرار دارند. در گروه وانت‌ها نیز «مزدا تک کابین» رکورددار نمره منفی است.

همچنین مقامات حکومتی در حالی همواره عامل انسانی در تصادفات جاده‌ای را پررنگ می‌کنند که هیچ برنامه مشخص و موثری برای آموزش و فرهنگ‌سازی برای رانندگان نیز انجام نشده است.

و تجهیزات بهتر و به‌روزتری برای بیمارستان‌ها، اورژانس و هلال احمر تهیه شود، بخش زیادی از این آمار کاهش پیدا می‌کند و تاثیر مناسبی بر کم شدن عدد مطلق جانباختگان سوانح رانندگی در کشور می‌گذارد.»

به گفته هادیانفر در طول سال‌های اخیر بسیاری از کارهای اساسی نظیر نوسازی ناوگان، تجهیزات و امکانات پلیس، «هلال احمر»، اورژانس و... صورت نگرفته و با وجود تاکیدات مکرر پلیس، توجه لازم به رفع نقاط حادثه‌خیز جاده‌ها و ارتقای ایمنی اتومبیل‌های تولید داخل انجام نشده است.

برخلاف ادعای مقامات حکومتی که همواره رانندگان را عامل تصادفات جاده‌ای معرفی می‌کنند به عقیده بسیاری از کارشناسان کیفیت نامناسب و غیراستاندارد بودن جاده‌های کشور و همچنین اتومبیل‌ها ناایمن مونتاژ ایران دو عامل مهم و محوری در بروز تصادفات جاده‌ای به ویژه تصادفات منجر به مرگ و نقص عضو و معلولیت هستند.

همین موضوع سبب شده که ایران همواره در صدر جداول کشورهایی با آمار بالای تصادف قرار بگیرد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی پزشکی قانونی از نوروز ۱۳۹۶ تا نوروز ۱۴۰۱ در مجموع ۵۵۸۲ نفر در حوادث جاده‌ای نوروزی جان خود را از دست داده‌اند. کشته شدگان در نوروز ۱۳۹۶ طبق اعلام پزشکی قانونی ۸۷۴ نفر بود که در نوروز ۱۴۰۱ به ۱۱۴۶ نفر رسید.

آمار سالانه تصادفات جاده‌ای و مرگ ناشی از تصادف نیز در ایران قابل توجه است. آمارهای حکومتی تعداد کشته‌شدگان تصادفات جاده‌ای در ایران را سالانه حدود ۱۷ هزار نفر اعلام می‌کند اما برخی کارشناسان معتقدند آمارهای واقعی بیش از این تعداد است.

همچنین بر اساس گزارشی که پژوهشکده بیمه مرکزی ایران در سال‌های قبل منتشر کرده بود، در میان ۱۹۰ کشور جهان، ایران پس از کشور آفریقای سیرالئون، بالاترین نرخ مرگ‌ومیر را در جاده‌ها داشته است.

دو سال و نیم پیش سرهنگ ایوب شرافتی جانشین پلیس راه کشور درباره تعداد نقاط ناایمن در جاده‌های کشور گفته بود که «در سال ۹۵ حدود ۳۵۰۰ نقطه ناایمن یا همان حادثه‌ساز در جاده‌های کشور شناسایی شد که با پیگیری‌های پلیس راه و راهداری این نقاط شناسنامه‌دار شدند. از این تعداد حدود ۱۵۸۰ نقطه به عنوان نقاط دارای ضرورت و پرخطرتر شناسایی شده و بنا شد تا در اولویت

● رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور: «با وجود کاهش آمار تلفات حوادث رانندگی در چند سال اخیر، سال گذشته تعداد کشته‌شدگان سالیانه سوانح ترافیکی به اندازه ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته بالا رفت که این عقبگرد بسیار نامطلوب است.»

● تقریباً نصف آمار ۱۹ هزار و ۴۹۰ نفری کشته‌شدگان تصادفات رانندگی در سال ۱۴۰۱ یا در بیمارستان‌ها جان خود را از دست داده‌اند یا در حین انتقال به مراکز درمانی جان باخته‌اند.»

● بر اساس گزارشی که پژوهشکده بیمه مرکزی ایران در سال‌های قبل منتشر کرده بود، در میان ۱۹۰ کشور جهان، ایران پس از کشور آفریقای سیرالئون، بالاترین نرخ مرگ‌ومیر را در جاده‌ها داشته است.

به گفته رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور در سال گذشته نزدیک به ۲۰ هزار نفر در سوانح رانندگی جان خود را از دست دادند و حدود ۳۷۸ هزار نفر نیز در این حوادث مجروح شدند. کمال هادیانفر با اعلام این خبر ادامه داد: «در حال حاضر روزانه ۵۰ تا ۶۰ نفر از هموطنان در تصادفات رانندگی در جاده‌ها و شهرها جان خود را از دست می‌دهند.»

وی اضافه کرد: «بر اساس قوانین جاری کشور، ۳۲ دستگاه در پیشگیری از وقوع تصادفات و رسیدگی به سوانح رانندگی و مصدومان آن نقش دارند و در قانون تصریح شده که دولت به عنوان نهادی که منابع مالی و امور اجرایی کشور را در اختیار دارد، مسئول هماهنگ کردن این دستگاه‌ها با یکدیگر است، اما متأسفانه در سال گذشته و امسال بسیاری از اقدامات لازم برای کاهش آمار جانباختگان تصادفات انجام نشده است؛ به نحوی که با وجود کاهش آمار تلفات حوادث رانندگی در چند سال اخیر، سال گذشته تعداد کشته‌شدگان سالیانه سوانح ترافیکی به اندازه ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته بالا رفت که این عقبگرد بسیار نامطلوب است.»

وی با بیان اینکه ۴۹ درصد کشته‌شدگان حوادث رانندگی در بیمارستان‌ها یا در حین انتقال به مراکز درمانی جان خود را از دست می‌دهند، تاکید کرد: «تقریباً نصف آمار ۱۹ هزار و ۴۹۰ نفری کشته‌شدگان تصادفات رانندگی در سال ۱۴۰۱ یا در بیمارستان‌ها جان خود را از دست داده‌اند یا در حین انتقال به مراکز درمانی جان باخته‌اند. بنابراین اگر امکانات

«تاتامی»، اولین کار مشترک سینماگران ایرانی و اسرائیلی در هشتادمین جشنواره ونیز



صحنه‌ای از فیلم «تاتامی»

شخصیت کودک اصلی را «امیرو» نامیده و همانطور که بارها تاکید کرده است «امیرو»های فیلم‌هایش هر کدام به نوعی بخش‌هایی از زندگی خود وی را روایت می‌کنند. در «ساز دهنی» امیرو پسری ساده و بسیار پر جنب و جوش است که در حوالی بوشهر زندگی می‌کند. شخصیت دیگر این فیلم «عبدالله» است که پدرش برای آنکه او را به ختنه کردن راضی کند، یک ساز دهنی برانش می‌خرد. بچه‌های بندر به ساز عبدالله علاقمند می‌شوند و او در ازای کولی گرفتن از بچه‌ها، ساز دهنی‌اش را به آنها قرض می‌دهد. «امیرو» اما بیش از دیگران به ساز علاقمند می‌شود و بیش از دیگران به «عبدالله» کولی می‌دهد و پس از آنکه او را «خر عبدالله» می‌خوانند، تازه به خود می‌آید.

در «هفته سینمای مؤلف» که در حاشیه جشنواره ونیز از سوی «اتحادیه سینماگران مؤلف ایتالیا» برگزار می‌شود، آیت نجفی کارگردان ایرانی- آلمانی با «آفتاب نمی‌شود» حضور خواهد داشت. این فیلم مانند یکی از کارهای قبلی همین کارگردان با نام «آوای بی‌سرزمین» که مستندی در رابطه با تلاش گروهی از زنان هنرمند موسیقی و آواز ایرانی بود که می‌کوشند با وجود ممنوعیت تک‌خوانی زنان و محدودیت‌ها و موانع دیگر، کنسرتی در تهران به روی صحنه بیاورند، بخشی از مبارزات زنان ایرانی برای احقاق حقوق از دست رفته خود را روایت می‌کند.

در دو فیلم دیگر که در جشنواره سینمایی ونیز اکران خواهند شد نیز دو هنرپیشه ایرانی تبار حضور خواهند داشت. بهی جنتی عطائی سینماگر ایرانی- فرانسوی در فیلم «مرز سبز» از آنتیشکا هولاند کارگردان لهستانی، نقش یک معلم زبان انگلیسی در کابل را بازی می‌کند که مجبور به مهاجرت غیرقانونی شده و در لهستان با مشکل روبرو می‌شود.

مایا سانسو که از پدري ایرانی و مادری ایتالیایی در رم متولد شده و از چهره‌های سرشناس سینمای ایتالیا است نیز با فیلم «به لطف یک خدا» به کارگردانی آلساندرو رویا در ونیز حضور خواهد داشت.

برای جان بخشیدن به این داستان، برای من افتخاری بزرگ است. «تاتامی» برای همه ما چیزی بیش از یک فیلم است. اعلامیه‌ای اخلاقانه به جهان است و در حالی بیان می‌شود که مردم بی‌گناه ایران جان خود را فدای آزادی می‌کنند.

زر امیرابراهیمی نیز به «هالیوود ریپورتر» می‌گوید: «آنچه ما در این فیلم روایت می‌کنیم، داستان واقعی بسیاری از ورزشکاران ایرانی است که فرصت‌هایشان را از دست داده‌اند و گاه مجبور شده‌اند به دلیل مخالفت با نظام حاکم بر ایران، کشور و عزیزان خود را ترک کنند. امیدوارم که این همکاری هنری و سینمایی بین من و گای، بزرگداشتی از آنها و اقدامی فراسوی نفرت کور و نابودی دوجانبه باشد.»

الهام عرفانی نیز که با گای ناتویو در نوشتن فیلمنامه همکاری داشته است به «هالیوود ریپورتر» می‌گوید: «می‌خواستم به عنوان یک زن ایرانی که خفقان زندگی در کشورش را تجربه کرده و درکی عمیق از مشکلاتش دارد، چالش‌های پیش روی زنان در این کشور را به تصویر بکشم. بسیاری از ما در جستجوی آزادی و صلح، مجبور به ترک کاشانه و عزیزان خود شده‌ایم، ولی با وجود این فاصله این فیلم یادآور قدرت وحدت و مقاومت است. برای من افتخاری بود که فرصت یافتن صدای ورزشکاران تحت ستم در ایران باشم و روایت‌های آنان را از طریق این فیلم نزد جهانیان مطرح کنم.»

انیمیشن «در سایه سرو» کار مشترک حسین ملایمی و شیرین سوهانی نیز در بخش فیلم‌های کوتاه «افق‌ها» حضور دارد. در بخشی که در جشنواره سینمایی ونیز به فیلم‌های کلاسیک و مرمت شده اختصاص دارد فیلم «سازدهنی» امیر نادری اکران خواهد شد. این فیلم که اخیر توسط مرکز مرمت سینمایی بولونیا، در ایتالیا مرکزی، مرمت شده، در سال ۱۳۵۲ برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته شد و یکی از بهترین فیلم‌های این کارگردان آبادانی به حساب می‌آید.

امیر نادری در این فیلم نیز چون فیلم دیگرش «دونده»

● «تاتامی» اولین کار مشترک یک سینماگر ایرانی، زر امیرابراهیمی، و یک کارگردان اسرائیلی، گای ناتویو، است. این فیلم داستان جودوکاری به نام لیلا و مربی‌اش مریم را روایت می‌کند که به امید اولین مدال طلا برای ایران به مسابقات جهانی رفته‌اند اما جمهوری اسلامی دستور می‌دهد لیلا با ادعای مصدومیت از دیدار با ورزشکار اسرائیلی خودداری کند.

● «تاتامی» در بخش «افق‌ها» اکران خواهد شد. در بخش فیلم‌های کلاسیک و مرمت شده نیز «سازدهنی» امیر نادری اکران می‌شود که توسط مرکز مرمت سینمایی بولونیا مرمت شده و در سال ۱۳۵۲ برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته شد.

احمد رأفت - هشتادمین جشنواره سینمایی ونیز، قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان، درهای خود را روز ۳۰ اوت (۸ شهریور) خواهد گشود.

امسال در بخش اصلی این جشنواره که ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) به کار خود با انتخاب بهترین‌ها پایان خواهد داد، هیچ فیلمی از سینمای ایران و سینماگران ایرانی حضور نخواهد داشت. البته در بخش رقابتی «افق‌ها» دو فیلم، یکی بلند و داستانی و دیگری کوتاه و انیمیشن، حضور خواهند داشت که اولی از هم‌اکنون توجه بسیاری را جلب کرده و کنجکاو آفریده است.

● «تاتامی» اولین کار مشترک یک سینماگر ایرانی، زر امیرابراهیمی، و یک کارگردان اسرائیلی، گای ناتویو، است. گای ناتویو در سال ۲۰۱۸ با فیلم کوتاه «پوست» توانست جایزه اسکار را به دست آورد. زر امیرابراهیمی نیز در سال ۲۰۲۲ میلادی برای ایفای نقش در «عنکبوت مقدس» توانست جایزه بهترین نقش‌آفرین زن را در جشنواره کن از آن خود سازد. زر امیرابراهیمی که در سال ۲۰۰۰ فیلم کوتاه «خط» را ساخته بود، حالا با «تاتامی» (تشک مسابقات جودو) به جرگه کارگردانان پیوسته است.

● «تاتامی» داستان لیلا زن جودوکاری است که همراه مربی خود، مریم، در زمان برگزاری مسابقات جهانی جودو با تصمیم‌هایی مواجه می‌شود که زندگی حرفه‌ای او را دگرگون می‌سازد. لیلا (با نقش‌آفرینی آرین مندی) و مریم (با نقش‌آفرینی زر امیرابراهیمی) با این امید که ایران را به اولین طلای خود در ورزش جودو برسانند، به این مسابقات جهانی رفته‌اند. اما جمهوری اسلامی ایران در میانه راه دستور می‌دهد لیلا با ادعای مصدومیت از دیدار با ورزشکار اسرائیلی خودداری کند.

آرین مندی در لس‌آنجلس از پدري ایرانی و مادری شیلیایی متولد شده و تا کنون در چند مجموعه تلویزیونی مهم حضور داشته است. مهدی بجستانی که در «عنکبوت مقدس» نقش مقابل زر امیرابراهیمی را ایفا کرده است نیز از دیگر بازیگران «تاتامی» است. الهام عرفانی سینماگر ایرانی مقیم پاریس نیز که یکی از نویسندگان فیلمنامه است، نقشی را در «تاتامی» عهده‌دار است. از بازیگران غیرایرانی این فیلم می‌توان به جیمی ری نیومن آمریکایی و نادین مارشال بریتانیایی اشاره کرد.

گای ناتویو در گفتگو با «هالیوود ریپورتر» می‌گوید: «همکاری با نیروهای واقعا خلاق همچون زر، آرین و الهام

«نهضت ادامه دارد!» رابطه جنسی حجت‌الاسلام حق‌شناس معاون «امر» به معروف» گیلان و «ماستمالی» نماینده خامنه‌ای برای باجناق‌ها!

است. پیمان بهبودی مدیر کانال تلگرامی «رادیو گیلان» گفته علت برکناری حق‌شناس بعد از افشای بخشی از رسوایی اخلاقی او بود.

کانال تلگرامی «رادیو گیلان» فیلم‌هایی از چت‌های حق‌شناس با باجناق خود و همچنین ویدئو دیگری از روابط جنسی آنها منتشر کرده و با «عذرخواهی» توضیح داده است که مجبور شده این ویدئوها را عمومی کند تا دیگر جای انکار باقی نماند.

مهدی حق‌شناس از مریدان آیت‌الله تبریزیان است که بین حوزویان به «پدر طب سنتی» مشهور است. بررسی‌ها نشان می‌دهد وی در بندرانزلی اقدام به برگزاری دوره ویژه آموزش طب سنتی با هدف تبلیغ دین اسلام و ایجاد تغییر در سبک زندگی مردم می‌کرده است.

حق‌شناس پیش از آنکه به عنوان معاون ستاد امر به معروف گیلان منصوب شود مدیر مؤسسه فرهنگی «معبر» بود. کلاس‌های آموزش طب سنتی هم در همین مؤسسه برگزار می‌شد.

این ویدئوها بازتاب ابعاد فساد در بین مقاماتی است که

شد. اگرچه تأیید یا رد گزارش‌های منتشر شده و ویدئوها بطور مستقل ممکن نیست اما بر اساس خبرها، سیدمهدی حق‌شناس به عنوان معاون امور شهرستان‌های ستاد امر به معروف و نهی از منکر گیلان فعالیت داشته است.

حق‌شناس یکی از عوامل اصلی تشکیل ۵۰ گروه جهادی امر به معروف در استان گیلان است که در همکاری با پایگاه‌های بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأموریت‌های مختلف شهری به آنها واگذار می‌شد.

حق‌شناس یکی از آخوندهایی است که با شیوع کرونا در ایران مدام تبلیغ استفاده از گندر و عنبرنار (مدفوع الاغ) را برای پیشگیری و درمان می‌کرد. ویدئویی از وی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که توصیه می‌کند «اسفند را دود کنید در منزل، در محیط کار. یک ضد عفونی کننده بسیار خوبه. مغزو گرم می‌کنه.»

همچنین ویدئوی دیگری از وی در توئیتر به اشتراک گذاشته شده که می‌گوید: «برادری هیأتی! الان بهترین فرصته که، معجزه امام کاظم (ع) رو به مردم معرفی کنید.

● مدیر «رادیو گیلان» می‌گوید پرونده فساد اخلاقی مهدی حق‌شناس به دادگاه روحانیت کشیده شد اما با دخالت آیت‌الله فلاحی نماینده علی خامنه‌ای در گیلان «ماستمالی» شد.

● حق‌شناس یکی از آخوندهایی است که با شیوع کرونا در ایران مدام تبلیغ استفاده از گندر و عنبرنار (مدفوع الاغ) برای پیشگیری و درمان می‌کرد. ویدئویی از وی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که توصیه می‌کند «اسفند را دود کنید در منزل، در محیط کار. یک ضد عفونی کننده بسیار خوبه. مغزو گرم می‌کنه.»

● کانال تلگرامی «رادیو گیلان» در بخشی از گزارش خود نوشته، مهدی حق‌شناس بعد از این رسوایی از سمت خود برکنار شد و «بد نیست بدانید که حق‌شناس هم‌اینک در شهرستان بندر انزلی دارد دهه دوم محرم را برگزار می‌کند و هر شب بالای منبر رفته و... به صورت غیرقانونی و با لباس آخوندی سخنرانی و روضه می‌خواند!»

به دنبال افشای فیلم‌های از فساد رضا ثقتی مدیرکل ارشاد



از دیدارهای مهدی حق‌شناس با رضا ثقتی در زمان مسئولیت

۴۴ سال است درباره «اخلاق اسلامی» وعظه و «ارشاد» می‌کنند و شهروندان را به خاطر آنچه خود مرتکب می‌شوند، مجازات کرده و حتا به چوبه دار سپرده‌اند! در این میان، گفتنی است که برخی ویدئوهای افشاشده چنان دقیق و باحساب تصویربرداری شده‌اند که احتمال تصادفی ضبط شدن آنها را با تردید روبرو می‌کند.

عده‌ای می‌گویند انتشار ویدئوها و گزارش‌های مربوط به فساد مقامات نظام، جدال بر سر موقعیت و صندلی است اما برخی آن را پیامد ریزش‌های درون نظام به ویژه دستگاه‌های امنیتی می‌دانند که به اختلاف و شکاف داخل رژیم دامن می‌زند.

حتماً داروی امام کاظم رو در هیأت‌های خود نذر بدید، و نذری بدید به مردم. بذارید مردم با این معجزه کاظمیه آشنا بشن.»

کانال تلگرامی «رادیو گیلان» در بخشی از گزارش خود نوشته، مهدی حق‌شناس بعد از این رسوایی از سمت خود برکنار شد و «بد نیست بدانید که حق‌شناس هم‌اینک در شهرستان بندر انزلی دارد دهه دوم محرم را برگزار می‌کند و هر شب بالای منبر رفته و... به صورت غیرقانونی و با لباس آخوندی سخنرانی و روضه می‌خواند!»

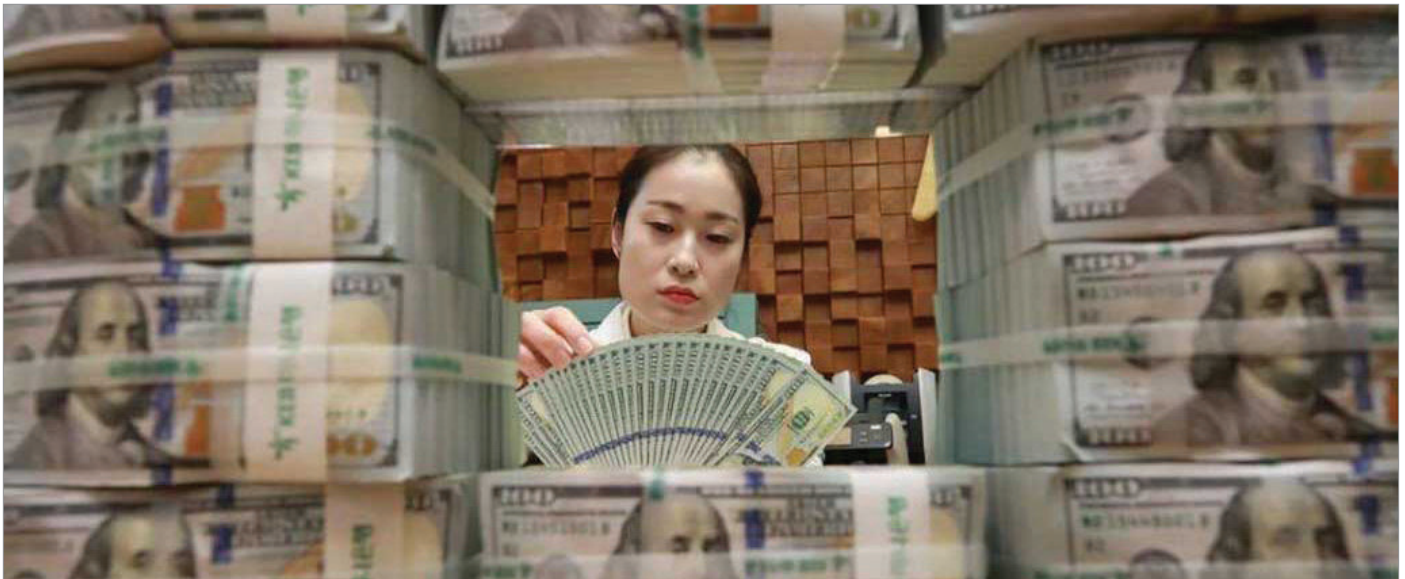
به نظر می‌رسد وی تا اوایل زمستان سال ۱۳۹۹ در سمت خود فعال بود اما اندکی بعد فرد دیگری جایگزین وی شده

استان گیلان و محمد صفری قاری ممتاز و عضو شورای اسلامی شهر انزلی، کانال تلگرامی «رادیو گیلان» فیلم دیگری از روابط جنسی عوامل نظام در استان گیلان را فاش کرده است.

این ویدئو مربوط به حجت‌الاسلام مهدی حق‌شناس معاون پیشین ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» در گیلان است که با باجناق خود رابطه داشته که گفته می‌شود او نیز آخوند است.

مدیر «رادیو گیلان» می‌گوید پرونده فساد اخلاقی مهدی حق‌شناس به دادگاه روحانیت کشیده شد اما با دخالت آیت‌الله فلاحی نماینده علی خامنه‌ای در گیلان «ماستمالی»

شکایت دولت رئیسی از سئول به دلیل آزادشدن پول‌های بلوکه شده؛ قیمت ارز باز هم افزایش یافت



محمد باقری بنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ اعلام کرد که «حتی با ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی که به گفته بانک مرکزی در کشورهای دیگر داریم نیز نمی‌توان برای کشور کار مهمی انجام داد، چون آنقدر هزینه‌های دولت سرسام‌آور بالا رفته که این مبالغ شاید برای چند ماه کافی باشد، اما برای طرح‌های بلندمدت کافی نیست.»

او همچنین تأکید کرد که قرار نیست اسکناس به دولت داده شود بلکه معامله در برابر کالا صورت خواهد گرفت: «آزادسازی دلارهای بلوکه شده عملاً اتفاق نخواهد افتاد و دلاری به ایران ارسال نخواهد شد؛ احتمالاً به ازای دلارهایی که در عراق، افغانستان، پاکستان، کره جنوبی و... داریم به ایران کالاهای اساسی مثل دارو خواهند داد.»

اینهمه در حالیست که قیمت ارز که کارشناسان آن را دماسنج اقتصاد کشور می‌خوانند نیز روندی صعودی دارد و به نظر می‌رسد با انتشار خبر شکایت جمهوری اسلامی از کره جنوبی برای آزاد نشدن پول‌های بلوکه شده، افزایش قیمت ارز در روزهای آینده سرعت بگیرد.

بازار ارز ایران همچنین درگیر نرخ‌های چندگانه است و همین موضوع تلاطم در بازار ارز را افزایش داده است. در همین رابطه کامران سلطانی‌زاده دبیر کل کانون صرافان ایران با اعلام ۷ نرخ شدن دلار در بازار ارز ایران گفته بانک مرکزی جمهوری اسلامی در ۴ کشور همسایه مداخلات ارزی انجام می‌دهد.

این فعال صنفی نرخ‌های موجود ارز در بازار ایران را نرخ تالار اول و سنا، نرخ تالار دوم و نرخ نیما، نرخ اسکناس بازار متشکل، نرخ ای‌تی‌اس بانک مرکزی، نرخ بانک ملی، نرخ مداخله و نرخ بازار آزاد اعلام کرده و گفته این هفت نرخ در حالیکه قرار بود ارز تک‌نرخ شود.

کامران سلطانی‌زاده هفت نرخ شدن دلار را یکی از نخستین پیامدهای حذف ارز ترجیحی عنوان کرده و عامل وجود نرخ‌های چندگانه در بازارها را نتیجه قیمت‌گذاری دستوری نیز ارزیابی کرده است. وی توضیح داده ←

ایرانی هر کدام یک نماینده خواهند داشت و طرف سوم یا بر اساس توافق دو کشور یا ارجاع به دیوان دآوری لاهه انتخاب خواهد شد.

جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته بارها بر اساس سیاست «خبردرمانی» درباره آزاد شدن پول‌های بلوکه شده در دیگر کشورها گزارش‌های دروغ منتشر کرد و در عمل هیچوقت پولی آزاد نشد. در ماه‌های گذشته و در پی تشدید بحران اقتصادی در ایران نیز بار دیگر خبر آزاد شدن پول‌های بلوکه شده از جمله هفت میلیارد دلار در کره جنوبی منتشر شد.

خبرگزاری «ایسنا» نیز ۱۶ خرداد مدعی شد در پی سفر سلطان عمان به تهران «به زودی بیش از ۲۴ میلیارد دلار از منابع ارزی بلوکه شده ایران در عراق و کره جنوبی و همچنین منابع قابل دسترس در صندوق بین‌المللی پول وارد کشور خواهد شد.»

در این خبر آمده بود که «از این میزان ارز، هفت میلیارد دلار منابع ارزی بلوکه شده ایران در کره جنوبی و بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار آن منابع بلوکه شده ایران در عراق است که عمده آن به صادرات انرژی به این کشور همسایه باز می‌گردد.» کارشناسان اقتصادی چنین ادعاهایی را «خبردرمانی» دولت برای کنترل جو روانی جامعه‌ی ناراضی و کاهش انتظارات تورمی ارزیابی کرده و معتقدند که این اقدام راهکار روانی برای کند کردن افزایش نرخ ارز با ملحق نگه‌داشتن مبادلات به دلیل نوسانات دائمی بازارهای اقتصادی و مالی است.

خبر دروغ آزاد شدن پول‌های بلوکه شده آنقدر تکرار شده که در میانه ادعاهای اخیر دولت در اینبار، محمدرضا دشتی اردکان عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز به دلیل همین «خبردرمانی» مجبور شد در این ارتباط ابراز امیدواری کند و بگوید که «به دلیل تقویت ارتباط و تعاملات با کشورهای دوست و متحد به ویژه کشورهای منطقه، پیش‌بینی می‌شود که اینبار آزادسازی منابع بلوکه شده کشورمان اتفاق بیفتد و مانند سایر دفعات پیشین نباشد.»

● خبرگزاری «تسنیم» گزارش داده که جمهوری اسلامی برای وصول مطالباتش از کره جنوبی به داوری سه‌جانبه و طرح شکایت روی خواهد آورد.

● در ماه‌های گذشته و در پی تشدید بحران اقتصادی در ایران بار دیگر خبر آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده از جمله هفت میلیارد دلار در کره جنوبی منتشر شد.

● دبیر کل کانون صرافان ایران با اعلام ۷ نرخ شدن دلار در بازار ارز ایران گفته بانک مرکزی جمهوری اسلامی در ۴ کشور همسایه مداخلات ارزی انجام می‌دهد.

دبیر کانون صرافان ایران از هفت نرخ شدن دلار در بازار به دلیل سیاست‌های ناکارآمد دولت خبر داده است. جمهوری اسلامی در حالی مدعی آزاد شدن پول‌های بلوکه شده بود که امروز ابراهیم رئیسی در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی از شکایت ایران از کره جنوبی درباره پیگیری حقوقی و استرداد مطالبات از بانک‌های این کشور خبر داد. خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز شنبه هفتم مرداد ۱۴۰۲ از ارسال لایحه‌ای از دولت به مجلس خبر داد که بر اساس آن جمهوری اسلامی برای وصول مطالباتش از کره جنوبی به داوری سه‌جانبه و طرح شکایت روی خواهد آورد.

خبرگزاری «تسنیم» نوشته که لایحه «ارجاع اختلاف بین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کره به داوری» به پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در جلسه ۱۴ تیرماه سال جاری هیئت وزیران به تصویب رسیده است. بر اساس این گزارش، لایحه شکایت از سئول هفت بند دارد و بر اساس «ماده ۱۲ قانون موافقتنامه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کره» تدوین شده است. در ماده ۱۲ آن توافقنامه چنانچه در لایحه ارسال دولت به مجلس آمده، مکانیسم‌های حل اختلاف میان دو کشور تشریح شده است. بر اساس بند پنج این لایحه نیز ترکیب کمیته داوری در اختلاف دو کشور سه جانبه خواهد بود. طرف کره‌ای و

تعطیلی سراسری به علت «گرمای بی سابقه»! مردم می گویند «شرایط عادی نیست»



تهران / عکس: رویترز

تعطیلات و یا همین حول و حوش اقدام به افزایش قیمت بنزین کند. شماری دیگر در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند تعطیلات مرتبط با سقوط بورس تهران است. با این سقوط هزاران سهامدار سرمایه‌های خود را از دست داده‌اند. آنها امیدوار بودند بعد از غارت اموال مردم در بانک‌ها و مؤسسات مالی دست‌کم بورس جایی برای حفظ سرمایه‌شان باشد.

در هر صورت، این تصمیم دولت هر علت پنهانی که غیر از «گرمای هوا» داشته باشد، آنچه افکار عمومی روی آن نقطه اشتراک دارد «غیرعادی بودن شرایط» کشور در آستانه‌ی سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی است. رویدادی که ماه‌ها چشم جهان را خیره ساخت و رژیم با وجود سرکوب شدید نتوانست آن را خنثی کند. ضمن اینکه همزمان نخستین سالگرد جانباختگان انقلاب ملی نیز پشت سر هم فرا خواهد رسید.

در این میان، همزمان با خبر دو روز تعطیلی کشور به دلیل گرما، اعلام شد بازگشایی سفارت عربستان سعودی در تهران نیز به تعویق افتاده است. گزارش‌هایی درباره استقرار دیپلمات‌های سعودی در یک طبقه از «هتل اسپیناس پالاس» در شمال تهران منتشر شده ولی علت اینکه نمایندگان سیاسی سعودی تا تهران آمده‌اند اما از بازگشایی سفارت خودداری کرده‌اند مشخص نیست.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز سه‌شنبه در یک سخنرانی هشدار داد «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او توضیح نداد چگونه می‌توان از خشم و انزجار مردم که به صورت اعتراضات و خیزش ملی و سراسری بار دیگر بروز می‌کند «پیشگیری» کرد در حالی که خود نظام مسبب و علت آن است!

یکی از بحران‌های کنونی، تورم و گرانی است که در ایران بیداد می‌کند و تنها راهکار حکومت «خبردرمانی» و وعده و وعیدهایی است که قادر به تحقق هیچ‌کدام از آنها نیست. علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت در یکی از هیأت‌های می‌شود، آقای رئیسی از وزیر یا مدیر مربوطه سؤال می‌پرسد چطور توانستی شب را به راحتی بخوابی، من نتوانستم! خود این سخنان نیز نمونه‌ای از «حرف‌درمانی»‌های مقامات مسئول است که معلوم نیست به چه درد می‌خورد و کدامیک از مشکلات عدیده جامعه را حل می‌کند!

● علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت گفته علت تعطیلی «گرمای بی سابقه هوا» و «حفظ سلامت شهروندان» است. ساعاتی بعد اعلام شد دو نیروگاه برق کارون سه و چهار به دلیل تولید بیش از ظرفیت از مدار خارج شدند.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در یک سخنرانی هشدار داد «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او توضیح نداد چگونه می‌توان از خشم و انزجار مردم که به صورت اعتراضات و خیزش ملی و سراسری بار دیگر بروز می‌کند «پیشگیری» کرد در حالی که خود نظام مسبب و علت آن است!

دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۱ و ۱۲ مرداد را به دلیل «گرمای هوا» در سراسر کشور تعطیل اعلام کرده است! آنهم در حالی که از یکسو تنوع آب و هوایی و اقلیمی در گستره‌ی پهناور ایران، واقعیتی نیست که از چشم پنهان باشد و از سوی دیگر، روزهای پیشتر نیز دمای هوا گرم‌تر از این دو روز بوده است! علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت در تویییتی نوشت «با توجه به گرمای بی‌سابقه هوا در روزهای جاری، به منظور حفظ سلامت شهروندان، هیئت دولت با پیشنهاد وزارت بهداشت مبنی بر تعطیلی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در سراسر کشور موافقت کرد.»

ساعاتی بعد اعلام شد به دلیل تولید بیش از ظرفیت نیروگاه‌های کارون سه و چهار بطور موقت از مدار تولید برق خارج شدند. حتا اعلام شد مسابقات هفته نخست فصل جدید لیگ فوتبال ایران نیز که قرار بود پنجشنبه و جمعه برگزار شود به تعویق افتاد. این در حالیست که بعضی رقابت‌ها می‌بایست در استان‌هایی برگزار شود که دمای هوا از هفته‌های قبل پایین‌تر است!

تعطیلی کل کشور به بهانه‌ی «گرمای بی‌سابقه» در شرایطی است که هفته پیش دمای هوا در بسیاری از شهرها گرم‌تر بود اما جایی تعطیل نشد. برخی می‌گویند علت اصلی این تعطیلی نگرانی از اعتراضات به دنبال افزایش قیمت ارز است. مقامات حکومت امیدوار بودند بتوانند با فشار و اصرار بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی را دریافت کنند اما در نهایت این خیال خام به واقعیت نپیوست و کار به شکایت کشید.

برخی نیز بر این گمان هستند که دولت قصد دارد در این

→ که «نتیجه نرخ‌گذاری دستوری افزایش فاصله نرخ ارز بازار آزاد با نرخ سنا و نیما و... است، در حالی که در مقطعی در سال گذشته با ایجاد بازار توافقی این اختلاف و فاصله قیمتی به حداقل رسیده بود. فراموش نکنیم که در ابتدای سال ۱۴۰۱ اختلاف نرخ نیمایی با بازار آزاد کمتر از سه تا پنج درصد بوده و در بازار توافقی اواخر سال ۱۴۰۱ بازار آزاد و صرافی‌های رسمی عملاً نزدیک به هم بودند.»

دبیر کانون صرافان نیز گشایش ارزی و آزاد شدن پول‌های بلوکه شده را که مورد ادعای دولت است رد کرده و گفته که «سامانه نیما یک سامانه رسمی است و تمام ارزها به صورت رسمی در این سامانه عرضه می‌شوند بنابراین ارز آزاد شده وقتی وارد چرخه رسمی شود می‌تواند بطور محسوس در بازار ارز اثرگذار باشد اما تا جایی که می‌دانم در ماه‌های گذشته اکثر صرافی‌ها از دریافت ارز از سامانه نیما رضایت ندارند و این نشان می‌دهد که گشایش قابل توجهی در این زمینه نداشتیم و اگر گشایش رخ داده بود بطور قطع باید افزایش عرضه ارز در سامانه نیما قابل راستی‌آزمایی می‌بود.» او همچنین توضیح داده که اگر پولی آزاد شده باشد باید این خبر از سیستم رسمی اعلام شود و بانک مرکزی میزان دقیق آزادسازی پول‌های بلوکه را اعلام کند و نباید این موضوعات تنها به اخبار غیررسمی محدود شود.

کامران سلطانی‌زاده تأکید کرده که پیش از این هم هر بخشی از دارایی‌های ایران که آزاد می‌شد بطور رسمی در اینباره اطلاع‌رسانی انجام می‌شد اما در حال حاضر تمام اخبار درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده غیررسمی هستند.

به گفته این فعال صنفی، کاهش مقطعی نرخ ارز به دلیل دخالت‌های غیرمستقیم بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها در تزریق ارز در بازار بوده و این کاهش جزئی اثر مداخله است. او تأکید کرده که بانک مرکزی علاوه بر دخالت در بازار داخلی کشور، در بازار برخی کشورها به صورت غیررسمی مداخله می‌کند. اگر مداخله انجام نمی‌شد، بطور قطع قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند وگرنه به دلیل اتفاقاتی که رخ می‌دهد نرخ ارز باید بیشتر از این اعداد باشد.

در حالی که رسانه‌های دولتی از دلار ۴۷ هزار تومانی در بازار خبر می‌دهند، کامران سلطانی‌زاده گفته که در بازار دلار ۴۷ هزار تومانی را ندیدیم و در این مدت کمترین قیمت دلار ۴۸ هزار و ۳۰۰ تومان بود.

هرچند قیمت ارز در روزهای گذشته متأثر از تعطیلات دهه نخست ماه محرم بوده اما ویسایت «اقتصاد نیوز» نیز در گزارشی با اشاره به اینکه نرخ دلار در یک قدمی کانال ۴۹ هزار تومان است نوشته که در شرایط فعلی عده‌ای از معامله‌گران باور دارند که روند صعودی دلار به آرامی شروع شده است.

در ادامه آمده که معامله‌گران فقط در صورت عبور قیمت دلار از سطح مقاومتی مهم ۴۹ هزار و ۹۰۰ تومان می‌شود گفت بازار به روند صعودی برگشته است. بر این اساس، اگر قیمت دلار مرز ۴۹ هزار تومان را بشکند، خیز دلار آغاز خواهد شد و در غیر اینصورت، تا مدتی در حوالی ۴۸ هزار تومان باقی خواهد ماند.

بررسی بازار آزاد ارز در ایران نشان می‌دهد امروز شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۲ و پس از چند روز تعطیلات، قیمت‌ها با روندی افزایشی آغاز شده و از ساعات نخست بامداد تا ظهر شنبه دلار با قیمت‌هایی از ۴۸ هزار و ۹۵۰ تا ۴۹ هزار و ۵۵۰ به فروش رسیده است.

افزایش قیمت ارز به سرعت بر افزایش قیمت دیگر کالاها اثرگذار خواهد بود و در صورتی که طی روزهای آینده قیمت ارز همچنان افزایشی باشد، موج تازه‌ای از گرانی کالاها و خدمات را در پی خواهد داشت.

آشفته‌بازار مسکن؛ سرگردانی مستأجران بی سرپناه و یک و نیم قرن انتظار نسل «زد» برای خرید خانه!



و ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است.» این فعال صنفی گفته که هم‌اکنون بازار خرید و فروش و رهن و اجاره‌خانه در این محله در وضعیت رکود قرار دارد و متقاضی کم شده است. بررسی‌های «اکو ایران» از فایل‌های رهن و اجاره‌خانه در محله زیادداشت نشان می‌دهد، برای رهن کامل آپارتمانی نوساز با ۱۱۰ مترمربع زیربنا، یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان و برای رهن کامل واحدی با ۱۰۳ مترمربع، ۸۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. رهن واحدی با ۱۱۵ مترمربع، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و اجاره ماهانه آن، ۹ میلیون تومان است؛ برای رهن آپارتمانی ۹۵ متری نیز، ۲۵۰ میلیون تومان و برای اجاره آن، ۸ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. برای واحدی با ۶۰ مترمربع زیربنا، ۲۵۰ میلیون تومان رهن و ۶ میلیون تومان اجاره ماهانه و برای واحدی دیگر با ۷۰ مترمربع مساحت، ۵۵۰ میلیون تومان رهن و یک میلیون تومان اجاره ماهانه پیشنهاد شده است. قیمت‌های نجومی «زیادداشت» در دیگر محله‌های تهران نیز دیده می‌شود و حتی دیگر در جنوبی‌ترین نقاط شهر تهران برای اجاره یک آپارتمان باید رهن‌های چند صد میلیون تومانی و اجاره‌هایی چند ده میلیون تومانی پرداخت شود. روزنامه اینترنتی «فراز» در گزارش جدیدی از سرگردانی مستأجران در پایتخت نوشته که با توجه به افزایش قیمت مسکن مستأجران مجبور به اجاره کانتینر در اطراف تهران شده‌اند. آنها با اجاره کانتینر وسیله‌ها و اثاثیه منزل خود را به دلیل کوچک شدن خانه‌های خود یا از دست دادن آن، در این انبارها جای می‌دهند. بر اساس این گزارش برخی خانواده‌ها نیز با توجه به اینکه از پس هزینه‌های اجاره بر نمی‌آیند، وسایل خود را در انبارهای کانتینر قرار داده‌اند و خود به منزل والدین‌شان بازگشته‌اند. همچنین تأکید شده که این کانتینرها در سال‌های گذشته بیشتر برای «انبار تجهیزات کارگاه‌ها، مطب‌ها و دفاتر اداری» مورد استفاده قرار می‌گرفت اما امروز تغییر

مسکن نیز اثرگذار است. برخلاف ادعای مقامات دولتی در این بازار هیچ نشانه‌ای از کاهش قیمت‌ها وجود ندارد و به نظر می‌رسد افرادی چون محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی در دیبایی موازی به محاسبات و تحلیل درباره بازار مسکن مشغول هستند. پیشتر دولت وعده داده بود که سالانه یک میلیون واحد مسکونی در اختیار متقاضیان قرار خواهد داد اما نه تنها به وعده خود عمل نکرده بلکه هر روز این وعده‌ها آب می‌روند و حالا کار به جایی رسیده که موضوع ساخت خانه‌های معروف به قوطی‌کبریت با مساحت ۲۵ مترمربع برای خانواده‌ها از سوی مسئولان دولتی مطرح می‌شود! غزال راهب رئیس بخش مسکن وزارت راه و شهرسازی به تازگی در نشستی اینترنتی با صالح شکوهی عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت اعلام کرده که یک خانه ۲۵ متری برای حداقل‌های زندگی یک خانواده کافی است! این اظهارات نشان می‌دهد دولت هم مطمئن است از مهار بحران بازار مسکن ناتوان است و فرمول‌های جدیدی مانند خانه‌های ۲۵ متری تنها راه فرار از پاسخگویی به میلیون‌ها خانوار مستأجر و جوانانی است که حالا دیگر نمی‌توانند به خانه‌دار شدن فکر کنند. بحران اساسی‌تر اما در بازار اجاره‌بهای مسکن است که قیمت‌های نجومی سبب استیصال مستأجران شده است. وبسایت «اکو ایران» در گزارشی از قیمت‌های نجومی در یکی از محله‌های حاشیه‌ای تهران نوشته است. محله زیادداشت در غرب و منطقه ۲۲ تهران قرار دارد و از شمال به بزرگراه همت و دهکده المپیک، از شرق به بلوار دهکده و رودخانه کن، از جنوب به شهرک چشمه و شهرک گلستان و از غرب به بزرگراه آزادگان متصل می‌شود. یک مشاور املاک در محله زیادداشت با اشاره به افزایش نجومی رهن و اجاره در این محله گفته که «در سال گذشته یک واحد ۱۲۰ متری و ۵ سال ساخت، با ۸۰۰ میلیون تومان رهن داده می‌شد اما این رقم در سال جاری به یک میلیارد

● مرکز آمار ایران مدعی شده تورم نقطه‌ای مسکن از ۳۹/۱ درصد در خردادماه به ۳۸ درصد در تیرماه کاهش یافته است. رئیس بانک مرکزی نیز ادعای کاهش قیمت مسکن را تکرار کرده است.

● در پی ناتوانی مستأجران برای اجاره یک سرپناه، بازار اجاره کانکس داغ شده و برخی خانواده‌ها وسایل خود را در انبارهای کانتینر قرار داده‌اند و خود به منزل والدین‌شان بازگشته‌اند.

● روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده نسل «زد» در صورت داشتن شغل و پس‌انداز ماهانه باید یک و نیم قرن برای خرید خانه انتظار بکشد!

با وجود ادعای مقامات دولتی مبنی بر کاهش تورم در بازار مسکن، همچنان قیمت‌های نجومی بر این بازار حاکم است و مستأجران در پی یافتن یک سرپناه، سرگردان‌تر از همیشه شده‌اند. گزارش جدیدی حکایت از آن دارد که نسل «زده» در ایران در صورت داشتن شغل نیز باید یک و نیم قرن برای خرید خانه انتظار بکشد.

مرکز آمار ایران در گزارش اخیر خود درباره تورم بازار مسکن در تیرماه مدعی شد تورم ماهانه مسکن از ۲/۶ درصد در خردادماه به ۲/۴ درصد در تیرماه کاهش یافته و تورم نقطه‌ای مسکن از ۳۹/۱ درصد در خردادماه به ۳۸ درصد در تیرماه کاهش یافته است. همچنین اعلام شده بود که در صورت ثبات بازار ارز و افزایش ساخت‌وساز و عرضه زمین و مسکن از سوی دولت امکان کاهش بیشتر قیمت‌ها تا پایان سال وجود دارد.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی هم ادعای کاهش قیمت در بازار مسکن را تکرار کرده و گفته که «گزارش‌های موجود حاکی از این است که متوسط قیمت یک مترمربع زیربنای واحدهای مسکونی معامله شده شهر تهران در تیرماه نسبت به ماه‌های گذشته کاهش قابل توجهی داشته است.»

قیمت خرید و فروش مسکن بطور مستقیم بر بازار اجاره

درخشش نوازندگان جوان ایرانی در موسیقی کلاسیک غرب



رامین بهرامی

باخ با آن نواخته و آثار بسیاری برای این ساز خوشنوا نوشته‌اند. این ساز همانطور که بعدها پیانو نیز همان نقش را بر عهده گرفت، به صورت تکنوازی در ارکسترهای مجلسی استفاده می‌شد.

ماهان اصفهانی علاوه بر هارپسیکورد، ارگ و دیگر سازهای شستی‌دار را می‌نوازد. به نظر کارشناسان موسیقی کلاسیک، او در حال حاضر یکی از بهترین نوازندگان هارپسیکورد در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود. این نوازنده اجرای ویژه‌ی خود را در تکنوازی این ساز و همچنین در همراهی با ارکستر مجلسی دارد.

یکی از ابتکارات ماهان اصفهانی استفاده از این ساز قدیمی در اجرای موسیقی مدرن است. البته این کار او با سلیقه‌ی برخی سنت‌گرایان که مخالف ابتکار و نوآوری در موسیقی کلاسیک هستند خوش نیامده است. گفته می‌شود در کنسرتی در شهر کلن به شیوه‌ی نواختن وی با این ساز هنگام اجرای کنسرت اعتراض شده است. خود وی درباره این نوع اجرای مدرن که به نوعی یادآور «ابتکارات» کارل هاینس اشتکاوزن موسیقیدان آلمانی است، در گفتگویی می‌گوید: «معتقدم که ما با هم در موسیقی به کشف می‌پردازیم. من فقط نوازنده و شما فقط شنونده نیستید؛ بلکه هنگام اجرا هر دو با هم به کشف در موسیقی می‌پردازیم.»

در هر صورت، ماهان اصفهانی در موسیقی کلاسیک غربی در جایگاهی قرار دارد که آهنگسازان و موسیقیدان‌های مطرح معاصر و مدرن آثاری را به سفارش او و برای اجرای نخست توسط او ساخته‌اند چرا که اجرای این قطعات توسط ماهان اصفهانی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای به این آثار می‌دهد.

از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ تا کنون بیش از بیست اثر برای ماهان اصفهانی به عنوان نوازنده برجسته هارپسیکورد ساخته و به او تقدیم شده است. این آثار شامل تکنوازی هارپسیکورد و یا در همراهی با ارکستر مجلسی و

● ماهان اصفهانی هارپسیکورد نواز سرشناسی است که در سال ۱۹۸۴ در تهران زاده و در آمریکا بزرگ شده است.

● آرشا کاویانی پیانیست چیره‌دستی است که با مهارت آثار شوخ موتزارت را اجرا می‌کند اگرچه نوآوری‌هایش در نواختن پیانو علاقمندان سنتی موسیقی کلاسیک را خوش نمی‌آید. ولی خودش معتقد است که نوازنده و شنونده با هم موسیقی را هنگام اجرا کشف می‌کنند.

● یکی دیگر از آهنگسازان جوان ایرانی آرشیو صمصامی‌نیا است که نامزد دریافت درجه‌ی دکترای در رشته موسیقی از دانشگاه ارسطو در تسالونیک یونان است.

● رامین بهرامی هنر نوازندگی خود را انحصاراً به اجرا و ضبط آثار یوهان سباستیان باخ برای هارپسیکورد درآورده است.

در چند سال اخیر در محافل موسیقی کلاسیک غرب، اسامی چند نوازنده جوان ایرانی زیاد به گوش می‌رسد. از ماهان اصفهانی که هم‌اکنون نوازنده سرشناس هارپسیکورد است تا آرشا کاویانی که در محافل موسیقی کلاسیک بریتانیا بسیار گل کرده است.

کاویانی قرار است در اکتبر ۲۰۲۳ در تالار باشکوه و معتبر «آلبرت» دو موومان آخر کنسرتو پیانوی شماره دو سرگنی راخمانینف را با ارکستر سمفونیک لیورپول اجرا کند. این برنامه جزو کنسرت‌های ویژه تالار مشاهیر کلاسیک FM بریتانیاست که محبوب‌ترین رادیوی موسیقی کلاسیک در بریتانیا و اروپا به شمار می‌رود.

ماهان اصفهانی دیگر نوازنده‌ی کنسرت‌های کلاسیک هارپسیکورد نواز سرشناسی است که در سال ۱۹۸۴ در تهران زاده و در آمریکا بزرگ شده است. وی تحصیلات موسیقی خود را در آمریکا شروع و در آکسفورد بریتانیا به پایان رساند.

هارپسیکورد که آن را مادر پیانو می‌دانند، از مهمترین سازهای دوره‌ی باروک محسوب می‌شود و موسیقیدانان بزرگی چون ولفگانگ آمادئوس موتزارت و یوهان سباستیان

کاربری تعداد زیادی از آنها به منظور انبار اثاث خانه‌ها، پرده از یک واقعیت تلخ بر می‌دارد: «تهران، شهروندانش را بیرون می‌کند!»

در این گزارش آمده است: «بطور میانگین حدود ۷۰ درصد درآمدهای هر خانوار ایرانی، صرف اجاره مسکن می‌شود. طبق آخرین آمار که روزنامه دنیای اقتصاد از وضعیت اجاره‌خانه در جنوب تهران منتشر کرده، هزینه رهن کامل یک خانه ۵۰ متری در محله «سی‌متری جی» ۴۵۰ میلیون تومان است.»

مستأجران که بیش از نیمی از جمعیت تهران را شامل می‌شوند با درآمدهای ناچیز و هزینه سرسام‌آور زندگی حتی قادر به پرداخت اجاره‌بها نیستند، چه برسد به پس‌انداز برای خرید مسکن!

در آنسو نیز برنامه‌ها و طرح‌های دولت برای خانه‌دار کردن نسل جوان و مستأجران ناکارآمد بوده و طرح‌هایی شکست خورده هستند. روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در شماره روز شنبه هفتم امرداد با انتقاد از طرح‌های مسکن دولت برای خانه‌دار کردن مستأجران نوشته قدرت خرید وام جدید مسکن، معادل فقط «۱۴ متر» است.

اینهمه سبب شده خرید خانه در ایران برای افرادی که سرمایه‌ها و پشتوانه‌های مالی بزرگ ندارند به یک رویای دست‌نیافتنی تبدیل شود. مرکز آمار ایران در گزارشی به «قدرت خرید و زمان انتظار خانه‌دار شدن» شهروندان پرداخته و نوشته قدرت خرید مسکن در سال ۱۴۰۰ بعد از کسر هزینه‌های زندگی مزدبگیران که «۶۵ درصد» جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند «۴۷ سال» برآورد شده است.

این برآورد البته درست نیست و محاسبات دقیق‌تر کارشناسان نشان از انتظاراتی بیش از یک و نیم تا دو قرن برای خرید مسکن خبر می‌دهد. خبرگزاری «ایلنا» دوم امرداد گزارش داده بود که یک کارگر حداقل‌بگیر باید «بیش از ۱۷۰ سال» کار کند و بخشی از درآمد خود را هر ماه پس‌انداز کند تا بتواند یک آپارتمان «۸۰ متری» خریداری کند. روزنامه «دنیای اقتصاد» امروز دوشنبه ۹ امرداد ۱۴۰۲ در گزارشی با عنوان «نسل «زد»؛ نسل بی‌مسکن» نوشته افزایش طول دوره انتظار برای خانه‌دار شدن در دوره جهش در کنار افت شدید قدرت خرید، منجر به استعفای نسل «زد» از بازار مسکن شده است.

این گزارش بر اساس محاسبات میدانی نوشته شده که تازه‌واردهای بازار کار- شاغلان ۲۵ تا ۲۶ ساله- با پس‌انداز ماهانه یک میلیون تومان «در بهترین حالت»، ۱۶۶ سال باید برای صاحب‌خانه شدن «معتل» بمانند؛ این گروه می‌گوید: «فکر خانه‌دار شدن نمی‌کنیم مگر معجزه شود.»

بر اساس این گزارش، ماراتن «خانه‌اولی‌ها» در تهران بر اساس برآورد جدید از سطوح متوسط «درآمد سالانه» و «قیمت مسکن» با سه فرض بسیار خوش‌بینانه، ۷۰ سال طول می‌کشد. این مدت زمان برای دسترسی به مسکن با لحاظ «حداقل متراژ آپارتمان، رشد یکسان درآمد و قیمت در سال‌های آتی و در عین حال، توان پس‌انداز ۲۰ درصدی در سال» است. این گزارش بر ابعاد این ماراتن برای نسل «زد» یعنی متولدین دهه ۷۰ که هنوز در صف خرید خانه اول قرار نگرفته‌اند، تأکید کرده است. بررسی‌ها و تحقیقات میدانی «دنیای اقتصاد» از وضعیت درآمد و هزینه شاغلان این نسل با یک تا دو سال سابقه کار و دستمزد تا حدودی بالاتر از حداقل دستمزد رسمی- شاغل در کسب و کارهای متعارف- نشان می‌دهد، اکثریت این نسل در شرایط فعلی قادر به پس‌انداز نیستند و اقلیتی از آنها توان پس‌انداز ماهانه فقط یک میلیون تومان را دارد. با این اوضاع، «اِبرمسیر تا خانه اول» برای نسل «زد» بیش از یک و نیم قرن طول می‌کشد.

فقط از سر ناچاری و برای ارضای کنجکاوای خودم در مورد این آثار شگفت‌انگیز که به آنها دسترسی نداشتم.»
در مقاله‌ای در باره آرشا کاویانی در نشریه «نشال» در سال ۲۰۰۹ زمانی که آرشا کاویانی ۱۸ ساله بود آمده است: «آرشا کاویانی به طرز طراوت بخشی فاقد رفتارهای ناشیانه و زمخت و تیک‌های عصبی است که معمولاً نوازندگان جوان با استعداد دارند زیرا در دوران کودکی مجبور بوده‌اند در تنهایی ساعت‌های متمادی تمرین کنند. آرشا کاویانی به راحتی می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند و نسبت به سن خودش به طرز قابل توجهی پخته به نظر می‌سد.»

آرشا در اروپا و در خاورمیانه از سال ۲۰۱۲ در زمینه اجرای آثار پیانو بسیار فعال بوده است. از آن سال به بعد یکسری کنسرت یا رسیتال در آلمان، فرانسه، اسپانیا، اتریش و بریتانیا، به ویژه در لندن و همچنین در دوبی اجرا کرده است. او به عنوان یکی از ستاره‌های نوظهور کالج سلطنتی موسیقی بریتانیا انتخاب شده و همین امر منجر به هنرهای و درخشش او در تالار معروف «کادوگان» لندن شد. منتقد روزنامه «نویه زورشر تسایونگ» نیز از مهارت خیره‌کننده کاویانی و استعداد او در غایبان ساختن عنصر شوخ و طنز نرفته در قطعات موسیقی هنگام اجرای آنها نوشته است.

او به این خصوصیت کاویانی در ارتباط با اجرای کنسرتو پیانوهای موتزارت اشاره کرده که آثاری بسیار ظریف، موزون و رمانتیک و در عین حال شوخ و طنزآمیز هستند. این ویژگی آثار موتزارت را می‌لوش فورمن در فیلم سینمایی مشهور «آمادئوس» (۱۰۸۴) به غایت گذاشته است. در هر حال، فرصت تماشای اجرای موسیقی توسط این



آرشا صمصامی‌نیا

برجسته‌ای مانند ولادیمیر یورفسکی روسی نیز به آموختن و تمرین پرداخت.

آرشا کاویانی شیفته پیانیست‌های قرن‌های گذشته است که علاوه بر نواختن، اصلی‌ترین رپرتوارهای پیانو را نیز می‌شناختند چرا که از آنها انتظار می‌رفت آثاری را که می‌نواختند خودشان ساخته باشند و همچنین بتوانند روی آثار آهنگسازان دیگر بداهه‌نوازی کنند. همچنین از آنها این

→ ارکستر سمفونیک بوده است. ارکسترهای معروفی مانند ارکستر سلطنتی لیورپول، ارکستر شهر لیون فرانسه، ماهان اصفهانی را در اجرای این آثار، که بیشتر آنها کنسرتو برای هارپسیکورد و ارکستر مجلسی و ارکستر سمفونیک هستند، همراهی می‌کنند. ماهان اصفهانی هم‌اکنون بیشتر فعالیت هنری خود را در اروپا و بریتانیا متمرکز کرده است. یکی دیگر از آهنگسازان جوان ایرانی آرشا صمصامی‌نیا است که نامزد دریافت درجه‌ی دکترای در رشته موسیقی از دانشگاه ارسطو در تسالونیک یونان است.

در بریتانیا، آرشا کاویانی نوازنده برجسته و نوآور پیانو به شمار می‌رود. موسیقیدان‌ها و پیانیست‌های بزرگ دنیا از جمله دانیل بارنبویم رهبر ارکستر و پیانیست معروف بین‌المللی، کریستین زیمرمن پیانیست معروف لهستانی و استیپان هوگ پیانیست معروف بریتانیا در مورد استعداد درخشان و نوازندگی پرشور و جسورانه کاویانی گفته‌اند و او را هدیه‌ای بی‌نظیر برای دنیای موسیقی دانسته‌اند. گفته می‌شود که رویکرد کاریزماتیک و نوین این پیانیست جوان بسیار ویژه است.

آرشا کاویانی در سال ۱۹۹۰ در دوبی از پدر و مادری که در دهه ۱۹۷۰ از ایران به آن کشور نقل مکان کرده بودند، به دنیا آمد. او در مصاحبه‌ای گفته است که بزرگ شدن در دوبی در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ مانند زندگی در یک بیابان خالی از موسیقی کلاسیک بود. هیچ فروشگاه‌هایی برای خرید آثار موسیقی کلاسیک و یا کتابخانه‌ای برای شنیدن ضبط‌های عالی موسیقی کلاسیک در آن زمان در دوبی وجود نداشت؛ و همه اینها مربوط به



ماهان اصفهانی



آرشا کاویانی

نوازنده برجسته‌ی پیانو را در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳ در تالار سلطنتی «آلبرت» نباید از دست داد.

رامین بهرامی

در پایان، اشاره‌ی کوتاهی نیز به رامین بهرامی نوازنده ایرانی ساکن ایتالیا داشته باشیم که با توجه به اینکه متولد سال ۱۳۵۵ است از نظر سنی بیشتر از نوازندگان جوان‌تر تجربه گرد آورده است. نکته قابل توجه اینکه وی هنر نوازندگی خود را انحصاراً به اجرا و ضبط آثار پوهان سیاستیان باخ برای هارپسیکورد درآورده است. آثاری که بعدها برای پیانو نیز تنظیم شدند. اجراهای رامین بهرامی از این آثار باخ به همان شکل سنتی اما با پیانو است.

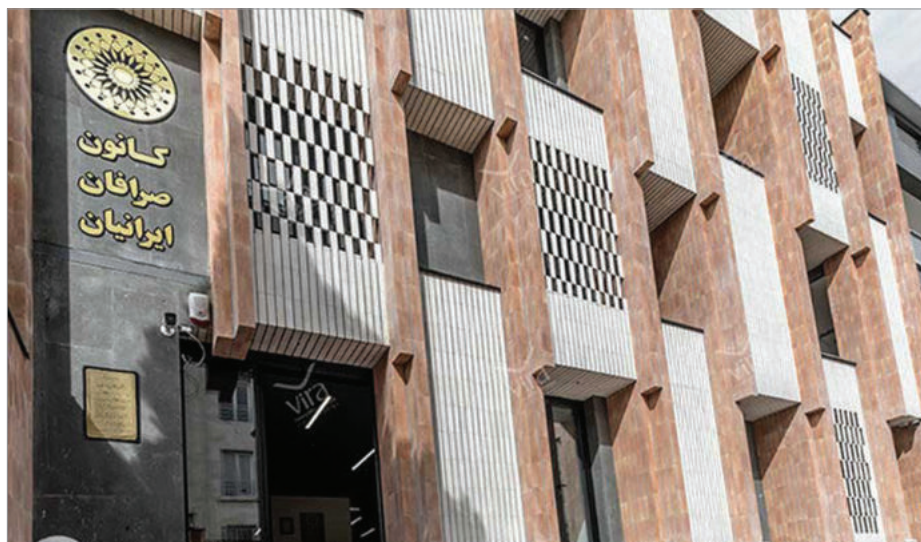
توقع وجود داشت که همراه با شنیدن آثار دیگران بلافاصله آنها را روی کاغذ بیاورند که تسلط و مهارت بسیاری م‌طلبد. ولی شاید مهم‌تر از همه اینها این انتظار از آنها بود که مرتب روی نغمه‌های موسیقی که از طرف شنوندگان و تماشاگران در طول کنسرت‌ها داده می‌شد بلافاصله بداهه‌نوازی کنند. آرشا کاویانی تا کنون کنسرت‌های بسیار دشوار راخمانینف و پروکوفیف را برای تکنوازی پیانو تنظیم کرده و در کنسرت‌هایی در لندن در برابر تماشاگران با مهارت اجرا کرده و شگفتی شنوندگان را برانگیخته است. خود وی در اینباره می‌گوید: «از همان سال‌های اولیه من تقریباً مجبور بودم آثار بزرگ سمفونیک را برای تکنوازی پیانو تنظیم کنم آنهم

دورانی است که YouTube و Spotify هم نبود که بتوانید مراجعه کنید و اجراهایی خوب موسیقی کلاسیک را ببینید و گوش کنید.

کاویانی می‌گوید که در خانه پیانویی داشتند و او نت‌های آثار مورد علاقه خود را از اینترنت پیدا می‌کرد و چاپ می‌کرد و روی همان پیانو تکنوازی آنها را اجرا می‌کرد زیرا می‌خواست که صدای کنسرتوی راخمانینف را بشنود.

آرشا کاویانی در ۶ سالگی آموختن پیانو را آغاز کرد و اولین کنسرت خود را در سال ۲۰۰۴ با ارکستر مجلسی دوبی داشت. در سال ۲۰۰۶ وارد مدرسه «چاتم» در منچستر که ویژه تدریس پیانوست شد و بعدها تحت نظر موسیقیدان

انحلال کانون صرافان به دستور بانک مرکزی و قیمت دلار در کانال ۵۰ هزار تومان همزمان با تعطیلی دو روزه کشور!



گذشته دمای هوا در ایران با روزهای پیش رو تفاوت چندانی نداشت اما علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت صبح روز سه‌شنبه اعلام کرد روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تعطیل عمومی است و به این ترتیب با روز جمعه، سه روز کشور در تعطیلی پیاپی قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد گرمای هوا تنها بهانه‌ای برای تعطیلی ناگهانی و بی‌سابقه‌ی دو روزه کشور از سوی حکومتی است که حتی با شیوع و اوج کرونا هم برای تعطیلی سراسری و اعلام قرنطینه مقاومت می‌کرد. برخی تحلیلگران بر این باورند که با توجه به خبرهای روزهای گذشته که محرک بازار ارز بوده و آمادگی بازار برای افزایش چشمگیر قیمت، ممکن است تعطیلی برای جلوگیری از افزایش قیمت و مهار جو روانی بازار صورت گرفته باشد. جدا از اقدام بانک مرکزی برای اعلام انحلال کانون صرافان، عدم تمایل عربستان به بازگشایی کنسولگری در تهران و همچنین قطعی شدن اینکه پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی آزاد نمی‌شود نیز از جمله خبرهای پیاپی بوده‌اند که عاملی برای افزایش قیمت‌ها در بازار ارز، آنهم پس از تعطیلات «دهه محرم» شدند.

از سوی دیگر برخی تحلیلگران دیگر معتقدند ناتوانی در تأمین برق سبب تعطیلی کشور از سوی دولت شده است. حسین افضل‌ی کارشناس انرژی در اینباره گفته است «بعید نیست که فشار مصرف برق باعث تعطیلی کشور شده باشد، همانطور که دیدیم ساعات ادارات هم برای این مسئله تغییر دادند، اما چندان نتیجه‌ای کسب نشد که اگر نتیجه گرفته بودند به نظر نمی‌رسید ناترازی تا این حد ادامه یابد.»

این کارشناس انرژی افزوده که «ناترازی برق در کشور جدیدست. میزان ناترازی طبق اعلام مسئولین مربوطه در وزارت نیرو به ۱۵ هزار مگاوات رسیده است. نتیجتاً بطور واقعی با یک چالش مواجه هستیم که شوخی ندارد. از طرفی مباحث مربوط به بهینه‌سازی مصرف در صنایع و خانه‌ها نیز تا کنون به نتیجه مشخصی نرسیده و دستگاه‌های مربوطه چندان تلاشی برای آن نکرده‌اند. ادامه روند عدم توجه به بهینه‌سازی و توسعه بسترهای تولیدی باعث چنین وضعیتی شده است.»

چنین اظهاراتی با واکنش کاربران در توئیتر روبرو شده و بار دیگر ناکارآمدی جمهوری اسلامی از مدیریت اقتصاد کشور و عبارات شعاری و تبلیغاتی چون «احیای اقتدار حاکمیت در اقتصاد» مورد تمسخر مردم قرار گرفته است.

از سوی دیگر همزمان با اعلام انحلال کانون صرافان، قیمت ارز در بازار آزاد ایران در روز سه‌شنبه با افزایش چشمگیری روبرو شد. قیمت دلار تا بعد از ظهر سه‌شنبه به بیش از ۵۰ هزار تومان رسید و هر یورو نیز از مرز ۵۵ هزار تومان گذشت. برزو حق‌شناس کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه اقدام بانک مرکزی مبنی بر انحلال کانون صرافان بطور قطع روند قیمت دلار را صعودی می‌کند و به وسایط «تجارت‌نیوز» گفت: «وقتی قیمت دلار در روند صعودی قرار گرفته است مشخص می‌شود که مشکلی وجود دارد. طبق تجربه‌های قبل، منتظر بودیم که صورت مسئله توسط بانک مرکزی حذف شود.»

برزو حق‌شناس افزوده که «وقتی نهادهای واسط حذف می‌شوند، این تصمیم مطمئناً روی نرخ ارز تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد من نهادهایی مانند کانون صرافان می‌توانند به امر انتقال دلار کمک و آن را تسهیل کنند. با این تصمیم مبادی ورودی دلار دچار مشکل خواهد شد.»

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه «با چنین تصمیماتی قیمت دلار صد درصد افزایش می‌شود» گفته که «با این اقدام بانک مرکزی، نقل و انتقال ارز مشکل می‌شود و تأثیر منفی بر بازار خواهد گذاشت. اما در مواقع بحرانی معمولاً سیاست‌گذار صورت مسئله را پاک می‌کند.»

به عقیده برزو حق‌شناس، بانک مرکزی با این اقدام به سمت انحصارگری مطلق حرکت می‌کند و فقط فضا را برای خود آماده می‌سازد.

همانطور که این کارشناس اقتصادی اشاره کرده اقدام بانک مرکزی در منحل اعلام کردن کانون صرافان اقدامی فرافکنانه و «پاک کردن صورت مسئله» درباره تلاطم در بازار ارز و آمادگی بازار برای افزایش قیمت‌ها است.

این اتفاق همزمان با تصمیم ناگهانی دولت برای تعطیلی دو روزه کشور در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، یازدهم و دوازدهم مرداد، روی داده است. در حالی که در روزهای

● کانون صرافان ایرانیان در واکنش به این اقدام گفته که بانک مرکزی وجهت قانونی برای انحلال کانون را ندارد.

● منحل اعلام کردن کانون صرافان اقدامی فرافکنانه و «پاک کردن صورت مسئله» درباره تلاطم در بازار ارز و آمادگی بازار برای افزایش قیمت‌ها است.

● به نظر می‌رسد گرمای هوا تنها بهانه‌ای برای تعطیلی ناگهانی و بی‌سابقه‌ی دو روزه کشور از سوی حکومتی است که حتی با شیوع و اوج کرونا هم برای تعطیلی سراسری و اعلام قرنطینه مقاومت می‌کرد.

بانک مرکزی در اقدامی عجیب کانون صرافان را منحل کرد. همزمان قیمت ارز در بازار آزاد روند صعودی یافته و وارد کانال ۵۰ هزار تومان شده است.

بانک مرکزی روز سه‌شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۲ در اقدامی عجیب و ناگهانی کانون صرافان را منحل اعلام کرد. کانون صرافان ایران در واکنش به این اقدام گفته که بانک مرکزی وجهت قانونی برای انحلال کانون را ندارد. این کانون از سال ۸۹ با هدف کمک به اجرای قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی در حوزه صراف‌ها تشکیل شده بود.

در اطلاعیه بانک مرکزی آمده که «با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص فعالیت و عملکرد کانون صرافان ایرانیان و انحراف از اهداف، موضوع و وظایف و اختیارات کانون و اساسنامه ثبتی آن، بر اساس تصمیمات متخذه توسط بانک مرکزی، موافقت نامه تأسیس کانون صرافان ایرانیان صادره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابطال می‌گردد.» در ادامه اطلاعیه بانک مرکزی آمده که «از جمله مهمترین تخلفات صورت گرفته می‌توان به استنکاف از دستورات بانک مرکزی و عدم همکاری با این بانک، انحراف از اهداف، وظایف و موضوع فعالیت کانون، به حدنصاب نرسیدن جلسات شورای عالی طی چندین ماه اخیر، سرمایه‌گذاری و تحصیل سهام بر خلاف موضوع فعالیت، وظایف و اختیارات کانون و نظایر آن اشاره کرد.»

کانون صرافان در واکنش به این اطلاعیه گفته است: «انحلال کانون صرافان در ماده ۲۱ اساسنامه جز اختیارات مجمع عمومی فوق العاده بوده و طبیعتاً هر گونه فرآیندی خارج از مسیر قانونی تخلف است و از طریق مراجع قضائی پیگیری خواهد شد، متأسفانه در ادامه اقدامات مزبور و پس از ناامیدی در مسیر قانونی، بانک مرکزی با انتشار اختلافات در فضای رسانه‌ای سعی بر فشار بر صرافان و کانون صرافان دارد و هم اندیشی سالیانه یک صنف را برمی‌تابد، در حالی که اگر بانک مرکزی بر مبنای قانون حرکت کند نیاز به رسانه‌ای کردن موضوعات نخواهد داشت.»

اقدام بانک مرکزی با تبلیغات گسترده از سوی طرفداران دولت روبرو شده است. از جمله یاسر جبرائیلی از تدوین‌کنندگان برنامه اقتصادی سیدابراهیم رئیسی و مشاور اقتصاد مقاومتی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در توییتری نوشته که «تعطیلی کانون صرافان به دلیل تخلفات و انحرافات از اهداف، گامی در جهت احیای اقتدار حاکمیت در اقتصاد است. هر بازیگر اقتصادی-ولو خصوصی- باید در چارچوب سیاست‌های ملی و در جهت منافع ملی فعالیت نماید. عدم اعمال نظارت حاکمیت بر این مهم، منافع خصوصی را در تقابل با منافع ملی قرار می‌دهد.»

گزارشی درباره یک نمایشنامه خوانی مجازی



گزارش منتشرشده‌ای از ترور مستر باربارا

بهم نگاه می‌کنند.

در «دستور زبان سینمایی» و نیز تلویزیونی فضایی که نگاه مجری و یا بازیگر به آنطرف است باید بیشتر از فضای پشت سر او باشد. بنابراین وقتی دو بازیگر در دو کادر متوالی در نقاط مقابل هم قرار دارند و به فضای خالی در برابر خود نگاه می‌کنند، مشخص می‌شود که آنها به همدیگر نگاه می‌کنند. با توجه به این اصل «دستور زبان سینمایی و تلویزیونی» من از پنج بازیگر که در چند نقطه‌ی مختلف قرار داشتند این خط فرضی را برای همه‌شان گذاشتم تا دوربین لپ‌تاپ را به عنوان یک دوربین فیلمبرداری در نظر داشته باشند یعنی خواستم که از تصویر دوتایی به طرف تصویری که تصور سه بُعدی ایجاد می‌کند حرکت کنم. نوآوری دیگر که در این اجرا به کار گرفتیم، حذف متن از جلوی بازیگر بود. یعنی از بازیگر خواستم که متن را حفظ کند.

در تجربه سوم که «مادام کامیون» نام دارد، یک عنصر جدید اضافه کردم. نمایش دو کاراکتر داشت و من خواستم که با کنار هم قرار دادن دو بازیگر عنصر سکوت را که در تئاتر زنده عنصر مهمی است در اجرای مجازی وارد کنم. می‌دانید که در «زوم» تا وقتی یک بازیگر سخن نمی‌گوید دوربین روی او نمی‌افتد. بنابراین بازی در سکوت نمی‌توانست شکل بگیرد. برای این منظور من از اسپات لایت استفاده کردم و سعی کردم بازی در سکوت بازیگران را به نمایش بگذارم که این خود یک نقطه عطف در اینگونه نمایشنامه خوانی بود.

تجربه‌ی بعدی، بخش کوتاهی از «خرده جنایت‌های زناشویی» بود که البته کارگردانی آنرا آقای سید اشرف طباطبایی انجام داده بود. اینبار با استفاده از اسپات لایت تصویری ایجاد شد که در ظاهر دو بازیگر در کنار هم در یک مکان قرار داشتند در حالی که در دو کشور مختلف بودند. یعنی پس زمینه دو طرف را بسیار زیاد به یکدیگر شبیه کردیم.

در کار بعدی با عنوان «مس لحظه‌های بی‌تو» من که تمام امکانات زوم را مدتی مطالعه کرده بود تلاش کردم

-نمایشنامه خوانی قبل از کووید ۱۹ به صورت حضوری در مقابل تماشاگر انجام می‌شد. ولی فکر نمی‌کنم که نمایشنامه خوانی از طریق زوم و به این گستردگی نظیر داشته باشد و احتمالاً این اولین بار در تئاتر بوده یا من دست‌کم اطلاعی درباره چنین فعالیتی پیش از کرونا ندارم. این بیان هنری که بازیگران در مکان‌های مختلف و حتی از چند کشور حضور داشته باشند و همزمان نمایشی را در فضای مجازی با یکدیگر اجرا کنند، برای نخستین بار در دوران کووید شکل گرفت.

من در اوایل فقط بیننده‌ی این نمایشنامه خوانی‌ها بودم که به ویژه در اوایل بسیار ساده برگزار می‌شد. دوتا بازیگر در دو مکان مختلف متن جلویشان بود. یکی فرضاً در برابر کتابخانه‌اش و دیگری در اتاق نشیمن نشسته بودند و داشتند با همدیگر نمایشنامه را می‌خواندند و حداکثر سعی می‌کردند که از توانایی فن بیان خود استفاده کنند. تا اینکه خانم سوسن فرخ نیای عزیز پیشنهاد کرد که من هم در این زمینه کاری ارائه بدهم. اولین چیزی که در این اجرا از نمایشی با عنوان «خرده جنایت‌های زناشویی» اثر اریک امانوئل اشمیت به ذهن من خطور کرد، این بود که برای تجربه‌ی اول سه بازیگر را بیاورم و کنار همدیگر بنشانم و با دادن لباس‌های خاص به نمایشنامه خوانان، عنصر لباس را نیز به نمایشنامه خوانی مجازی اضافه کنم و یک فضای خاص در خانه خودم ایجاد کنم. این نمایشنامه خوانی به صورت مجازی برای بینندگان در سراسر دنیا پخش شد. این اولین آزمایش من در این زمینه بود که برایم بسیار لذت‌بخش و شیرین بود.

در تجربه دوم با عنوان «بر پهنه دریا» از سینما من یک اصل را که «خط فرضی» است به کار گرفتم. خط فرضی خطی میان دو بازیگر در سینما و یا بین یک مصاحبه‌کننده و یک مصاحبه‌شونده در تلویزیون است که کنار هم نشسته‌اند و یا ایستاده‌اند. دوربین و یا دوربین‌هایی که از اینها تصویربرداری می‌کنند بر اساس این اصل دستور سینمایی و تلویزیونی باید همواره در یک طرف خط فرضی قرار داشته باشند وگرنه برای تماشاگر معلوم می‌شود که آنها

● محسن زارع کارگردان و بازیگر تئاتر: «این بیان هنری که بازیگران در مکان‌های مختلف و حتی از چند کشور حضور داشته باشند و همزمان نمایشی را در فضای مجازی با یکدیگر اجرا کنند، برای نخستین بار در دوران کووید شکل گرفت.»

● «من نهایت سعی خودم را کردم که در نمایشنامه خوانی‌های مجازی که ارائه دادیم از تمام امکاناتی که نرم‌افزار «زوم» در اختیار تئاتر می‌تواند بگذارد استفاده کنم و از نمایشنامه خوانی صرف به سوی اجرای تئاتری بروم.»

● «امروز که امکان اجرای روی صحنه وجود دارد، به راستی صحنه چیز دیگریست و لذت‌بخش‌تر است. حس درونی ما تئاتری‌ها در نهایت آنست که، چه به عنوان بازیگر و چه کارگردان، روی صحنه باشیم. آن نفس به نفس بودن با همبازی، با کارگردان و حس حضور تماشاگر چیز دیگری است.»

نمایشنامه خوانی یک اقدام فرهنگی و هنری است که پیش از پاندمی کرونا نیز با حضور علاقمندان به تئاتر و نمایش به ویژه در خارج ایران برگزار می‌شد اگرچه نه به صورت گسترده. در تقریباً سه سال شیوع بیماری کووید ۱۹ و آغاز قرنطینه‌های خانگی و محدودیت‌های اجتماعی، این هنر که از طریق اینترنت نیز به خوبی قابل اجرا بود، گسترش یافت و دست‌اندرکاران تئاتر از جمله در میان ایرانیان خارج کشور بیش از گذشته به آن روی آوردند.

در ارتباط با این موضوع با محسن زارع کارگردان و بازیگر تئاتر گفتگو کردیم تا مروری بر کارهای ابتکاری او در زمینه نمایشنامه خوانی مجازی داشته باشیم. همراه با مرور این کارها، محسن زارع از امکانات بیانی که در فضای مجازی از جمله به وسیله «زوم» وجود دارد صحبت می‌کند.

● آقای زارع، شما در استفاده از امکانات مجازی تلاش کردید فراتر از نمایشنامه خوانی صرف بروید و با ابتکاراتی از امکانات بیانی و تصویری نرم‌افزارهای مانند «زوم» استفاده کنید. آیا دیگر محافل تئاتری ایرانی نیز در این زمینه فعال بوده‌اند؟



خوش و بش شهرام ایرانی فرمانده نداجا با سرتیپ بورزنکو نماینده فرمانده نیروی دریایی روسیه در سن پترزبورگ

حضور فرمانده «نداجا» و سه ناو ایرانی در رژه سالانه نیروی دریایی روسیه؛ «تجدید بیعت» خامنه‌ای با پوتین!؟

پوتین به همراه سرگئی شویگو وزیر دفاع و دریاسالار نیکولای یومنوف فرمانده نیروی دریایی روسیه پیش از سخنرانی از بعضی کشتی‌ها بازدید کرد.

پوتین گفت: «امروز، روسیه با اطمینان وظایف کلان سیاست ملی دریایی ما را اجرا می‌کند و بطور مداوم در حال تقویت نیروی دریایی خود است.» وی در مورد جنگ اوکراین هیچ صحبتی نکرد.

برخی منابع می‌گویند دولت روسیه قصد دارد ناوگان شمالی این کشور را در اقیانوس آرام، دریای سیاه و بالتیک تقویت کند.

کمتز از دو هفته پیش روسیه و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در پایان نشست خود در مسکو در بیانیه‌ای مشترک خواهان «ارجاع پرونده جزایر سه‌گانه به دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور حل و فصل این مسئله مطابق با مشروعیت بین‌المللی» شدند. برخی سیاستمداران و رسانه‌های حکومتی در واکنش به این مواضع روسیه را حتما متهم به «خیانت» کردند و گفتند «از پشت به ایران خنجر زده» است. اما هنوز یک ماه نشده جمهوری اسلامی سر از پا نشناخته برای حضور در رژه نیروی دریایی روسیه شتافته است.

با وجود اینکه جمهوری اسلامی صدها فروند پهپاد انتحاری به روسیه تحویل داده اما این کشور از ارسال «سوخو-۳۵» به ایران خودداری کرده است.

قاسم محبعلی مدیرکل سابق خاورمیانه وزارت خارجه جمهوری اسلامی به وسایط «انتخاب» گفته بود «ظاهراً دوستان ایران خیلی توجهی به خواسته‌های ایران نشان نمی‌دهند و بیشتر به خواسته‌های رقیب توجه دارند.»

وی علت نزدیکی چین و روسیه به اعراب و اتخاذ مواضع به نفع آنها را ناشی از «توانایی‌ها طرفین و بده بستان‌های مختلف» دانسته و می‌گوید: «آنها می‌بینند که سیاست‌های ایران سود و قدرتی ندارد، طرف مقابل نیز خیالش راحت است که هر موضعی بگیرند ایران از سر ناچاری چیزی نمی‌گوید. آنها خیالشان راحت است که موضع ایران در مورد تبت و تایوان جابجا نمی‌شود، اما در مورد اعراب نگرانند.»

با وجود اینکه جمهوری اسلامی به هیچ عنوان در اولویت‌های روسیه نیست اما مقامات تهران در حد سرسپردگی به هر دری می‌زنند تا خود را زیر پرچم روس‌ها نگاه‌دارند. با وجود تمام بی‌محل‌هایی که در هفته‌های اخیر روسیه به رژیم ایران نشان داده، سفر شهرام ایرانی به سن پترزبورگ را می‌توان نوعی «تجدید بیعت» خامنه‌ای با پوتین دانست.

● با اینکه جمهوری اسلامی به دلیل پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین زیر فشارهای بین‌المللی قرار دارد اما فرمانده نیروی دریایی ارتش برای شرکت در مراسم روز نیروی دریایی روسیه به سن پترزبورگ رفته است.

● یک ماه پیش از این نیز محمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به روسیه سفر کرده بود. احتمالاً دستور داشتند برای کاهش پیامدهای چنین رفت و آمدهایی با لباس شخصی و نه با یونیفرم نظامی با فرماندهان ارشد نظامی روس ملاقات کنند.

با اینکه جمهوری اسلامی به دلیل پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین زیر فشارهای بین‌المللی قرار دارد اما فرمانده نیروی دریایی ارتش برای شرکت در مراسم روز نیروی دریایی روسیه به سن پترزبورگ رفته است. اقدامی که امکان ندارد بدون اجازه علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا بوده باشد.

شهرام ایرانی هفتم امرداد در فرودگاه «پولکواوی» سن پترزبورگ مورد استقبال کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در روسیه، سرتیپ بورزنکو نماینده فرمانده نیروی دریایی روسیه و رضا خسروی مقدم وابسته نظامی سفارت جمهوری اسلامی در آن کشور قرار گرفت.

یک ماه پیش از این نیز محمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به روسیه سفر کرده بود. هر دو مقام عالی‌رتبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی احتمالاً دستور داشتند برای کاهش پیامدهای چنین رفت و آمدهایی با لباس شخصی و نه با یونیفرم نظامی با فرماندهان ارشد نظامی روس ملاقات کنند.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی در رژه سالانه نیروی دریایی روسیه شرکت کرده است. بر اساس گزارش خبرگزاری ایرنا سه فروند شناور نیروی دریایی ارتش در شمال دریای خزر در محل بندر کاسپسک به مراسم رژه دریایی روسیه پیوستند. این مراسم روز یکشنبه ۳۰ ژوئیه (هشتم امرداد) برگزار شد.

به گزارش رویترز، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در مراسم رژه اعلام کرد که نیروی دریایی روسیه امسال ۳۰ کشتی جدید دریافت خواهد کرد.

گفته می‌شود که ۴۵ کشتی، زیردریایی و انواع دیگر کشتی‌ها در رژه نیروی دریایی روسیه شرکت کردند. منطقه اصلی این رژه «خلیج فنلاند» و «رودخانه نوا» در سنت پترزبورگ بود. کرملین اعلام کرد که حدود سه هزار پرسنل نیروی دریایی نیز در رژه زمینی شرکت کردند.

→ آنها را به کار بگیریم. مثلاً موسیقی را وارد اجرا کردم و یا اینکه از به اشتراک گذاشتن موسیقی و ویدئو استفاده کرده و ورود و خروج بازیگران را با توجه به اسپات لایت‌ها انجام دادم. در این اجرا مانند آن بود که من پشت یک میز تدوین و یا میکسر تصویر تلویزیونی نشسته‌ام و این کارها را انجام می‌دهم. پس‌زمینه‌های مختلفی را برای نشان دادن مکان‌های مختلف به کار گرفتم و تعدد صحنه را با تغییر پس‌زمینه‌ها نشان دادم. خلاصه اینکه بیشترین امکانات زوم در این اجرا به کار گرفته شد و آن را به رتبه اول مسابقه نمایشنامه‌خوانی مجازی رساند.

● به این ترتیب شما با استفاده‌ی ابتدایی از «زوم» به نوآوری رسیدید...

-بله، همینطور است. کار بعدی من عنوانش «خواب یخی» و تک بازیگر بود؛ بازیگر هم در دویی بود. آنجا اتاق این بازیگر را تبدیل به صحنه‌ی نمایش کردیم تا از نمایشنامه‌خوانی یک پله بیشتر به طرف نمایش واقعی حرکت کنیم. تخت بازیگر را تبدیل به خود صحنه کردیم و بازیگر که یک دختر بود روی تخت‌اش بازی می‌کرد. در عین حال لانگ شات و کلوزآپ را نیز به کار گرفتم. بازیگر در جاهایی که به دوربین نزدیک می‌شد، کلوزآپ داشتیم و چون احتیاج به چهره‌اش در همان دیالوگ داشتیم، یعنی صحنه بین لانگ شات و مدیوم شات و کلوزآپ متغیر بود، این کار از طریق حرکت بازیگر انجام می‌شد.

● یعنی اجرای مجازی را با میزانس تکمیل کردید. تازه‌ترین کار مجازی شما چیست؟

-عنوانش «گزارش منتشرنشده‌ای از ترور مستر باربارا» است که با بازیگران و جلوه‌های ویژه از جمله استفاده از دود و فضایی که به وجود آورده بودم اجرا تبدیل به یک کار تصویری و سینمایی شد. در این نمایشنامه لازم نبود که بازیگران با هم مرتبط باشند. هرکدام مونولوگ‌های خودشان را جدا از همدیگر در فضای نمایشی مختلف می‌گفتند.

به هر حال من نهایت سعی خودم را کردم که در نمایشنامه‌خوانی‌های مجازی که ارائه دادیم از تمام امکاناتی که نرم‌افزار «زوم» در اختیار تئاتر می‌تواند بگذارد استفاده کنم و از نمایشنامه‌خوانی صرف به سوی اجرای تئاتر بروم.

● آیا از این تجربه آیا راضی هستید؟ و آیا ممکن است باز هم با وجود اینکه ضرورتی وجود ندارد، باز نمایش و نمایشنامه‌خوانی‌های مجازی اجرا کنید در حالی که در هر اجرا می‌دانید چه تعداد تماشاگر دارید؟

-خُب با توجه به شرایط کووید، این کارها لازم بود. من از این اجراها رضایت هم دارم و هنوز هم که گاهی آنها را تماشا می‌کنم می‌بینم که تجربه‌های خوبی بودند و خلایق در آنها وجود داشته. اما امروز که امکان اجرای روی صحنه وجود دارد، به راستی صحنه چیز دیگریست و لذت‌بخش‌تر است. حس درونی ما تئاتر‌ها در نهایت آنست که، چه به عنوان بازیگر و چه کارگردان، روی صحنه باشیم. آن نفس به نفس بودن با همبازی، با کارگردان و حس حضور تماشاگر چیز دیگری است.

● فکر می‌کنید کارهای نمایشی به صورت مجازی ادامه خواهد داشت یا فراموش خواهد شد؟

-ای کاش یک پلتفرم ویژه برای فعالیت‌های تئاتری با امکانات خاص نمایش طراحی می‌شد. «زوم» عمدتاً برای کنفرانس و جلسه است و امکاناتش برای تئاتر محدود است. مانند اجرای نمایش روی یک صحنه‌ی بسیار کوچک است که امکانات لازم را برای یک تئاتر خود ندارد. اگر چنین پلتفرمی ساخته شود، گمان می‌کنم که اجراهای مجازی ادامه پیدا کند ولی با امکانات نمایشی محدود «زوم» به نظر ادامه نخواهد داشت.

در جمهوری اسلامی: ایران واردکننده «گدا» و «کودک کار» شد!

موظفان مکان‌های تفریحی و ورزشی خود را در مدت زمان مشخصی از شبانه‌روز بطور رایگان در اختیار کودکان کار و خیابان قرار دهند.

سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور تأکید کرده که «بجای اینکه موضوع ساماندهی کودکان خیابانی بین دستگاه‌ها پاسکاری شود و توپ را در زمین یکدیگر بیندازند، ۲۰ دستگاهی که قانون به آنها تکلیف کرده، به موضوع ورود و وظایف خود را در کنار یکدیگر با محوریت سازمان بهزیستی انجام دهند.»

مهری سادات موسوی معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور ۲۵ تیر ۱۴۰۲ در برنامه «تهران بیست» شبکه تهران اعلام کرد که «کودکان اتباع در برخی شهرستان‌ها مثل تهران و... ۷۰ درصد هستند و ما آماری از آنها نداریم و باید وزارت کشور در این زمینه ورود کند. هر جا که سایر دستگاه‌ها در کنار ما نبودند، توانسته‌ایم قدم‌های موثری برداریم.»

احمد احمدی صدر مدیرکل سازمان رفاه خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران نیز در همین برنامه با بیان اینکه «کودکان سر چهارراه‌ها بالای ۷۰ درصد شبکه‌ای و مافیایی هستند، ما با این سرشبهه‌ها برخورد جدی سلبی خواهیم کرد» گفته «ما باندها و مافیایی را در کشور داریم که کودکان را در خیابان جمع می‌کنند و اقتصاد خیابان را ساماندهی می‌کنند. این باندها ساماندهی شده و شبکه‌ای شده هستند. اقتصاد کف خیابانی با درآمدهای سرشار با نوع دوستی و تحریک احساسات مردم شکل گرفته است و سرشبهه‌های این مافیا از آن استفاده می‌کنند. بخشی از این کودکان به صورت منفرد به خیابان‌ها می‌آیند.»

حسن موسوی رئیس انجمن مددکاری ایران هم با اشاره به فعالیت‌های مافیای در رابطه با ساماندهی کودکان کار و خیابان گفته که «تجربه ۳۰ ساله نشان می‌دهد بخش عمده کودکان برای معاش در این مافیا حضور پیدا می‌کنند. دستگاه‌های مختلف اهتمام لازم را ندارند که سایر دستگاه‌ها را کنار خود بیاورند، فقط به صورت مقطعی وقتی اتفاقی می‌افتد، طرح و برنامه می‌دهند و اجرایی هم نمی‌شود.»

آرین قاسمی دبیر انجمن علمی حقوق کودکان ایران در همین ارتباط گفته است تعداد زیادی کارگاه زیرزمینی وجود دارد که نمی‌توان آمار دقیقی از وضعیت کار کودکان در آن کارگاه‌ها ارائه داد.

این فعال حقوق کودکان نیز تأیید کرده که شمار زیادی از این کودکان خارجی هستند و افزوده که «در مورد اتباع بودن کودکان کار هم نمی‌توان آمار دقیقی ارائه داد، چرا که برخی از این کودکان شناسنامه و سند هویتی ندارند.»

محمدرضا حیدرهای سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور آبان‌ماه ۱۴۰۱ در مورد ساماندهی کودکان کار گفته بود تا کنون ۷ هزار کودک کار و خیابانی در کشور شناسایی شده و از این مراکز خدمت دریافت کرده‌اند و بر اساس برآوردها ۱۴ هزار کودک کار و کودک خیابانی در کشور وجود دارد.

به گفته او ۷۰ درصد این اتباع خارجی غیرمجازند و اوراق هویتی ندارند و سازمان بهزیستی نمی‌تواند در حوزه توانمندسازی و تحصیل به این کودکان خدمات ارائه دهد و صرفاً می‌تواند از حمایت‌های غیرمادی سازمان برخوردار شوند.



می‌گیرند که جای خود دارد.»

او همچنین معتقد است که مراجع قانونی اطلاعاتی درباره گردش مالی مافیای زنان و کودکان کار ندارند یا حتی درباره اینکه «دقیقاً چه کسانی هستند» اطلاعاتی ندارند: «فقط چیزی که ما می‌بینیم این است که افراد متکدی، گاهی از سطح شهر جمع‌آوری می‌شوند و چون دوباره رها می‌شوند، آنها به سیکل قبلی خود برمی‌گردند و مشکلی حل نمی‌شود. این روند، نشانه ضعف در نظارت و اجرا است.»

کریم حسینی با بیان اینکه «اگر مراجع انتظامی و نهادهای مسئول بخواهند، می‌توانند مقابله جدی با این باندها را در دستور کار بگذارند» گفته که «وقتی برخورد جدی صورت نگیرد، معلوم است که هر روز بر تعداد این افراد اضافه می‌شود. این افراد، بدون هیچ خرج، هزینه و مواد اولیه‌ای در حال پول درآوردن هستند که این روند هم روح و روان جامعه را بهم زده و هم عده‌ای معدود به این واسطه، از راهی نامشروع پول‌دار شدند.»

یکی از مهمترین اطلاعاتی که از سوی کریم حسینی مطرح شده واردات متکدی و کودک خیابانی از خارج کشور است: «موضوع بدتر این است که بخشی از این افراد که تکدی‌گری می‌کنند، از اتباع خارجی هستند و اینها با مکانیزمی خاص به کشور ورود می‌کنند. پرسش این است که گرفتن اقامت این افراد به چه صورت است؟»

محمدرضا حیدرهای سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی ایران بهار امسال از وجود ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور خبر داده و گفته که سال گذشته «۱۴ هزار و ۵۰۰ کودک خیابانی شناسایی شدند که حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر از آنها از خدمات سازمان بهزیستی استفاده کردند و مابقی آنها تمایلی برای دریافت این خدمات نداشتند.»

طبق قانون حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان، در موضوع کودکان کار و خیابان، شهرداری‌ها موظف به تأمین فضا برای سازمان بهزیستی هستند تا از این طریق بهزیستی بتواند مدل حمایتی خود را اجرا کند. همچنین شهرداری‌ها

● عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از سازماندهی کودکان و زنان در خیابان‌ها برای تکدی‌گری و دستفروشی سر چهارراه‌ها توسط مافیایی خبر داده که سود سرشاری از این راه کسب می‌کنند.

● سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی ایران بهار امسال از وجود ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور خبر داد.

● مدیرکل سازمان رفاه خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران: کودکان سر چهارراه‌ها بالای ۷۰ درصد شبکه‌ای و مافیایی هستند، ما با این سرشبهه‌ها برخورد جدی سلبی خواهیم کرد.

در حالی که گزارش‌ها از افزایش سریع کودکان متکدی و کودکان کار در شهرهای بزرگ حکایت دارد عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته بخشی از این کودکان غیرایرانی هستند و با ساماندهی خاصی به کشور وارد می‌شوند.

کریم حسینی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی درباره کودکان کار و خیابان در ایران گفته که پدیده حضور کودکان کار در جامعه، بسیار ناهنجار، ولی قابل کنترل و مدیریت است. ما در کمیسیون اجتماعی، جلساتی برای این موضوع برگزار کردیم و موضوع را با مسئولان امر در میان گذاشتیم و ضرورت دارد که پس از دهه‌ها برای این اتفاقات نامبارک، فکری اساسی شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی از سازماندهی کودکان و زنان در خیابان‌ها برای تکدی‌گری و دستفروشی سر چهارراه‌ها توسط مافیایی خبر داده که سود سرشاری از این راه کسب می‌کنند: «در گستره‌ای که الان این پدیده وجود دارد اگر به بحث مافیایی آن رجوع کنیم، می‌توان گفت جرمی است که توسط افرادی رخ داده و می‌دهد و این مجرمان که باید از آنها هم به عنوان مجرم اجتماعی و هم مجرم اقتصادی نام برد، با تحریک و مدیریت‌شان، از کودکان و زنان برای رسیدن به منویات خود، استفاده ابزاری می‌کنند. حتی الان غیر از چهارراه‌ها در بزرگراه‌ها هم این افراد را مشاهده می‌کنیم، ولی باز تأکید دارم که بگویم موضوع قابل مدیریت و حل است.»

کریم حسینی در ادامه افزوده که «به نظر من ادامه این پدیده ناهنجار، نشان از بی‌تدبیری و سهل‌انگاری افراد مسئول دارد. وجود حتی یک نفر از این افراد در خیابان‌ها و چهارراه‌ها ناهنجار است و حتی به شکلی به آرامش روانی مردم هم آسیب می‌رساند.»

به نظر می‌رسد کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی اطلاعات دقیقی از مافیای فعال در زمینه فعالیت کودکان کار و خیابان و زنان متکدی دارد چرا که کریم حسینی عضو این کمیسیون تأکید کرده که «اگر این موضوع، در قالب مافیا و کار سازمان‌دهی شده است، حتماً باید با توسل به قوانین و بدون مسامحه با این مجرمان اقتصادی برخورد کرد. چه معنی دارد که عده‌ای مافیا در پشت صحنه، زنان و کودکان را وسط بیندازند و با استفاده ابزاری‌شان، روزانه و ماهانه، میلیون‌ها و میلیارد‌ها پول به جیب خود واریز کنند و از طرفی، این زنان و کودکان را در فقر نگه دارند. ما در کشور با کسب و کارهای بدون مجوز مقابله می‌کنیم، حال برخورد با این افراد که خیلی از انسانیت هم بویی نبرند و به این واسطه از مردم آن هم براساس احساسات پول

تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران طی دو سال



قانونی شرکت آب و فاضلاب (آبفا) استان تهران را مجبور به آبرسانی به پارک‌های جنگلی کند. مهدی پیرهادی گفته بود مقامات قضایی باید «توجه داشته باشند که خشک شدن درختان شهر تهران، آسیب جدی برای سلامت شهروندان به همراه خواهد داشت.»

برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد عدم آبرسانی به پارک‌های جنگلی تهران بخشی از اقدامات مافیای ساخت‌وساز و زمین‌خواری است. این موضوع از سه سال پیش مطرح شده اما احسان صفایی خیراتیان معاون خدمات شهری منطقه ۲۲ تهران سال ۹۸ چنین چیزی را تکذیب و نشانه «بی‌تقوایی» مطرح کنندگان دانست.

اینهمه در حالیست که از بین بردن باغ‌های تهران برای ساخت و ساز موضوعی تأیید شده است. رضا بیانی مدیرکل منابع طبیعی استان تهران دی‌ماه سال گذشته در گفتگو با روزنامه «آرمان ملی» از نصف شدن باغات تهران در نیم قرن اخیر خبر داد.

مدیرکل منابع طبیعی استان تهران با بیان این که هر هکتار باغ شهری در فرآیند ترسیب کربن درختان، سالانه ۲.۵ میلیون تن اکسیژن تولید می‌کند، گفته بود که «برآوردهای ما از عکس‌های هوایی یا تصاویر ماهواره‌ای که از دهه ۴۰ به این سو از پایتخت تهیه شده، نشان می‌دهد که مساحت باغات موجود در داخل و حاشیه شهر تهران در ۶۰ سال گذشته حدوداً ۵۰ درصد کاهش یافته است.»

او تأکید کرده بود که معمولاً وقتی یک درخت در فرآیند تغییر کاربری یک باغ یا انجام ساخت و ساز در سطح شهر قطع می‌شود، شهرداری‌ها از مالکان باغات یا ساختمان‌ها جریمه می‌گیرند، اما مبلغ این جریمه قطعاً کمتر از آسیبی است که قطع درختان بر محیط زیست شهری وارد می‌کند؛ مثلاً وقتی یک درخت پهن برگ ۴۰ ساله قطع می‌شود، هرچقدر هم ما از سازندگان ساختمان‌ها جریمه بگیریم، بازهم نمی‌توانیم کارکرد مهمی را که آن درخت در کاهش آلودگی هوا، ایجاد تعادل دمایی، زیبایی منظر شهری، حفاظت از خاک و... داشته است، جبران کنیم.

بهزاد شریفی پور مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری کردستان پس از مهار آتش‌سوزی گفت که علت آتش‌سوزی بطور دقیق مشخص نیست و علت آن از سوی نهادهای امنیتی در حال پیگیری است.

به گفته مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری کردستان طی این آتش‌سوزی جنگل‌های در مناطق «پيله» و «کانی میران» دچار حریق شد و دست‌کم ۱۶۵ هکتار از جنگل‌های شهرستان مریوان در آتش سوخت.

در گزارش دیگری رئیس کمیسیون محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به قطع حقایه پارک‌های جنگلی تهران از احتمال خشک شدن و از بین رفتن آنها خبر داده است.

مهدی پیرهادی رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران با انتقاد از قطع کردن آب مورد نیاز برای آبیاری درختان پارک‌های جنگلی چیتگر، سرخ‌حصار و لویزان توسط شرکت آب و فاضلاب (آبفا) استان تهران برای چند روز در دو ماه گذشته نسبت به خطر خشک شدن این پارک‌های جنگلی هشدار داد.

مهدی پیرهادی با تأکید بر این که ایجاد اختلال در روند آبیاری درختان در پارک‌های جنگلی چیتگر، سرخ‌حصار و لویزان، باعث ورود آسیب به درختان این بوستان‌ها خواهد شد تأکید کرده بود که «با وجود اینکه از هفته گذشته مشکل قطع شدن سیستم آبرسانی به این درختان حل شده و آبیاری آنها به روند عادی بازگشته است، ولی بازهم وقتی یک درخت بخصوص در فصل گرم دچار کم‌آبی شود، حتماً ضعیف می‌شود و مستعد خشکیدگی یا دچار شدن به آفات و بیماری‌ها می‌شود.»

رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورایشهر تهران قطع آب پارک‌های جنگلی را «غیرقانونی» عنوان کرده و گفته بود که «براساس قانون، هیچ مجموعه‌ای نباید اقدامی را انجام دهد که باعث خشک شدن درختان یا آسیب دیدن آنها شود. این کار هیچ فرقی با قطع درختان ندارد، چون نتیجه آن یکسان خواهد بود.» او همچنین از رئیس قوه قضاییه خواسته بود که از طریق

● پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» از تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خبر داده است. ۲۱ هزار هکتار از جنگل‌های کشور طی سال ۱۴۰۰ از بین رفته است.

● در میان استان‌های ایران بالاترین نرخ تخریب جنگل‌های در سال ۱۴۰۰ متعلق به استان‌های کردستان، قم و فارس و پس از آن استان‌های آذربایجان غربی، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد است.

پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» در گزارشی تکانهنده از تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خبر داده است. همزمان گزارش‌ها از احتمال خشک شدن پارک‌های جنگلی تهران به دلیل قطع حقایه حکایت دارد.

پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» در گزارشی که چهارم امرداد ۱۴۰۲ منتشر کرده از تخریب ۴۵ هزار هکتار از جنگل‌های ایران در دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خبر داده است. ۲۱ هزار هکتار از جنگل‌های کشور طی سال ۱۴۰۰ از بین رفته است.

بنا بر داده‌های آماری سازمان منابع طبیعی، که در سالنامه‌ها و گزارش‌های مرکز آمار ایران منتشر شده، بیش از ۲۴ هزار هکتار در سال ۱۳۹۹ و بیش از ۲۱ هزار هکتار در سال ۱۴۰۰ رخ داده است. مجموع سطح تخریب این دو سال معادل ۷۰ درصد آمار تخریب پنج سال گذشته است.

پیش از این گزارش‌ها از تخریب سالانه ۱۲ هزار متر مربع جنگل در ایران حکایت داشته‌اند. این نشان می‌دهد که تخریب سالانه جنگل‌های ایران در دو سال گذشته بیش از دو برابر شده است.

پایگاه پژوهشی «داده‌های باز ایران» با ارائه نموداری نوشته که میزان تخریب جنگل‌ها در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، بین ۰.۲۸/۰ درصد (سال ۱۳۹۷) و ۱۶.۰/۰ درصد (سال ۱۳۹۹) در نوسان است. این نرخ در سال ۱۴۰۰ به ۱۶۱/۰ درصد رسیده است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که در میان استان‌های ایران بالاترین نرخ تخریب جنگل‌های در سال ۱۴۰۰ متعلق به استان‌های کردستان، قم و فارس و پس از آن استان‌های آذربایجان غربی، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد است.

از نظر سطح تخریب نیز استان فارس با رکورد تخریب ۱۳ هزار و ۳۵۰ هکتار در صدر جدول است. پس از فارس استان‌های کردستان (۳۳۴۷ هکتار)، لرستان (۱۲۶۹ هکتار)، کهگیلویه و بویراحمد (۱۰۸۲ هکتار) و گلستان (۹۶۷ هکتار) بیشترین سطح تخریب را در سراسر کشور داشته‌اند. این گزارش افزوده که مهم‌ترین عامل بالا بودن سطح تخریب جنگل‌ها در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده جنگل‌ها، به خصوص در رشته کوه زاگرس است. استان فارس از نظر سطح پوشش با بیش از ۲ میلیون هکتار اراضی جنگلی، سبزترین استان ایران است و با توجه به نرخ بالای تخریب، بیشترین سهم را در رکوردشکنی تخریب جنگل‌های ایران در سال‌های اخیر داشته است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد خشکسالی و عوامل انسانی سبب ایجاد سوزی در جنگل‌ها و مراتع کشور به ویژه در فصل‌های گرم سال می‌شود.

هفته گذشته جنگل‌های مریوان در استان کردستان دچار آتش‌سوزی گسترده‌ای شد که پس از سه روز تلاش نیروهای امدادی و مردم محلی این آتش در نهایت مهار شد.

سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در فردای ایران با نگاهی به تجارب توسعه آموزشی در کره جنوبی و ژاپن (بخش یک)



● با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران که در بسیاری از زمینه‌ها عقب‌تر از کشورهای توسعه‌یافته و یا حتی در حال توسعه است، استفاده از تجربه کشورهای که مسیر توسعه آموزشی را از مدت‌ها قبل شروع کرده‌اند (بجای برداشتن همه قدم‌ها توسط متخصصان ایرانی) برای ایران گنجی گرانبهاست که مسیر توسعه عادی و استاندارد را سرعت می‌بخشد. این گزارش تحقیقی توسط فائزه علوی کارشناس ارشد سیاست‌گذاری توسعه برای اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» تهیه شده که در دو بخش در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

مقدمه

در حال حاضر که مردم ایران در حال تلاش برای فراهم کردن مقدمات دموکراسی هستند و هر کس به اندازه توان و تخصص خود برای ارائه چشم‌اندازی از آینده‌ای عادی در تلاش است، این پروژه سعی در نگاهی به سیاست‌گذاری‌های آموزشی در آینده ایران دارد. به این منظور، با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران که در بسیاری از زمینه‌ها عقب‌تر از کشورهای توسعه‌یافته و یا حتی در حال توسعه است، استفاده از تجربه کشورهای که مسیر توسعه آموزشی را از مدت‌ها قبل شروع کرده‌اند (بجای برداشتن همه قدم‌ها توسط متخصصان ایرانی) برای ایران گنجی گرانبهاست که مسیر توسعه عادی و استاندارد را سرعت می‌بخشد. در این پژوهش نگاهی به مسیر توسعه آموزشی دو کشور کره جنوبی و ژاپن می‌اندازیم و بعد سعی در نگاهی به قدم‌های اول برای مسیر توسعه آموزشی در ایران خواهیم داشت. کره جنوبی به این دلیل مورد توجه است که مسیر توسعه سریعی برای رسیدن به کشوری توسعه‌یافته داشته، و ژاپن به این دلیل که تاریخچه‌ای طولانی در ساخت سیستم آموزشی خود دارد و هر دو می‌توانند نمونه خوبی برای بررسی باشند.

تاریخچه سیاست‌گذاری‌های آموزشی کره جنوبی

در هر دوره زمانی نیاز است بدانیم بستر جامعه چگونه بوده، هدف، ارزش‌گذاری و استراتژی دولت برای توسعه کشور در آن بستر خاص چه بوده و بعد بر مبنای آن ارزش‌ها چه سیاست‌گذاری‌هایی در حیطه آموزشی در اولویت قرار گرفته است.

سیاست‌های فقر (۱۹۶۱ تا ۱۹۷۹)

سیاست آموزشی در طول دولت «پارک چونگ هی» (۱۹۶۱-۱۹۷۹) در کره جنوبی تمرکز زیادی بر توسعه اقتصادی و اقدامات ضد فقر داشت. پارک چونگ هی پس از تصدی مسئولیت در سال ۱۹۶۲، توسعه اقتصادی را با تمرکز بر کشاورزی و صنعتی شدن به عنوان اهداف کلیدی کشور در اولویت قرار داد. هدف دولت در آن زمان ایجاد بستری برای توسعه بلندمدت کره جنوبی بوده و بر مبنای آن هدف، تمرکز دولت بر استراتژی‌های صادرات محور قرار داشته است.

بر مبنای این استراتژی و ارزش‌گذاری، سیاست‌های زیر برای توسعه آموزش در اولویت قرار گرفتند:

- تمرکز بر پرورش و توسعه نیروی کار با کیفیت و تحصیل‌کرده برای حمایت از توسعه اقتصادی
- بازنگری برنامه درسی با تاکید بر استقلال، بهره‌وری و عملی بودن برای پرورش افراد ماهر و تکنولوژی‌محور به منظور صنعتی شدن کره جنوبی
- بر مبنای همین سیاست‌های آموزشی، در مرحله اجرا

اقدامات زیر به اجرا درآمد:

- گسترش سیستم آموزش اجباری (برای رفع بی‌سوادی)
- افزودن موسسات آموزشی جدید برای پوشش طیف وسیع‌تری از نیازها و ارائه نرخ پذیرش عادلانه برای همه
- اجرای سیاست‌های حمایتی برای رسیدگی به تقاضای روبه‌رشد
- سیاست‌های آموزشی برای توسعه دموکراسی در کره جنوبی (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲)**

سیاست‌های آموزشی اجرا شده در طول دولت‌های «چون دو هوان» و «رو تائه وو» در کره جنوبی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ با آشفته‌گی سیاسی، رشد اقتصادی و درگیری اجتماعی همراه بود. رئیس‌جمهور «چون» با تمرکز بر صنایع صادراتی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، جنبش‌های طرفدار دموکراسی را سرکوب کرد. کنترل دولت بر اقتصاد فراگیر بود و منجر به ایجاد پیوندهای تباری بین شرکت‌ها و دولت‌ها برای توسعه اقتصادی در کره جنوبی شد.

هدف در آن دوره آموزش مادام‌العمر برای همه بوده و بر اساس آن هدف‌گذاری، استراتژی کلان متمرکز بر توسعه دموکراسی در آموزش زیر توسط دولت اتخاذ شدند:

- رئیس‌جمهور «چون» «سیستم انتقالی مدارس» و «سیاست برابری دبیرستان‌ها» را پایه‌گذاری کرد که باعث افزایش ثبت نام در دبیرستان شد اما همچنین منجر به رقابت بیش از حد برای ورود به دانشگاه‌ها گشت.
- تحت شعار «نوآوری آموزشی، آفرینش فرهنگی» و تحقق جامعه‌ای دموکراتیک و عادلانه و رفاه‌محور، دولت «چون» یک چارچوب آموزشی ایجاد و قانون اساسی را به نفع سیاست‌های آموزشی اصلاح کرد.
- در مرحله اجرا، شاهد اقدامات زیر از دولت وقت کره جنوبی هستیم:

- برای رفع نابرابری درآمد در آموزش و پرورش، کلاس‌های خصوصی برای دانش‌آموزان دبیرستانی ممنوع شد و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه محدود گشت.
- دولت همچنین بر دموکراتیزه کردن و آموزش مادام‌العمر،

اصلاح قانون اساسی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای آموزش مدنی تمرکز نمود.

سیاست‌های آموزشی در دوران جهانی شدن (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷)

در طول دولت «کیم یانگ سام» (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷) در کره جنوبی، آن کشور از جهانی شدن و سیاست‌های نئولیبرالیست استقبال کرد. با پایان «جنگ سرد» و گذار از حکومت نظامی به حکومت غیرنظامی، رئیس‌جمهور «کیم» بر توسعه‌ی اقتصادی، غنی‌سازی فرهنگی و استانداردهای اخلاقی تمرکز نمود. هدف دولت تسهیل مقررات و ترویج اصول بازار در بخش‌های مختلف از جمله اقتصاد و اداری بود. هدف دولت در آن دوره حرکت به سمت جهانی شدن موفقیت‌آمیز بود و استراتژی کلان آن، مقررات‌زدایی (deregulation) و گسترش خصوصی‌سازی بود.

بر مبنای این استراتژی، سیاست‌های آموزشی زیر در اولویت دولت قرار گرفت:

- آماده شدن برای هزاره جدید و رقابت فزاینده در دنیایی که به سمت جهانی شدن پیش می‌رود.
- تمرکز بر آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات و جهانی شدن
- تمرکز بر آموزش مادام‌العمر، آموختن محور (بر مبنای نیاز دانش‌آموزان و دانشجویان)، برنامه درسی و تحصیلی متنوع، عملکرد مستقل مدارس، فرصت‌های برابر، آموزش مبتنی بر اطلاعات و آموزش با کیفیت
- اقدامات زیر از جمله مواردی هستند که این سیاست‌ها بر اساس آنها به اجرا در آمد:

- توجه به نوع و تخصص دانشگاهی مطابق نیاز زمانه
- افزایش تخصیص بودجه آموزش و پرورش
- ارزشیابی مدرسه و سیستم‌های آموزشی چندجانبه
- مدارس خصوصی خودگردان
- کاهش هزینه‌های آموزش خصوصی
- سیاست‌های آموزشی در دوران بحران اقتصادی (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲)**

در زمان دولت «کیم دایجونگ» (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲)، آن

خودکشی ناشی از فقر و ناامیدی به رزیدنت‌های پزشکی رسید؛ ۱۳ مورد در یک سال!



کار (good standing certificate) گرفته‌اند که عدد وحشتناکی است.

علی سلحشور همچنین افزوده که «بسیاری از پزشکانی که تخصص داخلی، زنان، بیهوشی، جراحی عمومی و... دارند، چون با تخصص‌شان نمی‌توانند حداقل نیازهای زندگی‌شان را فراهم کنند، به کار زیبایی رو می‌آورند. خیلی از پزشکان هم کلا پزشکی را کنار می‌گذارند و ترجیح می‌دهند به سراغ کار آزاد بروند.»

دهم خردادماه ۱۴۰۱ آماري از سوی «رصدخانه مهاجرت ایران» که زیرمجموعه دانشگاه «شريف» است و با همکاری معاونت علمی و فناوری نهاد ریاست جمهوری فعالیت می‌کند، انتشار یافت که بر اساس آن ۷۳ درصد پزشکان و پرستاران «به دلیل «مشکلات کشور» و «وضعیت اقتصادی» ایران اعلام کرده بودند که «میل به مهاجرت» دارند.

علی سلحشور در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» گفته شرایط پزشکان جوان با آنچه در باور عمومی نسبت به کار و درآمد بالا و رفاه این قشر وجود دارد متفاوت است. او گفته که «روایت آنها از کار و زندگی‌شان، با آنچه در جامعه جا افتاده فرق زیادی دارد. از حقوق پایین و مشکلات معیشتی گرفته تا ناامیدی و میزان بالای خودکشی بین رزیدنت‌ها، از مهاجرت به کشور دیگر تا ترک کار و رفتن به سمت کارهایی که برایشان آب و نان بشود.»

نماینده پزشکان متخصص طرحی گفته که «مسئله اصلی ما مشکلات معیشتی است. یک کلام بگویم که حقوق یک پزشک متخصص شاغل در بیمارستان دولتی، کفاف نیازهای اولیه زندگی‌اش را هم نمی‌دهد.»

او با تأکید بر اینکه «اوضاع تعدادی از پزشکان متخصص دست کمی از دیگر اقشار ضعیف جامعه ندارد» افزوده که «اکثر پزشکان در سیستم دولتی کار می‌کنند و درآمد چندانی ندارند و تنها مبلغی که می‌توانیم روی آن حساب کنیم، حقوق ثابتی است که این حقوق برای پزشکان مجرد متخصص حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان و برای پزشکان متأهل متخصص حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون تومان است.»

● **نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور: رزیدنت‌ها با حقوق ناچیز و بدون بیمه و سنوات مجبورند کار سنگین انجام بدهند و با این وضعیت، امید چندانی به آینده ندارند.**

● **علی سلحشوری: مهاجرت بین پزشکان به یک امر معمول تبدیل شده و سال گذشته بالای ۴ هزار پزشک برای مهاجرت، گواهی حسن انجام کار (good standing certificate) گرفته‌اند که عدد وحشتناکی است.**

● **«بسیاری از پزشکانی که تخصص داخلی، زنان، بیهوشی، جراحی عمومی و... دارند، چون با تخصص‌شان نمی‌توانند حداقل نیازهای زندگی‌شان را فراهم کنند، به کار زیبایی رو می‌آورند. خیلی از پزشکان هم کلا پزشکی را کنار می‌گذارند و ترجیح می‌دهند به سراغ کار آزاد بروند.»**

طی یک سال گذشته ۱۳ رزیدنت پزشکی به دلیل حقوق ناچیز، نداشتن بیمه، کار سنگین و ناامیدی نسبت به آینده خودکشی کرده و جان خود را از دست داده‌اند.

علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور از خودکشی یکی دیگر از رزیدنت‌های پزشکی در هفته‌های گذشته خبر داده است. به گفته علی سلحشور «از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، یعنی فقط طی یک سال، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند.»

نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور گفته که «رزیدنت‌ها با حقوق ناچیز و بدون بیمه و سنوات مجبورند کار سنگین انجام بدهند و با این وضعیت، امید چندانی به آینده ندارند.»

در کنار پزشکان یا دانشجویان سال‌های آخر پزشکی که از سر ناامیدی و استیصال اقدام به خودکشی می‌کنند، شمار دیگری از پزشکان نیز دنبال مهاجرت کاری به دیگر کشورها حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند. نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور گفته که مهاجرت بین پزشکان به یک امر معمول تبدیل شده و سال گذشته بالای ۴ هزار پزشک برای مهاجرت، گواهی حسن انجام

کشور در نتیجه رکود اقتصادی در آسیای جنوب شرقی با یک بحران اقتصادی مواجه شد. هدف دولت این بود که رفاه کارگران را در اولویت قرار دهد و در عین حال سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی را برای احیای اقتصاد اجرا کند. سیاست آموزشی در آن زمان بر رقابت، عملکرد و کارایی با تأکید بر توسعه فناوری IT (انفورماتیک یا تکنولوژی اطلاعات) برای دوام آوردن در رقابت بین‌المللی متمرکز بود. هدف دولت وقت احیای توان اقتصادی بود و به همین دلیل استراتژی کلان کشور را بر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی متمرکز کرد.

بر مبنای همین هدف‌گذاری بود که دولت در حیطه آموزشی سیاست‌های زیر را در اولویت قرار داد:

- تمرکز بر رقابت، عملکرد و کارایی، با تأکید بر توسعه فناوری IT برای باقی ماندن در رقابت بین‌المللی
- تمرکز بر منابع انسانی و رشد مبتنی بر دانش برای غلبه بر بحران
- اطمینان حاصل کردن از تاب‌آوری در برابر کمک مالی صندوق بین‌المللی پول (IMF)

• تأکید بر مسئولیت فردی و استقلال و خودگردانی اقتصادی در مرحله اجرای این سیاست‌ها می‌توان به اقدامات زیر اشاره کرد:

• دولت، وزارت آموزش و پرورش و توسعه منابع انسانی را برای افزایش رقابت در اقتصاد جهانی تأسیس کرد. تا قبل از آن این وزار تخانه نام دیگری داشت و تغییر نام آن برای افزایش بهره‌وری و اصلاح برنامه‌ها صورت گرفت.

• برنامه درسی مدارس با عنوان «اصلاح هفتم» یا طرح آموزش نوین اصلاح شد. این طرح بر گسترش برنامه درسی و اعطای خودگردانی و استقلال مدیریتی، اتخاذ آموزش «گیرنده‌محور» یا «آموختن‌محور» (بر مبنای نیازها و علائق دانش‌آموزان و دانشجویان) برای رشد بهتر دانش‌آموزان و تشویق سبک آموزشی‌ای که خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت می‌کرد، تأکید داشت.

سیاست‌های آموزشی برای تعادل بین رفاه و رقابت (۲۰۰۳ تا امروز)

اصطلاح «رفاه آموزشی» به معنای نوع خاصی از آموزش است که بطور برابر فرصت و کیفیت آموزش را ارائه می‌کند. سیاست‌های آموزشی دولت‌های «رو موهیون» و «لی میونگ باک» در کره جنوبی منعکس‌کننده ترکیبی از رفاه و رقابت است. در زمان رئیس‌جمهور «روه» تمرکز بر رفاه در آموزش و پرورش با هدف ارائه فرصت‌های برابر و آموزش با کیفیت بود. سیاست‌ها شامل تعیین نکات رفاهی آموزش و پرورش، فعالیت‌های بعد از مدرسه، حمایت از آموزش‌های فوق برنامه و ویژه و برنامه‌هایی برای خانواده‌های چندفرهنگی و همچنین تنگدست بود.

دولت «روه» ضمن تأکید بر رفاه، با چالش‌هایی مانند تسهیل مقررات و تمرکززدایی نیز مواجه بود که نشان‌دهنده رویکردی نئولیبرالی و رقابتی است. هدف در این دوران ایجاد تعادل بین رفاه و رقابت بود و استراتژی کلان بر محدود کردن نقش دولت همراه با فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر قرار داشت. بر مبنای این استراتژی، سیاست‌های آموزشی و اقدامات زیر در اولویت قرار گرفتند:

- تمرکز زدایی، پروژه‌های مربوط به تغییرات مرتبط با دبیرستان‌ها، و ورودی مستقل به دانشگاه
- کاهش رقابت و ارائه مسیرهای آموزشی متنوع

• تمرکز بر رفاه، از جمله تأمین رفاه با برآورد منابع منطقه‌ای و دانشجویی، تضمین توانایی تحصیلی، بورس تحصیلی، بهبود آموزش دوران کودکی، حمایت از آموزش ویژه و فعالیت‌های بعد از مدرسه برای خانواده‌هایی که در آنها هر دو والدین کار می‌کنند.

[ادامه دارد]

چهار خودکشی در پتروشیمی ایلام در یک سال؛ پایان زندگی برای کارگران درگیر با فقر و فلاکت و اخراج

● حیدر محسنی کارگر متأهل و دارای دو فرزند با ۱۸ سال سابقه کار در پتروشیمی چوار ایلام هفته گذشته پس از دریافت حکم اخراج، خود را حلق آویز کرد و جان باخت. ● در یک سال گذشته چهار کارگر در پتروشیمی ایلام به دلیل فقر و اخراج خودکشی کرده و جان باختند. ● کارگران پتروشیمی ایلام با بیش از ۱۰۰۰ نیروی شاغل با مشکلاتی همچون دستمزدهای ناچیز، عدم امنیت شغلی، و سالها انتظار برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل روبرو هستند.

هفته گذشته یک کارگر در پتروشیمی چوار ایلام به دلیل اخراج اقدام به خودکشی کرد. این خودکشی چهارمین مورد منجر به مرگ در این پتروشیمی در یک سال گذشته است. گزارشی تازه نشان می‌دهد کارگران در این پتروشیمی با درآمدی ناچیز و بدون امنیت شغلی مشغول به کار هستند. حیدر محسنی کارگر متأهل و دارای دو فرزند با ۱۸ سال سابقه کار در پتروشیمی چوار ایلام هفته گذشته پس از دریافت حکم اخراج، خود را حلق آویز کرد و جان باخت؛ این چهارمین خودکشی منجر به مرگ در پتروشیمی ایلام در یک سال گذشته بوده است.

پیش از این نیز خودکشی کارکنان صنایع پتروشیمی ایلام چشمگیر بوده و در روزهای ۱۶ و ۱۷ مرداد سال گذشته، علی محمد کریمی و محمد منصوری، دو کارگر جوان این شرکت پس از اخراج از کار «به دلیل مشکلات خانوادگی و اقتصادی» خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده بودند. محمد منصوری ۳۲ ساله و پدر دو کودک شانزدهم امرداد ۱۴۰۱ خود را در خانه حلق آویز کرده بود و علی محمد کریمی نیز بعد از گذشت ۲۴ ساعت از حادثه اول، خود را به ضرب گلوله از پای درآورد.

در روزهای ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۱ نیز یک کارگر پیمانکاری دیگر پتروشیمی چوار ایلام با نام آرش تبرک پس از اخراج با خوردن قرص برنج خودکشی کرد و جان باخت.

خبرگزاری «ایلنا» امروز دوشنبه هشتم امرداد ۱۴۰۲ در گزارشی میدانی به خودکشی حیدر محسنی و مشکلات کارگران پتروشیمی ایلام پرداخته است. این گزارش نشان می‌دهد کارگران یکی از بزرگترین پتروشیمی‌های غرب کشور با بیش از ۱۰۰۰ نیروی شاغل با مشکلاتی همچون دستمزدهای ناچیز، عدم امنیت شغلی، و سالها انتظار برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل روبرو هستند. این کارگران همچنین اجازه نیاخته‌اند تا یک تشکل صنفی برای پیگیری مشکلاتشان تشکیل دهند.

به تورم و قیمت‌ها فاصله‌ی نجومی نداشت.» به گفته این پزشک متخصص «در گذشته وقتی یک پزشک بعد از سال‌ها تحصیل و گذراندن طرح شروع به کار می‌کرد، مطمئن بود که بالاخره بعد از یک دوره چندساله می‌تواند لوازم اولیه‌ی زندگی خود را تأمین کند؛ ماشین و خانه بخرد و یک زندگی متوسط برای خود



فراهم کند. الان اما تخصصی که بعد از ۱۵ سال تحصیل، تخصص می‌گیرد، مطمئن است که با چند سال کار در سیستم دولتی ماشین هم نمی‌تواند بخرد، چه برسد به خانه که عملاً تبدیل به روپا شده است!»

همانطور که علی سلحشوری اعلام کرده در ماه‌های گذشته شمار خودکشی در میان دانشجویان تخصص پزشکی افزایش یافته است. دو سال پیش شوراهای صنفی دانشجویان علوم پزشکی ایران طی نامه‌ای به وزیر بهداشت رژیم، از خودکشی ۴ تن از دستیاران پزشکی شهر تهران طی دو هفته اول اردیبهشت ۱۴۰۰ خبر دادند.

منیره فروغی دانشجوی دکتری تخصصی زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی بهشتی تهران یازدهمین زیدنت است که در پاییز سال ۱۴۰۰ جان خود را از دست داد.

هانیه رادخواه متخصص بیماری‌های داخلی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در واکنش به درگذشت منیره فروغی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «خودکشی، ایست قلبی، مهاجرت، افسردگی، قرار نبود پایان قصه ما این باشد. قرار بود گل‌های خندان باشیم، فرزندان ایران باشیم، اما نبودیم... برای فرزندان خودتان انتقالی و سهمیه تخصص پزشکی و معافیت از طرح و آینده کاری فراهم کردید. برای ما... برای فرزندان مردم، چه خواهید کرد؟ روا نیست که مرگ پایان ما باشد و خاک حافظ این همه آرزو...»

نیلوفر اکبرزاده زیدنت سال چهارم روانپزشکی بیمارستان «امام حسین» نیز زمستان ۱۴۰۰ خودکشی کرد و جان باخت.

دانشجویان پزشکی در آبان سال گذشته در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ #اززیدنتی_بگو به بیان مشکلات خود پرداختند. زیدنت‌های بیمارستان‌های مختلف جدا از ساعات کاری بالا و دستمزد پایین به عنوان عمومی‌ترین مشکلاتشان، از بی‌خوابی دادن، گرسنگی دادن، تحقیر، برخورد فیزیکی و آزار جنسی از سوی پزشکان و زیدنت‌های ارشد روایت‌هایی منتشر کردند.

→ علی سلحشور همچنین درباره کارانه‌هایی که بخش عمده درآمد زیدنت‌ها و پزشکان است و گفته می‌شود رقم آن به ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان در ماه و حتی بالاتر می‌رسد نیز توضیح داده که «این کارانه‌های بالا معمولاً مربوط به اعضای هیئت علمی است که زیدنت‌های بسیاری زیر دستشان هستند و ویزیت‌ها و

عمل‌های جراحی را انجام می‌دهند؛ کارانه‌ی زیدنت‌ها به نام اعضای هیئت علمی نوشته می‌شود؛ برای همین میزان کارانه‌ی آن‌ها بالا می‌رود. اینها حتی ۱۰ درصد از پزشکان هم نیستند و اکثر پزشکان متخصص، اگر تمام وقت در بیمارستان‌های عمومی کار کنند، باز هم کارانه‌شان به ده میلیون تومان نمی‌رسد.»

نماینده پزشکان متخصص طرحی گفته که «تصور مردم نسبت به پزشکان، مربوط به نهایتاً ۵ تا ۱۰ درصد آن‌ها است؛ پزشکانی که مطب خصوصی دارند و مطبشان همیشه پُر است. متخصصانی که یا در سیستم دولتی نیستند و یا اگر هم باشند به صورت پاره وقت کار می‌کنند. مردم بیشتر این دسته از پزشکان را می‌بینند، اما وضعیت بالای ۹۰ درصد از پزشکان اینگونه نیست.»

به گفته‌ی این پزشک متخصص، کارانه‌ی پزشکان حدود ۸ تا ۱۳ ماه بعد پرداخت می‌شود و متخصصانی که تازه فارغ‌التحصیل شده‌اند تا یک سال بین ۱۰ تا ۱۴ میلیون تومان درآمد دارند، و بعد از این مدت مجموع حقوق و کارانه‌ی یک پزشک متاهل متخصص نهایتاً به حدود ۲۰ میلیون تومان می‌رسد.

او سپس سال‌های تحصیلی یک پزشک متخصص را می‌شمارد و می‌گوید: «۷ سال و نیم برای پزشکی عمومی، ۲ سال برای طرح، ۴ سال برای تخصص و باز ۲ سال دیگر برای طرح. یعنی یک پزشک متخصص در یک بازه‌ی زمانی ۱۵ - ۱۶ ساله در دانشگاه و بیمارستان‌های مناطق محروم مشغول تحصیل است و اگر این مسیر را بدون وقفه طی کند، در سن ۳۴ - ۳۵ سالگی از دانشگاه خارج می‌شود. کمترین انتظاری که از اینهمه تلاش و استرس داشتیم این بود که حقوقمان کفاف هزینه‌های یک زندگی ساده را بدهد که نمی‌دهد.»

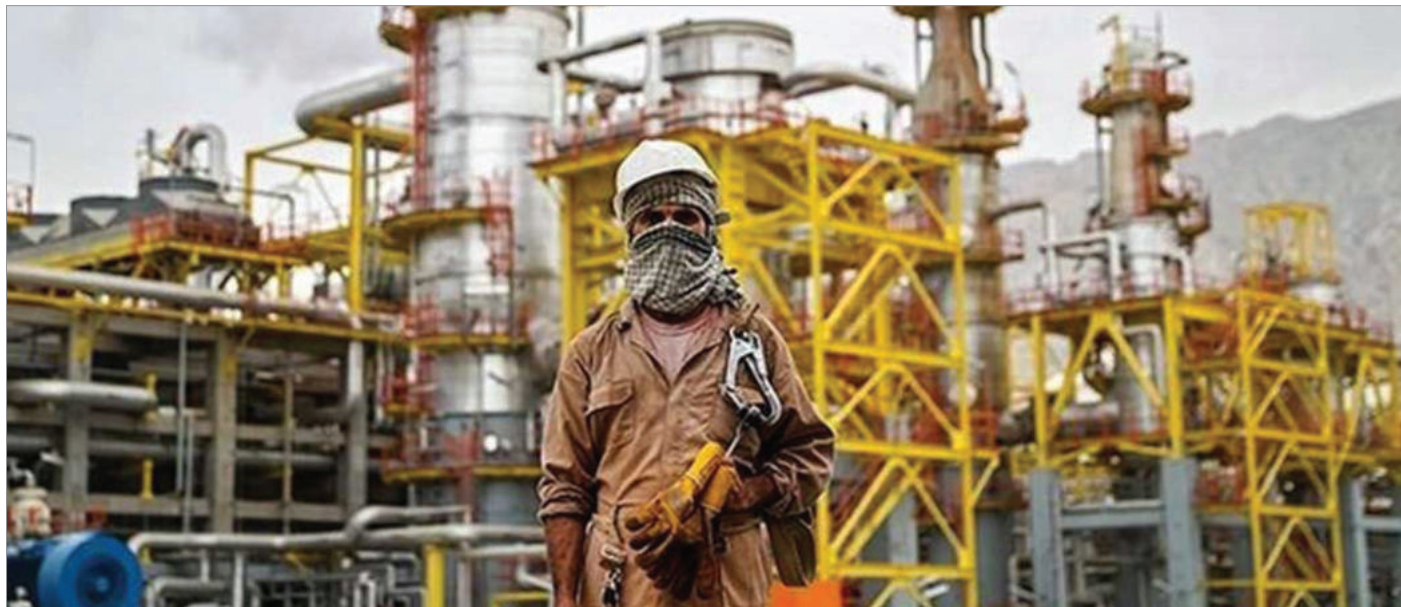
او همچنین با بیان اینکه «امید به آینده‌مان کم شده» گفته که «فشار کاری سال‌های قبل هم وجود داشت، اما نارضایتی از وضعیت شغلی تا این حد نبود و درآمد نسبت



می‌شوند.
روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲، یک کارگر ساختمانی به نام علی آخوندی ۲۴ ساله و ساکن زاهدان به علت فقر مالی خودکشی کرده است. این کارگر جوان متأهل بوده و یک پسر ۴ ساله داشته است.
چند روز پیشتر نیز قدرت صدیق کارگر ۵۸ ساله شرکت

«دستمزدها پایین است، امنیت شغلی حتی برای باسابقه‌ها تعریف نشده و خیری از تشکل و اجازه‌ی اعتراض نیست.»
یکی از همکاران حیدر محسنی با خشم و اندوه از دادن دوست و همکارشان به خیرگزاری ایلنا گفته که «مشکل ما با پتروشیمی یکی دو تا نیست، مشکلات باید ریشه‌ای حل بشه؛ همه‌ی دغدغه‌ی ما این شده که پیمانکار جدید کی

بر اساس این گزارش، خبر خودکشی حیدر محسنی در پتروشیمی چوار ایلام که اکثریت کارگران آن پیمانکاری و فاقد امنیت شغلی و امید به آینده هستند و مدت‌های مدید است در انتظار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و بهبود نسبی حقوق ماهانه روز را به سختی به شب گره می‌زنند،



قطار رجا بعد از اخراج از سوی مدیریت با پریدن روی ریل قطار و برخورد با لکوموتیو به زندگی‌اش پایان داد.
به گزارش منابع کارگری، این کارگر با بیش از ۲۰ سال سابقه کار و در پی اخراج توسط شرکت و «عدم رد کردن بیمه» اقدام به خودکشی کرد.
یکی از کارگران پروژه مسکن ملی شهر ایلام نیز خردادماه امسال با رفتن بر روی «کرین تاور» در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چهار ماهه خود قصد خودکشی داشته است. همکاران و دوستان این کارگر توانستند او را منصرف کرده و نجات دهند.
در اوایل دی‌ماه سال گذشته محمد، کارگر ۳۸ ساله ساکن خلیل‌آباد به دلیل مشکلات معیشتی ابتدا دو فرزندش را کشت و سپس، خود را حلق‌آویز کرد و جان باخت.
یکی از کارکنان کنتورنویس شرکت آب و فاضلاب شهر لاهیجان تابستان گذشته در اعتراض به اخراج خود، پس از ورود به اداره آب و فاضلاب با بنزین خودسوزی کرد.
یک جوان ۳۰ ساله اهل ایلام نیز روز شنبه ۸ مرداد سال گذشته به دلیل مشکلات معیشتی در یکی از خیابان‌های این شهر خودکشی کرد و جان باخت.
اواسط خردادماه پارسال نیز دو کارگر در ماهشهر در اعتراض به اخراج از محل کار خودکشی کردند. همزمان یک کارگر در یاسوج به دلیل ناتوانی در بدهی ۱۰ میلیون تومانی خودکشی کرد.
در حادثه تلخ دیگری در اردیبهشت سال گذشته دو کارگر نانوائی با نام‌های سیروس و کریم در روستایی در شهرستان ممسنی استان فارس به دلیل مشکلات مالی و پس از اخراج از کار به دلیل افزایش هزینه‌های نانوائی، با خوردن قرص برنج خودکشی کردند و جان باختند.
اینها نمونه‌هایی از خودکشی کارگران در ایران است که فقر و فلاکت گسترده شده از سوی جمهوری اسلامی آنها را چنان ناامید و مستأصل کرده که راه دیگری جز پایان دادن به زندگی برای خود نمی‌بینند.

هست و کی میاد؛ آگه همین پیمانکار فوق‌الذکر نبود، شاید حیدر محسنی تعیین تکلیف می‌شد، شاید این اتفاق براش نمی‌افتاد...»
کارگر دیگری گفته که «کاسبان شرکت‌های پیمانکاری نمیدارن حیدر محسنی و ماها تعیین تکلیف بشیم؛ البته علاوه بر پیمانکارها، خیلی‌ها این وسط دارن سود می‌برن، سود مناقصه‌ها کم نیست.»
یکی دیگر از همکاران حیدر محسنی گفته که «باید مسئولین مرتبط چاره‌اندیشی کنن؛ خیلی راجع به حذف پیمانکار وعده دادن ولی نتیجه چی شد؟ چرا همه‌ی مجموعه‌ی پتروشیمی باید زحمت بکشن تا جیب چند نفر خاص پُر بشه؟!»
این گزارش افزوده که حیدر محسنی در توسعه‌ی پتروشیمی نقش داشت، آن کارگران دیگری که دست به خودکشی زدند یا بعد از اخراج بیمار و خانه‌نشین شدند و سکنه کردند، همه در توسعه‌ی پتروشیمی نقش داشتند، اما نه تنها جیب‌هایشان پُر نشد، بلکه شفاهی یا در یک تماس تلفنی به آن‌ها گفتند «شرمنده دیگر شما را نمی‌خواهیم، همه آنچه با دستان پینه بسته‌ی شما بالا آمده، حالا مال ماست، فقط مال ما...»
خودکشی کارگران در سال‌های گذشته سیر صعودی داشته و علت همه این خودکشی‌ها فقر و اخراج از کار بوده است. در حالی که رکود تورمی تولید و صنعت در ایران را فلج کرده کارفرمایان برای کاهش هزینه‌ها به دنبال راهکار هستند و یکی از نخستین راهکارها، اخراج بخشی از نیروی کار با هدف کاهش هزینه دستمزد است. آنسوی ماجرا اما کارگرانی هستند که با تورم بالای ۵۰ درصد و در فقر و فلاکت، با درآمد ناچیز و ناکافی کارگری معیشتی حداقلی برای خود و خانواده‌هایشان فراهم می‌کنند و با اخراج دیگر هیچ پولی برای تأمین زندگی ندارند. از فشار روانی ناشی از فقر برخی از آنها خودکشی کرده و برخی سکنه کرده و یا به انواع بیماری‌های روحی و جسمی مبتلا و خانه‌نشین

غوغا برپا کرد.
کارگران این پتروشیمی هفتم امرداد در محوطه‌ی مجتمع تجمع کردند و خواستار برکناری و مجازات همه‌ی آنهایی شدند که حکم اخراج را بعد از ۱۸ سال کار و زحمت، به دست حیدر محسنی دادند؛ در آن روز شورای تأمین چوار اطلاعیه داد که «تعدادی از مدیران پتروشیمی ایلام ممنوع‌الورود شدند.»
در این اطلاعیه آمده بود که «بنا بر مصوبه جمعه شب تاریخ ششم مردادماه ۱۴۰۲ و در پی اتفاق تلخ و ناگوار خودکشی یکی از پرسنل شرکت پتروشیمی ایلام، تعدادی از مدیران و دست‌اندرکاران آن به مجتمع پتروشیمی ممنوع‌الورود شده‌اند.»
کارگران پتروشیمی درباره اطلاعیه شورای تأمین چوار به خیرگزاری «ایلنا» گفته‌اند که «هنوز چیزی مشخص نیست و هیچ اتفاقی نیفتاده؛ فقط قول داده‌اند ظرف مدت یک هفته آنهایی که موجب اخراج این شخص شده‌اند، اخراج می‌شوند؛ اما هنوز کسی اخراج نشده و هیچ اسمی به ما اعلام نکرده‌اند.»
کارگران می‌گویند با جدیت پیگیر مسئله اخراج همکارشان هستند؛ مرگی که به غایت دردناک است و مجموعه را تکان داده است.
یک منبع آگاه هم به خیرگزاری «ایلنا» گفته که «همان تجمع کارگران مقابل فرمانداری در ظهر هفتم مرداد باعث شد که شورای تأمین دست به کار شود و جلسه تشکیل دهد و اعلام کند گروهی - که البته معلوم نیست چه افرادی هستند- ممنوع‌الورود شده‌اند.»
این منبع آگاه گفته که «چهار خودکشی در یک سال در چوار اتفاق افتاده و هیچ کاری نکرده‌اند! اگر مدیران را برکنار کنند، بازهم دیگر دیر است، آیا حیدر محسنی زنده می‌شود؟! این اتفاق ناگوار هرگز قابل جبران نیست مخصوصاً برای فرزندان که ناجواهمردانه بی‌پدر شدند.»
در این گزارش تأکید شده که در پتروشیمی چوار

بازار داغ فروش اعضای بدن به خارج با درآمد ارزی برای دلان

«کیهان لندن» اردیبهشت امسال در گزارشی به «چند نرخی» شدن اعضای مورد معامله بدن پرداخته و نوشته بود که اعضای قابل پیوند بدن که از سال‌های گذشته به راهی برای کسب درآمد در میان افشار نیازمند تبدیل شده، دولت را هم وارد این «بازار» کرده و حالا در کنار نرخ‌های آزاد که از سوی فرد اهداکننده پیشنهاد می‌شود، دولت هم نرخ‌های رسمی برای فروش اعضای بدن اعلام می‌کند!

در این گزارش آمده بود که افزایش فشارهای اقتصادی به بیش از نیمی از جمعیت ایران سبب بروز پدیده‌های تلخ و ناگوار در ایران شده است. فروش اعضای بدن از چند سال پیش یکی از راه‌های افراد نیازمند برای پوشش بخشی از نیازهای مالی‌شان شده؛ این پدیده این روزها به آگهی همزمان برای فروش چند عضو بدن مانند یک چهارم کبد، مغز استخوان و کلیه رسیده است.

در حالی که سال‌ها پیش اهدای رسمی عضو رایگان صورت می‌گرفت اما از یک سال و نیم پیش تا کنون دولت فروش عضو را نیز به رسمیت شناخته و برای اعضای قابل اهدای بدن «نرخ رسمی» تعیین کرده است.

امید قبادی قائم مقام انجمن اهدای عضو ایرانیان درباره «ساز و کار جدید فروش اعضای بدن» به وبسایت تجارت نیوز گفته بود که «حدود یک سال و نیم است که دولت پیوند کلیه از فرد زنده را در تخصیص خود قرار داده است.»

قائم مقام انجمن اهدای عضو ایرانیان گفت که «پیش از این روال اینگونه بود که نیازمند کلیه یک اهداکننده پیدا می‌کرد. با او هماهنگ می‌کرد و رقمی هم پول پرداخت می‌کرد. سپس به انجمن بیماران کلیوی مراجعه می‌کردند و کارهای دیگر انجام می‌شد. حالا تخصیص کلیه از فرد زنده توسط وزارت بهداشت انجام می‌شود. اهدا کننده و گیرنده دیگر همدیگر را نمی‌بینند.»

به گفته امید قبادی «دهنده و گیرنده کلیه باید در انجمن حمایت بیماران کلیوی ثبت‌نام کنند. اینکه کلیه به چه کسی تخصیص یابد را وزارت بهداشت بر اساس میزان وخامت حال نیازمندان انجام می‌دهد. قیمت را هم وزارت بهداشت نظارت می‌کند.»

مقامات دولتی می‌گویند که آگهی فروش اعضای بدن که به در و دیوار شهر نصب می‌شود، غیرقانونی است و افراد باید از طریق سامانه وزارت بهداشت برای اهدای عضو ثبت نام و بر اساس قیمت‌های رسمی اهدای عضو انجام شود.

این در حالیست که اهداکنندگان کمی حاضر هستند اعضای خود را با «نرخ رسمی» بفروشند و در نتیجه قیمت‌های بیشتری را به گیرندگان ارائه می‌کنند. قیمت یک کلیه سالم در بازار آزاد از ۱۰۰ تا حتی ۵۰۰ میلیون تومان است. قیمت اعضای بدن نیز مانند هر کالای قابل خرید و فروشی در اقتصاد تحت مدیریت جمهوری اسلامی، دچار تورم شده است. چهار پنج سال پیش قبل از آنکه دولت نرخ رسمی برای اعضای بدن ارائه کند، برخی نیازمندان حتی حاضر بودند کلیه خود را با ۱۰ میلیون اهدا کنند اما حالا حتی نرخ ۸۰ میلیون تومان رسمی هم از دید بسیاری از اهداکنندگان کم است.

نرخ کلیه که یکی از پر تقاضاترین اعضای قابل اهدا است این روزها در بازار آزاد از ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان است. پارسال نرخ کلیه اهدایی ۱۵۰ میلیون تومان بود و به نظر می‌رسد با تورمی معادل تورم بازار اتومبیل، قیمت اعضای بدن هم در حال افزایش هستند.



دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی رئیس بخش پیوند عضو دانشگاه ایالتی نیویورک با انتشار گزارشی در مورد مراجعه برخی از ایرانیان به کشورهای همسایه برای فروش اعضای بدن، گفت تا زمانی که خرید و فروش اعضای بدن از لحاظ قانونی و شرعی بلامانع باشد، این معضل ادامه خواهد داشت. دکتر رضا سعیدی گفته که پس از انقلاب و با چالش‌هایی که برای دسترسی به دیالیز ایجاد شد، گروهی از جراحان، پیوند کلیه زنده را راه‌اندازی کردند و برای جلوگیری از دلالتی تصمیم بر این شد که دولت در آن زمان یک میلیون تومان به افرادی که اهدا می‌کنند پول بدهد.

او ادامه داده که از آن موقع علمی شیعه نیز این موضوع را تأیید کردند و بسیاری از آنها در فتواهای خود حتی به صورت مستقیم به خرید و فروش عضو اشاره کردند و دریافت پول به ازای اهدای عضو قانونی شد. هرچند همواره نرخی برای دریافت عضو بر اساس میزان تورم اعلام می‌شد اما عمده پول تبادل شده به چانه‌زنی میان گیرنده و اهداکننده بستگی داشت.

در روند پیوند اعضا در ایران همچنین تناقضاتی وجود دارد. برای نمونه کتابیون نجفی زاده مدیرعامل انجمن اهدای عضو گفته روند پیوند کبد و ریه متفاوت است، چرا که پیوند بخشی از کبد و ریه از فرد زنده، اغلب با عوارض همراه است و «بنابراین تنها از فامیل درجه‌یک بیمار می‌توان بخشی از ریه یا کبد را اهدا کرد، ایجاد خطر برای غریبه باعث می‌شود که مراکز پیوند کبد اهدایی این قسمت را فقط از فامیل درجه یک به‌خصوص پدر یا مادر قبول می‌کنند.»

همچنین دکتر امیرعلی حمیدیه موسس بانک سلول‌های بنیادی ایران و دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری‌های سلول‌های بنیادی سال گذشته تأکید کرده بود که آگهی دادن برای فروش مغز استخوان کار بیهوده‌ای است چون مردم اطلاع کافی از این کار ندارند. برای این عمل لازم است از داوطلب اهدا تست «اچ.ال.ای» گرفته شود که به هیچ عنوان ربطی به گروه خونی ندارد چون این کار اصولاً اهدای خون نیست بلکه اهدای سلول‌های بنیادی است. درواقع بر اساس شناسنامه ژنتیک فرد ضروریست که بین دهنده و گیرنده سلول‌های بنیادی کاملاً همخوانی وجود داشته باشد. برای مشخص شدن «اچ.ال.ای» شخص آزمایش خون می‌دهد و با کیت‌های مخصوص «اچ.ال.ای» او مشخص می‌شود.

● آگهی‌های فروش چند عضو به صورت همزمان از سوی افرادی با سن کم افزایش یافته که به علت مشکلات مالی اقدام به فروش اعضای بدن خود می‌کنند.

● قیمت‌ها در بازار سیاه متغیر است؛ نیاز فروشنده قدرت چانه‌زنی دلان و خریداران را افزایش می‌دهد. همچنین گروه خونی «ا مثبت» کمی گرانتر از گروه‌های خونی دیگر معامله می‌شود.

● مغز استخوان و یک چهارم کبد و هر عضو دیگر در بدن انسان زنده را که بشود پیوند زد می‌توان از ۵۰۰ میلیون تومان تا ۳ میلیارد تومان در بازار سیاه خرید و فروش کرد.

فروش اعضای بدن در ایران به دلیل فقر افزایش یافته و بسیاری از فروشنده‌گان کم سن و سال همزمان برای فروش چند عضو بدن خود آگهی می‌دهند. در آنسو نیز مافیای معامله اعضای بدن به صورت شبکه‌های برون‌مرزی فعال شده و درآمدهای ارزی از فروش اعضای بدن ایرانیان کسب می‌کنند. وبسایت «گسترش نیوز» امروز سه‌شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۲ در گزارشی تکانه‌دهنده از افزایش فروش اعضای بدن به دلیل فقر خبر داده و نوشته که خرید و فروش اعضا در ایران چند سالی می‌شود که از فضای رسمی به وبسایت‌ها، کانال‌ها و صفحات اینستاگرامی رسیده است. دلان از نداری مردم سود می‌برند و سودجویان کشورهای همسایه با معامله اعضای بدن درآمد ارزی به جیب می‌زنند.

بر اساس این گزارش، آگهی‌های فروش چند عضو به صورت همزمان از سوی افرادی با سن کم افزایش یافته که به علت مشکلات مالی اقدام به فروش اعضای بدن خود می‌کنند. برای نمونه یک پسر جوان ۲۷ ساله کبد، کلیه و مغز استخوان خود را برای فروش آگهی کرده است.

این گزارش افزوده که «در دنیوهای اطراف بیمارستان‌هایی مثل «هاشمی‌نژاد» پر از آگهی فروش اعضای بدن است. بخشی از دیوارها را رنگ کرده‌اند. فروشنده‌ها اما همچنان شماره تلفن‌های خود را با خودکار و اسپری و خط ریز و درشت روی آنها ردیف کرده‌اند. جایی نزدیک انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی.»

البته بخشی از بازاریابی و هماهنگی‌های معاملات اعضای بدن در شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. «گسترش نیوز» در اینباره نوشته که در کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی فروش اعضا نیز مشاهده شده که کاربران فعال زیادی دارند. افراد در این پیج‌ها با ثبت آگهی به صورت رایگان اقدام‌های حیاتی را که تمایل به فروش دارند با ذکر مشخصات خود درج نموده و در بعضی از آنها علت انجام این اقدام نیز ذکر شده است.

قیمت‌ها در بازار سیاه خرید و فروش اعضای بدن متغیر است؛ نیاز فروشنده قدرت چانه‌زنی دلان و خریداران را افزایش می‌دهد. همچنین گروه خونی «ا مثبت» کمی گرانتر از گروه‌های خونی دیگر معامله می‌شود.

در ادامه گزارش تکانه‌دهنده «گسترش نیوز» آمده که دلان، فروشنده را راهی کشورهای همسایه مانند دوی و ترکیه می‌کنند تا اعضای بدن خود را به قیمت ۷۰۰ دلار تا ۱۵۰۰ دلار بفروشند.

این گزارش افزوده که مغز استخوان و یک چهارم کبد و هر عضو دیگر در بدن انسان زنده را که بشود پیوند زد می‌توان از ۵۰۰ میلیون تومان تا ۳ میلیارد تومان در بازار سیاه خرید و فروش کرد.

آمارهای جعلی و دروغ در مورد تعداد اردوهای «راهیان نور»



طرح امسال به حدود ۴۲ میلیارد تومان افزایش یافته است. ستاد مرکزی «راهیان نور» خارج از لایحه بودجه نیز از دیگر نهادهای حکومتی از جمله شهرداری نیز بودجه دریافت می‌کند بطوری که شهرداری تهران در سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۵ میلیارد تومان بودجه برای این اردوها اختصاص داده است. «پایگاه داده‌های باز ایران» در آذر ۱۴۰۰ طی گزارشی با عنوان «سهم «راهیان نور» از بودجه کشور؛ تمام دستگاه‌های اجرایی در خدمت یک برنامه «خودجوش مردمی» اعلام کرد که «برآورد قطعی بودجه واقعی راهیان نور غیر ممکن است، وابستگی و نزدیکی ستاد مرکزی راهیان نور به نهادهای قدرتمند نظامی- اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران، آن را در معرض دسترسی به منابع مالی چشمگیر و البته غیرشفاف قرار داده است اما این امر باعث نمی‌شود تا راهیان نور از منابع عمومی بودجه دولت بی‌بهره بماند.»

در این گزارش آمده بود که بررسی بودجه این ستاد در دوره ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد از ابتدا تا انتهای دوره، رشد ۴۴ درصدی داشته است.

«داده‌های باز ایران» تأکید کرده بود که در برخی سال‌ها دو ردیف بودجه دیگر با موضوع راهیان نور در لوایح و قوانین بودجه پیش‌بینی شده است. یکی از این ردیف‌های بودجه، تحت عنوان «برنامه ساماندهی کاروان‌های راهیان نور» در سال ۱۳۹۷ عملکردی در حدود ۳/۶ میلیارد تومان داشت. این ردیف بودجه در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به ۱۰/۲ میلیارد تومان رسید، اما در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ با رقمی حدود ۵/۲ میلیارد تومان روبرو شد که نسبت به سال ۱۳۹۷ کاهش پیدا کرده بود.

ردیف دیگری در بودجه که مرتبط با پروژه «راهیان نور» دست کم در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ ارقام کلانی را به خود اختصاص داد، برنامه «ارائه خدمات فرهنگی به کاروان راهیان نور» بود. این برنامه در سال ۱۳۹۷ عملکردی معادل ۲/۵ میلیارد تومان داشت. در قانون بودجه ۱۳۹۸ این برنامه، بودجه‌ای حدود ۴ میلیارد تومان داشت، اما در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ برای ارائه خدمات فرهنگی به کاروان «راهیان نور» رقمی در حدود ۳/۴ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود. اینهمه در حالیست که تصادف‌های متعدد در طول سال‌های گذشته منجر به مرگ و زخمی شدن و معلولیت ده‌ها دانش‌آموز و دانشجو شده است.

به عبارتی آمار مورد ادعای سفرهای «راهیان نور»، معادل ۱/۵ برابر کل سفرهای تفریحی و زیارتی با اقامت شبانه در سال ۱۴۰۰ است!

این گزارش افزوده که بیشتر سفرهای «راهیان نور» معمولاً با اتوبوس انجام می‌شود که گزارش سالانه تصادف‌ها و تلفات آنها در گزارش‌های رسانه‌ای جلب توجه می‌کند. با این حال بر اساس آمارگیری‌های مرکز آمار ایران، کل سفرهای انجام شده در کشور با اتوبوس در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۹۷ هزار سفر است که حدود ۷۳۵ هزار مورد آنها سفر با اقامت شبانه بوده است. به عبارتی آمار مورد ادعای «راهیان نور» چهار برابر کل سفرهای انجام شده با اتوبوس به سراسر کشور است.

از سوی دیگر مقایسه آمارهای «راهیان نور» در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، اعداد و ارقام ارائه شده بر اساس اعمال یک ضریب ثابت به یک عدد متغیر میان مردان و زنان و همچنین استان‌های کشور تقسیم شده است. بطور مشخص نسبت زنان به مردان در این آمار در همه سال‌ها بدون استثنا ۱۰۰ زن به ازای ۱۱۲ مرد است.

سهم استان آذربایجان شرقی به نسبت کل سفرهای «راهیان نور» در همه سال‌ها ۴/۰۶ درصد، سهم استان سمنان ۱/۴۲ درصد، سهم استان همدان ۲/۱۹ درصد و سهم تهران همیشه ۱۷/۲۱ درصد است. در صورتی که محاسبات را تا ۴ یا ۵ رقم اعشار هم ادامه دهیم، اعداد کماکان ثابت باقی می‌مانند.

«پایگاه داده‌های باز ایران» با انتشار این نمودارها نوشته که الگوی تکرارشونده بدان معنی است که ستاد مرکزی «راهیان نور» هر سال عددی ثابت را به عنوان آمار کل در نظر می‌گیرد و سپس آن را به نسبت ثابت میان استان‌های کشور تقسیم و به اسم آمار واقعی منتشر می‌کند. این آمارسازی مبنای تخصیص منابع مالی از بودجه عمومی دولت و منابعی است که از ثروت ملی در اختیار نهادهای حکومتی قرار دارد.

همچنین این آمارسازی در حالی صورت می‌گیرد که اردوهای «راهیان نور» هر ساله ردیف مشخصی در لایحه بودجه دارند و هر سال بودجه اختصاصی برای ستاد مرکزی این فعالیت تبلیغاتی با افزایش چشمگیر روبرو بوده است. برای نمونه بودجه این برنامه در سال ۱۴۰۰ بیش از ۳۰ میلیارد تومان بوده است. بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۲ بودجه این

● آمار مورد ادعای سفرهای «راهیان نور» معادل ۱/۵ برابر کل سفرهای تفریحی و زیارتی با اقامت شبانه در سال ۱۴۰۰ است. ● این آمار در سال ۱۴۰۰ چهار برابر کل سفرهای انجام شده با اتوبوس به سراسر کشور بوده است!

● اعداد و ارقام ارائه شده بر اساس اعمال یک ضریب ثابت به یک عدد متغیر میان مردان و زنان است و نسبت زنان به مردان در این آمار در همه سال‌ها بدون استثنا ۱۰۰ زن به ازای ۱۱۲ مرد است که بین استان‌ها به نسبت ثابت تقسیم شده‌اند!

«پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی آماری نشان داده که آمارهای ارائه شده درباره بازدیدهای صورت گرفته در اردوهای «راهیان نور» غیرمنطقی و به شدت اغراق آمیز است و از الگوهای یکسان عددسازی برای این آمار استفاده شده است. «پایگاه داده‌های باز ایران» آمارسازی در خصوص «زائران راهیان نور» را یکی از نمونه‌های دستکاری و جعل آمار به عنوان شیوه رایج در جمهوری اسلامی ارزیابی کرده و نوشته آمارهای ارائه شده درباره بازدیدهای اردوهای «راهیان نور» در مقیاس آماری نه تنها غیرمنطقی و به شدت اغراق آمیز هستند، بلکه بر اساس الگوهای یکسان عددسازی شده‌اند. اردوهای «راهیان نور» اقدامی تبلیغاتی و زیارتی- مذهبی است که از سال ۱۳۷۶ با سازماندهی «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس» و با همکاری بسیج دانش‌آموزی و بسیج دانشجویی برگزار می‌شود. این اردوها با بردن دانشجویان و دانش‌آموزان به مناطق درگیر در جنگ ایران و عراق از جمله شلمچه آغاز و بعد به مناطق مذهبی کشور گسترش یافت.

بنا بر داده‌های ستاد مرکزی «راهیان نور» که در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در سالنامه آماری مرکز آمار ایران منتشر شده، بیش از ۲۵/۵ میلیون نفر طی پنج سال، در کاروان‌های بازدید از مناطق جنگی ایران و عراق شرکت کرده‌اند. این آمارها نشان می‌دهد بیشترین آمار بازدیدکننده مربوط به سال ۱۳۹۷ با رکورد بازدید بیش از ۷ میلیون نفر و کمترین آمار مربوط به سال ۱۳۹۹ در کشاکش همه‌گیری کرونا است که طبق آمار ادعایی، در طول سال بیش از ۲ میلیون و ۶۱۶ هزار نفر در کاروان‌های «راهیان نور» حضور داشته‌اند. همچنین ادعا می‌شود که در سال ۱۴۰۰ نیز با وجود محدودیت‌های همه‌گیری کرونا، باز هم بیش از ۳ میلیون نفر در این مراسم شرکت کرده‌اند که بیشترین تعداد آنها از استان‌های تهران، خراسان «رضوی»، فارس، اصفهان، مازندران و خوزستان بوده‌اند.

برآورددهای «پایگاه داده‌های باز ایران» اما اعداد و ارقام مورد ادعای ستاد مرکزی «راهیان نور» را رد می‌کند. در گزارشی که از سوی این پایگاه منتشر شده آمده که اگر آمارهای مورد ادعای «راهیان نور» را با آمار کل سفرهای داخلی مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که به شدت اغراق آمیز و غیرمنطقی هستند.

بر اساس آخرین آمارگیری گردشگران ملی مرکز آمار ایران، تعداد کل سفرهای داخلی در سال ۱۴۰۰ در مجموع حدود ۲۴/۶ میلیون و تعداد سفرهای با اقامت شبانه تنها ۱۰/۳ میلیون سفر بوده است که از این میان حدود ۱/۶ میلیون سفر، با انگیزه گردش و تفریح، ۴۴۰ هزار سفر، با انگیزه زیارت و حدود ۶/۷ میلیون سفر با انگیزه دیدار دوستان و بستگان انجام شده است.

انتقال صدها زندانی از جمله بازداشت‌شدگان انقلاب ملی از «رجایی شهر» به «قرلحصار»



زندان «رجایی شهر» کرج

«رجایی شهر» به زندان قرلحصار منتقل شدند که تمامی این زندانیان را در یک بند اسکان داده‌اند. این بند از سه سالن تشکیل شده است، که در هر سالن ۱۶۰ الی ۱۷۰ نفر زندانی محبوس هستند. هر سالن دارای ۲۸ اتاق است که متراژ این اتاق‌ها ۶ متر مربع می‌باشد که در هر اتاق ۶ تخت وجود دارد که ۶ زندانی در آن اتاق‌ها زندگی می‌کنند. هر سالن دارای ۱۳ سرویس بهداشتی و ۱۰ عدد حمام است که تمامی این حمام‌ها فاقد آب گرم و دوش حمام هستند.»

در ادامه این رشته توثیب آمده که «هر سالن دارای یک هوا خوری بسیار کوچک می‌باشد با دیوارهایی بلند که سقف هواخوری نیز فنس کشیده شده می‌باشد. سالن‌ها فاقد چراغخانه (محل شست و شوی ظروف) است بطوریکه زندانیان باید ظروف غذای خود را در سرویس‌های بهداشتی شستشو دهند.» آرشام رضایی افزوده که «تمامی سالن‌ها فاقد سیستم تهویه هوا و سیستم خنک کننده می‌باشد که با اعتراض زندانیان به این وضعیت اسفناک، به آنها قول داده‌اند که هرچه زودتر شرایط بند را تغییر خواهند داد.»

آرشام رضایی همچنین نوشته که هر ۶ متهم پرونده «اکباتان» در سالن ۳ اسکان داده شده‌اند.

کانون حقوق بشر ایران نیز از قول یک منبع مطلع گزارش داده که سازمان زندان‌ها تلاش می‌کند تمامی زندانیان گوهردشت را طی روزهای دهم و یازدهم مردادماه ۱۴۰۲، به زندان قرلحصار منتقل کند. این در حالیست که این دو روز تعطیل رسمی اعلام شده و علت را نیز گرمای هوا عنوان کرده‌اند! بر اساس این گزارش، نیروهای امنیتی در آماده‌باش کامل بوده و از زندان گوهردشت (رجایی شهر) تا زندان قرلحصار را تحت کنترل دارند. هم‌اکنون برخی بندها که هر کدام شامل سه سالن هستند، تخلیه شده و بقیه بندها نیز تا فردا تخلیه و زندانیان به زندان قرلحصار منتقل می‌شوند.

کانون حقوق بشر ایران افزوده برخی معتقدند که این جایگاهی به دلیل نابود کردن آثار قتل عام ۶۷، که در آن ۳۰ هزار زندانی سیاسی در زندان‌های ایران قتل عام شدند طراحی شده است.

بر اساس این گزارش، نام زندان گوهردشت (رجایی شهر) در دادگاه حمید نوری که در سوئد برگزار شد به عنوان قتلگاه هزاران زندانی سیاسی در امرداد و شهریورماه سال ۶۷ ذکر شده آنهم در حالی که بسیاری از مقامات حکومت از جمله ابراهیمی رئیس‌رئیس دولت فعلی در آن نقش جلا را داشتند. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه ۲۱ فروردین امسال دستور تعطیلی زندان «رجایی شهر» و انتقال زندانیان آن را به دیگر زندان‌ها داده بود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای در جلسه شورای قوه قضائیه، دلیل تعطیلی این زندان را «ضرورت ساماندهی زندان‌های استان البرز» و «انتقال زندان‌ها از مناطق شهری» عنوان کرده بود.

درگیری فیزیکی پادوهای حکومت با زنان به خاطر پوشش اختیاری؛ ایستادگی مردم در مقابل قُلچماق‌ها

● مقامات ارشد نیروی انتظامی ادعا می‌کنند «گشت ارشاد» فعال نیست اما حزب‌اللهی‌ها با قلدری به نیابت از حکومت برای تحمیل حجاب اجباری در کوچه و خیابان به جان مردم افتاده‌اند.

● نزاع بر سر نوع پوشش بین مردم با حزب‌اللهی‌ها و مأموران نیروی انتظامی بالا گرفته و گزارش‌ها در مورد درگیری فیزیکی بین آنان در گوشه و کنار کشور بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است.

● برخی تحلیلگران می‌گویند قرار دادن حزب‌اللهی‌ها در مقابل مردم در مورد حجاب برای نظام ممکن است یک نفع داشته باشد که آنهم فقط این است که مستقیم وارد درگیری با مردم نشود! اما درس‌های استفاده از نیابتی‌ها بسیار بیشتر است چرا که آنها اصلا اعتبار و مشروعیتی ندارند و مردم شدیدتر روبروی آنها می‌ایستند و وقتی هم نیروی انتظامی وارد عمل می‌شود، قضیه برای رژیم بدتر می‌شود زیرا مأموران نیروی انتظامی در نزاع بین طرفین به موضوع درگیری و مقصر و آغازکننده آن می‌پردازند و نه علت آن! به این ترتیب آمران به معروف به عنوان مزاحم و آغازکنندگان درگیری در مقابل مأموران نیروی انتظامی قرار می‌گیرند!

در ایران نزاع بر سر نوع پوشش بین مردم، حزب‌اللهی‌ها و مأموران نیروی انتظامی بالا گرفته و گزارش‌ها در مورد درگیری فیزیکی بین آنان در گوشه و کنار کشور بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است.

در شبکه‌های اجتماعی ویدیوئی از درگیری مأموران نیروی انتظامی با یک آمر به معروف در نیاوران تهران منتشر شده که تاریخ دقیق آن مشخص نیست اما به نظر می‌رسد جدید است.

شبکه «منوتو» روز سه‌شنبه دهم امرداد با انتشار این ویدئو گزارش داد در میدان نیاوران تهران فردی که خود را «سردار سپاه» معرفی کرده به همراه همسرش با اتومبیل «ال ۹۰» سفید به سمت مشتری‌های بستنی و پیتزافروشی هجوم برده و به بهانه بدحجابی اقدام به فحاشی و تخریب اموال فروشگاه‌ها کرده و معترض شده است که چرا به خانم‌های بدحجاب سرویس می‌دهند.

گویا نزاع بالا گرفت و مردم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و در حالی که فرد یادشده قصد فرار داشته، مأموران سر می‌رسند. آنچه در فیلم بین آن فرد و مأموران رد و بدل می‌شود در نوع خود مهم است. فردی که ادعا کرده سردار ←

● به گزارش «هرانا» از شب دوشنبه نهم امرداد، دست‌کم سیصد تن از محبوسین زندان «رجایی شهر» کرج بدون اعلام قبلی و به یکباره به زندان قرلحصار منتقل شدند.

● میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، علیرضا برمرز پورناک، سید محمد مهدی حسینی، حسین نعمتی، مهدی ایمانی و نوید نجاران، هشت متهم پرونده «اکباتان» از زندانیان منتقل شده هستند.

● آرشام رضایی فعال مشروطه‌خواه نیز از انتقال محمد بروغنی و سامان سیدی دو تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته و متهم به «اعدام» از زندان «رجایی شهر» به زندان قرلحصار خبر داده است.

به دنبال دستور رئیس قوه قضائیه برای تعطیلی زندان «رجایی شهر» کرج صدها زندانی در ۲۴ ساعت گذشته به زندان قرلحصار منتقل شدند. روند تخلیه زندان «رجایی شهر» در روزهای آینده ادامه دارد و انتقال زندانیان با تدابیر شدید امنیتی و حفاظتی در حال انجام است.

منابع حقوق بشری از آغاز روند انتقال زندانیان محبوس در زندان «رجایی شهر» به زندان «قرلحصار» خبر می‌دهند.

این انتقال در پی دستور غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه صورت گرفته است. خبرگزاری هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده که تعداد زیادی از زندانیان در «رجایی شهر» کرج به زندان قرلحصار منتقل شدند. خانواده یکی از زندانیان به «هرانا» گفته که «از شب دوشنبه نهم مرداد، دست‌کم سیصد تن از محبوسین این زندان بدون اعلام قبلی و به یکباره به زندان قرلحصار منتقل شدند.» این گزارش افزوده که به زندانیان ساکن زندان «رجایی شهر» اطلاع داده شده که روند انتقال زندانیان باقیمانده در روزهای آینده ادامه خواهد یافت.

خبرگزاری «هرانا» در گزارش دیگری نوشته میلاد آرمون، علیرضا کفایی، امیرمحمد خوش اقبال، علیرضا برمرز پورناک، سید محمد مهدی حسینی، حسین نعمتی، مهدی ایمانی و نوید نجاران، هشت تن از متهمان پرونده معروف به «اکباتان» و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ از زندان «رجایی شهر» به زندان «قرلحصار» منتقل شدند.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این شهروندان به «هرانا» گفته که روز سه‌شنبه دهم امرداد این زندانیان بدون اطلاع قبلی و همزمان با انتقال صدها زندانی دیگر از زندان «رجایی شهر» کرج به زندان قرلحصار منتقل شدند.

آرشام رضایی فعال مشروطه‌خواه نیز در توثیب خود از انتقال محمد بروغنی و سامان سیدی دو تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته و متهم به «اعدام» از زندان «رجایی شهر» به زندان قرلحصار خبر داده است.

آرشام رضایی ساعاتی پیش در یک رشته توثیب نوشته که «روز گذشته تمامی زندانیان محبوس در بند ۱۰ زندان

بزرگ تن به حجاب اجباری نداده و با پوشش آزاد و اختیاری در خیابان‌ها و اماکن عمومی رفت و آمد می‌کنند آنقدر زیاد شده که از کنترل دستگاه‌های کنترل و سرکوب متعدد و موازی جمهوری اسلامی خارج شده است. فراتر از آن جامعه چنان از حکومت خشمگین است که کوچکترین تذکر به افراد ممکن است جرقه یک خشم عمومی دیگر را

بسیاری افراد می‌گویند حکومت مأموریت برخورد مستقیم نیروی انتظامی با پوشش آزاد را به لباس شخصی‌ها و حزب‌اللهی‌ها واگذار کرده تا از مسئولیت پیامدهای برخورد با مردم شانه خالی کند. درواقع در مرحله جدید برخورد مأموران امنیتی با شهروندانی که به حجاب اجباری تن نمی‌دهند، حکومت ترجیح داده نیابتی‌های خود را به

سپاه است سوار ماشین پلیس نمی‌شود و با زور به تابلوهای راهنمایی و رانندگی آویزان شده تا وی را داخل ماشین نبرند. مأموران خطاب به او می‌گویند: «سرداری یا هر چیزی که هستی خفه!» فرد مربوطه اما اصرار دارد با ماشین خودش به کلانتری برود اما مأموران تلاش می‌کنند او را سوار ماشین پلیس کنند.



تصاویر زیادی در شبکه‌های اجتماعی از آمران به معروف که به بهانه «پوشش اجباری» مزاحم مردم می‌شوند منتشر شده است

شعله‌ور کند. مقامات نظام مدام در مورد آغاز موج تازه‌ای از اعتراضات هشدار می‌دهند. در چند مورد مردم در حمایت از زنان و دخترانی که توسط بسیجی‌ها و قلمچاق‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفتند وارد میدان شدند.

حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی عضو کمیسیون حقوقی و قضایی گفته «مجازات اولیه برای بی‌حجابی ۶ الی ۲۴ میلیون جریمه نقدی است.» برخی می‌گویند حتی در صورت اجرای این طرح مشخص نیست از جوانی که بیکار است و هیچ منبع درآمدی ندارد چطور می‌شود به خاطر حجاب جریمه سنگین گرفت!

یکی دیگر از مشکلات حکومت ریزش شدید پایگاه اجتماعی آن است. نه فقط بخشی از حامیان نظام حوصله درگیری با سایر اقشار را ندارند بلکه بسیاری از افراد که مخالف حجاب اجباری هستند یا خود محجبه‌اند و یا معتقد به باورهای دینی هستند. برخورد با زنان و دختران بدون حجاب از جمله آنهایی را که در مراسم عزاداری محرم شرکت کرده‌اند «دوگانه‌ای درس‌ساز» برای حکومت می‌دانند چرا که برخورد با زنانی که بدون حجاب برای «حسین» شمع روشن کرده و یا زیر گنل رفته‌اند برای نظام ساده نیست.

هواداران حکومت با کمک خبرگزاری‌هایی مثل «فارس» و «مشرق» یا «تسنیم» در یک اقدام سازماندهی شده ویدئوهایی را بازتاب دهند که در آن مردم جان به لب رسیده آمران به معروف را ضرب و جرح می‌کنند با این هدف که اصل موضوع یعنی مزاحمت این آمران علیه مردم را در حاشیه قرار داده و مسئله را برعکس جلوه دهند. سازمان عفو بین‌الملل اخیراً با ابراز نگرانی از ادامه سرکوب زنان با پوشش اختیاری در ایران اعلام کرده مقامات جمهوری اسلامی سرکوب علیه زنان را دوچندان کرده است.

میدان بفرستد. برخی تحلیلگران می‌گویند قرار دادن حزب‌اللهی‌ها در مقابل مردم در مورد حجاب برای نظام ممکن است یک نفع داشته باشد که آنهم فقط این است که مستقیم وارد درگیری با مردم نشود! اما درس‌های استفاده از نیابتی‌ها بسیار بیشتر است چرا که این هواداران متعصب نظام یا ارزشی‌هایی که در صف نخست «امر به معروف» قرار دارند اصلاً اعتبار و مشروعیتی ندارند و مردم شدیدتر روبروی آنها می‌ایستند و کار به گسترش و افزایش نزاع و درگیری‌ها می‌کشد. به عبارت دیگر «آتش به اختیار» عمل کردن آمران به معروف به تشنج و جدال دامن می‌زند و در نهایت که نیروی انتظامی وارد عمل می‌شود، هنوز قضیه برای رژیم بدتر می‌شود زیرا مأموران نیروی انتظامی در نزاع بین طرفین به موضوع درگیری و مقصر و آغازکننده‌ی آن می‌پردازند و نه علت آن! به این ترتیب آمران به معروف به عنوان مزاحم و آغازکنندگان دعوا و درگیری در مقابل مأموران نیروی انتظامی قرار می‌گیرند!

در همین ارتباط، در جریان تجمع «امت حزب‌الله» مقابل قوه قضاییه برای حمایت از برخورد با بی‌حجابی، عوامل حکومت با یکدیگر درگیر شدند! تعداد گروه‌های بسیجی که در خیابان‌ها به مردم تذکر می‌دهند یا درگیر می‌شوند نیز بیشتر از قبل شده است.

با اینهمه حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران نهم امرداد در سرمقاله این روزنامه با انتقاد از لایحه «حجاب و عفاف» به نادیده گرفتن «نقش بسیج و سپاه به عنوان ضابطان قانونی دستگاه قضائی» اعتراض کرده است. شمار زنان و دخترانی که به ویژه در پایتخت و شهرهای

آن فرد مأموران را تهدید می‌کند که «پشیمان می‌شوید!» فردی از پشت دوربین فریاد می‌زند: «یکی به این بزنی دندوناش بریزه تو دهنش». فردی که ادعا می‌کند سردار سپاه است خطاب به مأموران می‌گوید: «پشیمان می‌شوید! جنازه‌ام میاد تو ماشین... میام... باید با تیر بزنی!» در نهایت به نظر می‌رسد آن فرد دستبندزده به کلانتری منتقل می‌شود.

در یک مورد دیگر در «باغ نارنجستان قوام» شیراز دو زن چادری پس از فضولی در مورد حجاب اعضای یک خانواده با آنها درگیر می‌شوند. در این زد و خورد یکی از زنان چادری به گوشه‌ای افتاد که باعث خشم حزب‌اللهی‌ها شد. دادستانی استان فارس روز سه‌شنبه دهم امرداد اعلام کرد «عامل درگیری» با آمران به معروف بازداشت و روانه زندان شد.

سردار پاسدار قاسم رضایی معاون فرمانده کل انتظامی مدعی شده «چیزی به عنوان گشت ارشاد نداریم» اما همزمان تأکید کرده «گشت‌های انتظامی با هنجارشکنان و هر کسی که قانون را رعایت نکنند برخورد خواهند کرد.» این در شرایطی است که از شهرهای مختلف گزارش شده «گشت ارشاد» در نقاط مختلف مستقر شده‌اند فقط روی بدنه ماشین آنها عبارت «گشت ارشاد» را پاک کرده‌اند!

معاون فرمانده نیروی انتظامی گفته پلیس اغلب «تذکر لسانی» می‌دهد و ۹۹ درصد کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند با تذکر پلیس، تمکین کردند و بخشی نیز اظهار پشیمانی کرده آزاد شدند و با بعضی افراد که تشکیلاتی مرتکب این جرم می‌شدند نیز برخورد خواهد شد. در عین حال وی تهدید کرد «مردم انقلابی اجازه جولان به هنجارشکنان را نخواهند داد.»

بیانیه ۵۳ نفر از زندانیان سیاسی سابق و فعلی به مناسبت سالروز صدور فرمان مشروطیت



ایراندوستانی همچون محمدعلی فروغی و علی‌اکبر داور را داشت. نتیجه این ساز و کار، درخشان‌ترین دوران معاصر کشور و نجات مام میهن از پرتگاه، در پی درایت پادشاهان پهلوی بوده است.

کارآیی پادشاهی مشروطه در این مرز و بوم ثابت شده است و خاطرات خوش دوران پهلوی هنوز در حافظه جمعی ملت زنده است.

اینکه ایران روزگاری نه چندان دور کشوری با شکوه و در ریل ترقی و توسعه بود، نویدبخش این است که دوباره می‌توانیم آن را به مسیر آزادی و آبادانی بازگردانیم. از این رو به پاس جان‌های عزیز زنان و مردان دلیری که در این سال‌ها، فریاد جانم فدای ایران را در واقعیت معنا کردند و به نام شهدای راه آزادی ایران، ما جمعی از زندانیان سیاسی سابق و فعلی از همه مردم آگاه و شجاع می‌خواهیم تا با تثبیت روز ۱۴ آموداد، به عنوان روز ملی مشروطه، در هر کجا که هستند این روز ملی را گرامی بدارند و گامی جهت دوباره با شکوه کردن ایران بردارند.

پاینده ایران

و روزی است که ملک ایران پس از سال‌ها رنج بردن از رعیت‌داری حاکمان نالایق، به دستاوردی برای احقاق حقوق ملت و نجات مملکت دست یافت و به پشتوانه این همت ملی و سترگ بود که سردار سپه توانست، ایران اسیر در دست خان‌ها و مزدوران بیگانه و غرق در فقر و بیماری و بی‌سامانی را بار دیگر در مسیر احیای عظمت و قدرت تاریخی خود قرار دهد.

فرا رسیدن این روز، در دورانی که بار دیگر وطن زیر یوغ وطن‌فروشان و مستبدان سرسپرده به رژیم‌های روسیه و چین، در حال تجربه کردن فقر و فساد و ستم‌های عصر قاجاری و بلکه بدتر از آن است، باعث شده تا ملت ایران در سال‌های اخیر با سر دادن شعارهایی که به وضوح نشانگر حمایت و تمایل به نظام پادشاهی مشروطه و تکرار مسیر ایرانسازی شاهان پهلوی است، به خیابان‌ها بیایند.

ما این میل عمومی را فراتر از قدرشناسی ملت ایران نسبت به خاندانی ایران‌دوست و ایران‌ساز دانسته و معتقدیم که این اشتیاق ملی، برای بازگشت به ساز و کاری است که با اجرای آن می‌توان انتظار ظهور مجدد دیوانسالاران و

«در دورانی که بار دیگر وطن زیر یوغ وطن‌فروشان و مستبدان سرسپرده به رژیم‌های روسیه و چین، در حال تجربه کردن فقر و فساد و ستم‌های عصر قاجاری و بلکه بدتر از آن است، باعث شده تا ملت ایران در سال‌های اخیر با سر دادن شعارهایی که به وضوح نشانگر حمایت و تمایل به نظام پادشاهی مشروطه و تکرار مسیر ایرانسازی شاهان پهلوی است، به خیابان‌ها بیایند».

«ما این میل عمومی را فراتر از قدرشناسی ملت ایران نسبت به خاندانی ایران‌دوست و ایران‌ساز دانسته و معتقدیم که این اشتیاق ملی، برای بازگشت به ساز و کاری است که با اجرای آن می‌توان انتظار ظهور مجدد دیوانسالاران و ایراندوستانی همچون محمدعلی فروغی و علی‌اکبر داور را داشت».

«کارآیی پادشاهی مشروطه در این مرز و بوم ثابت شده است و خاطرات خوش دوران پهلوی هنوز در حافظه جمعی ملت زنده است».

چهاردهم آمودادماه، سالروز امضای فرمان مشروطیت

برزان محمدی	گلاره عباسی	محبوبه رضایی	نازک توکلی	امضا کنندگان:
رضا محمدحسینی	میثم غلامی	آرمین سورانی	یاشار تبریزی	بابک آسیایی
علی موسی‌نژاد فرکوش	علیرضا فاضلی (فرهاد امیدی)	مسعود سیفی‌زاده	شاهین حق‌پرست	بهزاد آسیایی
آرش مقدم اصلان پور(آرش آشایی)	نادر فلاح	علیرضا سیدیان	مجید حسینی‌نژاد	همایون افتخاریان
احمد میرزایی	مازیار فروزان	مهدی ساور علیا	۱۵- سهراب حسن خانی	کامران ایازی
عمادرضا نقی‌پور	محمدرضا کامرانی‌نژاد	سلیمان سیما	سهیلا حجاب	کوروش بیاتی
امید نوروزیان	امیرعباس کلهر	حسین سرلک	محسن حاجی‌محمدی	مسعود باباپور
امیر نوذرنوری‌پور	کوروش کوهکن	زهره سرو	عارف درویش	پیام باستانی‌پاریزی
سمانه نوروز مرادی	نیما قاسمی	نگار شاهپری	آرشام رضایی	آزاد پیکری‌فر
محمدرضا یزدان‌پناه	رضا مهرگان	بهمن صادقی‌نور	حجت‌الله رافعی	افشین پیروی
	میثم محمدی	سیاوش صفوی	محمد ریاضت	خالد پیرزاده

برنامه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای مقابله با موج جدید اعتراضات: از تقویت «بسیج محلات» تا توزیع غذای گرم در مناطق محروم!



توزیع غذای گرم توسط «گروه‌های جهادی» و بسیج ناحیه سیروان در استان ایلام به مردم محروم

و تربیتی، درمانی و همچنین احداث، تعمیر، نوسازی و مناسب‌سازی مسکن برای مددجویان توسط «گروه‌های جهادی» است.

آنها از «خدمات» چیزی جز «صدقه» و «تطمیح» نمی‌شناسند و همان را نیز پیش می‌برند! بر همین اساس یکی از برنامه‌های بسیج و کمیته امداد «برپایی آشپزخانه‌های طبخ و توزیع غذای گرم در پویش‌های اطعام حسینی و اطعام مهدوی» است که در تفاهم‌نامه کمیته امداد و سازمان بسیج به آن اشاره شده است.

ادامه گرانی‌های سرسام‌آور و تورم فزاینده بر نارضایتی‌های اجتماعی به شدت دامن زده است. مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف به مقامات نظام هشدار داده «بدانید بعد از محرّم و صفر حتماً باز هم به ما حمله می‌کنند».

اینهمه در حالیست که پایان تعطیلات تابستانی که همزمان با نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و خیزش ملی است و میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموز راهی مدارس و دانشگاه‌ها می‌شوند، بیش از پیش واحدهای سرکوب و تبلیغاتی حکومت را نگران می‌کند. حسین طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) گفته آمریکایی‌ها قصد دارند چالش را به دانشگاه و مدارس بکشانند.

بسیاری از مقامات رده‌بالای نظام پیدا و نهان در مورد وضعیت وخیم کشور ابراز نگرانی می‌کنند. سردار پاسدار محمداسماعیل کوثری نماینده مجلس شورای اسلامی پیش از این گفته بود پارسال خیلی‌ها ترسیده بودند و خیال کردند الان دیگر کار نظام تمام شد، حتی بعضی از نماینده‌ها!

برخی کشورهای پیشرفته هم نمی‌توان دید... لذا تبیین وضع فعلی با وضع قبلی ایران برای نسل حاضر اهمیت بالایی دارد.

باقری در حالی به ضرورت قدرت‌گیری بسیج در محلات تأکید کرده که دو روز پیش از این سخنرانی حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی دیگر هشدار داد «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است».

این مواضع نشان می‌دهد مقامات رژیم در بالاترین رده‌ها نسبت به شکل گرفتن موج جدیدی از اعتراضات به شدت بیم دارند و آن را نه تنها محتمل می‌دانند بلکه به قول حسین سلامی به دنبال «پیشگیری» هستند.

سرتیپ پاسدار حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه نیروی انتظامی اوایل فروردین ۱۴۰۲ گفته بود این نیرو باید در سال جاری دو برابر شود تا بتواند به مقابله با ناآرامی‌های همزمان در ۴۰۰ نقطه کشور برود. مقامات برای جبران بخشی از این کمبود سراغ واحدهای سپاه و بسیج رفته‌اند. به گفته وی، بر اساس «زیست بوم محلات» قرار است ۵۰ هزار محله اسلامی تشکیل شود!

علاوه بر تقویت ماشین سرکوب، یکی از برنامه‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که مرتب شعار آن را می‌دهند «محرومیت‌زدایی» و «خدمت‌رسانی به مناطق محروم» است. در همین ارتباط سازمان بسیج و «کمیته امداد» اخیراً یک تفاهم‌نامه همکاری امضاء کردند.

این تفاهم‌نامه شامل حمایت از «خانواده‌های نیازمند» و «محرومان» در حوزه‌های معیشتی، مسکن، فرهنگی

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در یک سخنرانی گفت، «بسیج در مساجد و محلات اهمیت زیاد دارد و باید قدرت داشته باشد و محله‌محوری به شدت توسعه یابد».

سازمان بسیج و «کمیته امداد» اخیراً یک تفاهم‌نامه همکاری امضاء کردند که شامل حمایت از «خانواده‌های نیازمند» و «محرومان» در حوزه‌های معیشتی، مسکن، فرهنگی و تربیتی، درمانی و همچنین احداث، تعمیر، نوسازی و مناسب‌سازی مسکن برای مددجویان توسط «گروه‌های جهادی» می‌شود.

آنها از «خدمات» چیزی جز «صدقه» و «تطمیح» نمی‌شناسند و همان را نیز پیش می‌برند! بر همین اساس یکی از برنامه‌های بسیج و کمیته امداد «برپایی آشپزخانه‌های طبخ و توزیع غذای گرم در پویش‌های اطعام حسینی و اطعام مهدوی» است که در تفاهم‌نامه کمیته امداد و سازمان بسیج به آن اشاره شده است.

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی روز ۱۱ مرداد در یک سخنرانی گفت، «بسیج در مساجد و محلات اهمیت زیاد دارد و باید قدرت داشته باشد و محله‌محوری به شدت توسعه یابد».

وی با تأکید بر لزوم «شکل‌گیری محله اسلامی» ادعا کرد قوای سه‌گانه و دیگر دستگاه‌ها از جمله نیروهای مسلح تلاش شبانه‌روزی برای رفع مشکلات مردم دارند.

باقری به «دستاوردهای انقلاب در خدمات‌رسانی» به مردم اشاره کرد و مدعی شد: «اکنون بیش از ۹۰ درصد از کشور گازرسانی شده و آب سالم و بهداشتی در مناطق زیادی از کشور وجود دارد که اینگونه خدمات را بعضاً در

نبرد جمهوری اسلامی با آمار؛ بودجه «رصدخانه مهاجرت ایران» قطع و حکم تخلیه ساختمان صادر شد



رصدخانه مهاجرت ایران

مهاجرت نسبت به حوزه‌های دیگر بیشتر است. امروز برنامه‌نویس ماهر خیلی راحت می‌تواند از کشور خارج شود و یک درآمد خیلی خوب داشته باشد. رضا الفت افزوده که «اگر نیروی انسانی را از دست دهیم چیزی ارزشمندتر از نفت را از دست داده‌ایم. نیروی انسانی در حوزه‌ی استارت‌آپ‌ها یک آیتم بسیار مهم و تأثیرگذارند و خود آقایان دنبال ساخت نرم‌افزار بومی هستند، نیاز به نیروی انسانی ماهر دارد. در صورتی که نیروی انسانی را دلسرد کنیم رو به مهاجرت می‌آورند. به نظر من یک دست پشت سر این کار وجود دارد که نیروی انسانی را با این رفتارها به سمت مهاجرت هل می‌دهد. با توجه به اینکه جمعیت کشور رو به پیری می‌رود ما در سال‌های آینده با مشکلات جدی در مورد نیروی انسانی ماهر مواجه خواهیم شد.»

دبیر انجمن کسب و کارهای اینترنتی تأکید کرده است «چیزی که در یکسال اخیر مشخص است موج ناامیدی و دلسردی و داغ شدن موضوع مهاجرت است. برای من به عنوان یک فعال صنفی، دائماً پیام‌هایی در مورد ویزا استارت‌آپی می‌آید. این مسئله نشان می‌دهد که تقاضا در بازار زیاد است.»

«رصدخانه مهاجرت ایران» در آخرین بررسی‌های خود با عنوان «سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱» که فروردین امسال منتشر شد اعلام کرده بود که الگوهای مهاجرت ایرانی‌ها در آینده شاهد تغییراتی گسترده خواهد بود و کشورهای همسایه ایران مانند عربستان سعودی و امارات به عنوان قطب‌های جدید علم و فناوری، به گزینه‌های اصلی برای جذب نیروی انسانی ایران تبدیل خواهند شد.

در این گزارش شیوه حکمرانی، وجود فساد نهادینه‌شده در کشور، دستیابی به رفاه و امنیت بیشتر، وجود

علی شریفی زارچی استاد دانشگاه «شریف» نیز در واکنش به «برخوردهای» صورت گرفته با رصدخانه مهاجرت ایران در توثیقی نوشت: «بالاخره راه حل آمار بالای مهاجرت کشف شد: «جلوگیری از انتشار آمار، قطع بودجه، و حکم تخلیه ساختمان رصدخانه مهاجرت. تریک به معاونت علمی ریاست جمهوری، پژوهشکده‌ی سیاست‌گذاری دانشگاه شریف و سایر مسوولان ذریبط.»

موج تازه مهاجرت نیروی متخصص از ایران در پی برخوردها با کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها به بهانه «حجاب» آغاز شده است. بسیاری از کسب و کارهای بخش خصوصی در ماه‌های گذشته پلمب شدند. مختل شدن فعالیت بخشی از آنها که از ماه‌ها پیش به دلیل قطع و کاهش سرعت اینترنت زیان کرده‌اند سبب ناامیدی و تصمیم به مهاجرت از سوی مدیران و متخصصان این مشاغل شده است.

بهرام صلواتی با اشاره به این نکته از برخوردهای اخیر با برخی شرکت‌های کارآفرین نوپا (استارت‌آپ) انتقاد و تأکید کرده که نمی‌توان «با مدل ۳۰ سال گذشته» با نخبگان و سرمایه‌های علمی مواجه شد.

چندین مجموعه کسب و کار اینترنتی از جمله «دیجی کالا» و «طاقچه» در روزهای گذشته به دلیل انتشار تصاویر بدون حجاب اجباری کارمندانشان تعطیل و یا برای مدتی از دسترس خارج شدند.

در همین رابطه هفته گذشته رضا الفت نسب دبیر انجمن کسب و کارهای اینترنتی، درباره رشد مهاجرت استارت‌آپ‌ها گفت: با توجه به اتفاقاتی که در یکسال اخیر رخ داده است، همچنین اتفاقاتی که این روزها بابت موضوع حجاب می‌بینیم و با توجه به اینکه بسیاری از این کسب و کارها توسط افرادی هدایت می‌شود که جوان هستند؛ تصور می‌شود که ادامه‌ی این نوع برخوردها منجر به دلسردی خواهد شد. در حوزه استارت‌آپ‌ها، پتانسیل و ظرفیت

● بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران گفته است علاوه بر قطع بودجه، حکم تخلیه ساختمان این مرکز هم صادر شده است.

● رصدخانه مهاجرت ایرانیان که آمارها و پژوهش‌هایی در زمینه مهاجرت از ایران منتشر می‌کرد به تازگی از قصد مهاجرت نزدیک به هفتاد درصد نیروهای متخصص از کشور خبر داده بود.

● موج تازه مهاجرت نیروی متخصص از ایران در پی برخوردها با کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها به بهانه «حجاب» آغاز شده است. بسیاری از کسب و کارهای بخش خصوصی در ماه‌های گذشته پلمب شدند.

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران با اشاره به «برخوردهای» صورت گرفته حکومت با این مؤسسه پژوهشی گفته که بودجه اختصاصی رصدخانه قطع و حکم تخلیه ساختمان آن نیز صادر شده است.

بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران روز سه‌شنبه ۱۰ مرداد در نشستی در مؤسسه روزنامه «اطلاعات» از برخورد با نهاد تحت مدیریت‌اش خبر داده و گفته است علاوه بر قطع بودجه «رصدخانه مهاجرت ایران»، حکم تخلیه ساختمان این مرکز نیز صادر شده است.

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران در بخش دیگری از سخنانش، مسئولان حکومت ایران را به «بی‌کفایتی» در استفاده از سرمایه‌های علمی ایران متهم کرد.

رصدخانه مهاجرت ایرانیان که آمارها و پژوهش‌هایی در زمینه مهاجرت از ایران منتشر می‌کرد به تازگی از قصد مهاجرت نزدیک به هفتاد درصد نیروهای متخصص از کشور خبر داده بود.

بهرام صلواتی مدیر این مؤسسه در سخنان خود در مؤسسه روزنامه «اطلاعات» با اشاره به آمار تمایل مهاجرت نیروی متخصص از کشور، سوق‌دادن نخبگان جوان به خارج از کشور را «نسل‌کشی سرمایه انسانی» نامیده و افزوده بود که ۶۷ درصد نیروهای متخصص شرکت‌های دانش‌بنیان وارد فرآیند مهاجرت شده‌اند.

او اعلام کرد بر اساس پیمایش رصدخانه مهاجرت ایران در میان ایرانیان خارج از کشور در سال ۱۴۰۱ تنها ۱۴ درصد افراد تصمیم قطعی برای بازگشت به کشور دارند: «۶۲ درصد به هیچ عنوان قصد بازگشت به کشور را ندارند و ۲۴ درصد نیز تصمیم مشخصی در این خصوص ندارند. همچنین بیش از ۹۰ درصد آنها به وعده‌های حاکمیت در خصوص استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور باور نداشتند.»

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران اعلام کرد: «پیش از این نیز بارها درباره روند مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های علمی با ارائه مدرک سخن گفته‌ایم اما متأسفانه با ما برخورد شده است. به تازگی هم علاوه بر قطع بودجه مورد نیاز این رصدخانه، حکم تخلیه از ساختمان این رصدخانه نیز صادر شده است.»

در نشست مؤسسه کیهان در تهران، علی حسینی معاون مرکز تعاملات معاونت علمی ریاست جمهوری نیز افزایش روزافزون تمایل نخبگان به خروج از کشور را تأیید کرده است.

مؤسسه تحقیقاتی «آلما» اسرائیل:

رژیم ایران به دنبال کنترل صنایع ساخت تسلیحات شیمیایی در سوریه است



سفر ابراهیم رئیسی به سوریه / اردیبهشت ۱۴۰۲

● همزمان با سفر وزیر خارجه رژیم سوریه به تهران، محققان اسرائیلی گزارش دادند جمهوری اسلامی به رژیم سوریه در ساخت زرادخانه تسلیحات شیمیایی پیشرفته کمک می‌کند.

● محققان در مؤسسه تحقیقاتی «آلما» گزارش دادند که جمهوری اسلامی در تلاش است تا کنترل بخش‌های اصلی صنعت ساخت تسلیحات شیمیایی در سوریه را به دست بگیرد.

● سازمان SSRC مسئول تحقیق، توسعه و تولید سلاح‌های پیشرفته، شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای است که جمهوری اسلامی آنها را به عنوان «موتور رشد برای توسعه و تولید تسلیحات متعارف مدرن مبتنی بر فناوری ایران در خاک سوریه» در نظر گرفته است.

همزمان با سفر وزیر خارجه رژیم سوریه به تهران، محققان اسرائیلی گزارش دادند جمهوری اسلامی به رژیم سوریه در ساخت زرادخانه تسلیحات شیمیایی پیشرفته کمک می‌کند و در تلاش است تا کنترل بخش‌های اصلی صنعت ساخت تسلیحات شیمیایی در این کشور را به دست بگیرد.

به گزارش شبکه «آی۲۴» تل بئری از محققان ارشد «مرکز تحقیقات آلما» به همراه تدی ساپیر کارشناس اطلاعاتی، در گزارش ویژه خود با عنوان «خطر دستیابی گروه‌های نیابتی محور ایران به سلاح‌های شیمیایی یا پیشرفته» هشدار دادند «استفاده حزب الله از سلاح‌های شیمیایی در رویارویی بعدی با اسرائیل را نمی‌توان منتفی دانست.»

این دو محقق عنوان کردند که هم‌رکز رژیم ایران در سوریه توسعه و ساخت موشک‌ها و راکت‌های دقیق، موشک‌های کروژ و پهپاد است.

مرکز مطالعات و تحقیقات علمی سوریه (SSRC) که سال ۱۹۷۱ تأسیس شد با عوامل جمهوری اسلامی همکاری می‌کند. این مجموعه یک سازمان دولتی است که هدف آن ترویج، هدایت و هماهنگی فعالیت‌های علمی در سوریه است. حدود ۲۰ هزار نفر در آن اشتغال دارند که اغلب آنها محققان، مهندسان و افسران نظامی با تخصص‌های مختلف هستند. امکانات این مرکز در سراسر سوریه گسترده است و شامل انواع مؤسسات، کارخانه‌ها و سایت‌های صنعتی می‌شود.

به گفته تل بئری و تدی ساپیر، سازمان SSRC مسئول تحقیق، توسعه و تولید سلاح‌های پیشرفته، شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای است که جمهوری اسلامی آنها را به عنوان «موتور رشد برای توسعه و تولید تسلیحات متعارف مدرن مبتنی بر فناوری ایران در خاک سوریه» در نظر گرفته است.

برای جمهوری اسلامی فعالیت‌های این مرکز می‌تواند جایگزین انتقال تسلیحات از ایران به سوریه باشد.

این گزارش نشان می‌دهد که SSRC بخشی جدایی‌ناپذیر از زیرساخت تسلیحاتی برای نیروهای نیابتی در سوریه و حزب الله لبنان است، با تأسیساتی که به عنوان «کارخانه‌های تولیدی» جهت تأمین گروه‌های تروریستی توسط متخصصان

تبعیض‌های حرفه‌ای و اجتماعی، کیفیت زندگی بهتر در خارج کشور، نوسان قیمت ارز، تورم و شرایط اقتصادی، شرایط تحریم، سطح حقوق و دستمزد و بی‌ثباتی اقتصادی از جمله مهمترین دلایل افزایش مهاجرت ایرانیان به کشورهای دیگر اعلام شده بود.

«گروه مالی دانایان» نیز به تازگی در گزارشی به روند مهاجرت نیروی کار از ایران پرداخته و اعلام کرده که این روند به این شکل است که مهاجران ورودی به کشور در بخش‌های بدون مهارت شاغل می‌شوند و در مقابل ایرانیانی که از ایران می‌روند، تحصیلکرده و دارای مهارت هستند.

بنا بر گزارش بانک جهانی، حدود ۳/۴ درصد از جمعیت ایران را افرادی تشکیل می‌دهند که در ایران متولد نشده‌اند. این عدد برای آمریکا و آلمان بیش از ۱۴ درصد و برای ترکیه حدود چهار درصد است.

«گروه مالی دانایان» نیز اعلام کرده که ۵۱ درصد از مهاجرانی که در ایران زندگی می‌کنند، در سن کار (۲۰ تا ۶۴ ساله) هستند. این رقم برای ترکیه ۷۱ درصد، آلمان برابر ۷۰ درصد و برای آمریکا ۷۷ درصد است.

در این گزارش تأکید شده از آنجا که بیشتر مهاجرانی که در ایران مشغول به کار هستند، جذب بازار غیررسمی می‌شوند، تأثیر زیادی بر دستمزدهای بازار رسمی کار ندارند. نکات ارائه شده در این بخش نشان می‌دهد که عرضه نیروی کار در بازار کار ایران با شوک‌های مثبت و منفی متعددی روبروست.

پهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران اول امرداد در همایش «فرصت‌های ایران در عصر دیجیتال» از نتایج تازه‌ترین پایش این مرکز درباره مهاجرت از کشور رونمایی کرد. او گفته بود تنها ۱۶ درصد از افراد شرکت کننده در این نظرسنجی، قصد ماندن در کشور را داشته‌اند. به بیان دیگر بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان مهاجرت کرده و یا قصد مهاجرت از ایران را دارند.

وی اعلام کرده بود که حدود ۲۰ درصد مهاجرت کرده‌اند که از میان آنها فقط ۴ درصد قصد بازگشت به کشور دارند و بیش از ۶۰ درصد تمایل دارند که مهاجرت کنند؛ این تعداد یا برای مهاجرت برنامه‌ریزی و یا اقدام کرده‌اند.

به گفته وی، شرایط کلی سیاسی و اقتصادی کشور دلیل ۸۰ درصد مهاجرت‌ها بوده است. در سال گذشته عوامل اقتصادی بدترین و مهمترین عوامل بودند، اما الان عوامل سیاسی بدترین وضعیت را نشان داده‌اند و خودشان را مسلط کرده‌اند.

مهاجرت ایرانیان از کشور به چهار صورت پناهندگی، مهاجرت شغلی، مهاجرت تحصیلی و مهاجرت سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.

آمارهایی که رصدخانه مهاجرت ایران از پناهجویی ایرانیانی ارائه داده نشان می‌دهد در حال حاضر ۳۴۷۰ مهاجر غیرقانونی ایرانی در مرزهای اتحادیه اروپا، در صدد ورود به کشورهای اروپایی هستند. این گزارش افزوده که از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ ایرانیان با ۱۸ هزار و ۳۱۸ مهاجر غیرقانونی، بیشترین شمار را در عبور غیرقانونی با قایق در کانال مانس داشته‌اند.

رصدخانه مهاجرت ایرانیان در این گزارش نوشته که «در کنار مهاجرت‌های اختیاری اعم از کاری و تحصیلی، مهاجرت‌های اجباری و پناهجویی نشانگرهای بسیار واقعی‌تر و در عین حال تلخ‌تر از میزان ظرفیت کشور موطن برای حفظ انسان‌هایی است که در آن سرزمین چشم به دنیا گشوده و پرورش یافته‌اند و نیاز به زیستن همراه با امید، آسایش و امنیت دارند.»

ایرانی «هدایت و نظارت می‌شوند.»
 بئری و ساپیر خاطرنشان کردند، این مرکز دارای تجربه و درک وسیعی از توسعه و تولید سلاح‌های شیمیایی است. این دو محقق بشار اسد رئیس جمهور سوریه را به تقویت و توسعه «قابلیت‌های شیمیایی گسترده برای ایجاد بازدارندگی در برابر اسرائیل» متهم کردند.

اگرچه رژیم سوریه مدعی شده است که تمام سلاح‌های شیمیایی خود را به عنوان بخشی از روند خلع سلاح شیمیایی در سال ۲۰۱۳ به سازمان منع تسلیحات شیمیایی تحویل داده، اما در طول ۱۲ سال جنگ داخلی بارها متهم به استفاده از بمب‌های شیمیایی علیه مخالفان خود شده است.

بئری و ساپیر در گزارش خود به این نتیجه رسیده‌اند: «ما ارزیابی می‌کنیم که رژیم سوریه اکنون دارای قابلیت‌های شیمیایی گسترده‌ای است.»

رژیم سوریه ذخایر تسلیحات شیمیایی را که در اختیار دارد و تهدیدی که آنها ایجاد می‌کنند، تضمینی برای بقای خود می‌داند. هرگاه این رژیم تصمیم بگیرد، این توانایی می‌تواند به نفع محور تندروهای شیعه به رهبری جمهوری اسلامی در ایران بطور عام، و حزب الله بطور خاص عمل کند. استفاده حزب الله از سلاح‌های شیمیایی در رویارویی بعدی با اسرائیل را نمی‌توان رد کرد.

در جریان سفر ابراهیم رئیسی به سوریه که اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ صورت گرفت طرفین تفاهمنامه همکاری‌های نظامی امضاء کردند. بخشی از این همکاری‌ها مربوط به تقویت سیستم پدافندی موشکی سوریه است.

تعطیلی سراسری به علت «گرمای بی سابقه»! مردم می‌گویند «شرایط عادی نیست»



انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی است. رویدادی که ماه‌ها چشم جهان را خیره ساخت و رژیم با وجود سرکوب شدید نتوانست آن را خنثی کند. ضمن اینکه همزمان نخستین سالگرد جانباختگان انقلاب ملی نیز پشت سر هم فرا خواهد رسید.

در این میان، همزمان با خبر دو روز تعطیلی کشور به دلیل گرما، اعلام شد بازگشایی سفارت عربستان سعودی در تهران نیز به تعویق افتاده است. گزارش‌هایی درباره استقرار دیپلمات‌های سعودی در یک طبقه از «هتل اسپیناس پالاس» در شمال تهران منتشر شده ولی علت اینکه نمایندگان سیاسی سعودی تا تهران آمده‌اند اما از بازگشایی سفارت خودداری کرده‌اند مشخص نیست.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز سه‌شنبه در یک سخنرانی هشدار داد «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او توضیح نداد چگونه می‌توان از خشم و انزجار مردم که به صورت اعتراضات و خیزش ملی و سراسری بار دیگر بروز می‌کند «پیشگیری» کرد در حالی که خود نظام مسبب و علت آن است!

یکی از بحران‌های کنونی، تورم و گرانی است که در ایران بیداد می‌کند و تنها راهکار حکومت «خبردرمانی» و وعده و وعیدهایی است که قادر به تحقق هیچ‌کدام از آنها نیست. علی‌بهداری جهرمی سخنگوی دولت در یکی از هیأت‌های تهران گفته بود «وقتی کالایی که مورد نیاز مردم است گران می‌شود، آقای رئیسی از وزیر یا مدیر مربوطه سؤال می‌پرسد چطور توانستی شب را به‌راحتی بخوابی، من نتوانستم!» خود این سخنان نیز نمونه‌ای از «حرف‌درمانی»‌های مقامات مسئول است که معلوم نیست به چه درد می‌خورد و کدامیک از مشکلات عدیده جامعه را حل می‌کند!

علی‌بهداری جهرمی سخنگوی دولت در توییتی نوشت «با توجه به گرمای بی‌سابقه هوا در روزهای جاری، به منظور حفظ سلامت شهروندان، هیئت دولت با پیشنهاد وزارت بهداشت مبنی بر تعطیلی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در سراسر کشور موافقت کرد.»

ساعاتی بعد اعلام شد به دلیل تولید بیش از ظرفیت نیروگاه‌های کارون سه و چهار بطور موقت از مدار تولید برق خارج شدند. حتا اعلام شد مسابقات هفته نخست فصل جدید لیگ فوتبال ایران نیز که قرار بود پنجشنبه و جمعه برگزار شود به تعویق افتاد. این در حالیست که بعضی رقابت‌ها می‌بایست در استان‌هایی برگزار شود که دمای هوا از هفته‌های قبل پایین‌تر است!

تعطیلی کل کشور به بهانه‌ی «گرمای بی‌سابقه» در شرایطی است که هفته پیش دمای هوا در بسیاری از شهرها گرم‌تر بود اما جایی تعطیل نشد. برخی می‌گویند علت اصلی این تعطیلی نگرانی از اعتراضات به دنبال افزایش قیمت ارز است. مقامات حکومت امیدوار بودند بتوانند با فشار و اصرار بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی را دریافت کنند اما در نهایت این خیال خام به واقعیت نپیوست و کار به شکایت کشید.

برخی نیز بر این گمان هستند که دولت قصد دارد در این تعطیلات و یا همین حول و حوش اقدام به افزایش قیمت بنزین کند. شماری دیگر در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند تعطیلات مرتبط با سقوط بورس تهران است. با این سقوط هزاران سهامدار سرمایه‌های خود را از دست داده‌اند. آنها امیدوار بودند بعد از غارت اموال مردم در بانک‌ها و مؤسسات مالی دست‌کم بورس جایی برای حفظ سرمایه‌شان باشد.

در هر صورت، این تصمیم دولت هر علت پنهانی که غیر از «گرمای هوا» داشته باشد، آنچه افکار عمومی روی آن نقطه اشتراک دارد «غیرعادی بودن شرایط» کشور در آستانه‌ی سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش

● علی‌بهداری جهرمی سخنگوی دولت گفته علت تعطیلی «گرمای بی‌سابقه هوا» و «حفظ سلامت شهروندان» است. ساعاتی بعد اعلام شد دو نیروگاه برق کارون سه و چهار به دلیل تولید بیش از ظرفیت از مدار خارج شدند.

● برخی می‌گویند علت اصلی این تعطیلی نگرانی از اعتراضات به دنبال افزایش قیمت ارز است. برخی نیز بر این گمان هستند که دولت قصد دارد در این تعطیلات و یا همین حول و حوش اقدام به افزایش قیمت بنزین کند. شماری دیگر در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند تعطیلات مرتبط با سقوط بورس تهران است. در هر صورت، این تصمیم دولت هر علت پنهانی که غیر از «گرمای هوا» داشته باشد، آنچه افکار عمومی روی آن نقطه اشتراک دارد «غیرعادی بودن شرایط» کشور در آستانه‌ی سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی است.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در یک سخنرانی هشدار داد «دشمن قصد دارد در سالگرد حوادث پاییز ۱۴۰۱ بار دیگر فتنه‌انگیزی کند و با آمادگی و هوشیاری ما دشمن نمی‌تواند کاری انجام دهد و راهکار مقابله با آن، پیشگیری است.» او توضیح نداد چگونه می‌توان از خشم و انزجار مردم که به صورت اعتراضات و خیزش ملی و سراسری بار دیگر بروز می‌کند «پیشگیری» کرد در حالی که خود نظام مسبب و علت آن است!

دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۱ و ۱۲ مرداد را به دلیل «گرمای هوا» در سراسر کشور تعطیل اعلام کرده است! آنهم در حالی که از یکسو تنوع آب و هوایی و اقلیمی در گستره‌ی پهناور ایران، واقعیتی نیست که از چشم پنهان باشد و از سوی دیگر، روزهای پیشتر نیز دمای هوا گرم‌تر از این دو روز بوده است!

در آستانه سالگرد جنبش ملی: افزایش بازداشت، اعدام، و مسمومیت دارویی زندانیان سیاسی



در مورد زندانیان سیاسی مشخصی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این شکنجه در پنج سال گذشته افزایش یافته است.

این گزارش افزوده که سامان یاسین، خواننده ۲۷ ساله زندانی رپ ایرانی که در اعتراضات اخیر در ایران بازداشت شده بود، در اول مردادماه به بیمارستان روانی امین آباد (رازی) منتقل شد. او تنها نیست.

دهها زندانی سیاسی، به ویژه بازداشت شدگان اخیر، به زور داروهای روانگردان خوراندند و یا به مراکز روان پزشکی در ایران فرستاده شده‌اند.

در سال ۲۰۱۸، هاشم خواستار، فعال شناخته شده حقوق معلمان، توسط نیروهای امنیتی سپاه پاسداران روده شد و مستقیماً به یک بیمارستان روانی در شهر مشهد فرستاده شد.

کیانوش سنجر، فعال حقوق بشر، بازداشت شده در سال ۲۰۱۶، از تجربه هفت بار انتقال به مراکز روان پزشکی گفت. به او شوک الکتریکی داده شد و داروهایی به او تزریق شد که بر گفتار او تأثیر می گذاشت و گاهی اوقات او را بیهوش می کرد.

بهنام محجوبی در سال ۲۰۲۰ دستگیر شد و قبل از انتقال به بیمارستان دیگری به اجبار در بیمارستان روانی امین آباد بستری و به او داروهای ناشناس تزریق شد. او در فوریه ۲۰۲۱ بر اثر بیماری خود که ناشی از اعزام به بیمارستان روانی و تزریق اجباری داروها و تزریقات ناشناخته و همچنین محرومیت از درمان مورد نیاز بود، درگذشت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تأکید کرده که در اعتراضات اخیر که پس از جانباختن مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد، استفاده از شکنجه دارویی در زندانها توسط رژیم اسلامی و سپاه پاسداران برای ساکت کردن زندانیان و خانواده‌های آنان به طرز نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است.

مجیدرضا رهنورد ۲۳ ساله، صالح میرهاشمی ۳۶ ساله، مجید کاظمی ۳۰ ساله و سعید یعقوبی ۳۷ ساله.

دیگر زندانیانی که با اتهام سیاسی در ماه‌های گذشته اعدام شدند، پیش از اعتراضات بازداشت و با اتهامی چون فعالیت از طریق عضویت در حزب دموکرات کردستان و یا «سب النبی» به چوبه دار سپرده شدند.

هادی قائمی مدیر اجرایی کمپین حقوق بشر ایران گفته که «جامعه جهانی باید برای مقامات ایران روشن کند که ادامه این کشتارها نتیجه‌ای جز انزوای شدید اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی نخواهد داشت.»

مدیر اجرایی کمپین حقوق بشر ایران تأکید کرده که «نبود یک اقدام هماهنگ و محکم بین‌المللی، چراغ سبز دنیا به این کشتار است.»

سازمان حقوق بشری «هنگاو» نیز اعلام کرده که طی ماه ژوئیه ۲۰۲۳ برابر با تیر ۱۴۰۲ دست‌کم ۲۲۵ شهروند در کل ایران توسط نیروهای حکومتی بازداشت شده‌اند و این آمار نسبت به ماه ژوئن که ۱۶۸ شهروند بازداشت شده بودند، ۵۷ مورد معادل ۳۴٪ افزایش داشته است.

بر اساس این گزارش دست‌کم ۱۳۱ شهروند گُرد، ۱۹ شهروند بلوچ و همچنین ۲۹ زن، ۷ کودک و ۱۱ شهروند بهایی طی ماه جولای توسط نیروهای حکومتی بازداشت و یا روده شده‌اند.

این گزارش افزوده که طی ماه جولای دست‌کم ۱۳۱ شهروند گُرد توسط نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند که این آمار نسبت به ماه ژوئن ۵۴ مورد معادل ۷۰٪ افزایش داشته است و معادل ۵۸٪ کل شهروندان بازداشت شده در تمام ایران طی ماه گذشته می‌باشد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نیز در گزارشی به مسمومیت دارویی عمدی زندانیان سیاسی و بستری کردن آنها در بیمارستان‌های روانی پرداخته و نوشته که شکنجه دارویی زندانیان سیاسی در دهه‌های گذشته گاه‌گاهاً و

بیشترین آمار اعدام‌شدگان در ایران مربوط به اتهامات مواد مخدر است و نزدیک به نیمی از اعدام‌شدگان با این اتهامات در سال گذشته میلادی بلوچ بوده‌اند.

طی ۱۰ ماه گذشته و از آغاز جنبش اعتراضی سال گذشته تا کنون دست‌کم ۱۷ نفر با اتهامات سیاسی در ایران اعدام شده‌اند.

در ماه ژوئیه ۲۰۲۳ دست‌کم ۲۲۵ شهروند در کل ایران توسط نیروهای حکومتی بازداشت شده‌اند و این آمار نسبت به ماه ژوئن ۵۷ مورد معادل ۳۴٪ افزایش داشته است.

بر اساس تازه‌ترین آمار اعلام شده درباره اعدام در ایران، جمهوری اسلامی طی یک ماه گذشته ۶۱ نفر را به دلایل غیرسیاسی اعدام کرده است. جمهوری اسلامی در آستانه سالگرد جنبش ملی اقدامات سرکوبگرانه علیه شهروندان را افزایش داده است.

سازمان حقوق بشر ایران روز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۲ از اعدام ۶۱ زندانی طی یک ماه گذشته خبر داد و درباره «شدت گرفتن کم‌سابقه روند اعدام» طی ماه‌های گذشته هشدار داد.

بر اساس این گزارش اتهام ۳۲ نفر از اعدام‌شدگان مربوط به مواد مخدر، ۱۹ نفر قتل عمد، چهار نفر محاربه حملات مسلحانه و شش نفر تجاوز به عنف بوده است.

این گزارش افزوده که ۱۱ نفر از اعدام‌شدگان اهل سیستان و بلوچستان، سه نفر تبعه افغانستان و بقیه از سایر نقاط کشور بوده‌اند.

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران اعلام کرد که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افرادی که در ایران اعدام می‌شوند بلوچ هستند. این آمار بالا در حالیست که بلوچ‌ها تنها بین دو تا پنج درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. بر اساس تحقیقات سازمان حقوق بشر ایران، بیشترین آمار اعدام‌شدگان در ایران مربوط به اتهامات مواد مخدر است و نزدیک به نیمی از اعدام‌شدگان با این اتهامات در سال گذشته میلادی بلوچ بوده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران همچنین گزارش داده که از ژانویه ۲۰۲۳ (دی ۱۴۰۱) تا پایان ماه ژوئیه (تیر ۱۴۰۲) و طی هفت ماه حداقل ۴۲۳ تن در ایران اعدام شدند. این در حالی است که تعداد کل اعدام‌های سال ۲۰۲۲ میلادی ۵۸۲ نفر بوده است.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران نیز در گزارشی یادآوری کرده که طی ۱۰ ماه گذشته و از آغاز جنبش اعتراضی سال گذشته تا کنون دست‌کم ۱۷ نفر با اتهامات سیاسی در ایران اعدام شده‌اند.

بنا بر این گزارش این افراد به دلایلی از جمله «بیان مسالمت‌آمیز عقاید متفاوت‌شان»، «شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز» و «عضویت در گروه‌های اپوزیسیون» به اعدام محکوم شده‌اند. کمپین حقوق بشر در ایران تأکید کرده که جمهوری اسلامی استفاده از تاکتیک ارباب و انتقام‌جویی از منتقدان را شدت بخشیده است.

بر اساس این گزارش هفت شهروند در اعتراضات سراسری سال گذشته بازداشت و بعد اعدام شدند. محسن شکاری ۲۳ ساله، محمد مهدی کرمی ۲۱ ساله، محمد حسینی ۴۱ ساله،



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | ۲۵ شهریور؛ مهسا امینی

شعارنویسی و فراخوان بر در و دیوارهای شهرهای ایران با نزدیک شدن به ۲۵ شهریور نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش ملی ایرانیان افزایش می‌یابد.